

سؤال و جواب‌هایی در مورد شیعیان اثنا عشری

تألیف:

عبدالرحمن بن سعد الشثری

مترجم:

اسحاق دبیری رحمته الله

عنوان کتاب: سؤال و جواب‌هایی در مورد شیعیان اثنا عشری
عنوان اصلی: عقائد الشيعة الاثني عشرية سؤال وجواب
تأليف: عبدالرحمن بن سعد الشثري
مترجم: اسحاق ديبيري رحمته
موضوع: عقاید کلام - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت...)
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری
منبع: سایت عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه شیخ محمد صالح لحدان.....	۱
مقدمه عبدالله بن عبد الرحمن جبرین.....	۴
مقدمه عبدالله بن محمد غنیمان.....	۵
مقدمه شیخ عبدالرحمن بن صالح محمود.....	۶
مقدمه عبدالله بن عبدالرحمن بن سعد.....	۸
مقدمه مؤلف.....	۹
آغاز ظهور خوارج.....	۱۰
آغاز ظهور تشیع.....	۱۰
عوامل پیدایش بدعتها.....	۱۱
بهترین راه مبارزه با بدعت.....	۱۱
اسباب فراموشی ولاء و براء.....	۱۲
بهترین جهاد.....	۱۴
درد ناکترین بدعت.....	۱۶
بهترین جهاد دفاع از سنت است.....	۱۹
همه دشمنان دین با استفاده از اهل بدعت بر دین ضربه میزنند.....	۱۹
بهترین علمایی که در راه مبارزه با بدعت و باطل تلاش کردند.....	۲۱
تعریف شیعه و تشیع.....	۲۲
پیدایش شیعه.....	۲۲
دوازده امام شیعه.....	۲۴
دیدگاه شیعه نسبت به نازل شدن وحی بر علی <small>علیه السلام</small>	۲۵

- ۲۶..... دیدگاه شیعه در مورد قرآن.....
- ۲۸..... دیدگاه شیعه در مورد تأویل قرآن.....
- ۳۰..... دوازده امام در کجا ذکر شده‌اند؟.....
- ۳۱..... ریشه و اساس تأویل شیعه.....
- ۳۴..... مطالبی کمر شکن برای علمای شیعه.....
- ۳۷..... ادعای تحریف قرآن.....
- ۴۰..... فاجعه‌ای بزرگ برای علمای شیعه.....
- ۴۰..... ابتدای ادعای تحریف قرآن.....
- ۴۳..... در اواخر قرن ۱۳ شیعه دچار رسوایی بزرگی شدند.....
- ۴۴..... اعتقاد به تحریف قرآن نزد شیعه، متواتر است.....
- ۴۵..... مطلبی کمر شکن برای علمای شیعه.....
- ۴۶..... نمونه‌های تحریف به ادعای شیعه.....
- ۴۹..... دیدگاه شیعه در مورد تعداد آیات قرآن.....
- ۴۹..... موضعگیری امامیه در مورد ادعای تحریف قرآن.....
- ۵۵..... دیدگاه شیعه در مورد بلاغت قرآن.....
- ۵۵..... چند نمونه از تفسیر شیعه بر قرآن.....
- ۵۹..... یک عامل کمرشکن مراجع شیعه.....
- ۵۹..... تفسیر اسماء حسنی نزد شیعه.....
- ۶۰..... جایگاه سخنان دوازده امام نزد شیعه.....
- ۶۱..... سنت از دیدگاه شیعه.....
- ۶۲..... آیا رسول خدا ﷺ همه چیز را ابلاغ کرد؟.....
- ۶۲..... موضع شیعه در مورد روایات صحابهؓ.....
- ۶۴..... حکایات رقاع چیست؟.....
- ۶۶..... انگیزه تألیف کتاب تهذیب الاحکام توسط طبرسی.....
- ۶۷..... جایگاه کتاب الکافی نزد شیعه.....
- ۶۸..... منبع دریافت علوم شرعی از دیدگاه شیعه.....
- ۶۹..... تقسیم حدیث به صحیح و حسن و ضعیف نزد شیعه.....
- ۷۰..... تناقضات شیعه در جرح و تعدیل راوی.....
- ۷۱..... اجماع از دیدگاه شیعه.....
- ۷۱..... توحید الوهیت از دیدگاه شیعه امامیه.....
- ۷۱..... یکتا پرستی نزد شیعه.....

- ۷۲..... وحدت وجود از دیدگاه شیعه.
- ۷۳..... شرط قبول عمل از دیدگاه شیعه.
- ۷۵..... هدایت انبیاء از دیدگاه شیعه؟
- ۷۶..... راه رسیدن به خدا از دیدگاه شیعه.
- ۷۷..... به اعتقاد شیعه چگونه دعا پذیرفته میشود؟
- ۷۹..... چگونه پیامبر ﷺ با اشاره انگشت ماه را دو نصف کرد؟
- ۸۱..... پیامبران اولوالعزم چگونه به چنین جایگاهی رسیدند.
- ۸۲..... اعتقاد شیعه در مورد حج.
- ۸۳..... یک تناقض آشکار.
- ۸۳..... یک ضربه کمر شکن بر پیکر سران شیعه.
- ۸۴..... حق تشریح از دیدگاه شیعه برای کیست؟
- ۸۵..... خاک قبر حسین علیه السلام.
- ۸۵..... افسون و یاری طلبیدن از نام‌های نامفهوم.
- ۸۶..... استخاره با تیرهای قرعه.
- ۸۸..... بدفالی به برخی جاها و زمان‌ها.
- ۸۹..... به فریاد خواندن غیر از خدا.
- ۸۹..... شب معراج.
- ۹۱..... شرک و برائت از مشرکین به مفهوم شیعه.
- ۹۲..... تأثیر ستارگان در زندگی بشر در دیدگاه شیعه.
- ۹۳..... کلیدهای غیب در دست کیست؟
- ۹۴..... توحید ربوبیت از دیدگاه شیعه.
- ۹۵..... متصرف زمین و آسمان‌ها کیست؟
- ۹۶..... پدید آورنده جهان هستی کیست؟
- ۹۷..... زنده کردن مرده.
- ۹۹..... بالاترین مقام توحید.
- ۹۹..... مقوله جسم بودن خدا عز وجل.
- ۱۰۰..... انکار و تعطیل صفات.
- ۱۰۱..... مخلوق بودن قرآن.
- ۱۰۱..... ضربه کمر شکن بر شیعه.
- ۱۰۱..... رؤیت خداوند.
- ۱۰۲..... ضربه کمر شکن بر شیعه.

- ۱۰۳..... نزول خداوند به آسمان دنیا
- ۱۰۳..... ضربه کمر شکن بر پیکر شیعه
- ۱۰۵..... ضربه کمر شکن بر شیعه
- ۱۰۶..... مفهوم ایمان از دیدگاه شیعه
- ۱۰۶..... شهادت سوّم
- ۱۰۷..... اعتقاد به ارجاء
- ۱۰۸..... بدعت در عبادت
- ۱۱۰..... گریه برای حسین چهارده قرن است که اسلام را نگه داشته است
- ۱۱۱..... ایمان به فرشتگان
- ۱۱۱..... آرزوی فرشته‌های آسمان
- ۱۱۳..... تناقض
- ۱۱۴..... ایمان به کتاب‌های آسمانی
- ۱۲۴..... پیامبران برتراند یا ائمه؟
- ۱۲۴..... رسوایی کمر شکن شیعه
- ۱۲۵..... رسوایی کمر شکن شیعه
- ۱۲۵..... اقامه حجّت با امام
- ۱۲۶..... یک رسوایی کمر شکن برای بزرگان شیعه
- ۱۲۷..... نازل شدن وحی بر ائمه
- ۱۲۸..... یک رسوایی دیگر
- ۱۲۹..... معاد
- ۱۲۹..... حضور ائمه در بستر مرگ مؤمنان و کافران
- ۱۳۰..... خاک مزار حسین اماننامه است!
- ۱۳۰..... تناقضگویی
- ۱۳۰..... اوّلین سؤال فرشته از مرده
- ۱۳۱..... رستاخیز دیگر قبل از قیامت
- ۱۳۱..... اهالی قُم از عبور بر پل در قیامت از همه چیز معاف هستند
- ۱۳۲..... درهای بهشت
- ۱۳۲..... در قیامت حساب در دست کیست؟
- ۱۳۳..... عبور از صراط
- ۱۳۳..... رفتن به بهشت و دوزخ در دست کیست؟
- ۱۳۴..... کسانی که قبل از همه وارد بهشت می‌شوند

۱۳۵.....	ایمان به قضا و قدر.....
۱۳۵.....	ضربه کمر شکن بر شیعه.....
۱۳۶.....	ضربه‌های دیگر.....
۱۳۶.....	اختراع وصیّت.....
۱۳۷.....	امامت.....
۱۳۸.....	ابداع کردن اعیاد به دین.....
۱۴۰.....	تعداد ائمه.....
۱۴۳.....	ضربه کمر شکن.....
۱۴۴.....	یک دلیل آتش افروز.....
۱۴۵.....	اختلاف بر سر تعداد ائمه تا حد تکفیر.....
۱۴۶.....	ولایت فقیه.....
۱۴۶.....	موضع ائمه نسبت به اصحاب.....
۱۴۹.....	موضع شیعه نسبت به روایاتی که در مدح و ستایش اصحاب روایت کرده‌اند.....
۱۵۱.....	ضربه کمر شکن بر علمای شیعه.....
۱۵۱.....	ضربه کمر شکن.....
۱۵۲.....	اعتقاد ائمه در مورد ابوبکر صدیق <small>رضی الله عنه</small>
۱۵۵.....	موضع شیعه نسبت به ابوبکر صدیق <small>رضی الله عنه</small>
۱۵۶.....	اعتقاد ائمه در مورد عمر <small>رضی الله عنه</small>
۱۵۷.....	بیعت علی با عمر <small>رضی الله عنهما</small>
۱۵۷.....	علی <small>رضی الله عنه</small> دخترش ام کلثوم را به ازدواج عمر <small>رضی الله عنه</small> در آورد.....
۱۵۷.....	نگرانی علی <small>رضی الله عنه</small> برای عمر <small>رضی الله عنه</small> از رفتن به جنگ روم.....
۱۵۸.....	آرزو کردن علی <small>رضی الله عنه</small> برای داشتن عملکرد عمر <small>رضی الله عنه</small>
۱۵۹.....	تکریم و احترام عمر <small>رضی الله عنه</small> نسبت به اهل بیت.....
۱۵۹.....	موضع شیعه نسبت به عمر <small>رضی الله عنه</small>
۱۶۴.....	چند دلیل کمرشکن برای شیعه.....
۱۶۵.....	مواضع علی نسبت به عثمان <small>رضی الله عنه</small>
۱۶۵.....	ضربه کمر شکن بر علمای شیعه.....
۱۶۶.....	موضع و دیدگاه شیعه نسبت به عثمان <small>رضی الله عنه</small>
۱۶۸.....	سه خلیفه راشد <small>رضی الله عنهم</small>
۱۷۰.....	همسران پاک رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> از دیدگاه شیعه.....

- عایشه رضی الله عنها ۱۷۱
- ضربه کمر شکن بر علمای شیعه ۱۷۳
- اهل بیت نام ابوبکر و عمر را برای فرزندان‌شان انتخاب میکردند ۱۷۳
- حقیقت زمین فدک ۱۷۵
- ضربه کمر شکن ۱۷۶
- رفتار فاطمه با علی از دیدگاه شیعه ۱۷۶
- عصمت ۱۷۷
- رسوایی ۱۷۸
- مراحل تغییر مفهوم عصمت ۱۷۹
- ائمه را تا مقام خدا بالا برده‌اند ۱۸۱
- زیارت قبر ائمه ۱۸۶
- آداب و عبادت قبر ائمه ۱۸۶
- تناقض‌گویی ۱۸۹
- ضربه‌ای کمر شکن بر شیعه ۱۹۰
- فضل شهرهای نجف و کربلا و قم ۱۹۱
- هر نماز در کنار قبر ائمه برابر با چند حج است؟ ۱۹۳
- تعارض و تناقض‌گویی ۱۹۴
- فضل زیارت هرکدام از مراجع شیعه ۱۹۶
- زیارت قبر امیرمؤمنان ۱۹۶
- فضایل زیارت قبر حسین رضی الله عنه ۱۹۷
- ضربه کمر شکن ۱۹۸
- جایگاه مجتهد شیعه ۱۹۸
- تقیه و جایگاه آن در دین شیعه ۱۹۹
- حکم کسی که تقیه نکند ۲۰۰
- چه زمانی نباید تقیه کرد؟ ۲۰۲
- ضربه کمر شکن ۲۰۵
- اعتقاد به رجعت ۲۰۶
- هدف از رجعت چیست؟ ۲۰۸
- حساب مردم در قیامت در دست کیست؟ ۲۰۸
- تناقض ۲۰۸
- بداء ۲۰۹

۲۰۹.....	عقیده بداء از اصول عقاید شیعه است
۲۱۰.....	بداء مورد اتفاق همه علمای شیعه است
۲۱۱.....	ضربه کمر شکن
۲۱۱.....	چرا معتقد به بداء هستند؟
۲۱۲.....	غیبت امام
۲۱۳.....	امام شیعیان امروز کجاست؟
۲۱۶.....	رسوایی
۲۱۷.....	غیبت صغری
۲۱۷.....	جنگ بر سر نیابت همچون سگ‌های لاشخور
۲۱۸.....	حیرت شیعیان
۲۱۸.....	چرا مهدی غایب شد
۲۲۰.....	انتظار ظهور، یکی از اصول دین شیعه است
۲۲۰.....	نماز جمعه تا ظهور مهدی واجب نیست
۲۲۱.....	تا ظهور مهدی جهاد در راه خدا جایز نیست
۲۲۱.....	فرجام کسانی که در طول تاریخ اسلام قبل از ظهور کشته شده‌اند
۲۲۲.....	طرح و برنامه‌های مهدی بعد از ظهور
۲۲۷.....	چرا قائم با آئین داود حکم میکند؟
۲۲۸.....	زمان ظهور مهدی
۲۲۹.....	طرح ولایت فقیه راه برون رفت از معضل بزرگ
۲۳۰.....	ضربه کمر شکن بر شیعه
۲۳۰.....	هدف شیعه از انتساب به اهل بیت
۲۳۲.....	ضربه کمر شکن
۲۳۲.....	طعن و ناسزاگویی اهل بیت از سوی شیعه
۲۳۴.....	تعداد دختران رسول خدا ﷺ به ادعای شیعه
۲۳۵.....	طینت (ماده آفرینش انسان‌ها)
۲۳۵.....	نکته‌های خنده‌دار
۲۳۶.....	دیدگاه شیعه نسبت به اهل سنت
۲۳۹.....	چرا شیعه گاهی بر جنازه سنی نماز میّت میخوانند؟
۲۴۰.....	نکاح موقت از دیدگاه شیعه
۲۴۱.....	صیغه با دختر بچه شیرخوار و...
۲۴۲.....	خمس

-
- ۲۴۳..... مراحل تحوّل در خُمس
- ۲۴۵..... ضربه کمر شکن
- ۲۴۵..... بیعت با امام از دیدگاه شیعه
- ۲۴۷..... فعالیت شیعه در حکومت مسلمانان
- ۲۴۸..... بارزترین فتوحات شیعه در تاریخ
- ۲۵۱..... آیا شیعه با ما مشترکات دینی دارند؟
- ۲۵۲ **قسمت آخر**
- ۲۵۳..... این امّت مورد مرحمت خداست
- ۲۶۰ **این کتاب با استناد به اهم مراجع شیعه تدوین شده است**

مقدمه شیخ محمد صالح لحدیان

حمد و سپاس شایسته تقدیم به بارگاه با عظمت خداوند متعال، و سلام و درود بی پایان بر آن پیامبر بزرگوار محمد ﷺ که آخرین و سردار همه انبیاء است، و بر آل و اصحاب کرام او تا قیامت.

برادر گرامیم شیخ عبدالرحمن بن سعد بن علی شثری از بنده درخواست کرد که کتاب (عقاید شیعه اثنی عشریه) را مورد مطالعه قرار دهم که ایشان به شیوه سؤال و جواب تألیف کرده و از یکصد و شصت و دو سؤال و جواب تشکیل شده است، و بدنبال هر سؤال پاسخ آن هم ذکر شده است. در مورد درخواست فوق بسیار اصرار ورزید، در حالی که به ترتیب سه نفر از علمای بزرگ: شیخ عبدالله بن عبدالرحمن جبرین، عبدالله بن محمد غنیمان و شیخ عبدالرحمن بن صالح محمود روی آن تقریظ و تقدیر نوشته بودند، به نظرم آن سه نفر کافی بودند، ولی مؤلف بازهم اصرار ورزید، اگر چه لازم نمی‌دانستم؛ ولی درخواستش را اجابت کردم، و بیش از یکصد و سی صفحه از رساله‌اش را مورد مطالعه قرار دادم، دیدم که نویسنده - خداوند عزوجل پاداشش عطا فرماید و کارش را مبارک گرداند - کاملاً تلاش کرده که با استناد به کتاب‌های خودشان بر آن‌ها حکم نماید، و نصوص را دقیقاً از مراجع آن‌ها نقل کرده و کارش بسیار خوب است.

من به همه کسانی که به این کتاب دسترسی یافتند توصیه می‌نمایم آن را با تدبّر بخوانند که واقعاً چیزهای بسیار عجیب و سرسام‌آوری در آن خواهند دید که برای اندیشمندان و اهل تفکر اعجاب برانگیز است، چون شیعه با شیوه‌ای خنده‌آور صحبت می‌کنند. وقتی از ائمه بحث به میان می‌آورند؛ آن‌ها را بالاتر از انبیاء و رسولان قرار می‌دهند، و اصلاً چیزهایی در مورد آن‌ها ذکر می‌کنند که معقول نیست.

خواننده شگفتی‌ها را در آن خواهد یافت، و هر خردمندی وقتی این‌ها را می‌خواند خواهدگفت: آیا واقعاً این‌ها عقل و فهم دارند؟!.

در مورد ولایت ائمه می‌گویند: از نماز و روزه و زکات و حج بالاتر است، و این در یکی از اصول مذهبشان آمده که کتاب (الکافی) است.

در مورد عید غدیر می‌گویند: «هر کس آن را انکار کند اسلام را انکار کرده».

ادعا می‌کنند آن‌ها نزد خدا مقام و جایگاهی دارند که نه فرشته مقرب بدان می‌رسد و نه نبی مرسل، و این را از ضروریات دینشان به حساب می‌آورند.

و می‌گویند: امام مقام محمود و درجه‌ای چنان رفیع و خلافت تکوینی دارد که همه ذرات هستی در مقابل سیطره آن متواضع است.

آن نفوذ و مقام محمود در موقع جنگ‌هایشان کجاست که مانع گرفتاری و شکست آن‌ها باشد.

و از جمله ادعا می‌کنند که: «فقیه شیعه به منزله موسی و هارون علیهم‌السلام است» شاید تمثیل آن‌ها به موسی و هارون به این سبب باشد که مذهب شیعه پیوند محکمی با این سبأ یهودی دارد - خدا داناترین است.

من نمی‌خواهم به گمراهی و یاهو‌هایی اشاره کنم که مؤلف در این کتاب نقل کرده، بلکه می‌خواهم شیعه و سنی آن را بخوانند، چون هدف این است که حق و نشانه‌های آن شناخته شود، و باطل و گمراهی‌ها و زشتی رسوایی‌های آن مفتضح گردد.

من دوست دارم هر شیعه‌ای که خواهان حق و حقیقت است به بیان حق و حقیقت رهنمود گردد، و هر کس بر راه استوار است از لغزشگاه و پرتگاه استوار بر حذر باشد.

بنده به تأکید توصیه می‌کنم به دانشجویان و کسانی که به عزت اسلام علاقمند هستند این کتاب را بخوانند تا بدانند شیعه و سنی چقدر از هم فاصله دارند.

علاوه بر این می‌کوشیم حق را بیان کنیم، و لازم است اهل علم این روشنگری را برعهده گیرند، تا فرزندان اهل سنت بدانند علمای شیعه در مورد قرآن، صحابه، قرآن و وحی آسمانی که معتقداند هنوز هم قطع نشده چه می‌گویند.

بدون شک امت اسلام نیاز مبرم دارد بر راه و روش روشن جمع شوند و به قرآن و سنت صحیح مراجعه کنند و ولاء کسانی را داشته باشند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به بهترین قرن بودن آن‌ها شهادت داده است. به این امید که اهل علم در بین راه هدایت و ارشاد و راهنمایی کردن به آن و نیز پاکسازی و جدا سازی آن از راه انحراف و گمراهی و برحذر داشتن دیگران از آن تلاش لازم را مبذول دارند.

همچنین هر جوان شیعه‌ای را نصیحت می‌کنم که این کتاب را بخوانند تا خوب بدانند عقل علمای شیعه چگونه است، شاید این سبب اصلاح و در پیش گرفتن راه خدا باشد، راهی که خود در باره‌اش فرموده:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۗ ذَٰلِكُمْ وَصَّلْتُكُمْ بِهِ ۗ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۳]

و رسول گرامی اسلام (جهت تمثیل و تبیین این موضوع) خط راستی را کشید؛ سپس از سمت راست و چپ آن چند خط راست دیگر ترسیم کرد و با اشاره به خط راست فرمود: «این راه راست خداست و در مورد خط‌های اطراف فرمود: «این هم راهچه هستند، روی هر کدام شیطانی است که بسوی آن دعوت می‌کند».

از خداوند متعال خواهانم با آنچه به ما آموخت ما را سودمند گرداند، و نعمت‌هایش را برای ما مبارک و با برکت گرداند، و این کتاب را مفید گرداند و در بین مردم منتشر گردد تا اهل حق بدانند باطل‌گرایان چه چیزهایی مخفی کرده‌اند، و خردمندان و حق‌گرایان پیرو مذهب اثنی عشریه به حق رهنمود شوند، و دست از هواهای نفسانی بردارند، و با شناخت حق از آن پیروی کنند، از خداوند متعال طلب کمک می‌کنم و بسوی او باز می‌گردم.

وصلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحابته و من اهتدی بهداهم.

صالح بن محمد لحدیدان

۱۴۲۸/۷/۱۷ هـ ق

مقدمه عبدالله بن عبد الرحمن جبرین

سپاس و ستایش خداوند متعال را که محمد ﷺ را به عنوان مژده‌رسان (مؤمنان) و بیم‌دهنده (کافران) و به عنوان دعوت کننده به سوی خدا طبق فرمان الله ﷻ، و به عنوان چراغ تابان فرستاد، و اصحاب و یارانش را فضل و نعمت فراوانی بخشید. پس سلام و درود پیایی خدا بر محمد و اهل بیت او باد.

بنده کتاب ارزشمند شیخ عبدالرحمن بن سعد شثری را مطالعه کردم، ایشان در این کتاب آنچه متعلق به عقیده رافضه اثنا عشری است گردآوری نموده است، رافضی‌ها توانسته‌اند در جاهای مختلف آشیانه کنند و مردم به عقیده منحرف خود دعوت کنند. آن‌ها با دعوت از افراد عامی و بی سواد ایشان را فریب داده و می‌گویند ما اهل بیت را دوست داریم، با اینکه آن‌ها از اهل بیت فقط علی بن ابی‌طالب و دو تن از فرزندان او را مدنظر دارند، و به دیگر فرزندان علی و عموها و عموزاده‌های او و سایر بنی هاشم اهمیتی نمی‌دهند، و علاوه بر این در مورد بقیه صحابه و به خصوص خلفای راشدین جز علی علیه السلام به صراحت عقیده خود را بیان کرده و اعلام می‌دارند که صحابه کافر و منافق و مشرک هستند، و با تمام وقاحت و با صراحت آنان مورد لعن و نفرین و ناسزاگویی قرار می‌دهند، چنانکه در کتاب‌ها و نوارهایشان به صراحت این مطالب را بیان کرده‌اند، و دعوت‌گزارانشان بی پرده این کار را انجام می‌دهند.

مؤلف گرامی مطالب این کتاب را که در مورد عقاید مخفی و پنهان آن‌هاست با استناد به کتاب‌های خود شیعه که خودشان جرات نشر مطالب آن را ندارند جمع‌آوری کرده و از آن مطالب پرده برداشته است، امیدواریم خواننده محترم دشمنی و کینه‌ای را که رافضه نسبت به سنت و اهل سنت در دل دارند بیان کند؛ تا کسانی که از حقیقت رافضه اطلاعی ندارند فریبشان نخورند.

از خداوند مسئلت می‌نماییم که مسلمین گمراه را هدایت فرماید و توطئه و مکر دسیسه‌گران را در هم بشکند.

و الله تعالی اعلم. و صلی الله علی محمد و آله و صحبه و سلم.

عبدالله بن عبد الرحمن جبرین عضو باز نشسته افتا.

۱۴۲۶ / ۱ / ۸ هجری

مقدمه عبدالله بن محمد غنیمان

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على عبده و رسوله محمد و على آله و ازواجه و صحابته اجمعين.

یکی از بزرگترین وظایف و مسئولیت‌های انسان مسلمان دفاع از عقاید مسلمانان در مقابل انحرافات و فساد است، و در این راستا یکی از اقدامات مهم این است که شرارت و عوامل انحراف را معرفی نماید، چون همانگونه که گفته‌اند: اشیاء با ضد خود شناخته می‌شوند.

در حدیث صحیح از حدیفه بن یمان رضی الله عنه روایت شده که فرمود: «كَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْخَيْرِ، وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ مَخَافَةَ أَنْ أَقَعَ فِيهِ» «مردم در مورد خیر و نیکی از رسول خدا ﷺ سؤال می‌کردند، ولی من در مورد شر و بدی سؤال می‌کردم که مبادا روزی با آن گرفتار شوم».

این امر بیانگر فقه و آگاهی این صحابه بزرگوار است.

یکی از مهمترین خطراتی که عقاید عموم مسلمانان را تهدید می‌کند مذهب رافضی است که مخالف و ناسازگار با شریعتی است که رسول گرامی اسلام ﷺ از جانب خداوند همراه با آن مبعوث شد، و این مذهب اکنون قدرت و نفوذ فراوانی کسب کرده و دولت و حکومت تشکیل داده‌اند و در راه نشر و تبلیغ آن هزینه‌های هنگفت صرف کرده و سرمایه‌گذاری کلانی کرده‌اند، و در راه نشر و ترویج آن در همه گوشه و کنارهای جهان دعوت‌گزاران را آماده مجهز می‌کنند.

این کتاب که عنوان آن «سؤال و جواب پیرامون عقاید شیعه» است؛ شکاف بزرگی را در مسیر قبول و پذیرش این عقاید می‌بندد، و مانع نفوذ و تأثیر آن بر قلب مسلمانان می‌گردد.

خداوند بهترین پاداش را به برادر گرامی عبدالرحمن شثری عنایت فرماید، و علم و دانش او را افزایش داده و او را برای جهاد در راه خدا توفیق دهد.

و صلى الله و سلم على عبده و رسوله محمد و آله و صحبه.

عبدالله بن محمد غنیمان

مقدمه شیخ عبدالرحمن بن صالح محمود

الحمد لله، و سلام و درود بی‌پایان خداوند بر آخرین رسول و پیام‌آور خداوند، و بر آل و اصحاب بزرگوار ایشان.

از تألیف این رساله با ارزش و مفید مطلع شدم که جهت مطالعه آسان و استفاده بیشتر به روش پرسش و پاسخ تألیف شده است. موضوع کتاب هم چیزی است که برای کسانی که خداوند بصیرتشان را با نور قرآن و سنت؛ و در پرتو راه و روش سلف صالح - خدا مرا از زمره آنها گرداند - روشنی بخشیده کاملاً روشن است.

اما متأسفانه برای کسانی که نسبت به حقایق دین و عقیده بی‌آلایش و خالص مسلمین بی‌آگاه باشند، یا در فتنه تدلیس و تلبیسی که سکولارها و دعوتگران رافضی و هوادارانشان و نیز کسانی که تحت تأثیر بدعت‌هایشان قرار گرفته‌اند روشن و واضح نیست.

موضوعی که این رساله آسان به تبیین و بیان حقیقت آن پرداخته؛ کشف ماهیت رافضه اثنی عشریه و عقاید علمی و عملی آنهاست که بر اساس شرک اکبر از سه نوع الوهیت و ربوبیت و اسماء و صفات و فروع آن از انواع غلو و زیاده‌گویی در مورد دوازده امام گرفته؛ تا غلو و افراط در مورد دشمنی با قرآن و سنت رسول خدا ﷺ و فوش و طعن و نفرین صحابه رسول خدا ﷺ و اتهام وارد کردن بر ایشان به ارتداد پایه‌گذاری شده است، که علاوه بر آن از هر کدام از این مقوله‌ها ده‌ها کردار و گفتار عجیب و غریب نتیجه‌گیری شده که این رساله مفید به بسیاری از آنها اشاره کرده است.

اینجا ذکر چند نکته را لازم می‌دانم:

اول اینکه گرچه این رساله با سبک و روش پرسش و پاسخ تدوین شده؛ ولی دانش جویان و طلاب علم بدان نیاز دارند، چون محتوای آن خلاصه‌ای فشرده از عقاید شیعه است، پس نه عالم و نه طالب علم از آن بی‌نیاز نیست، زیرا آنها را به مراجع مطوّل و چند جلدی نزدیک می‌کند.

نکته دوم: امتیاز دیگر این رساله؛ موثق و مستند بودند آن است، زیرا هر روایت و نقل و گفته‌ای که در آن ذکر شده مستند به ذکر منابع معتبر شیعه است.

نکته سوّم: از آنجا که مذهب و عقیده این قوم باطل و فاسد است؛ موارد متعددی از تناقض و تضاد در آن دیده می‌شود، همانگونه که نویسنده گاهی به مواردی از آن تناقضات در مراجع خودشان اشاره کرده است. بنابراین کاری که او انجام داده از نوع آشکار کردن و پرده برداشتن از تناقضات شنیع آنها است، تا شاید پند و عبرتی باشد برای کسانی که فریفته مذهب شیعه هستند، و دعوتی باشد برای کسی که خواهان حق و حقیقت است، از خداوند متعال خواستارم که همه را به راه حق هدایت فرماید.

نکته چهارم اینکه نباید عقیده‌ی (ولاء و براء) مسلمان وابسته به جریانات و فضای سیاسی حاکم بر محیطشان باشد؛ بطوری که دوستان دیروز و برادرانی که فرق ما با آنها مانند فرق بین پیروان مذهب شافعی و مالکی است؛ به دشمن عقیده فاسد و گمراه تبدیل شود، نه بر اساس عقیده شرعی یا معیار سنجش ربّانی، بلکه تنها به علت تغییر اوضاع و احوال سیاسی. این از کسی پذیرفته شده نیست، خصوصاً کسانی که اهل علم و دعوت دینی هستند، بلکه لازم است دارای موضع و معیار درست و ثابت باشند.

در پایان؛ مراتب تشکر خود را به برادر گرمی و محقق؛ عبدالرحمن بن سعد ششری عرض می‌کنم که در وقت مناسب این کتاب مختصر را به این امت تقدیم کرد، که به منزله فریاد هشدار دهنده از خطر گریبان‌گیر است.

از خداوند متعال خاضعانه تمّنًا دارم که بهره و سود آن را نصیب امت اسلام گرداند و از آن محروم نگردند، و به هر کس که برای نشر و چاپ آن تلاش می‌کند پاداش و اجر فراوان عنایت فرماید.

وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.

عبد الرحمن صالح محمود

ریاض ۱/۱/۱۴۲۸ هـ - ق

مقدمه عبدالله بن عبدالرحمن بن سعد

ستایش شایسته خداوند یکتا را، و درود و سلام خداوند بر آن سرور گرامی که بعد از او هیچ پیامبری مبعوث نخواهد شد.

با کتاب برادرم شیخ عبدالرحمن بن سعد شتری تحت عنوان (اعتقاد اثنی عشریه) آشنا شدم که واقعاً مفید و ارزنده است و با مراجعه به مراجع معتبر و معروف آنها به صورت کامل و روشن معتقدات و دیدگاه‌های ایشان را بیان نموده است. بطور قطع خواننده وقتی می‌بیند که مطالب کتاب مستقیماً از منابع معتبر خود شیعه نقل شده؛ بطور یقین می‌داند که اعتقاداتشان باطل و مذهب‌شان فاسد است، و همراه با این وضوح و روشنی مطلب؛ چیزهایی را از کتاب‌هایشان نقل کرده است که ردّ قاطع بر مذهب آنها است، بنابراین بخشی از مذهب آنها بخشی دیگر را بطور کامل نقض و منهدم می‌کند.

توفیق عمل را از خداوند متعال خواستارم.

عبدالله بن عبدالرحمن بن سعد

۱۴۲۸/۶/۱۵ هـ ق

مقدمه مؤلف

سپاس و ستایش خداوند بزرگواری را که فریادرس درماندگان، و نجات‌بخش گرفتاران، و درهم کوبنده مکر و دسیسه کافران و نیرنگبازان است و آن‌ها را به اهداف شوم‌شان نایل نمی‌گرداند.

سلام و درود خداوند بر خاتم انبیاء و رسولان خدا؛ محمد ﷺ و بر آل و اصحاب و پیروان نیک او تا قیامت.

ابلاغ، روشنگری، خیر خواهی، راهنمایی، دعوت به حق و توصیه همدیگر به آن و راهنمایی به سوی آن، استفاده از اسباب دفع آفات از مسلمین و بر حذر داشتن از فتنه‌ها و وظیفه و مسئولیتی است که خداوند متعال انجام آن را بر ما مسلمانان واجب گردانیده تا امت اسلام طبق فرمان خدا؛ امتی متحد و یکپارچه و نسبت به همدیگر مهربان و دوست باشند و عقیده و باور و گفتار و کردارشان مطابق با اسلام باشد و به کتاب و سنت تمسک جویند و هوا پرستی آن‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم نکند و افکار و اندیشه‌های مخرب در آن نفوذ نکند و دشمنان در مورد آن‌ها به اهداف خود نرسند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [آل عمران: ۱۰۱]

یعنی: و چگونه باید شما کافر شوید و حال آن که آیات خدا بر شما فرو خوانده می‌شود و پیغمبر او در میان شما است (و نور قرآن راه را تابان و رهنمودهای فرستاده خدا حقیقت را عیان می‌دارد!) و هرکس به خدا تمسک جوید، بیگمان به راه راست و درست (رستگاری) رهنمود شده است.

و می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَلْتُكُمْ بِهِ ۚ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۳]

یعنی: این راه (که من آن را برایتان ترسیم و بیان کردم) راه مستقیم من است؛ از آن پیروی کنید و از راه‌های پیروی نکنید که شما را از راه خدا (منحرف و) پراکنده

می‌سازد. این‌ها چیزهائی است که خداوند شما را بدان توصیه می‌کند تا پرهیزگار شوید.

آغاز ظهور خوارج

مسلمانان همواره بر رهنمود و شریعت بر حق رسول خدا ﷺ بودند، آن دین و شریعت که هماهنگ با منقول صریح و عقل و خرد سالم است، تا زمانی که خلیفه‌ی راشد عثمان بن عفان رضی الله عنه به شهادت رسید، بعد از آن بلافاصله فتنه و آشوب‌ها سر برآوردند، سپس میان مسلمانان (با دسیسه‌ی سبئیة) جنگ صفین درگرفت، و خوارج علیه علی بن ابی طالب رضی الله عنه شورش بر پا کرده و به مقابله و مبارزه برخاستند، آن خوارج که رسول خدا ﷺ در مورد آن‌ها فرمود: «كَمْ رُقٍ مَّارِقَةٌ عِنْدَ فُرْقَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، يَقْتُلُهَا أَوْلَى الطَّائِفَتَيْنِ بِالْحَقِّ»^۱ فرقه‌ای از میان این امت سر برآورده و جدا می‌شوند، و سزاوارترین طائفه به حق با آن‌ها وارد جنگ می‌شود.

آغاز ظهور تشیع

شورش و جدایی خوارج زمانی شروع شد که قضیه حکمیت (بین علی رضی الله عنه بوقوع پیوست، و مردم بدون دستیابی به اتفاق نظر متفرق شدند. بعد از بوجود آمدن بدعت خوارج، بدعت‌های تشیع پدید آمد^۲، پس از آن پیایی ظهور فرقه‌ها ادامه یافت، همانگونه که رسول خدا ﷺ در احادیث متعدّد به این امر اشاره فرموده است، از جمله روایتی که امام احمد از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «افترقت اليهود علی إحدی وسبعین فرقة، وافترقت النصارى علی إحدی أو اثنتین وسبعین فرقة، وتفرقت أمّتی علی ثلاث وسبعین فرقة»^۳ یهودیان به هفتاد و یک فرقه و نصارا هفتاد و دو فرقه شدند، ولی این امت اسلام به هفتاد و سه دسته متفرق خواهند شد.

۱- روایت مسلم از ابی سعید الخدری رضی الله عنه (کتاب الزکاة ح ۲۴۵۸ باب ذکر الخوارج وصفاتهم).

۲- منهاج السنة شیخ الإسلام ابن تیمیة ت ۷۲۸ ج ۱/۲۱۸-۲۱۹.

۳- روایت امام أحمد ح ۵۹۱۰، و ابن تیمیة فرمود: «حدیث صحیح است و در سنن و مسانید مشهور است. مجموع الفتاوی ج ۳/۳۴۵.

پس از این حوادث؛ تشیع در کوفه^۱ سربرآوردند، لذا در روایات شیعه آمده است: «از میان شهر و دیاری مسلمین جز کوفه کسی دعوتشان را قبول نکرد»^۲. سپس بعد از آن؛ شیعه‌گری در جاهای دیگر منتشر شد، همانگونه که اعتقاد «إرجاء و مُرجئه» در کوفه ظهور کردند، و اعتقاد «قدریه، معتزله و ایده‌های فاسد» از کوفه سر بر بیرون آورد و «جهمیه» در ناحیه‌ی خراسان تشکیل شد.

عوامل پیدایش بدعت‌ها

ظهور و پیدایش این بدعت‌ها بر حسب فاصله گرفتن از عصر نبوی، متفاوت بود، زیرا بدعت و نوآوری در دین جز در سایه‌ی جهل و نادانی، و غائب بودن و ناپدید شدن اهل علم و ایمان رشد و توسعه نمی‌یابند، از این روی ایوب سختیانی (ت ۱۳۱) رحمته فرمود: «از جمله سعادت‌مندی نسل جدید و مسلمانان غیر عرب این است که خداوند آن‌ها را توفیق داشتن عالم اهل سنت عنایت فرماید»^۳.

بهترین راه مبارزه با بدعت

علت توسعه و رشد بدعت در میان مردم؛ و تحت تأثیر قرار گرفتن آن‌ها از عناصر آشوب و بدعت در چنین فضایی به ضعف معرفت و شناخت گمراهی اهل بدعت و عدم تشخیص ننگ و انحراف برمی‌گردد. بنابراین بهترین راه و روش برای مقاومت بدعت‌های اعتقادی، و دفع فرقه‌گری نشر سنت در بین مردم؛ و در میان خوارج گمراه و منحرف جدا شده از مردم بود، بر این اساس؛ ائمه و علمای سنت در این راستا به پا خاسته و در پاسخ ردّ به «بشر مریسی» و دیگر فرقه‌های اهل بدعت دادند و در مورد احوال آن‌ها روشن‌گری کردند.

ما در زمانی زندگی می‌کنیم که بخش‌های مختلف جهان با هم مرتبط شده و درهایشان به روی یکدیگر باز شده، تا جای که در سرزمین‌های مسلمین انبوهی از افراد و اشخاص با اندیشه‌ها و ایده‌های مختلف درهم آمیخته و با هم در حال آمد و شد هستند، و آمار جمعیت فرقه‌ها و گروه‌ها بالا رفته است، از سوی دیگر ملت‌های دیگر

۱- مجموع الفتاوی ج ۳۰۱/۲۰.

۲- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۲۵۹/۱۰۰ محمد باقر مجلسی (ت ۱۱۱۱).

۳- شرح أصول اعتقاد أهل السنة ج ۶۰/۱ للالکائی ت ۴۱۸.

در یک فراخوان همگانی یکدیگر را برای ضربه زدن به مسلمین دعوت می‌دهند همانگونه که در حدیث ثوبان مولای پیامبر ﷺ آمده که فرمود:

«يُوشِكُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ الْأُمَمُ مِنْ كُلِّ أَفْقٍ كَمَا تَدَاعَى الْأَكَلَةُ عَلَى قَصْعَتِهَا، قَالَ: قلنا يا رسول الله: أَمِنْ قِلَّةٍ بنا يومئذٍ، قال ﷺ: أنتم يومئذٍ كثيرٌ، ولكنْ تكونونَ عُثَاءً كعُثَاءِ السَّيْلِ تُنْتَرَعُ المهابَةُ من قلوب عدوِّكم، ويُجعلُ في قلوبكم الوهنُ، قال: قلنا: وما الوهنُ قال ﷺ: حُبُّ الحياةِ، وكرهيةُ الموتِ»^۱.

یعنی: نزدیک است از هر طرف ملتها یکدیگر را علیه شما فرا خوانند همانگونه که افراد سر سفره غذا یکدیگر را بسوی ظرف غذای روی سفره فرا می‌خوانند، ثوبان می‌گوید: عرض کردم: ای پیامبر خدا آیا به علت اینکه در آن روز تعداد ما اندک است چنین خواهد بود؟ فرمود: جمعیت شما در آن روز زیاد خواهد بود، بلکه به این علت که ترس و هیبت شما از دل دشمنان بیرون می‌آید، و در دل‌هایتان وهن و سستی قرار می‌گیرد، راوی گفت: عرض کردیم: «وهن» و سستی چیست؟ فرمود: دنیا دوستی و ناپسند دانستن مرگ.

اسباب فراموشی ولاء و براء

در چنین شرایطی؛ نخبگان و شخصیت‌های علوم دینی صحنه را ترک کرده و برای روشننگری افکار و اعتقادات امت اسلام تلاش نمی‌کنند، و غفلت آن‌ها نسبت به تثبیت اصول اعتقادی اسلام، و عدم تحکیم مسلمات اعتقادی در دل و ذهن فرزند مسلمانان، و بروز عوامل بازدارنده تحکیم پایه‌های عقیده سلف، موجب شده این غفلت به برنامه‌های آموزشی هم سرایت کند، و آن‌ها را چنان به تزلزل درآورد که در هم لولیده‌اند. ولی در مجموع این مسأله به دو عامل برمی‌گردد:

اول: شکستن و از بین بردن مانع (ولاء و براء) بین مسلمان و کافر، و بین سنی و اهل بدعت، که در اصطلاح جدید آن را (مانع روانی) می‌نامند، و فاصله ولاء و براء که جداکننده مسلمان و کافر است؛ بوسیله شعارهای آراسته شده و گمراه کننده‌ای همچون تسامح، مدارا، همدلی، دور انداختن تعصب و افراط‌گری، انسان دوستی و دیگر

۱- امام احمد ش ۲۲۳۳۹۷ ج ۳۷ / ۸۲ و غیره، و آلبانی در صحیح الجامع ش ۸۱۸۳ آنرا صحیح

واژه‌های فریبنده که در حقیقت توطئه‌هایی هستند برای اینکه مسلمان نسبت به دین اسلام پایبند نباشند.

دوم: تلاش برای شیوع بیسوادی و جهالت نسبت به حقیقت دین اسلام تا اُمت اسلامی متفرق و دسته دسته شود، و مسلمان را مجانی و بدون هزینه شکار کنند و زیر پرچم احزاب آنان قرار گیرد، و به دیگر اهدافشان برسند که از آن جمله (بحران فکر الحادی) که اکنون مسلمین در آن دست و پا می‌زنند، و توازن و ثبات زندگی ایشان را از هم پاشیده است، و تکیه‌گاه اجتماعی مسلمان را که (وحدت عقیده) است متزلزل ساخته است، و هر کدام بر حسب اینکه چقدر تحت تأثیر این عوامل و اسباب قرار گرفته باشد معلول شده‌اند، و نابسامانی بوجود آمده و راه برای ورود هر باطلی باز شده است، و حق و حقیقت در هاله ای از ابهام قرار گرفته، و بینش و تشخیص درست ضعیف شده است، در این وضعیت آشفته؛ هواپرستان و اهل بدعت زمینه را برای پخش و نشر بدعت خود فراهم می‌بینند، و در دسترس همه قرار می‌دهند و بدون دلیل و برهان بدعت وارد همه عبادت‌ها شده و عبادت از دایره توفیقی بودن و موارد نصوص خارج گردیده است.

اهل بدعت اینگونه گردن برافراشته‌اند و انحرافات ظهور یافته و آشکار شده است! و بدعت گذران تباهکارانه در زمین فساد را پخش کرده و به لاف و گزاف و تجاوز و تعدی پرداخته‌اند، و هواپرستی؛ اقوام و ملت‌ها را یکی پس از دیگری دربر می‌گیرند! و می‌شنویم که هزاران تن از مسلمین در سرزمین اسلام به طریقه‌ها و مذاهب و باورهایی اعتقاد دارند که با آمدن اسلام نابود شده بودند، و دیگر بلاها و گرفتاری‌هایی که مسلمین زیر آتش داغ آن دست و پا می‌زنند، و طعم تلخ و زهر آگین آن را فرو می‌بلعند!

از این روی تصمیم گرفتم مطالبی را که در رابطه با عقاید شیعیان اثنی عشریه جمع آوری کرده بودم پس از خلاصه کردن بصورت سؤال و جواب چاپ و منتشر کنم، ولی بار دیگر آن مختصر را فشرده کردم، به هدف اینکه نسبت به فرائض دین تذکر دهم، و مسلمین را از آن فتنه و گرفتاری‌هایی که افرادی بدان گرفتار شده‌اند نجات

دهم، همه این تلاش‌ها برای دفاع از دین، و حمایت از آن در برابر کسانی است که به دین و اهل آن تجاوز می‌کنند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته فرمود: «بر علمای اسلام واجب است علم و دانش دینی را برای امت محافظت کنند و آن را به دیگران ابلاغ کنند، اگر علما علم دین را به مردم نرسانند، یا از آن محافظت نکنند بزرگترین ستم و ظلم به مسلمانان شده است، بنابراین خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۹].

یعنی: بی‌گمان کسانی که پنهان می‌دارند آنچه را که از دلائل روشن و هدایت فرو فرستاده‌ایم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) بیان و روشن نموده‌ایم، خدا و نفرین‌کنندگان (چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و جان)، ایشان را نفرین می‌کنند.

بهترین جهاد

بطور قطع زیان کتمان علم به چهار پایان و غیره هم سرایت می‌کند، بنابراین همه نفرین‌کنندگان حتی حیوانات؛ کسانی را نفرین می‌کنند که حقیقت را کتمان می‌کنند.^۱

همچنین گفت: «پاسخ رد به اهل بدعت جهاد است، و امام یحیی بن یحیی رحمته می‌گفت: دفاع از سنت برترین جهاد است»^۲.

گفت: «به یحیی گفتم: مردی مال خود را انفاق می‌کند، و خود را خسته می‌کند، و در راه خدا جهاد می‌کند، آیا کسی که پاسخ رد به اهل بدعت می‌دهد از این هم برتر است؟ گفت: آری، خیلی هم برتر است»^۳.

و سلف و ائمه رحمهم الله به شدت با بدعت‌ها مخالفت کرده، و از هر گوشه‌ی دنیا فریاد خود را علیه اهل بدعت بلند می‌کردند، و مردم را به شدت از فتنه آنان بر حذر

۱- مجموع الفتاوی ۲۸ / ۱۸۷ .

۲- مجموع الفتاوی ج ۴ / ۱۳ .

۳- سیر أعلام النبلاء ج ۱۰ / ۵۱۸ .

می‌داشتند، و تا حدود زیادی با آن مخالفت نموده و آن را رد می‌کردند؛ بطوری که تا آن اندازه با زشتی‌ها و ظلم و تجاوز مخالفت نمی‌کردند، چون زیان و خطر بدعت برای دین و مخالفت و منافاتش با آن بیشتر از دیگر منکرات است»^۱.

و ابوالوفا بن عقیل (متولد ۵۱۳ هـ. ق) رحمته الله تعالی می‌گوید: «هرگاه خواستی بدانی که اسلام در میان اهل هر عصری چه جایگاهی دارد، به ازدحام آن‌ها بر درب مساجد و به فریاد لیبیک آن‌ها در موقف حج نگاه نکن، بلکه نگاه کن که با دشمنان شریعت چقدر مدارا می‌کنند ... و این موضع سازشکارانه با دشمنان دین نشانه سرد شدن دین در دل‌های آنان است.

ابن راوندی و معری (لغت خدا بر آن‌ها باد) مشغول نثر و شعر بودند، ابن راوندی می‌گفت: حدیث خرافه است، و معری می‌گفت: باطل را تلاوت کرده و مطالب قطعی را رها کرده‌اند، آن دو گفتند: ما راست می‌گوییم، ما هم گفتیم: آری .

منظور او از باطل کتاب الله بود. چندین سال زیستند سپس گورشان مورد تعظیم قرار گرفت، و تألیفاتشان خریداری شد، و این دلیل است بر سرد شدن ارزش دین در قلب مردم». و لاحول ولا قوّة إلا بالله العزیز الحکیم.

اینجانب از خداوند متعال می‌خواهم این رساله را سبب گرداند روش سنت گذشته جهاد و دفاع از حرمت‌ها و مقدسات در زندگی مسلمین احیاء شود، این کار از حقوق الهی و امری عبادی، و از نوع جهاد امر به معروف و نهی از منکر است، به خصوص وقتی که در این روزگار به شدت به این کار نیاز است، چون فشار هوا پرستی شدت یافته، و راه‌های آن متعدّد است، زیرا گمراه‌کنندگان و کسانی که انحرافات به درونشان رخنه کرده و با افکار پوچی از قبیل سکولاریسم و لیبرالیستی - یعنی نفاق - تجدد گرایی، روشن‌فکری، آزادی بی‌قید و شرط و... در میان مردم کمین گرفته‌اند، و این دعوت زنده و فاسقانه را تحت پوشش: آزادی ادیان، مجمع ادیان، دوستی ادیان جهانی و غیره، و دعوت شکست خورده تقریب اهل سنت با مذاهب دیگر، انجام می‌شود، همه این دعوت‌ها می‌خواهند قاعده و اصل اسلامی «ولاء و براء» را از دل‌ها ریشه‌کن کنند، ولی خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنْ أَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ﴾ [المائدة: ۴۹].

یعنی: در میان آنان طبق چیزی حکم کن که خدا بر تو نازل کرده است ، و از امیال و آرزوهای ایشان پیروی مکن ، و از آنان برحذر باش که تو را از برخی چیزهایی که خدا بر تو نازل کرده است به دور و منحرف نکنند (و احکامی را پایمال هوی و هوس باطل خود نسازند). پس اگر پشت کردند ، بدان که خدا می‌خواهد به سبب پاره‌ای از گناهانشان ایشان را دچار بلا و مصیبت سازد. بیگمان بسیاری از مردم (از احکام شریعت) سرپیچی و تمرد می‌کنند.

درد ناکترین بدعت

و یکی از دردناک‌ترین امور هواپرستی نقشه و برنامه‌ریزی کافرانه طرح طعن و انتقاد از سنت و به باد استهزا و مسخره گرفتن آن است. و این دسیسه از وسیع‌ترین میدان‌های باطل است که در آن آشکارا وارد می‌شوند.

و از بدترین چیزهای این هوا پرستی‌ها این است که افرادی از ما که در امر بیان حقیقت کوتاهی ورزیده‌اند، و حق را پنهان می‌کنند، و از ارائه‌ی علم بخل می‌ورزند، وقتی برادرانش به یاری و دفاع از سنت برخیزند پشت آن‌ها را خالی کرده و تنها رهایشان می‌کنند.

امام ابن قیم رحمته الله می‌گوید: «کسی که می‌بیند حرمت‌های الهی هتک می‌شوند، و حدود خداوندی ضایع می‌گردند، و دینش ترک شده و مردم از سنت پیامبرش فاصله گرفته و دور می‌شوند و او خونسرد و ساکت نشسته، چه خیر و چه دیانتی می‌تواند داشته باشد، چنین انسانی شیطان لال است همانطور کسی که باطل را بیان می‌کند شیطان سخنور است. و آیا جز این اشخاص چه کسی آفت و بلای دین است، کسانی که وقتی منافع و مقام‌شان محفوظ و شکم‌شان پر باشد، توجهی نمی‌کنند و اهمّت نمی‌دهند چه بر دین می‌گذرد، و بهترین آن‌ها کسانی هستند که وقوع توهین به دین محزون و ناراحت می‌شوند، ولی هر کدام از این‌ها اگر مقام و جایگاه یا مال و ثروتشان مورد تعرض قرار گیرد، از هیچ کوششی در دفاع از آن دریغ نمی‌کند، و هر سه مرحله - ی انکار منکر(دست و زبان قلب) را به کار می‌گیرد، اما این افراد با وجود اینکه از

چشم خدا افتاده و خوار و پست شده‌اند، و خداوند بر آن‌ها خشمگین است، بدون اینکه خود بفهمند در دنیا به بلای بزرگی گرفتار شده‌اند که «مرگ دل‌هاست»، چون هر چند حیات و زنده بودن قلب کامل‌تر باشد، و به دفاع از خدا و پیامبرش بیشتر در مقابل منکر به خشم می‌آید و بیشتر دین را یاری می‌کند، و به دفاع از آن به پا می‌خیزد^۱.

یکی سؤال می‌کند: این کتاب چه فائده‌ای دارد شکه جهت کشف و روشنگری در مورد اعتقاد شیعه دوازده امامی نوشته شده حال آنکه بر اثر جهانی شدن و جهان دهکده این کار پیش می‌رود و نه به عقب برمی‌گردد، مگر به اذن خدا؟.

پاسخ: قرآن و سنت رسول خدا ﷺ بر این حقیقت دلالت می‌کنند که همواره در میان این امت اسلام طائفه و گروهی وجود دارد که متمسک و پایبند به آن دین حق هستند که محمّد ﷺ بدان مبعوث شده است، همانگونه که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَا تَزَالُ مِنْ أُمَّتِي أُمَّةٌ قَائِمَةٌ بِأَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَلَا مَنْ خَالَفَهُمْ، حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ عَلَى ذَلِكَ»^۲

«همواره در میان این امت طائفه ای هست که به فرمان خدا پایبند هستند و برای دفاع و حمایت از آن قیام می‌کنند، و عدم پشتیبانی کسانی که از آن‌ها حمایت و پشتیبانی نمی‌کنند، و نیز مخالفت مخالفین به آن‌ها زیان نمی‌رساند، و تا فرمان خدا (قیامت یا مرگ) به سراغ آن‌ها می‌آید، همچنان به راهشان ادامه می‌دهند».

همچنین رسول خدا ﷺ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْمَعُ أُمَّتِي - أَوْ قَالَ - أُمَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ عَلَى ضَلَالَةٍ، وَيَدُّ اللَّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ»^۳.

یعنی: «همانا خداوند متعال این امت محمّد را بر گمراهی جمع نمی‌کند، و دست بر

سر جماعت است».

و فرمود:

۱- اعلام الموقعین ج ۲ / ۱۲۱ .

۲- بخاری ۳۶۴۱ (باب سؤال المشركين أن يُريهم النبي ﷺ آية، فأراهم انشقاق القمر).

۳- رواه الترمذی ۲۷۹ ~ ۲۱۶۷ (باب ما جاء في لزوم الجماعة)، وصححه الألبانی ~ فی المشكاة ج ۱۱/۳، وأما لفظ: (لا تجتمع أمتي على ضلالة) فقد ضعفه العيني ۸۵۵ ~ فی عمدة القاری ج ۵۲/۲.

«مَا مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي أُمَّةٍ قَبْلِي إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُونَ وَأَصْحَابٌ يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ، وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ، ثُمَّ إِنَّهَا تَخْلُفُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلُوفٌ، يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ، فَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِيَدِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِلِسَانِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِقَلْبِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةٌ حَرَدَلٍ»^۱.

یعنی: «هر کدام از پیامبران که قبل از من مبعوث شده‌اند؛ در میان امت خود حواریون و یاورانی داشته‌اند که سنت و راه و روش آن‌ها را ادامه داده‌اند، و از دستوران آن‌ها پیروی نموده‌اند، سپس بعد از آن‌ها افراد ناخلف آمدند، چیزهایی می‌گویند که خود انجام نمی‌دهند، و کارهایی می‌کنند که به آن‌ها امر نشده‌اند، هرکس علیه آن‌ها با دست مبارزه و جهاد کند مؤمن است، و هرکس علیه آن‌ها با زبان جهاد کند مؤمن است، و هرکس علیه آن‌ها با قلب مخالفت ورزد مؤمن است، و در ماورای این به اندازه یک دانه خردل ایمان وجود ندارد».

انکار کردن منکر با قلب بدینصورت است که معتقد به منکر بودن آن باشد، و نسبت به آن ناخشنود باشد، وقتی که چنین احساسی داشته باشد، در قلبش ایمان وجود دارد، ولی قلبی که نه معروف را معروف و پسندیده بداند، و نه منکر را منکر و ناپسند بداند ایمان از آن رخت بریسته. بدون تردید بیان و روشنگری نسبت به حال فرقه‌های خارج شده از جماعت مسلمین و فاصله گرفته از سنت و راه و روش رسول خدا ﷺ ضروری است، تا حق و باطل با هم اشتباه نشوند، و حق و راستی برای مردم روشن و واضح باشد، و دین خداوند متعال نشر و توسعه یابد، و بر مخالفین قرآن و سنت اقامه حجت شود، و بر کسانی که گمراه می‌شوند اتمام حجت شود، و آنان که راه حق را می‌پذیرند آگاهانه و با دلیل آشکار و روشن پیروی حق باشند، زیرا هرگز حق از کسی پنهان نمی‌ماند، بلکه آن‌ها پیروان فریب خورده خود را تنها با شُبُهات و توهم گمراه می‌کنند، به همین علت است که پیروان فرقه‌های مخالف قرآن و سنت، یا زندیق و حق ستیز هستند، یا جاهل و نادان، بنابراین تعلیم و آموزش انسان بی‌آگاه لازم و ضروری است، و باید افراد زندیق و حق ستیز کشف شوند، تا شناخته شوند و مردم از آن‌ها برحذر باشند.

بهترین جهاد دفاع از سنت است

بیان حال سران اهل بدعت که مخالف قرآن و سنت هستند، به اتفاق آراء مسلمانان واجب است، (تاجایی که به امام احمد گفته شد: «آیا کسی که اهل روزه و نماز و اعتکاف باشد نزد تو دوست داشتنی‌تر است یا کسی که علیه اهل بدعت تبلیغ می‌کند»؟ فرمود: نماز و روزه و اعتکاف عبادات شخصی هستند، ولی تبلیغ علیه اهل بدعت برای مسلمانان است، این بهتر است».

بنابراین ایشان بیان کرده که نفع تبلیغ و روشننگری افکار عمومی نسبت به اهل بدعت یک نفع عمومی است که سود آن به دین عموم مسلمانان برمی‌گردد، و از نوع جهاد در راه خداست، زیرا پاکسازی دین و شریعت و راه خدا، و دفع ظلم و طغیان و تجاوزگری اهل بدعت از آن، به اتفاق آرای مسلمین واجب کفایی است، و اگر خداوند ﷻ کسانی را برای دفع ضرر آن‌ها بر نمی‌انگیخت؛ دین فاسد و تباه می‌شد، و این نوع فساد از فساد سیطره‌ی دشمن مهاجم سهمگین‌تر است، زیرا وقتی دشمن با جنگ بر مردم چیره شود؛ بطور مستقیم قلب و درون مردم را فاسد و تباه نمی‌کنند، ولی اهل بدعت قبل از هر چیز قلب‌ها را فاسد می‌کنند^۱.

همه دشمنان دین با استفاده از اهل بدعت بر دین ضربه می‌زنند

همه دشمنان، از یهود و نصارا گرفته تا منافقین و تمام فرقه‌هایی که برای به دام انداختن این اُمَّت در کمین نشسته‌اند، از این فرقه‌های خارج شده از اسلام برای ایجاد فتنه و ضربه زدن به اسلام استفاده می‌کنند، و بدون شک تبیین حق در مورد فرقه‌های اهل بدعت، فرصت گسترش دامنه‌ی اختلاف و دوام آن را از دست دشمن درمی‌آورد، چرا که رها کردن سران زندیقان و دین ستیزان اهل بدعت که برای گمراه کردن مردم در تلاش و کوشش هستند، و برای افزایش جمعیت و سیاهی لشکر از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند؛ و پیروان خود را بیشتر فریب میدهند، و ادعا می‌کنند که دین و کیش آن‌ها اسلام برحق است، که یکی از اسباب و عوامل خروج و انحراف بخش عمده‌ای از ملحدان از اسلام این است که فرقه‌های اهل بدعت ادعا می‌کنند که دین

حق همان است که آن‌ها پیروی می‌کند، و چون آن را مخالف عقل دیدند، به اصل دین کافر شدند.^۱

سپس اگر فرض بر این باشد که پیروان مذهب شیعه هرگز از مذهب خود دست برنمی‌دارند، و جاهلان اهل سنت هم به گمراهی مذهب شیعه اعتراف نکنند، این مانع ابلاغ رسالت و بیان علم نیست، و اصلاً این واجب بودن تبلیغ را ساقط نمی‌کند. و نیز وظیفه‌ی واجب امر به معروف و نهی از منکر را (بنابر یکی از روایات بسیاری از اهل علم) ساقط نمی‌گرداند.

تو را خدا به من بگو؛ وقتی باطل گرایان اهل بدعت هوا پرستی و بدعت‌های خود را آشکار کردند، و علمای امت یا صحنه را ترک می‌کنند یا سکوت را برمی‌گزینند، پس چگونه حق روشن گردد؟ آری در این شرایط نتیجه این می‌شود که گفتارهای باطل ظهور و سیطره یافته، و هوا پرستی‌ها بر دین حق غالب می‌آیند، و شکل دین در سرشت و فطرت مسلمین تغییر می‌یابد، پس چگونه سکوت در برابر باطل حق است در حالی که خداوند می‌فرماید:

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۸].

یعنی: «بلکه حق را به جان باطل می‌اندازیم، و حق مغز سر باطل را از هم می‌پاشد و باطل هرچه زودتر محو و نابود می‌شود. وای بر شما (ای کافران) به سبب توصیفی که می‌کنید».

هان برخیزید و بیایید برای رد مخالفان عقیده‌ی خود و نقض شبهات آن‌ها و پرده برداشتن از فتنه‌های آنان تیر حق را از تیرکش بیرون آوریم، و این حق خدا بر بندگان و حق مسلمین بر علمایان آن‌ها است که باید در مقابل هر مخالف و هر گمراهی و هر خطا کاری بایستند، و آن را رد کنند، تا بدعت‌ها و هواپرستی به فطرت مسلمین سرایت نکند، و وحدت آن‌ها درهم نشکند، و دینشان را به دینی تغییر یافته، و شریعتی تحریف شده، و انباشته‌ای از هواپرستی‌ها تبدیل نکند.^۲

۱- ينظر: مقدمة كتاب أصول مذهب الشيعة الاثني عشرية ج ۱/ ۵-۸ للشيخ ناصر بن عبد الله القفاري.

۲- الرد على المخالف من اصول الاسلام، شيخ بكر ابو زيد ۵ / ۱۱ با اندکی تصرف

بهترین علمایی که در راه مبارزه با بدعت و باطل تلاش کردند

از جمله علمایی که در این راه آزمون خوبی داده‌اند، و علمای بعدی همه ریزه‌خوار سفره آنان هستند؛ می‌توان این‌ها را نام برد: شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن قیم و محمد بن عبدالوهاب و ائمه دعوت نجدی رحمهم الله و بسیاری دیگر بودند. و در میان نویسندگان معاصر استاد شهید-ان شاء الله- احسان الہی ظہیر، محمد مال الله رحمہماالله، ناصر بن عبداللہ قفاری - خدا او را موفق گرداند- و غیره از علمایان معاصر در این راه تلاش کرده‌اند.

بنده در نقل عقاید شیعه به خاطر رعایت کامل انصاف و عدالت از کتاب‌های معتبر و مورد اعتمادشان استفاده نموده‌ام، تا حجت بر آن‌ها اقامه گردد، و اعتقادشان با دلایل و روایات خودشان نقض و باطل گردد، و این امر به امید خدا بزرگترین کمک برای دختران و پسران جوان شیعی است که خداوند هدایت به دین حق و مذهب صحابه (و اهل بیت) را برایشان مقدر نموده است.

و این کتاب چکیده مختصر کتاب پرسش و پاسخ من در مهم‌ترین امور اعتقادی شیعه در پرتو منابع اصلی مذهب شیعه است، خداوند فراهم شدن آن را آسان گرداند و آن را بپذیرد.

جا دارد بعد از خداوند متعال؛ اساتید ارجمند محمد بن ابراهیم فوزان، عبدالله بن عبدالرحمن جبرین، عبدالله بن محمد غنیمان، شیخ صالح بن فوزان الفوزان، صالح بن محمد لحیدان، عبدالرحمن بن ناصر براك، عبدالعزيز بن عبدالله راجحی، و عبدالرحمن بن حماد عمر، عبدالرحمن بن صالح محمود، ناصر بن عبدالله قفاری، محمد بن ناصر سحیبانی، ابراهیم بن محمد خرعان، عبدالعزيز بن سالم عمر، عبدالرحمن بن عبدالله عجلان و عبدالمحسن بن حمد العباد البدر و دیگر کسانی که مرا راهنمایی نمودند و برایم دعا کرده‌اند تشکر کنم، خداوند به جای من و به خاطر خدمت به اسلام و مسلمین به آنان پاداش نیک عطاء فرماید، و جایگاه آنان و پدر و مادرهای ما و همسران و فرزندانمان و همه مسلمین را به بهشت درآورد. آمین

و اینک به یاری خداوند یکتا و بی‌شریک که کارها به حول و قوه‌ی او انجام می‌گیرد، و او ما را کافی و بهترین یاور است، کتاب را آغاز می‌کنیم.

مؤلف: عبدالرحمن بن سعد شثری

تعریف شیعه و تشیع

سؤال ۱- شیعه چه کسانی هستند؟

جواب - شیخ محمد بن محمد بن نعمان که نزد شیعه ملقب به شیخ مفید است (ت ۴۱۳) پاسخ می‌دهد که شیعه: «پیروان امیر المؤمنین علی علیه السلام هستند که به ولایت او، و به اینکه او خلیفه‌ی بلا فصل پیامبر صلی الله علیه و آله است معتقدند، و همچنین امامت خلفای پیش از او را قبول نداشته باشد، و آن‌ها را پیروان علی می‌دانند نه اینکه او تابع و پیرو آنان باشد»^۱.

توضیح:

کلمه شیعه امروزه فقط بر گروه دوازده امامی اطلاق می‌شود^۲، چون شیعیان دوازده امامی امروزه اکثریت جمعیت شیعه را تشکیل می‌دهند، و منابع آن‌ها حدیث و روایت و نظریه و آرای بخش عمده فرقه‌های شیعه را شامل می‌شود که در طول تاریخ وجود داشته‌اند.

پیدایش شیعه

س ۲- اصل مذهب شیعه از کجا نشأت گرفته است؟

ج - قول راجح نزد علمای محقق شیعه این است که نخستین کسی که نهال مذهب شیعه را کاشت و آن را پدید آورد؛ عبدالله بن سبأ یهودی بود، همانگونه که کتاب‌های شیعه اعتراف می‌کنند.

آنچه در کتاب‌های شیعه با صراحت آمده است حاکی از آن است که اولین کسی که مقوله امامت علی علیه السلام به میان آورد؛ عبدالله بن سبأ یهودی بود، و این همان عقیده منصوص بودن امامت علی است که اساس تشیع است، و نیز عبدالله بن سبأ اولین

۱- اوائل المقالات فی المذاهب المختارات ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان ملقب به مفید متوفای ۴۱۳ هجری .

۲- حسین نوری طبرسی در مستدرک الوسائل ج ۳ / ۳۱۱ و سید امیر علی در کتاب روح الاسلام ج ۲ / ۹۲ و محمد آل کاشف الغطاء در اصل الشیعه و اصولها ص ۹۲ و محمد عاملی در الشیعه فی التاریخ ص ۴۳ و غیره این را گفته‌اند .

کسی بود که عیب جویی و طعنه زدن به پدرزن‌های پیامبر ﷺ؛ یعنی ابوبکر و عمر رضی الله عنهما و طعنه زدن به داماد پیامبر ﷺ یعنی عثمان رضی الله عنه را اظهار کرد، و او نیز برای نخستین بار مقوله‌ی رجعت و بازگشت مردگان به این دنیا را مطرح کرد.

عالم شیعی محمد حسین عاملی می‌گوید: «بعد از آنکه ابوبکر به خلافت رسید؛ کلمه‌ی شیعه به فراموشی سپرده شد و مسلمین تا اواخر ایام خلافت خلیفه سوم یک گروه بودند»^۱.

علامه نوبختی شیعه می‌گوید: «سبئی که یاران و زرفداران عبدالله بن سبأ بودند دم از امامت علی رضی الله عنه زدند و گفتند: امامت علی را خداوند فرض کرده است، او کسی بود که به ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم و صحابه طعنه زد و از آن‌ها اظهار بیزاری کرد و ادعا می‌کرد علی رضی الله عنه او را به این کار دستور داده است، آنگاه علی رضی الله عنه او را دستگیر کرد و در مورد ادعایش او را مورد پرس و جو قرار داد، ولی به آنچه گفته بود اعتراف کرد، آنگاه علی فرمان قتل او را صادر کرد.

گروهی از علما گفته اند: عبدالله بن سبأ یهودی مسلمان شد و دوستدار علی گردید». او زمانی که یهودی بود در مورد یوشع بن نون^۲ همین سخن را می‌گفت، سپس وقتی تظاهر به مسلمان بودن کرد همان سخن را در مورد علی می‌گفت، و او اولین کسی بود که اظهار داشت امامت علی رضی الله عنه واجب است، و از دشمنان و مخالفان او اظهار براءت کرد و آن‌ها را تکفیر کرد، از این رو مخالفان شیعه می‌گویند: «اصل و اساس تشیع و رفض از یهودیت گرفته شده است»^۳.

سپس شیخ و استاد علمای مذهب شیعه «قمی» این موضوع را بیان کرده که وقتی خبر وفات علی به ابن سبأ یهودی ابلاغ شد و به او گفتند: علی وفات یافته است؛ مدعی شده که علی نمرده است، و گفت علی باز می‌گردد، و در مورد او غلو نمود^۴.

۱- الشیعه فی التاریخ عاملی ص ۳۹ - ۴۰

۲- یعنی در دوران یهودیت خود در مورد یوشع بن نون ادعای الوهیت می‌کرد سپس بعد از تظاهر به اسلام در مورد علی همان ادعا را کرد. الانوار النعمانیه ، نعمة الله عبدالله حسینی موسوی جزائری متوفای سال ۱۱۱۲ هجری - ج ۲ / ۲۳۴ .

۳- فرق الشیعه نوبختی ص ۱۹ - ۲۰ - ۳۲ - ۴۴

۴- المقالات و الفرق ص ۱۰ - ۱۲ قمی و رجال کشی ص ۱۰۶ - ۱۰۹ و تنقیح المقال ج ۲ / ۸۴ .

دوازده امام شیعه

- س ۳ - به اعتقاد شیعه دوازده امام آن‌ها چه کسانی هستند؟
- ج - اولین آن‌ها خلیفه راشد علی بن ابی طالب علیه السلام است که کینه‌اش ابو الحسن و لقبش مرتضی است و سال ۲۳ قبل از هجرت به دنیا آمد و در سال ۴۰ هجری به شهادت رسید.
- ۲- حسن فرزند علی علیه السلام که کینه‌اش ابو محمد، و لقبش ذکی است (۲ - ۵۰).
- ۳- فرزند علی حسین علیه السلام که کینه‌اش ابو عبدالله و لقبش شهید است (۳ / ۶۱).
- ۴- علی بن حسین بن علی علیه السلام کینه‌اش را ابو محمد و لقبش را زین العابدین است (۳۸ - ۹۵).
- ۵- محمد بن علی بن حسین، کینه‌اش ابو جعفر و ملقب به باقر است (۵۷ - ۱۱۴).
- ۶ - جعفر بن محمد بن علی کینه‌اش ابو عبدالله و ملقب به صادق است (۸ - ۱۴۸).
- ۷- موسی بن جعفر بن محمد کینه‌اش ابو ابراهیم و ملقب به کاظم است (۱۲۸ - ۱۸۳ هجری).
- ۸- علی بن موسی بن جعفر، کینه‌اش ابو الحسن و ملقب به رضا است (۱۴۸ - ۲۰۳ هجری).
- ۹ - محمد بن علی بن موسی، کینه‌اش ابو جعفر و ملقب به جواد است (۱۹۵ - ۲۲۰ هجری).
- ۱۰- علی بن محمد بن علی علیه السلام، کینه‌اش ابو الحسن و هادی لقب اوست (۲۱۲ - ۲۴۵ هجری).
- ۱۱- حسن بن علی بن محمد، او را ابو محمد کینه داده‌اند، و به عسکر ملقب است (۲۳۲ - ۲۶۰ هجری).
- ۱۲- محمد بن حسن بن علی علیه السلام، کینه‌اش ابو القاسم است و او را مهدی لقب می‌دهند (و ادعا می‌کنند که در سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ به دنیا آمده است).^۱

دیدگاه شیعه نسبت به نازل شدن وحی بر علی علیه السلام

س ۴ - آیا کسی از علمای شیعه گفته جبرئیل در نازل کردن وحی اشتباه کرده است؟

ج - بله، غرابیه که یکی از فرقه‌های مذهب شیعه است می‌گویند: محمد صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام از یک کلاغ با کلاغ دیگر بیشتر شباهت داشت و خداوند جبرئیل را با وحی فرستاد تا بر علی علیه السلام نازل کند، اما جبرئیل اشتباه کرد و وحی را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد.^۱

توضیح مهم:

آیا این مقوله‌ی غرابیه فرق دارد با مقوله‌ی بزرگان اثنی عشریه فرق دارد که کلینی روایت می‌کند: مردی از ابو جعفر سؤال کرد: «آیا قرآن برای آن‌ها کافی نیست؟ گفت: البته اگر مفسری داشته باشد. گفت: منظورت تفسیری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از قرآن کرده؟ گفت: بله، تفسیری که تنها برای یک مرد بیان کرده که شأن و جایگاه او همه امت است و او کسی جز علی علیه السلام نیست»^۲.

بنابراین علمای شیعه قرآن را قرآن ساکت، و امام را قرآن ناطق و گوینده نامیده‌اند. علمایشان روایت کرده‌اند که علی علیه السلام (که از این تهمت‌ها مبرا است) گفته است: «این کتاب ساکت خداوند است و من کتاب گویا و ناطق خدا هستم»^۳.

و عالم بزرگ شیعه عیاشی (متوفای ۳۲۰هـ) روایت کرده که در مورد این آیه می‌فرماید:

﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۷].

(ادعا کرده که) ابو جعفر گفت: «منظور از نور در اینجا علی علیه السلام است»^۴.

۱- المنیه و الامل ابن مرتضی ص ۳۰ و ابو الحسین ملطی در التنبيه و الرد ص ۱۵۸ .

۲- أصول الكافي ج ۱۷۹/۱ (کتاب الحجة حدیث شماره ۶ باب شأن : إنا أنزلناه في ليلة القدر وتفسیرها).

۳- الفصول المهمة حر عاملی ص ۲۳۵ و وسائل الشیعه حر عاملی ج ۲۷ / ۳۴ .

۴- تفسیر العیاشی أبی النصر محمد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی معروف به عیاشی ج ۳۵/۲.

تعارض:

کلینی از ابی خالد کابلی روایت کرده که گفت: «از ابوجعفر در مورد این آیه سؤال کردم که می‌فرماید:

﴿فَقَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [التغابن: ۸].

در پاسخ گفت: «ای ابو خالد سوگند به خدا «نور» ائمه آل محمد علیهم‌السلام هستند که تا قیامت یکی پس از دیگری می‌آیند، و به خدا آن‌ها آن نور هستند که خدا نازل فرمود...»^۱.

توضیح:

دوازده امامی‌ها بدون اینکه ادعا کنند که جبرئیل اشتباه کرده ادعا کرده‌اند که علی علیه‌السلام دارای حق رسالت است و ادعا کرده‌اند که وظیفه‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فقط معرفی علی بوده است! و می‌گویند وظیفه‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این بوده که قرآن را فقط برای علی بیان کند، حال آنکه خداوند می‌فرماید:

﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴].

«(پیغمبران را) همراه با دلائل روشن و معجزات آشکار (دالّ بر پیغمبری ایشان)، و همراه با کتاب‌ها فرستاده‌ایم، و قرآن را بر تو نازل کرده‌ایم تا این که چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است (که احکام و تعلیمات اسلامی است) و تا این که آنان (قرآن را مطالعه کنند و درباره مطالب آن) بیندیشند».

بقیه را به خواننده واگذار می‌کنیم تا خود در آن تأمل کند.

دیدگاه شیعه در مورد قرآن

س۵- آیا کسی از علمای شیعه گفته است سخن فردی از امامان آن‌ها قرآن را منسوخ یا مطلق آن را مقید یا عام آن را خاص می‌کند؟.

ج - بله، و آن‌ها زیادند! از این رو آخوند بزرگ شیعه محمد آل کاشف الغطاء می‌گوید: «حکمت نازل شدن تدریجی قرآن اقتضا می‌کرد که بخشی از احکام بیان شوند و بخشی دیگر کتمان و مخفی گردند، اما ایشان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن احکام مخفی

۱- أصول الكافي ج ۱/۱۳۹ (کتاب الحجّة ح ۱ باب أن الأئمة علیهم‌السلام نور الله عز وجل).

شده را نزد اوصیاء خود به ودیعه گذاشت، هرکدام آن را به دیگری سفارش می‌کردند تا در وقت مناسب و با در نظرگرفتن حکمت و کاردرستی آن را منتشر کند، از جمله حکم عام تخصیص شده، و مطلق تقیید شده، و مجمل بیان شده و غیره، مثلاً رسول خدا ﷺ حکم عامی را یادآور می‌شد سپس مخصّص آن را بعد از مدت زمانی از حیات او ذکر می‌گردد، و گاهی اصلاً چیزی از آن را ذکر نمی‌کند، بلکه تا وقت مناسب نزد اوصیاء به ودیعه می‌گذاشت.^۱

و آن‌ها بنا بر عقیده خود که معتقدند امام قیّم و حاکم بر قرآن است و خود قرآن ناطق است چنین می‌گویند. روایت کرده‌اند که علی گفت: «این کتاب ساکت خداست و من کتاب ناطق و گوپای خدا هستم».^۲

و می‌گویند: ائمه گنجینه‌های علم خدا و محفظه وحی هستند».^۳

و در روایتی دیگر آمده که «حافظان راز خدا هستند».^۴

و در روایتی دیگر: «آنچه نزد خداست جز بوسیله‌ی ما درک و دریافته نمی‌شود».^۵ توضیح: پس بنابراین، مسئله‌ی تخصیص کردن عام قرآن، یا تقیید مطلق آن، یا نسخ آن از دیدگاه علمای شیعه با وفات پیامبر ﷺ به پایان نرسیده است، چون معتقدند نصوص نبوی و تشریح الهی ادامه دارد!

پس علمای شیعه معتقدند، همانگونه که مرجع شیعه محمد مازندرانی (ت ۱۰۸۱) گفته: حدیث و گفتار هر کدام از ائمه اطهار گفته‌ی خداوند است، و در گفتار آنان اختلافی وجود ندارد همانطور که در کلام خداوند اختلافی نیست».^۶

همچنین مازندرانی گفت: اگر تو بگویی: کسی که حدیثی از ابو عبدالله جعفر صادق شنید جایز است که آن را از پدر یا جدش یا از یکی از اجدادش علیه السلام روایت کند، بلکه جایز است بگوید: خدا چنین فرمود؟ من در پاسخ می‌گویم: «این حکم دیگری است که از این حدیث استنباط و برداشت نمی‌شود، بلکه حکم جواز این امر، حتی با

۱- أصل الشيعة ص ۲۳۳-۲۳۴ محمد حسین آل کاشف الغطاء .

۲- الفصول المهمة فی اصول الائمه حر عاملی ص ۲۳۵ و وسائل الشیعه ج ۲۷ / ۳۴ .

۳- الکافی ج ۱ / ۱۹۲ .

۴- مستدرک الوسائل نوری ج ۱۰ / ۴۱۶ و البلد الامین کعخمی ص ۲۹۷ .

۵- اعلام الوری با علام الهدی فضل بن حسین طبرسی ص ۲۷۰ .

۶- شرح الجامع علی الکافی محمد صالح بن احمد مازندرانی متوفای ۱۰۸۱ هجری ، ج ۲ / ۲۷۲ .

اولویت از روایات سابق ابوبصیر و روایت زیبای ابو عبدالله که ذکر شدند استنباط می‌شود»^۱.

شیخ شیعه کلینی اینگونه عنوان باب این موضوع را انتخاب کرده: «باب در مورد اینکه امر دین به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام سپرده شده است»^۲.
توضیح:

هرکس در این سخن بیندیشد، و ابعاد آن را تحلیل نماید می‌فهمد که منظور از آن تغییر دین اسلام و شریعت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ و علمای شیعه یا بعضی از آن‌ها یا افرادی از جاهلان‌شان یا ... یا ... می‌خواهند دین را تغییر دهند. ولی چرا آن‌ها به آنچه از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و از ائمه روایت کرده‌اند تمسک نمی‌جویند که گفته‌اند: «هرگاه از ما حدیثی به شما رسید آن را بر کتاب خدا عرضه کنید؛ اگر با کتاب خدا موافق بود آن را بگیرید و قبول کنید، و آنچه با آن مخالف بود آن را دور بیندازید، یا به ما برگردانید»^۳.
و چرا کلام خدا را به یاد نمی‌آورند که می‌فرماید:

﴿يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيِّنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾^۴ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا^۵ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنُومُ لَعَنَّا كَيْبَرًا^۶﴾ [الأحزاب: ۶۶-۶۸].

یعنی: «روزی (را خاطر نشان ساز که در آن) چهره‌های ایشان در آتش زیر و رو و دگرگون می‌گردد (و فریادهای حسرت بارشان بلند می‌شود و) می‌گویند: ای کاش! ما از خدا و پیغمبر فرمان می‌بردیم (تا چنین سرنوشت دردناکی نمی‌داشتیم). و می‌گویند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود پیروی کرده‌ایم و آنان ما را از راه به در برده‌اند و گمراه کرده‌اند. پروردگارا! آنان را دو چندان عذاب کن، و ایشان را کاملاً از رحمت خود به دور دار».

دیدگاه شیعه در مورد تاویل قرآن

۱- قبلی ج ۲ / ۲۷۲

۲- اصول کافی، ج ۱ / ۲۶۵.

۳- الاستبصار فیما اختلف فيه من الأخبار ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي ت ۴۶۰ وملتق به شیخ الطائفة ج ۱ / ۱۴۴-۱۴۵ (کتاب الطهارة ح ۹ باب الخمر یصیب الثوب والنبيذ المسکر)، ووسائل الشیعة ج ۲۰ / ۴۶۳ ح ۴ (باب أن من تزوج امرأة حرمت علیه أمها وجدتها وإن لم یدخل بها).

س ۶ - اعتقاد علمای شیعه در مورد تفسیر و تاویل قرآن چیست؟

ج - اول اینکه علمای شیعه معتقدند قرآن معانی باطنی دارد که با ظاهر آن مخالف است، بنا براین، ابواب زیادی را می‌بینیم که چنین عنوان گذاری شده‌اند: (باب: در مورد اینکه قرآن ظاهر و باطنی دارد).^۱

توضیح:

انگیزه و عاملی که علمای شیعه را بر آن داشته تا این عقیده را داشته باشند این است که قرآن خالی از ذکر دوازده امام است، و با صراحت دشمنان شیعه یعنی اصحاب رسول خدا ﷺ ذکر نشده‌اند، و این مسئله خواب را از چشمان علمای شیعه ربوده است، و کارشان را خراب کرده، و با وجود این به صراحت گفته‌اند که در قرآن ذکری از ائمه به میان نیامده است. بنابراین روایتی ساخته و پرداخته‌اند مبنی بر اینکه: «اگر قرآن به همان صورتی که نازل شده خوانده شود شما خواهید دید که ما در آن نام برده شده‌ایم».^۲

خداوند همه را به راه راست هدایت کند، ابتدا گفتند: هر آیه یک معنای ظاهری و یک معنای باطنی دارد!

سپس قضیه پیشرفت کرد و گفتند: قرآن یک ظاهر دارد و یک باطن، و در باطن و درونش هفت باطن دیگر نهفته است.^۳ سپس تخمین و اندازه‌گیری‌های علمای مذهب شیعه طغیان کرد و بالا رفت و گفتند: «چنانکه از روایت بر می‌آید هر آیه‌ای هفتاد و هفت باطن دارد».^۴

و علمای شیعه اعتراف کرده‌اند که همه این باطن‌ها به خاطر اثبات دو مسئله است: یکی فضیلت و جایگاه سادات و ائمه، و اصلاً حقیقت روشن این است که اغلب آیات مربوط به انعام و اکرام و ستایش، و حتی کل آن‌ها در مورد ائمه اطهار و دوستدارانشان نازل شده‌اند. مسئله دوم؛ اثبات قضیه سرزنش و اعتراض و تهدید است که همه در

۱- بحار الانوار ج ۹۲ / ۷۸ - ۱۰۶.

۲- تفسیر عیاشی ج ۱ / ۱۳ و تفسیر البرهان ص ۲۲ از هاشم بن سلیمان بحرانی.

۳- تفسیر الصافی فیض کاشانی ج ۱ / ۳۱، و عوالی اللالی ابن ابی جمهور احسائی ج ۴ / ۱۰۷.

۴- مرآة الانوار و مشکاة الاسرار ص ۴ / ۱۹ که آن را مقدمه البرهان می‌نامند ابوالحسن بن محمد

عاملی متوفای ۱۱۴۰.

مورد مخالفان ائمه یعنی صحابه و کسانی هستند که بعد از آن‌ها می‌آیند، و خداوند ﷻ همه باطن‌های قرآن را در دعوت به امامت و ولایت قرار داده است، همانطور که ظاهر قرآن در مورد توحید و نبوت و رسالت است»^۱.

دوم: اینکه علمای شیعه معتقدند بیشتر قرآن در مورد آنان و دشمنان‌شان یعنی صحابه نازل شده است.

فیض کاشانی می‌گوید: «بخش عمده‌ای از قرآن در مورد ائمه و دوستان و دشمنانشان نازل شده است»^۲.

و هاشم بن سلیمان بحرانی کتکانی (متوفای ۱۱۰۷) ادعا می‌کند که فقط علی ﷺ در قرآن ۱۱۵۴ بار ذکر شده است، و او کتابی تألیف کرده و اسم آن را «اللوامع النورانية فی اسماء علی و اهل بینه القرانية»، نامیده است و که در سال ۱۳۹۴ در چاپخانه حوزه علمیه قم به چاپ رسیده است.
توضیح:

خواننده محترم اگر شما قرآن را بدست بگیرید و ورق بزنید و از همه فرهنگ لغت-های زبان عربی استفاده کنی، حتی اسم یکی از دوازده امام آن‌ها را در قرآن نمی‌بینی، سپس قضیه نزد علمای شیعه پیشرفت کرد، چنانکه پیشرفت کردن در دروغ و جعل و روایت عادت همیشگی آن‌هاست، و گفتند: «از ابو عبدالله روایت است که گفت: قرآن در چهار بخش نازل شده است، یک چهارم آن در مورد حلال و یک چهارم دیگر از حرام سخن می‌گوید، و یک چهارم هم در بیان سنت و احکام است، و یک ربع باقی مانده هم اخبار پیشینیان و حوادثی آنچه بعد از شما پیش می‌آید و داوری میان شما است»^۳.

توضیح:

دوازده امام در کجا ذکر شده‌اند؟

بعضی از علمای شیعه کوشیده‌اند تا این مسئله را جبران کنند، چون در روایت گذشته از ائمه ایشان نام برده نشده است، بنابراین روایتی را ساخته و ارائه داده‌اند و

۱- مرآة الانوار ص ۴ - ۱۹ .

۲- تفسیر صافی ج ۱ / ۲۴ .

۳- اصول الکافی ج ۲ / ۶۲۷ .

گفته اند: «قرآن در سه بخش نازل شده، یک بخش آن در مورد ما و دشمنان ما نازل شده، و یک بخش آن سنت‌ها و امثال است، و یک بخش دیگر آن فرائض و احکام می‌باشند»^۱.

سپس بار دیگر به جبران پرداخته و سهم ائمه را افزایش دادند و گفته‌اند: «از ابی‌جعفر روایت است که گفت: قرآن در چهار بخش نازل شده است، یک بخش آن در مورد ما است، و بخشی دیگر در مورد دشمنان ما، و بخشی دیگر از آن سنت‌ها و امثال و بخشی دیگر فرائض و احکام می‌باشند»^۲.

وقتی بعضی از مسلمین ملاحظه کردند که ائمه ویژگی منحصری به فرد ندارند که فقط آن‌ها در قرآن نام برده شوند، برخی از علمای شیعه هم متوجه این امر شدند، بنابراین روایت چهارم را با همان متن سابق ساخته و پرداختند و این قسمت را بدان افزودند: «و خوبی‌های قرآن برای ما است». و صاحب تفسیر صافی به این اشاره کرده و می‌گوید: «عیاشی به روایت افزوده: خوبی‌های مذکور در قرآن متعلق به ما است»^۳.

ریشه و اساس تأویل شیعه

س ۷- اصل و ریشه این تأویلات شیعی برای قرآن ذکر می‌کنند چیست، مثال بیاورید؟

ج - اولین کتابی که اینگونه تفسیرها را پایه‌گذاری کرد تفسیر شیخ جابر بن یزید بن حارث جعفری کوفی (متوفای ۱۲۷ هجری) بود، او به تکفیر صحابه پیامبر ﷺ معروف بود، و از هواداران مؤسس مذهب شیعه یعنی ابن سبأ یهودی بود..
توضیح:

عجیب اینجاست که سخن شیعه در مورد موثوق بودن و تضعیف معرفی راوی ضد و نقیض است، برخی روایات می‌گویند که او (جابر حارث جعفری) از کسانی است که علم اهل بیت به او بر می‌گردد و صفات خدایی به او می‌دهند و می‌گویند او علم غیب

۱- اصول کافی ج ۲ / ۶۲۷ و تفسیر البرهان ۱ / ۲۱ و تفسیر الصافی ۱ / ۲۴ و اللوامع النورانیة بحرانی ص ۶.

۲- اصول الکافی ج ۲ / ۶۲۷.

۳- تفسیر عیاشی ج ۱ / ۹، و تفسیر فرات ص ۴۳ و بحار الانوار مجلسی ج ۲۴ / ۳۰۵، و کنز الفوائد کراچکی ص ۲، و تفسیر البرهان ج ۱ / ۲۱ و اللوامع النورانیة بحرانی ص ۷.

می‌دانسته و از آنچه را در شکم زنان باردار بود خبر داشت، محمد بن حسین مظفر می‌گوید: «جابر تنها از امام باقر هفتاد هزار حدیث روایت کرده است»^۱.

و در روایت دیگری به او طعنه می‌زنند و او را دروغگو و فریبکار و شیاد معرفی می‌کنند. و از زراره روایت کرده‌اند که گفت: «از ابا عبدالله در مورد احادیث جابر سؤال کردم؟ گفت: «جز یک دفعه او را نزد پدرم ندیده‌ام، و هرگز نزد من آمده است»^۲. این تناقض‌گویی است در مورد حکم کردن بر راویان شیعه و بزرگان آن‌ها، و از این بابت زیاد دارند!

نکته‌ای مهم این که کتاب‌های شیعه اثنا عشری از جابر فوق‌الذکر روایت کرده‌اند که در مورد این آیه که فرموده:

﴿كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ [الحشر: ۱۶].

گفته‌اند: شیطان عمر بن خطاب رضی الله عنه است، و نیز گفته‌اند: او بیشتر از شیطان مورد تعذیب قرار می‌گیرد.

ولی شیعه اثنا عشری عین این تفسیر را از جابر به ارث برده‌اند و بزرگان‌شان آن‌را در منابع اصلی و مورد اعتماد خود ذکر کرده و آن‌را از یکدیگر نقل کرده‌اند، بلکه کسی را که آیه را اینگونه تفسیر نکند تکفیر کرده‌اند، حال آنکه اصل این تفسیر یهودی است.^۳

و بزرگان شیعه گفته‌اند: ابوجعفر فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را جز به ولایت ما و برائت از دشمنان ما مبعوث نگردانیده است، و این مصداق این آیه است که خداوند جل جلاله می‌فرماید:

۱- الامام الصادق محمد حسین مظفر ص ۱۴۳ .

۲- مستدرک الوسائل ج ۱۲ / ۲۹۹ و بحار الانوار ۷۰ / ۲۶۰ ، و الغيبة ص ۱۶۴ و اکمال الدین ابن بابویه قمی ج ۳۴۹/۲ .

۳- ن ک کتاب کلینی که در حاشیه مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول مجلسی ج ۴ / ۴۱۶ چاپ شده است ، و تفسیر عیاشی ج ۲ / ۲۲۳ تفسیر صافی ج ۳ / ۸۴ ، و البرهان ج ۲ / ۳۰۹ و بحار الانوار ج ۳ / ۳۷۸ .

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾ [النحل: ۳۶].

یعنی: «ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستاده‌ایم که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید. خداوند گروهی از مردمان را هدایت داد، و گروهی از ایشان گمراهی بر آنان واجب گردید».

و می‌گویند: منظور از گروهی از آنان واجب گردید تکذیب آل محمد است».

مراجع قدیم شیعه امثال کلینی ﴿بِالْحَبِيبِ وَالطَّاغُوتِ﴾ [النساء: ۵۱] را به ابوبکر و عمرؓ تفسیر کرده است، آنجا که کلینی از ابا جعفر (که از این تهمت‌ها بری است) روایت کرده که گفت: «جبت و طاغوت فلان و فلان هستند»^۱.

مرجع عالی شیعه مجلسی می‌گوید: «مراد از فلان و فلان ابوبکر و عمر است»^۲. همچنین امیرالمؤمنین عمر بن خطاب را به (ثانی) توصیف می‌کنند، و روایت کرده‌اند که ائمه در مورد این آیه:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا﴾ [الفرقان: ۵۵].

گفته‌اند: مراد از کافر (ثانی) است که علیه علیؓ بود چون فرموده: ﴿عَلَىٰ رَبِّهِ﴾. و در مورد تفسیر این آیه:

﴿وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ﴾ [النحل: ۵۱] گفته‌اند: «یعنی دو امام را برنگزینید، چون امام فقط یکی است»^۳.

و در تفسیر این آیه:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَتْ بِالسُّورَةِ وَالشُّهَدَاءُ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۶۹].

۱- أصول الكافي ج ۱/ ۳۲۴-۳۲۵ (كتاب الحجة ح ۸۳ باب فيه نكت و نطف من التنزيل في الولاية)

۲- بحار الأنوار ج ۲۳/ ۳۰۶ (باب أنهم أنوار الله، وتأويل آيات النور فيهم عليه السلام).

۳- تفسير البرهان ج ۲/ ۳۷۳ و تفسير صافي كاشاني ج ۳/ ۱۳۴ و تفسير نور الثقلين حویری ج ۳/

می‌گویند: «یعنی زمین با نور (امام) روشن گردید، پس آنگاه مردم به سبب نور و روشنایی امام از نور خورشید و ماه بی‌نیاز می‌شوند»^۱.

و در مورد تفسیر این آیه:

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصص:

۸۸] مرجع شیعه قمی و غیره به نام ائمه (با دروغ و افتراء) این روایت را ساخته‌اند که گفته‌اند: «ما آن (وجه) هستیم که از آن طریق با خدا ارتباط می‌یابند»^۲.

توضیح:

نمونه‌هایی از تفسیر علمای شیعه برای قرآن ارائه می‌دهند و بیان گردید، در آن دوازده امام شیعه و مخالفشان ذکر شده‌اند، و علمای شیعه هزاران روایت برای اثبات این مطلب آورده‌اند و تأویلات باطنی که علمای شیعه آیات خداوند را با آن تفسیر می‌کنند با ابی‌عبدالله علیه السلام در میان گذاشته شد و به او گفتند: «از شما روایت شده است که مراد از شراب و قمار و انصاب و ازلام که در قرآن آمده افرادی هستند؟ گفت: «خداوند بندگان را با چیزی خطاب نمی‌کند که آن را نمی‌دانند»^۳.

این گفته ابی‌عبدالله علیه السلام در معتبرترین کتاب‌های رجال در مذهب شیعه آمده است، و همه آن تحریفاتی را که علمایشان ساخته و پرداخته‌اند نابود می‌کند، و در حقیقت این تحریفات (الحاد و تحریف) کتاب الله است، و خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [یوسف: ۲].

و فرموده: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].

مطالبی کمر شکن برای علمای شیعه

- ۱- تفسیر قمی ج ۲ / ۲۵۳ و تفسیر البرهان ج ۴ / ۸۷ و تفسیر صافی ج ۴ / ۳۳۱.
- ۲- تفسیر القمی ج ۱۴۷/۲ (سوره القصص) ج ۳۴۵/۲ (سوره الرحمن)، کنز الفوائد ص ۲۱۹ ابی‌الفتح محمد بن علی کراجکی ت ۴۴۹، مناقب آل ابی‌طالب ج ۳/۳۴۳ ابی‌جعفر رشید الدین بن شهر آشوب مازندرانی متوفای سال ۵۸۸، تفسیر الصافی ج ۱۱۰/۵ (سوره الرحمن)، بحار الأنوار ج ۱۹۲/۲۴ ح ۷ (باب أنهم علیهم السلام جنب الله ووجه الله وید الله وأمثالها)، تفسیر القرآن الکریم ص ۳۷۸ عبد الله بن محمد بن رضا شبر متوفای سال ۱۲۴۲ (سوره القصص).
- ۳- وسائل الشیعه حر عاملی ج ۱۷ / ۱۶۷ و رجال کشی، ص ۲۹۱.

۱- این تأویلات باطنی علمای شیعه که در کتاب‌های معتبر و مورد اتفاق‌شان آمده است، ابو عبدالله علیه السلام در مورد این تأویلات گفته‌اند: هرکس این‌ها را گفته است از یهودیان و نصارا و مجوس و مشرکین بدتر است.

و خود علمای شیعه از او روایت کرده‌اند که در مورد گویندگان این تأویلات گفت: «آن‌ها از یهود و نصارا و مجوس و مشرکین بدترند، سوگند به خدا که هیچ چیزی همانند آن‌ها عظمت الهی را ناچیز قرار نداده است، سوگند به خدا اگر به آنچه اهل کوفه در مورد من می‌گویند اقرار کنم زمین مرا فرو می‌بلعد، حال آنکه من بنده‌ای بیش نیستم و نمی‌توانم به کسی سود و زیان برسانم»^۱.

۲- این تأویلات آراء اجتهادی نیستند که بین علمای شیعه قابل مناقشه و بحث باشند، بلکه از دیدگاه علمای شیعه این تأویلات نصوص مقدس و قطعی همچون وحی هستند، و حتی از وحی هم بالاترند، چون این‌ها منسوخ نمی‌شوند، بلکه وحی قرآنی بوسیله امامشان منسوخ می‌شود، چنانکه عقیده آن‌ها در این مورد بیان خواهد شد. از سفیان سمط روایت کرده‌اند که گفت: به ابی عبدالله گفتم: فدایت شوم مردی از شما بسوی ما می‌آید که به دروغ گفتن معروف است، آنگاه حدیثی روایت می‌کند که آن را زشت و ناپسند می‌پنداریم، ابو عبدالله گفت: «اگر او ادعا کرد که من گفته‌ام شب روز است و روز شب است او را تکذیب نکن، چون اگر او را تکذیب کنی مرا تکذیب کرده ای»^۲.

۳- همانطور که قبلاً گفته شد؛ تفسیر بزرگان شیعه ظاهر و باطن دارد، و هر دو معتبرند!

ظاهر تفسیر برای عموم شیعیان گفته شده، و باطن آن فقط برای خواص شیعه که ویژگی تحمل را دارا هستند گفته می‌شوند!

۱- رجال کشی ج ۲۵۲/۴ شماره ۱۲۶ ح ۳۰ (ما روی فی محمد بن ابی زینب، اسمہ مقلاص، أبو الخطاب البراد الأجدع الأسدی)، بحار الأنوار ج ۲۵/۲۹۴-۲۹۵ ح ۵۳ (باب نفی الغلو فی النبی والأئمة صلوات الله علیه وعلیهم، و بیان معانی التفویض، و ما لا ینبغی أن ینسب إلیهم منها وما ینبغی أن ینسب). بحار الأنوار ج ۲۵/۲۹۴ و رجال کشی ص ۳۰۰.

۲- بحار الأنوار مجلسی ج ۲/۲۱۱-۲۱۲ و اللوامع النورانیة بحرانی ص ۵۴۹-۵۵۰.

عبدالله بن سنان از ذریح محاربی روایت می‌کند که گفت: به ابی عبدالله گفتم: خداوند در کتابش مرا به امری فرمان داده است دوست دارم آن را انجام دهم، گفت: آن فرمان چیست؟ گفتم: فرموده الهی که می‌فرماید:

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوْفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹]

گفت: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾ یعنی: دیدار با امام، ﴿وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ﴾ آن مناسک هستند، عبدالله بن سنان می‌گوید: آنگاه نزد ابا عبدالله آمدم و عرض کردم: فدایت شوم ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾ یعنی چه؟ فرمود: «یعنی گرفتن موی سبیل و کوتاه کردن ناخن و امثال آن. می‌گوید: گفتم: فدایت شوم ذریح محاربی از تو برایم روایت کرده که گفته- ای: یعنی دیدار با امام و آن مناسک، فرمود: ذریح راست گفته و تو هم راست می‌گویی، قرآن ظاهر و باطن دارد، و چه کسی توانایی تحمل آنچه را دارد که ذریح توانایی تحمل آن را داشته باشد»^۱.

توضیح:

در این عبارت و منصوص دیگر تصریح شده که قرآن یک معنی ظاهری دارد که برای عموم شیعه است، و معنایی باطنی دارد که ویژه‌ی خواص است که قدرت تحمل آن را دارند گفته می‌شود و آن‌ها افراد اندک و کمی هستند و ممکن است یافت نشوند (چه کسی توانایی تحمل آنچه را دارد که ذریح توانایی تحمل آن را دارد)!!!.

سوال اینجاست:

وقتی ائمه‌ی شیعه از نشر و بیان این علم باطنی بخل می‌ورزند، و از بیان آن برای عموم پرهیز می‌کنند مگر کسانی که در سطح ذریح باشند!! پس چرا کتاب‌های شیعه اثنا عشری با شیوه و روش ائمه خود مخالفت کرده‌اند، و این علم را برای خاص و عام منتشر نموده‌اند، و بلکه برای دشمنان دین‌شان یعنی اهل سنت نیز پخش کرده‌اند؟!.

﴿إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ﴾ [ص: ۵]. «واقعاً این (حرفی که می‌زند) چیز شگفتی است»

ولی جای شگفت نیست، چون شیعه خود را به بی‌پروایی و عدم کتمان وصف کرده‌اند. مرجع بزرگ شیعه کلینی از علی بن حسین علیه السلام روایت کرده که گفت:

۱- الفروع الکافی ج ۴ / ۵۴۹، من لایحضره الفقیه ج ۲ / ۱۹۰ - ۱۹۱ و تفسیر صافی ج ۳ / ۳۶۷ و نور الثقلین ج ۲ / ۴۹۲ و تفسیر البرهان ج ۳ / ۸۸ - ۸۹ و وسائل الشیعه ج ۱۰ / ۲۵۳ و مفتاح

«وَدِدْتُ وَاللَّهِ أَنِّي افْتَدَيْتُ خَصَلَتَيْنِ فِي الشَّيْعَةِ لَنَا بَعْضُ حَمِّ سَاعِدِي : التَّرَقُّ، وَقَلَّةُ الْكُتْمَانِ»^۱
 به خدا سوگند دوست داشتم با گوشت بازویم فدیهِی دو خصلت و اخلاق شیعه را می-
 دادم، بی‌پروایی و عدم رازداری.

۴- این تأویل و تفسیرهای باطنی که علمای شیعه برای قرآن ذکر می‌کنند و به آن معتقدند و به سوی آن دعوت می‌دهند الحاد و تحریف کتاب خدا و آیات قرآن، و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي
 ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [فصلت: ۴۰] «کسانی که
 آیات ما را مورد طعن قرار می‌دهند و به تحریف (حقائق و معانی) آن دست می‌یازند، بر ما
 پوشیده نخواهند بود آیا کسی که به آتش دوزخ انداخته می‌شود بهتر است یا کسی که (در
 سایه ایمان) در نهایت امن و امان، روز قیامت (به عرصه محشر) می‌آید؟ هر کاری که
 می‌خواهید بکنید، او می‌بیند هر آنچه را که انجام می‌دهید».

ادعای تحریف قرآن

س ۸- اولین کسی از شیعه که گفت قرآن کم و زیاد شده چه کسی بود؟
 ج - او شیخ شیعه هشام بن حکم جهمی بود که معتقد به جسم بودن خداوند بود،
 و ادعا می‌کرد که قرآن در زمان خلیفه راشد عثمان بن عفان رضی الله عنه ساخته و پرداخته
 شده است، و (به ادعای او) وقتی به گفته او صحابه مرتد شدند قرآن واقعی به آسمان
 برده شد.^۲

نخستین کتاب شیعه که عقاید شیعه در مورد تحریف و کم و زیاد شدن آن نوشته
 شد کتاب شیخ شیعه سلیم بن قیس هلالی متوفای سال ۹۰ هجری بود، حجاج بن
 یوسف در صدد قتل او برآمد، ولی او متواری گشت و به أبان بن ابی عیاش پناه برد، و

۱- أصول الکافی ج ۲/۵۷۵ (کتاب الإیمان والکفر حدیث رقم ۱ باب الکتمان)، وسائل الشیعة
 ج ۱۶/۲۳۵ ح ۲ (باب وجوب کتم الدین عن غیر أهله مع التقیة)، بحار الأنوار ج ۴۱۶/۶۸ ح ۴۰
 (باب الحلم، والعفو، وکظم الغیظ).

۲- التنبیه و الرد، ص ۲۵ ابی الحسین ملطی .

زمانی که مرگش فرارسید کتاب را به أبان داد، بنابراین، آن کتاب را فقط أبان از او روایت کرده است^۱، و اولین کتاب شیعی بود که آشکار و هویدا شد^۲.

و شیخ شیعه مجلسی در مورد آن می‌گوید: «آن کتاب یکی از اصول شیعه، و بزرگترین کتابی است که اهل علم و حافظان حدیث اهل بیت علیهم‌السلام روایت کرده‌اند، و نیز از همه کتاب‌ها مقدم‌تر است چون همه مطالب آن از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام... و از ابی عبدالله صادق علیه‌السلام روایت شده که گفت:

«من لم یکن عنده من شیعتنا و مُحَبِّبِنَا کتاب سلیم بن قیس المهلّالی فلیس عنده من امرنا شیء، ولا یعلم من أسبابنا شیئاً و هو أبجد الشیعة، و هو سرٌّ من أسرار آل محمد صلی الله علیه و آله»^۳.

یعنی: «هر کس از شیعیان ما کتاب سلیم بن قیس را نداشته باشد چیزی از امور ما و چیزی از اسباب ما را نمی‌داند، و این کتاب الف بای شیعه و یکی از اسرار آل محمد است».

آخوند شیعه کشی یادآور شده که أبان این کتاب را برای حسین بن علی خوانده، حسین علیه‌السلام گفت: «سلیم راست گفته، این حدیث برای ما آشنا است»^۴.

با اینکه این کتاب حاوی اصل اعتقاد مراجع شیعه‌ی سبئی است، یعنی خدا قرار دادن علی بن ابی طالب علیه‌السلام است، و در آن آمده که علمای شیعه وقتی علی علیه‌السلام را صدا می‌زنند می‌گویند: «ای آخر، ای ظاهر، ای باطن و ای کسی که به همه چیز دانا هستی»!!

و روایت می‌کنند که خورشید به علی گفت: «ای اول، ای آخر، ای ظاهر، ای باطن، ای کسی که به همه چیز داناست»^۵.

۱- رجال الحلی، ص ۸۲ - ۸۳ و رجال کشی، ص ۱۶۷، و الرجال برقی، ص ۳ - ۴، الفهرست ابن ندیم، ص ۲۱۹.

۲- الذریعه آقا بزرگ تهرانی، ج ۲ / ۱۵۲، و الفهرست ابن ندیم ص ۲۱۹.

۳- الذریعه إلی تصانیف الشیعة ج ۱۵۲/۲ رقم ۵۹۰.

۴- بحار الانوار ج ۱ / ۱۵۶ - ۱۵۸.

۵- کتاب سلیم ص ۳۸ و بحار الانوار ج ۴۱ / ۱۷۹ و ۱۸۱، و الفضائل شاذان بن جبرئیل قمی ص

و در برخی از روایات کتاب سلیم آمده است که علی را با این القاب خوانده اند: «ای اول، ای آخر، ای ظاهر، ای باطن، ای کسی که به همه چیز داناست».

و روایت کرده‌اند: «امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون رفت و ابوبکر و عمر و جمعی از مهاجرین و انصار همراه داشت، و تا بقیع پیاده روی کرد و روی زمین نشست، وقتی که خورشید سر برآورد علی علیه السلام گفت: سلام بر توباد ای خلق جدید و فرمانبردار خدا، بنابراین زمزمه ای را از آسمان شنیدند که جواب داد و گفت: و سلام بر تو باد ای اول، یا آخر، ای ظاهر، ای باطن، ای کسی که به همه چیز داناست. وقتی ابوبکر و عمر و مهاجرون و انصار این کلام خورشید را شنیدند، بیهوش شدند، سپس بعد از مدتی به هوش آمدند، دیدند که علی علیه السلام آن جا را ترک کرده و منصرف شده، سپس همراه همه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برگشتند و گفتند: تو می‌گویی علی مانند ما انسان است، در حالی که خورشید به نوع خطایی که با خداوند صورت می‌گیرد او را مورد خطاب قرار داد»^۱.
یک تعارض:

روایت کرده‌اند: «سپس بعد از مدتی به هوش آمدند»^۲ این اعتقاد را در کتابهای اساسی و مراجع معتمد خود ثبت کرده‌اند.

و نیز روایت کرده‌اند: خداوند عزوجل (به دروغ شیعه) در مورد علی فرمود: «ای محمد: علی اوّل است، و علی آخر است، و علی به همه چیز داناست»، در پاسخ رسول خدا گفت: ای پروردگار آیا چنین کسی با این اوصاف تو نیستی؟ فرمود: ای محمد علی اوّل، و علی آخر، و علی ظاهر و علی باطن است...»^۳. آیت بزرگ شیعه عبدالحسین عاملی آشکارا این را بیان کرده و می‌گوید:

أَبَا حَسَنِ أَنْتَ عَيْنُ الْإِلَهِ وَعِنْوَانُ قَدْرَتِهِ السَّامِيَّةُ
وَأَنْتَ الْمَحِيطُ بِعِلْمِ الْغَيْبِ فَهَلْ عِنْدَكَ تَعَزُّبٌ مِنْ خَافِيَةِ
وَأَنْتَ مُدَبِّرُ رَحَى الْكَائِنَاتِ وَعَلَّةُ إِيجَادِهَا الْبَاقِيَةِ

۱ - کتاب سلیم بن قیس ص ۴۵۳-۴۵۴ (امیرالمؤمنین علیه السلام يَكَلِّمُ الشَّمْسَ بِأَمْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ).

۲ - الفضائل ص ۶۹ لشاذان بن جبرئیل القمی ت ۶۶۰ تقریباً (خبر کلام الشمس معه علیه السلام).

۳ - بصائر الدرجات الكبرى ص ۵۳۴ ح ۳۶ (باب النوادر فی الأئمة عليهم السلام وأعاجيبهم).

لَكَ الْأَمْرُ إِنَّ شَيْئًا تُنْجِي غَدًا وَإِنْ شِئْتَ تَسْفَعُ بِالنَّاصِيَةِ^(۱)

یعنی: «ای اباالحسن تو عین خدایی، و عنوان قدرت والای خدایی. و تو بر علم غیب احاطه کرده‌ای، آیا هیچ چیز پنهانی نزد تو مخفی است. تو تدبیر کننده آسیاب جهان، و علت جاویدان بوجود آوردن آن هستی. فرمان از آن توست، اگر بخواهی فردا نجات می‌دهی، و اگر بخواهی موی پیشانی را می‌گیری و کشان کشان به دوزخ می‌بری^۲».

فاجعه‌ای بزرگ برای علمای شیعه

بعضی از علمای شیعه در کتاب سلیم مسئله مهمی را کشف کردند. آن‌ها قبل از آن که این مسئله اساس و پایه‌ی شیعه اثنا عشری را در هم شکنند و نابود کند آن را کشف کردند. خواننده عزیز فکر نکن این مسئله خدا خواندن دادن امیر المؤمنین علی علیه السلام، نه قضیه این نیست، چون آن‌ها این را قبول دارند، بلکه خطری که آن‌ها در کتاب مذکور متوجه آن گردیدند این بود که در این کتاب گفته شده بود: امامان سیزده تا هستند!!
این بلا و فاجعه بزرگی است که ساختار و بنیان اثنا عشری را به نابودی و سقوط تهدید می‌کند.

ابتدای ادعای تحریف قرآن

س ۹- علمای شیعه چگونه ابتدا کم و زیاد شدن و تحریف قرآن را مطرح کردند؟
ج- این نظریه از کتاب سلیم بن قیس آغاز شد و فقط دو روایت در این خصوص ذکر کرده بود، این قضیه داشت فراموش می‌شد، اما شیخ شیعه علی بن ابراهیم قمی (متوفای ۳۰۷) در قرن سوم این قضیه را احیا کرد و گفت: «بخشی از قرآن ناسخ، و

(۱) دیوان شعراء الحسين الجزء الأول من القسم الثاني الخاص بالأدب العربي ص ۴۸ نشره : محمد باقر الأروانی، وینظر : مقتبس الأثر ومجدد ما دثر ج ۱/۱۵۳ لمحمد الحائری، أعيان الشيعة ج ۵/۲۱۹ لمحسن بن الأمين العاملي متوفای سال ۱۳۷۲ .

۲- دیوان شعراء الحسين الجزء الأول من القسم الثاني الخاص بالأدب العربي ص ۴۸ نشره : محمد باقر الأروانی، وینظر : مقتبس الأثر و مجدّد ما دثر ج ۱/۱۵۳ لمحمد الحائری، أعيان الشيعة ج ۵/۲۱۹ لمحسن بن الأمين العاملي متوفای سال ۱۳۷۲ .

بعضی منسوخ است، و پاره ای از آن تحریف شده است، و قسمتی حرفی به جای حرف دیگر قرار گرفته، یا بر خلاف آن صورتی که خداوند نازل کرد قرار دارد، مانند:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^(۱۱۰)
 [آل عمران: ۱۱۰] گفتند: ابو عبدالله گفته: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ و گفتند این آیه هم تحریف شده ﴿لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَكُ يَشْهَدُونَ﴾ و كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا^(۱۱۱) [النساء: ۱۶۶] گفتند: در اصل بعد از ﴿أَنْزَلَ إِلَيْكَ﴾ «فی علی» است که حذف شده است.

و گفتند: این آیه در اصل چنین بوده:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ «فی علی» «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ»
 [المائدة: ۶۷] و نیز گفتند این آیه چنین بود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا﴾ «آل محمد حقهم» لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا^(۱۱۲) [النساء: ۱۶۸].
 و گفتند: این آیه هم در اصل چنین بود:

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ «آل محمد حقهم» ﴿فِي عَمْرَاتِ الْمَوْتِ﴾ [الشعراء: ۲۲۷].^۱

خواننده‌ی گرامی ملاحظه کن

بزرگان شیعه با روح و احساس از کتاب خدا بسیار فاصله دارند، بطوری که در نقل آیات قرآن اشتباه می‌کنند، یا عمداً بهتان و افتراء را به نام اهل بیت می‌سازند، بیندیش چگونه با روش غیبی بخشی از آیه‌ی ۲۲۷ شعراء را در کنار بخشی از آیه ۹۳ انعام قرار داده‌اند.

بعد از قُمی شاگردش محمد بن یعقوب کلینی رازی (متوفای سال ۳۸۲هـ) آمد و اعتقاد تحریف قرآن را احیا کرد، چنان که می‌گوید: از ابی عبدالله روایت است که گفت: «قرآنی که جبرئیل بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل کرده است هفده هزار آیه است»^۲.

۱- تفسیر قمی ج ۵/۱ و ۹-۱۰ و علمای شیعه در مورد این تفسیر گفته اند: اصل و اساس تفاسیر است. مقدمه تفسیر قمی ص ۱۰.

۲- الکافی ج ۲ / ۶۳۴.

همچنین از علمای شیعه محمد بن مسعود بن عیاش سلمی معروف به عیاشی سخن از تحریف قرآن گفت، چنان که می‌گوید: «میسر از ابی جعفر روایت کرده که گفت: اگر قرآن کم و زیاد نمی‌شد حق ما بر افراد عاقل پوشیده نبود»^۱.

و همچنین محمد بن حسن صفار از ابی جعفر روایت می‌کند که گفت: «... اما کتاب خدا را تحریف کردند و کعبه را منهدم نمودند و عترت را به قتل رسانیدند»^۲. و نیز از علمای شیعه که گفته‌اند قرآن تحریف شده است فرات بن ابراهیم کوفی متوفای ۳۵۲هـ را می‌توان ذکر کرد. و علی بن احمد ابو القاسم کوفی در کتابش «الاستغاثه ص ۲۵» گفته: قرآن تحریف شده است، و مدعی بود که این آیه حاوی نام علی بود و چنین بوده:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْزَلَ اللَّهُ فِي عَلِيٍّ﴾ [البقرة: ۹۰].

یکی دیگر از آن‌ها محمد بن ابراهیم نعمانی (متوفای ۳۸۰هـ) است، از جمله از اصبع بن نباته روایت کرده که گفت: «از علی عليه السلام شنیدم که می‌گفت: گویی عجم را می‌بینم که در مسجد کوفه در خیمه‌های خود در مسجد قرآن را آنگونه که نازل شده به مردم آموزش می‌دهند، گفتم: ای امیرمؤمنان مگر این قرآن آنگونه نیست که نازل شد؟ گفت: خیر، نام هفتاد نفر از قریش با نام خود و پدرانشان در آن ذکر شده بودند، ولی نامشان از آن پاک شده، و نام ابولهب را تنها به منظور تحقیر رسول خدا صلى الله عليه وآله پاک نکردند چون عموی ایشان بود»^۳.

و شیخ شیعه محمد بن محمد بن نعمان ملقب به مفید (متوفای ۴۱۳ هجری) در کتابش (اوائل المقالات ص ۵۱) می‌گوید: علمای شیعه بر این عقیده اجماع دارند. همچنین در کتاب خود (الارشاد ص ۳۶۵) آن را نقل کرده است. و از جمله علمای شیعه که می‌گویند قرآن تحریف شده است. طبرسی صاحب کتاب (الاحتجاج) است^۴.

۱- ن ک ج ۱ / ۱۳ / ۱۶۸ - ۱۶۹ و ۲۰۶ و همچنین تفسیر فرات ص ۱۸ و ۸۵ و مقدمه تفسیر البرهان ص ۳۷ و بحار الانوار ج ۲۹ / ۳۰ و ج ۸۹ / ۵۵ و تفسیر ابن مسعود معروف به عیاشی ج

۱۳ / ۱

۲- بصائر الدرجات الكبرى ص ۴۱۳.

۳- الغيبة ص ۳۱۸ ح ۵ (باب ۲۱: ما جاء في ذكر أحوال الشيعة عند خروج القائم عليه السلام وقبله وبعده).

۴- ن ک الكافي ج ۲ / ۶۳۴.

هاشم بن سلیمان بحرانی کتکانی در مقدمه تفسیرش ص ۳۶ می‌گوید: بدان که حقیقتی که بر مبنای روایات متواتر بیان می‌شوند گریز ناپذیر است، و آن اینکه: بعد از پیامبر ﷺ در قرآنی که در دسترس ما قرار دارد تغییری پدید آورده شده است، و کسانی که بعد از پیامبر ﷺ آن را جمع‌آوری کرده‌اند بسیاری از کلمات و آیات را حذف کرده‌اند.^۱

در اواخر قرن ۱۳ شیعه دچار رسوایی بزرگی شدند

استاد علمای شیعه حسین نوری طبرسی (متوفای ۱۳۲۰هـ) کتاب بزرگی تألیف کرد و در آن اعتقاد و نظر علمای شیعه را بر این باور کفر آمیز جمع‌آوری کرد و آن را (فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب ربّ الارباب) نامید و این کتاب برای همیشه لکه ننگی برای شیعیان است.

س ۱۰- خلاصه عقیده علمای شیعه را در مورد تحریف قرآن بیان کنید؟.

ج - شیخ شیعه مفید می‌گوید: «می‌گوییم: روایات متعدّد و مشهور از ائمه هدایت از آل محمد ﷺ نقل شده که قرآن دستخوش تحریف کم و زیاد شدن قرار گرفته». و همچنین می‌گوید: «امامیه براین اتفاق کرده‌اند که ائمه‌ی گمراهی - یعنی بزرگان صحابه - در موقع جمع‌آوری قرآن در موارد زیادی با حقیقت مخالفت کرده و از آنچه مقتضای نزول قرآن و سنت نبوی بوده تجاوز کرده‌اند، و معتزله و خوارج و زیدیه و مرجئه و اهل حدیث در همه این موارد با امامیه مخالف کرده‌اند».^۲

عاملی می‌گوید: «بعد از بررسی روایات و احادیث به این نتیجه رسیده‌ام که مقوله‌ی تحریف قرآن کاملاً درست است، طوری که یکی از ضروریات و بدیهیات مذهب شیعه است، و یکی از بزرگترین مفاصد غصب خلافت همین بوده است».^۳ نکته جالب اینکه انکار کننده‌ی بدیهیات به نظر شیعه کافر است.

و مجلسی می‌گوید: «ولی اصحاب پیامبر ﷺ کاری کردند که قوم موسی کردند آن‌ها از گوساله سامری این امت یعنی ابوبکر و عمر پیروی کردند، و اینگونه منافقان

۱- تفسیر مرآة الأنوار ومشکاة الأسرار ص ۳۶.

۲- اوائل المقالات ص ۱۳، ۴۶، ۵۴، ۸۰.

۳ ابوالحسن عاملی مرآة الانوار و مشکاة الاسرار ص ۳۶، مقدمه البرهان ص ۴۶ فصل چهارم.

خلافت پیامبر ﷺ را از جانشین او غصب کردند و به خلیفه خدا یعنی قرآن تجاوز کردند، و آن را تحریف کرده و تغییر دادند و هر چه خواستند با آن کردند»^۱.
و عاملی می‌گوید: «در زیارتنامه‌های متعددی همچون زیارتنامه غدیر و غیره، و دعاهایی همچون دعای دو بُت قریش و غیره عبارات آمده که به تحریف قرآن بعد از پیامبر ﷺ تصریح شده است»^۲.

طبرسی پیرامون روایاتی که در مورد طعن و ایراد به قرآن گفته: «آن روایات رقم بسیار بالایی دارند، تا جایی که سید نعمت الله جزایری در برخی از تألیفات خود (آنگونه که از او نقل کرده‌اند) گفته: روایات دال بر این موضوع بالای دو هزار است»^۳. سپس بیست و یک روایت برای اثبات عقیده‌اش در مورد تحریف ذکر کرده است^۴.
و طبرسی در مورد روایاتی که به قرآن طعنه می‌زنند می‌گوید: «این روایات بسیار زیادند، تا جایی که سید نعمت الله جزائری در یکی از کتاب‌هایش می‌گوید: روایاتی که به قرآن طعنه می‌زنند و بر تحریف آن دلالت می‌کنند بیش از دو هزار روایت هستند»^۵.

مرجع عالیقدر شیعه نعمت الله جزائری می‌گوید: «تسلیم شدن به این مقوله که قرآن متواتر است و همه‌ی آن توسط جبرئیل از جانب خدا نازل شده می‌شود روایات و احادیث مشهور و متواتری که بر تحریف شدن قرآن دلالت دارند دور انداخته شوند، حال آن که اصحاب ما این روایات را صحیح دانسته و آن را تصدیق کرده‌اند»^۶.
و سرپرست حوزه علمیه، ابوالقاسم موسوی خویی می‌گوید: «کم و زیاد شدن حروف و یا حرکت‌های قرآن امری قطعی است»^۷.

اعتقاد به تحریف قرآن نزد شیعه، متواتر است

- ۱- حیاة القلوب مجلسی ج ۲ / ۵۴۱.
- ۲- مرآة الأنوار، المقدمة ص ۳۶-۳۹.
- ۳- فصل الخطاب ص ۱۲۵ لحسین النوری الطبرسی
- ۴- البرهان المقدمه ص ۳۶ - ۳۹.
- ۵- فصل الخطاب ص ۱۲۵ حسین نوری طبرسی .
- ۶- الانوار النعمانية الجزایری ج ۲ / ۳۵۷.
- ۷- البیان فی تفسیر القرآن ج ۱ / ۱۳۶.

س ۱۱- آیا اعتقاد به تحریف و کم و زیاد شدن قرآن نزد علمای شیعه به حد تواتر رسیده است؟.

ج - بله !! علامه شیعه عبدالله شبر می‌گوید: «قرآنی که بر پیامبر ﷺ نازل شد، از قرآنی که امروزه پیش روی ماست بیشتر بود، و مقدار زیادی از آن حذف شده است، همانگونه که روایات زیادی که تقریباً به حد تواتر رسیده‌اند بر این امر دلالت می‌نمایند، و ما این مطلب را در کتابم (منية المحصلين في حقیقة المجتهدین) ... توضیح داده ایم»^۱.

مطلبی کمر شکن برای علمای شیعه

روایت کرده‌اند که در مورد این آیه که می‌فرماید:

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ اُنْيَبُ﴾ [الشوری: ۱۰]. «در هر چیزی که اختلاف داشته باشید، داوری آن به خدا واگذار می‌گردد. چنین داوری خدا است که پروردگار من است و من بدو پشت می‌بندم به خداوند متعال مراجعه می‌کنم».

علی علیه السلام گفته است: «ارجاع به خداوند یعنی ارجاع و برگردان به کتاب خدا»^۲. علت این است که به اعتقاد علی علیه السلام قرآن از دستبرد و تحریف محفوظ است.

برای بیان کشف آخوندها و بزرگان شیعه همین مقدار کافی است که امیر مؤمنان علی علیه السلام که در دیدگاه خیلی از شیعیان خدای آفریدگار است، و نزد برخی دیگر نبی سخنور است، و از دیدگاه سایر شیعیان امام معصوم است، پنج سال و نه ماه که خلیفه-ی فرمانروا و اطاعت شده بود، در حالی که در اماکن دینی و مساجد قرآن قرائت می‌شد، و ایشان هم امام و پیشنماز مردم بود، و همه مصحف‌ها در دسترس و زیر نظر او بود، آیا اگر تحریف و تبدیلی در آن‌ها مشاهده می‌کرد آنگونه که آخوندهای بزرگ شیعه ادعا می‌کنند آن‌ها را تأیید می‌کرد؟ سپس دوران خلافت پسرش، امام حسن فرا رسید و او هم به روش مانند پدرش ادامه داد.

۱- مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاحبار، عبدالله شبر ص ۲۹۵.

۲- نهج البلاغه سید الشریف الرضی أبی الحسن محمد بن الحسین الموسوی ت ۴۰۶، تحقیق: فارس الحسون، خطبة ش ۲۱۳.

چگونه این خائنان به خود اجازه می‌دهند در مورد کم و زیاد شدن و تحریف قرآن حرف بزنند؟ حال آنکه جهاد و مبارزه با کسانی که قرآن را تحریف و اسلام را تبدیل و دگرگون کنند نزد علی بیشتر از جنگیدن با اهل شام که در یک رأی و دیدگاه با او مخالفت کردند مهم‌تر بود، بنابر این دروغ شیعه با برهان و دلیلی روشن شد که در مقابل آن پاسخی ندارند. والحمد لله رب العالمین.

نمونه‌های تحریف به ادعای شیعه

س ۱۲- آیا بزرگان شیعه در این باره با صراحت اعتقاد خود را بیان می‌کنند، لطفاً چند نمونه را ذکر کنید؟
ج - بله، و از آن جمله ادعا می‌کنند که در قرآن این سوره در قرآن بوده به نام سوره‌ی ولایت:

«يا أيها الذين آمنوا آمنوا بالنبیِّ والولیِّ اللذین بعثناهما یدیانکم إلى صراط مستقیم، نبیِّ وولیِّ بعضُهما من بعض وأنا العلیمُ الخبیرُ، إِنَّ الذین یُوفون بعهد الله لهم جناتُ النعیم والذین إذا تلیت علیهم آیاتنا کانوا بآیاتنا مکذبین، فَإِنَّ لهم فی جهنم مقاماً عظیماً إذا نُودی لهم یوم القیامة أین الظالمون المکذبون للمرسلین ، ما خلفهم المرسلین إلا بالحق وما کان الله لیظهرهم إلى أجل قریب ؟ سَبَّح بحمد ربک وعلیٌّ من الشاهدین»^۱.

چه یاوه گویی و چقدر نادانی !!

و از آن جمله این که کلینی (آن یگانه مرجع بزرگ شیعه!) از جابر روایت می‌کند که گفت: جبرئیل آیه‌ی ذیل را اینگونه بر محمد نازل کرد: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾ [البقرة: ۲۳]^۲.

همچنین از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت کرده که گفت: «ابوالحسن علیه السلام مصحفی به من داد و گفت: به آن نگاه نکن، ولی وقتی آن را باز کردم دیدم در سوره

۱- تذکرة الأئمة ص ۹-۱۰ محمد باقر مجلسی، فصل الخطاب ص ۱۸۰ نوری .

۲- أصول الکافی ج ۱/۳۱۵ (کتاب الحجة ح ۲۶ باب فيه نکت و تنف من التنزيل في الولاية)

«بینه» نام هفتاد نفر از قریش و نام پدران‌شان در آن سوره ذکر شده بود. گفت: سپس یکی را دنبال آن مصحف فرستاد و آن را از من باز پس گرفت»^۱.

همچنین گفت: «از ابی الحسن علیه السلام روایت است که گفت: آیه (۶۶ نساء) این چنین نازل شده:

﴿وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أُخْرِجُوا مِنْ دَيْرِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ (فی علی) لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَنبِيْثًا﴾ [النساء: ۶۶]^۲.

و در مورد ۷۱ سوره احزاب از ابا عبدالله روایت کرده‌اند مع اینچنین نازل شده:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فِي وِلَايَةِ عَلِيٍّ وَ وِلَايَةِ ائِمَّةٍ مِنْ بَعْدِهِ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الاحزاب: ۷۱]^۳.

و در مورد آیه ۱۸ قیامه ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾^۷ فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ^{۱۸} [القیامة: ۱۷-۱۸]، به جای ﴿عَلَيْنَا﴾ علیاً را قرار داده‌اند.

و کلینی با سند خود از عبدالله بن سنان، و او از ابی عبدالله روایت کرده که در مورد این آیه: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَلَمْ نُحِجْ لَهُ عَزْمًا﴾ [طه: ۱۱۵]. گفت: سوگند به خدا این آیه در اصل اینگونه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شد: «و لقد عهدنا الى آدم كلمات في محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين و الائمة من ذريتهم ث»^۴.

در مورد این آیه که خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ ءَامَنَّا بِهِ ء وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الملك: ۲۹]. از ابا عبدالله روایت می‌کنند که (به دروغ شیعه) گفت: در اصل آیه اینگونه

۱- أصول الكافي ج ۲/۸۲۴ (كتاب فضل القرآن ح ۱۷ باب النوادر).

۲- أصول الكافي ج ۱/۳۲۰ (كتاب الحجة ح ۶۰ باب فيه نكت و نكت من التنزيل في الولاية)

۳- أصول الكافي ج ۱/۳۱۲ (كتاب الحجة ح ۸ باب فيه نكت و نكت من التنزيل في الولاية).

۴- الكافي ۱/۱۶.

نازل شد (یا معشر المكذبین حیث انبأتکم رسالۃ ربی فی ولایة علی و الائمة من بعده من هو فی ضلال مبین)^۱.

و از ابوالحسن علیه السلام روایت کرده‌اند که گفت: «ولایت علی در همه صحیفه‌های پیامبران نوشته شده است، و هیچ پیامبری را خداوند مبعوث نمی‌کند مگر با نبوت محمد و وصیت علی علیه السلام»^۲.

و شیخ شیعه کاشانی می‌گوید: «از روایاتی که از طریق اهل بیت رسیده‌اند چنین بر می‌آید قرآنی که میان ما است کاملاً به صورتی نیست که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است، بلکه بعضی از آن بر خلاف صورتی است که خداوند نازل کرده است و بخشی از آن تحریف شده و تغییر یافته است، و چیزهای زیادی از آن حذف شده است، از آن جمله اینکه اسم علی علیه السلام از بسیاری جاها حذف شده، و کلمه «آل محمد» بیش از یک بار حذف شده، و همچنین اسامی منافقین و دیگر چیزها هم از آن حذف پاک شده است، و همچنین این قرآن بر آن ترتیبی که خدا و پیامبرش پسندیده‌اند قرار ندارد»^۳.

توضیح مهم:

در نصوص سابق علمای شیعه شهادت می‌دهند که در مورد ائمه و وصی بودن علی علیه السلام چیزی در کتاب خدا ذکر نشده است، و این قضیه اساس آن‌ها را از ریشه بیرون می‌آورد، بنابراین علمای شیعه چاره ای جز این نداشته‌اند که بگویند: قرآن تحریف و کم و زیاد شده است، و عوام خود را ملزم کرده‌اند تا در مورد قرآن چنین معتقد باشند. بنابراین امام و مرجعشان مجلسی چنان که قبلاً بیان شد می‌گوید: روایاتی که در مورد تحریف قرآن آمده‌اند از روایات امامت کمتر نیستند، و اگر تحریف قرآن ثابت نشود؛ امامت و دیگر عقاید شیعه اثبات نمی‌گردند.

مجلسی درست گفته، در حقیقت نه هیچ تحریفی در قرآن صورت گرفته، و نه مسئله‌ی امامت ثابت است، و نیز عقیده رجعت و دیگر عقایدی که علمای مذهب شیعه را منحرف کرده‌اند بی‌اساس است.

۱- الکافی ج ۴۲۱/۱.

۲- الکافی ج ۱/۴۳۷.

۳- تفسیر الصافی، مقدمه ششم.

دیدگاه شیعه در مورد تعداد آیات قرآن

س ۱۳- پس اعتقاد علمای شیعه در مورد تعداد آیات قرآن چیست، و آیا در این مورد اتفاق نظر دارند؟

ج - نه، بلکه اختلاف دارند! شیخ آنان کلینی^۱ از هشام بن سالم، و او از ابی عبدالله علیه السلام روایت می‌کند که گفت: «قرآنی که جبرئیل برای محمد صلی الله علیه و آله آورد، هفده- هزار آیه بود».

و علمای شیعه این افسانه را صحیح دانسته‌اند! مجلسی می‌گوید: «این روایت صحیح است»^۲.

و شیخ شیعه مازندرانی (متوفای ۱۰۸۱ یا ۱۰۸۶هـ) می‌گوید: «صاحب کتاب (اکمال الإكمال) شارح مسلم به نقل از طبرسی گفته: آیات قرآن شش هزار و پانصد آیه هستند، پنج هزار آیه در مورد توحید، و بقیه در مورد احکام و قصص است. من می‌گویم: اضافه بر این تعداد، آیاتی هستند که بر اثر تحریف از قرآن حذف شده‌اند»^۳.

و علامه‌ی شیعه مجلسی می‌گوید: «این روایت و بسیاری دیگر از روایات صحیح به صراحت کم شدن و تغییر یافتن قرآن را بیان می‌دارند»^۴.
توضیح:

این افسانه را علمای شیعه با واژه (ده هزار آیه) ذکر کرده‌اند^۵. سپس ارقام و اعداد را بصورت علنی تا (هفده هزار آیه) افزایش دادند^۶. سپس این افزایش به هیجده هزار رسید، همانگونه که در کتاب سلیم بن قیس آمده است^۷. و همچنان تا به امروز پیشرفت در افزایش شمار آیات قرآن ادامه داشته است!!

موضعگیری امامیه در مورد ادعای تحریف قرآن

۱- الکافی ج ۲ / ۱۳۴ و ۲۴۲.

۲- مرآة العقول مجلسی ج ۲ / ۵۳۶.

۳- شرح جامع علی الکافی ۱۱ / ۷۶.

۴- مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول مجلسی ج ۲ / ۵۳۶.

۵- الوافی جلد دوم ۱ / ۲۷۴.

۶- الکافی ۲ / ۱۰۳۴.

۷- مازندرانی شرح جامع ج ۱۱ / ۷۶.

س ۱۴ - موضع علمای معاصر شیعه در رابطه با اعتقاد به تحریف قرآن چیست؟
ج - علمای معاصر شیعه در این مورد به چهار گروه تقسیم شده‌اند.

گروه اول

گروه اول وجود چنین عقیده‌ای را در کتاب‌هایشان انکار می‌کنند. از جمله عبدالحسین امینی نجفی است (متوفای ۱۳۹۲) در ردّ که گفته شده علمای شیعه می‌گویند: قرآن تحریف شده است، می‌گوید: «ای کاش این فرد گستاخ به منبع اتهام خود از کتاب معتبر شیعه اشاره می‌کرد...، این فرقه‌های شیعه پیش از همه امامیه اتفاق نظر دارند بر این که مجموع آنچه بین دو برگ اول و آخر قرآن است آن کتاب آسمانی است که شک و تردیدی در آن نیست»^۱.

توضیح:

خداوند نجفی را طوری به سخن آورده که خودش هم نفهمیده، او در همین کتابش^۲ آیه ای دروغین ذکر کرده است می‌گوید: خداوند می‌فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم باماتمه فمن لم یأتهم به و من کان من ولدی من صلیبه الی یوم القیامه فاولئک حبطت اعمالهم و فی النار هم خالدون ... ان ابلیس اخرج آدم مع کونه صنوة الله بالחסد ، فلا تحسدوا فحبطت اعمالکم و تزل اقدامکم ...».

یعنی: «امروز دین شما را با امامت او کامل کردم، پس کسی که از او و دیگر فرزندانم که تا قیامت از پشت و نسل او هستند پیروی نکند، آن‌ها اعمالشان باطل شده و در دوزخ جاویدان هستند،..... همانا ابلیس آدم را با حسادت و رشک ورزیدن از

۱- الغدیر ج ۳ / ۹۴ و ۹۵ ، از جمله اموری که خنده آور و گریه آور است این است که نجفی جلد هفتم کتابش را با تقریظ و ستایش بولس سلامه مسیحی شروع می‌کند، و هر مسیحی می‌گوید: «به من افتخار دادید که نوشته مرا در مقدمه کتابتان قرار دادید ، من این کتاب گرانبهار را مطالعه کردم و فکر می‌کنم مرواریدهای دریاها در حوض و غدیر شما جمع آوری شده‌اند به خصوص آنچه در مورد خلیفه دوم گفته بودید توجه مرا به خود جلب کرد آفرین بر شما چقدر دلیل و حجت شما قوی است ، الغدیر ج ۷ / ۷ و این شیعه غافل از ستایش این مسیحی شادمان گردید و در مقابل او را می‌ستاید و در مورد تقریظ او می‌گوید: این نوشته از سوی پژوهشگر مسیحیان و قاضی آزاد و شاعر آگاه استاد بولس سلامه به دست ما رسیده است کاملاً از او متشکریم) الغدیر

ج ۷ ص ۷ .

بهشت خارج ساخت با وجود اینکه برگزیده خدا بود، پس حسود نباشید تا کردارتان نابود نگردد و نلغزید».

آیت بزرگ شیعه نجفی می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: این آیه در مورد علی نازل شده است.^۱

خداوند او را رسوا کند، ببین چگونه فرزند را به خدا نسبت داده، و چیزی گفته که یهود و نصارا هم نگفته‌اند، و بهتان و افترا بی را به خداوند متعال بسته : «من ولدی من صلبه الی یوم القیامة» «از فرزندانم که از نسل علی هستند تا روز قیامت. آیا ائمه اولاد خدا هستند؟ یا همه از پشت علی هستند؟ پناه بر خدا از شرک و اهل شرک».

خداوند متعال فرمود:

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۗ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ۗ﴾ ﴿۸۸﴾ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۗ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۗ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۗ إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا ۗ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ۗ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ۗ﴾ ﴿۹۵﴾ [مریم: ۸۸-۹۵].

یعنی: «می‌گویند: خداوند مهربان فرزندی برای خود برگرفته است! واقعاً چیز بسیار زشت و زنده‌ای را می‌گوئید. نزدیک است آسمان‌ها به خاطر این سخن از هم متلاشی گردد، و زمین بشکافد، و کوه‌ها به شدت درهم فرو ریزد! از این که به خداوند مهربان، فرزندی نسبت می‌دهند. برای خداوند مهربان سزاوار نیست که فرزندی بگیرد. تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، بنده خداوند مهربان (و فرمانبردار یزدان) می‌باشند. او همه آنان را سرشماری کرده است، و دقیقاً تعدادشان را می‌داند. و همه آنان روز رستاخیز تک و تنها (بدون یار و یاور و اموال و اولاد و محافظ و مراقب) در محضر او حاضر می‌شوند».

گروه دوم

این گروه به چند دسته تقسیم شده‌اند:

گروه دوم به وجود عقیده تحریف قرآن اعتراف کرده‌اند، اما کوشیده‌اند آن را توجیه کنند، بنابراین دسته‌ای از آن‌ها می‌گویند: روایاتی که در مورد اثبات تحریف آمده‌اند

ضعیف و شاذ و اخبار آحادی هستند که مفید علم و عمل نیستند، و باید یا تأویل شوند یا دور انداخته شوند.^۱

توضیح:

علمای شیعه چه پاسخی برای گفته‌های بزرگان شیعه دارند مبنی بر اینکه «روایات در مورد تحریف و کم کردن و افزودن به قرآن به حد تواتر و استفاضه رسیده است»، کسی هم که روایات تحریف را نقل کند و ایمان و اعتقاد خود را به آن‌ها ابراز کند جایز نیست به او باور کرد و اعتماد نمود.

دسته‌ای دیگر از این طیف می‌گویند: روایات ثابت هستند، ولی از اینکه ائمه گفته اند: «اینطور نازل شده است»، منظور تفسیر آن است، یعنی اینطور تفسیر می‌شود.^۲

توضیح:

این سخن آن‌ها تاکید است بر عقیده تحریف قرآن که در کتاب‌هایشان آمده است، و دفاع از قرآن نیست، چگونه تفسیر صحابه برای قرآن از دیدگاه این افراد تحریف شمرده می‌شود، و آنچه آخوندهایی چون قُمی و کلینی و مجلسی گفته‌اند مبنی بر تحریف قرآن به تفسیر توجیه می‌شود؟!!

گروه سوم از علمای معاصر شیعه می‌گویند: منظور از تحریف که در روایات آمده یا نسخ است، یا آیاتی است^۳ که تلاوت‌شان نسخ شده است.^۴

رسوایی شیعه:

اما آخوند بزرگ شیعه امروز که او را امام اکبر و آیت عظماء لقب می‌دهند، و سرپرست حوزه علمیه و بزرگترین مرجع است، ابوالقاسم خویی متوفای ۱۴۱۳ معتقد است که ادعای منسوخ بودن تلاوت همان ادعای تحریف است.^۵

ولی خیلی واضح است که نسخ و تحریف با هم فرق دارند، تحریف کاری است که انسان انجام می‌دهد و خداوند انجام دهنده آن را نکوهش و مذمت کرده است، ولی نسخ از سوی خداوند متعال انجام شده، خداوند متعال می‌فرماید:

۱- اصل الشیعه محمد ال کاشف الغطاء ص ۶۳ - ۶۴ .

۲- المیزان حسن طباطبایی ج ۱۲ / ۱۰۸ .

۳- یعنی تعداد بیشتری که ذکر می‌کنند .

۴- کاشانی الوافی مجلد دوم ج ۱ / ۲۷۴ .

۵- البیان خوئی ص ۲۱۰ .

﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ [البقرة: ۱۰۶].

هر آیه‌ای را که رها سازیم (و به دست فراموشی سپاریم) ، و یا این که (اثر معجزه‌ای را از آئینه دل مردمان بزدائیم و) فراموشش گردانیم، بهتر از آن یا همسان آن را می‌آوریم و جایگزینش می‌سازیم . مگر نمی‌دانی که خداوند بر هر چیزی توانا است؟

و نسخ به هیچ وجه مستلزم مفهوم دستبرد شدن در کتاب خدا نیست . گروه چهارم: از علمای معاصر شیعه می‌گویند: قرآنی که اکنون در دست ما است تحریف نشده است، اما ناقص است و آیاتی مختص به ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام از آن کم شده، ولی بهتر بود عنوان بحث را (ناقص کردن قرآن) قرار می‌دادند، یا اینکه با صراحت نزول وحی دیگری یا عدم آن را اعلام می‌کردند، تا کفار نتوانند انسان‌های سبک مغز و نادان را به ادعای اینکه گروهی از مسلمین به تحریف قرآن اعتراف کرده‌اند فریب ندهند و گمراه نسازند^۱.

توضیح:

این گفته نیز چون گفته سابق دفاع نیست، بلکه تأکیدی است بر اینکه آن‌ها معتقد به تحریف قرآن هستند، چون می‌گویند از آن کم شده است.

گروه پنجم می‌گویند: ما به این قرآن موجود ایمان داریم، و آن کم و زیاد نشده است، اما ما شیعیان دوازده امامی اقرار می‌کنیم قرآنی هست که علی علیه السلام با دست خود بعد از فازغ شدن از کفن پیامبر صلی الله علیه و آله و اجرای وصیت‌هایش آن را نوشته است. و همواره این قرآن همچون هدیه‌ای الهی است و اکنون نزد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نگهداری می‌شود^۲.

توضیح:

مدعیان این سخن اعتراف می‌کنند که قرآنی دیگر غیر از این قرآن موجود در دست مسلمانان نزد امام مهدی هست، پناه بر خدا از شرک.

گروه سوم، علمای معاصر شیعه هستند

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه ج ۳ / ۳۱۳ - ۳۱۴ اثر آغا بزرگ تهرانی .

۲- الاسلام علی ضوء التشیع حسین خراسانی ص ۲۰۴ .

این گروه با روشی حيله گرانه تظاهر می‌کنند به اینکه نقص و تحریف قرآن را انکار می‌کنند و قبول ندارند. یکی از پلیدترین کسی که از این روش استفاده کرده آیت شیعہ خوئی است که سابقاً مرجع شیعیان عراق و برخی نواحی دیگر بود. او در تفسیرش «البیان» گفته: «چیزی که بین علما و محققین شیعہ در این موضوع مشهور است، و حتی بدان تسلیم شده‌اند تحریف نشدن قرآن است»^۱.

توضیح:

اما آقای خوئی خودش قاطعانه مجموعه ای از روایات تحریف قرآن را تصحیح کرده و می‌گوید: «بسیاری از روایات موجب این هستند که قاطع باشیم در اینکه از معصومین صادر شده‌اند، و کمتر از این نیستند که به آن‌ها اطمینان داشت، و در میان آن‌ها برخی به طریق معتبر روایت شده‌اند»^۲. و خوئی اعتقاد علمای شیعہ به نقص قرآن را انکار می‌کند، اعتقاد خود را به «مصحف فاطمه و علی علیهما السلام» اعلام کرد که (به ادعای او) نام در آن دو مصحف نام ائمه و چیزهای اضافی ذکر شده که کتاب الله نیست، و ادعای می‌کند که امت اسلام و قبل از همه صحابه رضی الله عنهم قرآن را بر خلاف معنی واقعی آن تفسیر کرده‌اند، ولی تحریفاتی که کلینی و قُمی و عیاشی در مورد تفسیر قرآن کرده‌اند تفسیر واقعی قرآن است^۳.

رسوایی بزرگ خوئی:

آقای خوئی خود را رسوا کرده و اعتقاد خود را در مورد تحریف بیان کرد و گفت: «این امت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله برخی کلمات را تغییر داده و به جای آن کلمات دیگری قرار داده‌اند... تا آنجا که گفته: عیاشی از هشام بن سالم روایت است که گفت: از ابا عبدالله در مورد این فرموده‌ی خدا سؤال کردم: ﴿إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَعَآلَ عِمْرَانَ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۳۳] گفت: در اصل (آل ابراهیم و آل محمد) بوده که اسمی را به جای اسم دیگری قرار دادند».

گروه چهارم

۱- البیان فی تفسیر القرآن ص ۲۰۱

۲- البیان فی تفسیر القرآن ص ۲۰۱.

۳- منبع سابق ص ۲۲۹

گروهی هستند که آشکارا این اندیشه‌ی کفرآمیز را بیان می‌کنند و از آن استدلال می‌نمایند. و کسی که کفر بزرگ را برعهده گرفت حسین نوری طبرسی (متوفای ۱۳۲۰) بود. او کتاب «فصل الخطاب» را تألیف کرد تا در آن ثابت کند که علمای شیعه به این کفر ایمان دارند، بنا براین او همه اقوال متفرق علمای شیعه و اساتید خود و مواردی از آیاتی را که به اعتقاد آن‌ها تحریف شده‌اند جمع آوری کرد و در قالب یک کتاب به چاپ رسانید، و این کتاب در سال ۱۲۹۸ هجری در ایران به چاپ رسید.

دیدگاه شیعه در مورد بلاغت قرآن

س ۱۵- آیا کسی از علمای شیعه مدعی است که در قرآن آیاتی سخیف و پوچ هست؟

ج - بله، از علمای بزرگ شیعه که این سخن را گفته است مرجع آن‌ها طبرسی است که در الوثیقه ص ۲۱۱ می‌گوید: «... و نظم و ترتیب آن متفاوت است، چنان که بعضی از فقره و بندهای آن در نهایت اعجاز قرار دارد و بعضی دیگر سبک و بی‌ارزش است، و در فصاحت هم متفاوت‌اند، بعضی از آیات در نهایت فصاحت و شیوایی قرار دارند، و بعضی از نظر فصاحت در پایین‌ترین رتبه قرار دارند!».

توضیح:

علمای شیعه کتاب‌های خود را از اینکه در آن چیز سخیف و بی‌معنایی باشد مبرا و پاک دانسته‌اند!!^۱. ستایش برای خداوند که فرمود: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ﴾ [فصلت: ۲۶] «کافران (به همدیگر) می‌گویند: گوش به این قرآن فرا ندهید، و در آن یاه‌سرائی و جار و جنجال کنید شما پیروز گردید».

چند نمونه از تفسیر شیعه بر قرآن

س ۱۶- آیا می‌توانید چند نمونه از تفسیری شیعه برای قرآن ارائه داده‌اند را بیان کنید؟

ج - بله،

*- آن‌ها قرآن کریم را به ائمه تفسیر می‌کنند!!.

کلینی روایت کرده: «ابو خالد کابلی گفت: از اباجعفر در مورد این آیه سؤال کردم که می‌فرماید:

﴿فَكَا مَنُؤًا بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِٗ وَٱلتُّورِ ٱلَّذِيٓ أُنزِلْنَا وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌۭ﴾ [التغابن: ۸]

ابو جعفر گفت: «ای اباخالد سوگند به خدا منظور از نور ائمه آل محمد است، و سوگند به خدا که آن‌ها نور آسمان‌ها و زمین هستند»^۱.

همچنین قُمی در تفسیر آیه: ﴿ٱلَمْ ۙ ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲-۱] روایت کرده که ابوبصیر از ابوعبدالله علیه السلام نقل کرد که گفت: «کتاب علی علیه السلام است که شکی در مورد او نیست، و متقین و پرهیزگاران شیعیان ما هستند».*
و نور را به ائمه تفسیر می‌کنند. کلینی روایت کرده که ابوعبدالله این آیه را چنین تفسیر کرد:

﴿ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَوَاتِ وَٱلْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِٗ كَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَٰحٌ ٱلْمِصْبَٰحُ فِي زُجَاجَةٍ ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِٗ مَن يَشَآءُ وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ لِٱللَّهِ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌۭ﴾ [النور: ۳۵]

گفت: ﴿مَثَلُ نُورِهِٗ كَمِشْكُوَةٍ﴾ یعنی: فاطمه علیها السلام. و منظور از ﴿فِيهَا مِصْبَٰحٌ﴾ حسن علیه السلام است. و ﴿ٱلْمِصْبَٰحُ فِي زُجَاجَةٍ﴾ یعنی: حسین علیه السلام. و در مورد ﴿ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ گفت: یعنی فاطمه در بین زنان اهل دنیا مانند ستاره فروزان است. و ﴿يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ﴾ یعنی: ابراهیم علیه السلام. و ﴿لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ یعنی: نه یهودی است و نه نصرانی. و ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ یعنی نزدیک است علم از او جوشش می‌کند. و ﴿نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ﴾ یعنی بعد از هر امام یک دیگر امام می‌شود. و ﴿يَهْدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِٗ مَن يَشَآءُ﴾ یعنی خدا هرکس را بخواهد بسوی ائمه هدایت می‌کند»^۲.

۱- الکافی ج ۱ / ۱۹۴ و تاویل الايات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص ۶۷۱ شرف الدين استر آبادی متوفای ۹۴۰ هجری.

۲- الکافی ج ۱ / ۶۹۵.

* - آیاتی را که از شرک نهی می‌کند، به شرک ورزیدن در ولایت علی، یا به کفر ورزیدن به ولایت او تفسیر می‌کنند!!.

از باقر روایت کرده‌اند که او در مورد این آیه که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ

مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۶۵﴾ [الزمر: ۶۵] «به تو و به یکایک پیغمبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک ورزی کردارت (باطل و بی‌پاداش می‌گردد و) هیچ و نابود می‌شود، و از زیانکاران خواهی بود».

می‌گوید: یعنی اگر همراه با ولایت علی به ولایت کسی دیگر دستور دهی، کردارت باطل می‌شود». همچنین حجت شیعه کلینی در تفسیر همین آیه از جعفر روایت کرده که گفت: یعنی اگر در ولایت علی کسی را شریک قرار دهی...

و عیاشی از ابو جعفر روایت کرده که آیه ۴۸ سوره نساء را که می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾ [النساء: ۴۸].

چنین تفسیر کرده است: یعنی خداوند کسی را که به ولایت علی کفر بورزد نمی‌آمرزد.

﴿وَيَعْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾

[النساء: ۴۸] و گفت: کسانی را مورد عفو قرار می‌دهد که ولایت علی را پذیرفته‌اند^۱.

* - آیاتی را که به پرستش خالصانه و دور از شرک خداوند، و دوری کردن از طاغوت‌ها فرمان می‌دهد به ولایت ائمه و بیزاری جستن از دشمنان‌شان تفسیر می‌کنند. از ابو جعفر^ع روایت کرده‌اند که گفت: «هیچ پیامبری نیست مگر آن که خداوند او را با پیام ولایت ما و برائت از دشمنان ما فرستاده است، آنجا که فرموده:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَىٰ

اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾ [النحل: ۳۶].

۱- تفسیر صافی ۱/ ۱۵۶، ۳۶۱، و تفسیر نور الیقین حویری ۱/ ۱۵۱ و ۴۸۸، ج ۳/ ۳۱۷-۳۱۸ ج

۴۰/ ۴۹۸ و تفسیر عیاشی ج ۱/ ۷۲ و ۲۴۵-۲۴۶ ج ۲/ ۳۵۳ و البرهان ج ۱/ ۱۷۲ و ۳۷۵ ج ۲

۴۹۷/ بحار الانوار ۸۱/ ۲۴۹.

سپس گفته: ﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾ یعنی با تکذیب آل محمد گمراهی او قطعی و محقق شده است»^۱.

و از ابو عبدالله روایت می‌کنند که در مورد فرموده آیه ۵۱ سوره نحل که می‌فرماید:

﴿وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ أُثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِنِّي فَأَرْهَبُونَ﴾ [النحل:

۵۱]. گفته: «یعنی دو امام را بر نگزینید، چون امام فقط یکی است»^۲.

* - آیاتی را که در مورد کفار و منافقین نازل شده‌اند به بزرگان صحابه رضی الله عنهم تفسیر

کرده‌اند، مانند این آیه:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أَصَلْنَا مِنْ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ

أَقْدَامِنَا لِيَكُونُوا مِنَ الْأَسْفَلِينَ﴾ [فصلت: ۲۹] یعنی: کافران (در میان دوزخ فریاد

برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگارا! کسانی را از دو گروه انس و جنّ به ما نشان بده که

ما را گمراه کرده‌اند، تا ایشان را زیر پاهای خود بگذاریم و لگدمالشان گردانیم و بدین

وسیله از زمره پست‌ترین مردم (از لحاظ مقام و مکان) شوند.

گفته‌اند: آن دو نفر یعنی: آن دو شیطان.

مجلسی می‌گوید: «منظور از آن دو ابوبکر و عمر می‌باشند، و منظور از فلان جن

ذکر شده در آیه است، چون او شیطان است، یا به خاطر اینکه عمر زنا زاده است (پناه

بر خدا از کفر شیعه)، و یا اینکه چون او در مکر و حيله مثل شیطان است. و احتمال

دارد منظور از شیطان ابوبکر باشد»^۳!!

و در مورد این آیه که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ [البقرة: ۱۶۸]. گفته: پا به پا شدن با شیطان را به

ولایت اول و دوّم (ابوبکر و عمر رضی الله عنهما) نهی شده است.

۱ - تفسیر عیاشی ج ۲ / ۲۵۸ - ۲۶۱، و البرهان ج ۲ / ۳۶۸ - ۲۷۳، الصافی ج ۱ / ۹۲۳ و تفسیر نور الثقلین ج ۳ / ۵۳ - ۶۰.

۲ - تفسیر عیاشی ج ۲ / ۲۵۸ و ج ۲ / ۲۶۱، البرهان ج ۲ / ۳۶۸ ج ۲ / ۳۷۳، الصافی ج ۱ / ۹۲۳، نور الثقلین ج ۳ / ۵۳ - ۶۰.

۳ - فروع الکافی حاشیه مرآة العقول ج ۴ / ۴۱۶.

و روایت کرده‌اند که ابوعبدالله در مورد فرموده الهی که می‌فرماید: ﴿يَوْمُنَ بِأَلْحَبَّتِ وَالطَّلْعُوتِ﴾ [النساء: ۵۱] از اباعبدالله روایت کرده‌اند (به دروغ) که گفت: جبت و طاغوت یعنی فلان و فلان.^۱

همچنین مرجع درجه اول شیعه گفت: فلان و فلان ابوبکر و عمر (رضی الله عنهما) هستند. یک رسوایی برای شیعه

* - روایاتی را صادر کرده‌اند که برخی از روزهای هفته را مورد مذمت و نکوهش قرار می‌دهد. از جمله روایتی که از اباعبدالله روایت کرده‌اند که گفت: «شنبه برای ما، و یکشنبه برای شیعیان ما، و دوشنبه برای دشمنان ما، و سه شنبه برای بنی امیه، و چهارشنبه روز آشامیدن دوا است، ...»^۲.

یک عامل کمرشکن مراجع شیعه

بزرگان شیعه به حدی پست و فرومایه شده‌اند که برخی از حشرات ذکر شده در قرآن را هم به علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) تفسیر کرده‌اند! مثلاً در مورد این آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا﴾ [البقرة: ۲۶]، گفته‌اند: «بَعُوضَةٌ» (که بمعنی پشه است) امام علی است (حاشا از او (رضی الله عنه)!).

تفسیر اسماء حسنی نزد شیعه

س ۱۷ - علمای شیعه آیه ی ۱۸۰ سوره اعراف را چگونه تفسیر می‌کنند؟

ج - در مورد این آیه که می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۰] از امام رضا (رضی الله عنه) روایت کرده‌اند که گفت: «هرگاه دچار سختی و مشکل شدید با توسل به ما از خدا کمک بگیرید، و خداوند در آنجا که می-

۱ - تفسیر عیاشی ج ۱ / ۱۰۲ و ۲۶۴، و البرهان ج ۱ / ۲۰۸ و ۳۷۷، و تفسیر صافی ج ۱ / ۲۰۸، و بحار الانوار ج ۳ / ۳۷۸، الوافی کاشانی ۱ / ۳۱۴، بشارة المصطفی طبری ص ۱۹۳، بصائر الدرجات ص ۳-۴.

۲ - وسائل الشیعة ج ۷ / ۳۸۰-۳۸۱ ح ۱۸ (باب وجوب تعظیم یوم الجمعة والتبرک به واتخاذہ عیداً واجتناب جمیع المحرمات فیہ).

فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾^۱ به همین اشاره دارد و گفت: ابو عبدالله می‌گوید: سوگند به خدا ما اسماء حُسنای خداوند هستیم، و خداوند از هیچ کسی نمی‌پذیرد مگر آنکه ما را بشناسد و ما را بخواند^۱.

جایگاه سخنان دوازده امام نزد شیعه

س ۱۸- اقوال دوازده امام نزد علمای شیعه چه ارزش و جایگاهی دارند؟
 ج - اقوال ائمه نزد آن‌ها همچون گفته‌ها و اقوال خداوند و پیامبرش ﷺ می‌باشند، و گفته‌اند: «سخن هر یک از ائمه اطهار سخن خداوند ﷻ است، و همانطور که در گفتار و کلام الهی اختلافی وجود ندارد، در اقوال ائمه اختلافی وجود ندارد»^۲.
 بلکه گفته‌اند: «هرکس حدیثی از ابو عبدالله بشنود جایز است که آن را از پدرش یا از یکی از اجدادش روایت کند، بلکه جایز است بگوید: خداوند ﷻ چنین گفته است!»^۱ و اصلاً اولویّت را به این می‌دهند که بگوید: خدا فرمود! به دلیل اینکه در حدیث ابو بصیر آمده که گفت: به ابی عبدالله گفتم: از تو حدیثی را می‌شنوم و آن را از پدرت روایت می‌کنم یا آن را از پدرت می‌شنوم و از تو روایت می‌کنم؟ گفت: فرق نمی‌کند اما اگر از پدرم آن را روایت کنی برایم پسندیده‌تر است! و ابو عبدالله به جمیل گفت: آنچه از من شنیدی آن را از پدرم روایت کن»^۳.

تعارض:

کلینی خود از اباعبدالله روایت کرده که گفت: «امان از دروغ مفترع». گفتند: دروغ مفترع چیست؟ گفت: «بدین صورت که مردی از کسی دیگر سخنی را برایت نقل کند، ولی تو او را ترک کنی و از کسی آن سخن را روایت و نقل کنی که از او نقل کردند»^۴.

۱- تفسیر عیاشی ج ۲ / ۴۲ و الصافی ج ۱ / ۶۲۶ و البرهان ج ۲ / ۵۱ مستدرک الوسائل ج ۵ / ۲۲۸ و لاختصاص ص ۲۵۲.

۲- شرح جامع ج ۲ / ۲۷۲.

۳- اصول الکافی مع شرح جامع مازندرانی ج ۲ / ۲۵۹.

۴- أصول الکافی ج ۱ / ۴۱ (کتاب فضل العلم ج ۱۲ باب: روایة الكتب والحديث وفضل الكتابة).

و گفته اند: (امامت استمرار نبوت است) ^۱.

روح الله موسوی خمینی می گوید: «تعالیم ائمه همانند تعالیم قرآن است، و اجرا و پیروی از آن واجب است» ^۲.

و شیخ شیعه محمد جواد مغنیه می گوید: گفته و امر معصوم کاملاً مثل قرآن است که از سوی خداوند دانا نازل شده است (و این آیه را که در مورد رسول خدا ﷺ است برای مدعی خود شاهد قرار داده): ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴] ^۳.

توضیح:

به اعتقاد شیعه تا آخرین امام شیعه (امام زمان موهوم) نصوص نبوی ادامه دارد، اما آیا به اعتقاد آن‌ها وجود ائمه پایان پذیر است؟! و روایات سابق به صراحت دروغ گفتن آشکار را تجویز کرده‌اند، چنانکه به عنوان مثال چیزی را به امیرالمؤمنین علی علیه السلام نسبت می‌دهند که خودش نگفته، بلکه آن را یکی از نوادگانش گفته، و همانگونه که ذکر شد این کار از دیدگاه شیعه اولویت دارد و بهتر است!؟.

سنت از دیدگاه شیعه

س ۱۹ - پس سنت نزد علمای شیعه چیست؟

ج - سنت از دیدگاه آن‌ها سنت معصومین علیهم السلام است ^۴. و می‌گویند: «چون آن‌ها از جانب خدا تعیین شده‌اند تا احکام واقعی را به مردم برسانند، پس آنچه آن‌ها حکم می‌کنند احکامی هستند که نزد خداوند نیز به همان صورت حکم شده اند» ^۵.

بنابراین سنت نزد شیعه منحصر به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، و کلام دوازده امام معصوم چه در کودکی گفته باشند، و چه زمانی که به رشد عقلی رسیده‌اند فرق ندارد،

۱- عقاید الامامیه مظفر ص ۶۶ .

۲- حکومت اسلامی ص ۱۳ .

۳- الخمينی و الدولة الاسلامیة ص ۵۹ .

۴- قانون اسلامی جمهوری ایران، ص ۲۰، نشر وزارت ارشاد ایران .

۵- اصول الفقه المقارن مظفر ج ۳ / ۵۱ .

و معتقدند که ائمه از وقتی که به دنیا آمده‌اند تا روز مرگ و وفات نه عمداً و نه از روی فراموشی، و نه از روی اشتباه به خطا نمی‌روند و اشتباهی از آنان سر نمی‌زند.^۱

آیا رسول خدا ﷺ همه چیز را ابلاغ کرد؟

س ۲۰ - پس آیا از دیدگاه عقیده شیعه پیامبر ﷺ قبل از وفات همه شریعت ابلاغ کرده یا نه؟

ج - از دیدگاه آن‌ها خیر، بلکه بخشی از شریعت را به مردم ابلاغ کرده، و بقیه را نزد علی علیه السلام به ودیعت نهاده است!

آیت عظمای شیعه شهاب الدین نجفی می‌گوید: «پیامبر ﷺ فرصت تعلیم همه احکام دین را نیافت،... و اشتغال به جنگ و جهاد را بر بیان تفصیل احکام دین مقدم داشت، به خصوص که در زمان پیامبر ﷺ مردم آمادگی نداشتند همه آنچه را که در طول چند قرن مورد نیاز است فراگیرند!»^۲.

امام و رهبر شیعه خمینی می‌گوید: «ما می‌گوییم پیامبران در اجرای اهدافشان موفق نشده‌اند و خداوند در آخرالزمان شخصی را مبعوث خواهد کرد که برای اجرای مسائل و قضایای پیامبران قیام کند»^۳.

موضع شیعه در مورد روایات صحابه رضی الله عنهم

س ۲۱ - موضع علمای مذهب شیعه در مورد روایات صحابه چیست؟

ج - شیخ شیعه آل کاشف الغطاء می‌گوید: «شیعه فقط روایاتی را سنت و صحیح می‌دانند که اهل بیت از جدشان روایت کرده باشند. اما احادیث کسانی همچون ابوهریره و سمره بن جندب و غیره نزد امامیه به اندازه پشه ای ارزش ندارند»^۴.
بنابراین یکی از اصول عقاید شیعه این است که: «هر آنچه از طریق غیر ائمه روایت شده باطل است»^۵.

۱- عقاید الامامیه مظفر ص ۶۶ .

۲- شهاب الدین نجفی و تعلیقات او بر احقاق الحق تستری، ج ۲ / ۲۸۸ - ۲۸۹ .

۳- مسائل المهدی مع مسأله اخری، ص ۲۲ .

۴- اصل الشیعه و اصولها ص ۷۹ .

۵- اصول الکافی کلینی ج ۱ / ۳۹۹ .

و حسن بن فرحان مالکی (که یکی از خدمت‌گزاران مذهب شیعه است) می‌گوید: «فقط روایات آن دسته از صحابه پذیرفته می‌شود که قبل از صلح حدیبیه ایمان آورده اند»^۱.

مطالب کمر شکن:

علمای شیعه نپذیرفتن روایات صحابه را اینگونه توجیه می‌کنند که چون صحابه امامت یکی از ائمه یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام را (به گفته آن‌ها) نپذیرفته و رد کرده‌اند، روایت‌شان مورد قبول نیست. اما سؤال این است که چرا آن‌ها روایات کسانی را می‌پذیرند که امامت بسیاری از ائمه ایشان را نپذیرفته و رد کرده‌اند؟!.

چرا علمای شیعه چنان که حُر عاملی تاکید می‌کند به روایات فرقه‌ی فطحیه^۲، امثال عبدالله بن بکیر، و واقفه^۳، امثال سماعه بن مهران، و روایات ناووسیه^۴، و غیره عمل می‌کنند، اما با وجود این علمای شیعه بعضی از راویان این فرقه‌ها را که بسیاری از ائمه را قبول ندارند ثقه و مورد اعتماد قرار داده‌اند.

(کشی شیعه) در مورد بعضی از رجال فرقه فطحیه همچون محمد بن ولید خزاز و معاویه بن حکیم و مصدق بن صدقه و محمد بن سالم بن عبدالحمید می‌گوید: «همه این‌ها فطحیه هستند و آن‌ها از جمله علما و فقها بزرگ و عادل می‌باشند»!!.

۱- الصحابه بین الصحبه اللغویه و صحبة الشرعیه، ص ۲۵.

۲- آن‌ها پیروان عبدالله بن جعفر بن محمد صادق هستند و آن‌ها را به خاطر این فطحیه می‌گویند که عبد الله سرش پهن بود. و نوبختی می‌گوید: بیشتر علما و فقهای شیعه به این فرقه گرایش دارند، و عبدالله فقط هفتاد روز زنده ماند آنگاه آن‌ها از اعتقاد به امامت او برگشتند. (ن ک مسائل الامامة عبدالله الناشی الاکبر ص ۴۶، و فرق الشیعه نوبختی، ص ۷۷-۷۸، الحور العین نشوان حمیری، ص ۱۶۳-۱۶۴).

۳- واقفه کسانی هستند که برای امام هفتم موسی بن جعفر توقف کرده‌اند و بعد از او به امامت کسی قائل نشده‌اند چون آن‌ها ادعا می‌کنند که موسی بن جعفر وفات نیافته و زنده است و منتظر ظهور و خروج او هستند (ن ک المقالات و الفرق قمی، ص ۹۳ و مسائل الامامة، ص ۴۷).

۴- آن‌ها پیروان فردی به نام ناووس هستند آن‌ها می‌گفتند: که امام ششم جعفر بن محمد نمرده است و زنده است و ظهور می‌کند و حکومت را به دست می‌گیرد. (ن ک المقالات و الفرق، ص ۸۰، و فرق الشیعه، ص ۶۷ و الزینة رازی ص ۲۸۶ و الحور العین، ص ۱۶۲).

و مجلسی خبر داده که فرقه‌ی شیعه به مرویات آن‌ها عمل می‌کنند، آنجا که گفته: «به خاطر آنچه گفتم این طایفه به اخبار و روایات فطحیه مثل عبدالله بن بکیر و غیره، و اخبار واقفه مثل سماعه بن مهران و غیره عمل کرده‌اند»^۱.
و نیز کشی و برادرش در مورد بعضی از سران واقفه از علمای شیعه اعتراض کرده-
اند، چون امام معصومشان گفته است: «واقف از حق برگشته است و بر معصیت و گناه
قرار دارد، اگر بر آن بمیرد جهنم جایگاه اوست و بد جایگاه و سرنوشتی است».
و می‌گوید: «واقفی‌ها حیران و سرگشته زندگی می‌کنند، و کافر و زندق می‌میرند».
و می‌گویند: «آن‌ها کافر مشرک و زندق هستند»^۲.
مطالب کمر شکن برای علمای شیعه:

علمای شیعه خود از ابی حازم روایت است که گفت: «به ابی عبدالله گفتم مرا از
اصحاب پیامبر ﷺ خبر بده که آیا بر محمد راست گفته‌اند، یا بر او دروغ بسته‌اند؟
گفت: راست گفته‌اند»^۳.

الله اکبر ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [الإسراء: ۸۱].

حکایات رقاع چیست؟

س ۲۲ - حقیقت (حکایات رقاع) و جایگاه آن در مذهب شیعه چیست؟
ج - وقتی امام شیعیان حسن عسکری وفات یافت جانشین و فرزندی شناخته
شده و آشکار از خود به یادگار نگذاشت، زنان و کنیزانش جهت اطمینان (توسط ماما)
مورد بررسی قرار گرفتند و ثابت شد که هیچکدام از آن‌ها حامله نیست، بنابراین ارث
به جا مانده از او میان مادر و برادرش جعفر تقسیم گردید، و مادرش وصیت او را اجرا
کرد و این را قاضی و پادشاه وقت ثبت کردند^۴.
از این رو این واقعه کمر شیعه را شکست.

۱- بحار الأنوار ج ۲۵۳/۲ ح ۷۲ (باب علل اختلاف الأخبار....)

۲- رجال کشی ص ۴۵۶، ۵۶۷، ۶۱۶ محمد بن عمر کشی متوفای ۳۵۰ هجری .

۳- اصول الکافی ج ۱ / ۶۵ .

۴- المقالات و الفرق، ص ۱۰۲.

بعضی گفتند: امامت به پایان رسیده است.^۱ و برخی گفتند: حسن بن علی وفات یافت و فرزندی نداشت و امام بعد از او برادرش جعفر بن علی است.^۲ و در پهنای این حیرت و سرگردانی و بی تابی و اضطراب که علمای شیعه در آن به سر می‌بردند، مردی به نام عثمان بن سعید عمری برخاست و ادعا کرد که حسن عسکری فرزندی پنج ساله دارد که از مردم پنهان است و به هیچ کس جز او خود را نشان نمی‌دهد، و او بعد از پدرش امام است، و این کودک او (یعنی عثمان) را برای دریافت اموال به وکیل گرفته، و او را نایب خود قرار داده تا به مسایل دینی پاسخ دهد.^۳

هنگامی که در سال ۲۸۰ عثمان بن سعید وفات یافت پسرش محمد بن عثمان همان ادعای پدرش را تکرار کرد.

و چون در سال ۳۰۵ محمد وفات یافت؛ حسن بن روح نوبختی به همان ادعای جانشین او گردید، و در سال ۳۲۶ نوبختی در گذشت؛ و ابوالحسن بن علی بن محمد بن محمد سمري (متوفای ۳۲۹) جانشین او شد. وی از دیدگاه علمای شیعه آخرین کسی است که ادعای نیابت مهدی را مطرح کرد، و از آنجا که اموال هنگفتی از این طریق بدست می‌آید؛ افراد زیادی ادعای نیابت امام زمان را مطرح کردند، علمای شیعه فتوا دادند که نیابت تمام شده، و با وفات سمري غیبت کبری آغاز شد، و این جانشین امام همانطور که اموال افراد ساده‌لوح و نادان را از چنگشان در می‌آورد و چپاول می‌کرد، به سؤالات آنان گوش می‌داد، و (به ادعای خود) از سوی امام مورد انتظار برایشان پاسخ دریافت می‌کرد، و آن را (توقیعات) یا سند می‌نامیدند که به گفته آن‌ها خط و امضای امام منتظرشان بود.

اما جایگاه و ارزش خرافه (سند و رقعہ و توقیعات و امضای امام) در مذهب شیعه بالا گرفت و مانند فرموده‌ی خدا و پیامبر ﷺ است، و حتی علمای شیعه این امضاها و نوشته‌ها را در زمان تعارض و مخالفت با روایات صحیح که از پیامبر ﷺ روایت شده ترجیح داده‌اند. از جمله (ابن بابویه) مرجع بزرگ شیعه صحیح‌ترین احادیث روایت

۱- بحار الانوار مجلسی ج ۵۱ / ۲۱۲، و الغیبة طوسی ۲۲۴.

۲- المقالات و الفرق سعد قمی ص ۱۰۸ - ۱۱۰.

۳- حصائل الفکر فی احوال الامام المنتظر، محمد بحرانی ص ۳۶ - ۳۷.

شده نزد شیعه را به خاطر مخالفت با این خرافه ردّ کرده و گفت: «من به این حدیث فتوا نمی‌دهم، بلکه به سند با خط حسین بن علی علیه السلام فتوا می‌دهم که نزد من است». حر عاملی در توضیح این سخن گفته: «چون خط معصوم از آنچه توسط واسطه‌ها نقل شده قوی‌تر و معتبرتر است»^۱.

و علمای معاصر شیعه می‌گویند این «رقعه‌ها» آن سنت هستند که باطلی بدان راه ندارد.^۲

انگیزه تألیف کتاب تهذیب الاحکام توسط طبرسی

س ۲۳ - علت تألیف کتاب تهذیب الاحکام از طرف طبرسی چه بود و تعداد احادیث این کتاب چقدر هستند؟

ج - این کتاب از زمانی که تألیف شده تا به امروز یکی از اصول معتبر شیعه به شمار می‌رود و حاوی (۱۳۵۹۰) حدیث است و بعد از کتاب الکافی کلینی دومین کتاب معتبر شیعه است. و تعجب اینجاست که مؤلف این کتاب (طوسی) در کتاب دیگرش (عدة الاصول) تصریح کرده که احادیث کتابش (التّهذیب) و روایات آن بیش از پنج هزار حدیث هستند، یعنی از شش هزار بیشتر نیستند! پس این بدین معنا است که در قرن‌های مختلف بیش از نصف این کتاب به آن اضافه شده است؟!.

تردید نیست که این روایات را دستی مخفی به نام علمای شیعه و در لباس اسلام بدان افزوده است!.

اما سبب تألیف این کتاب آنگونه که طوسی اعتراف کرده: «وضعیت نابسامان تناقض و تضاد و اختلاف احادیث با یکدیگر بود، تا جایی که هیچ حدیثی نیست مگر اینکه در مقابل آن حدیثی متضاد با آن قرار دارد، و هر حدیثی را حدیثی دیگر رد کرده

۱ - من لا یحضره الفقیه ابن بابویه قمی، ج ۴ / ۱۵۱، وسائل الشیعه ج ۲۰ / ۱۰۸، و علمای شیعه به توفیقات و نوشته‌ها اهمیت داده و آن را تدوین کرده‌اند چون از دیدگاه آنان این‌ها وحی است که باطل از هیچ سویی به آن راه ندارد!، اصول الکافی ۱ / ۵۱۷ و اکمال الدین ابن بابویه ص ۴۵۰، الغیبة طوسی، ص ۱۷۲، الاحتجاج، ج ۲ / ۲۷۷، بحار الانوار ۵۳ / ۱۵۰ - ۲۴۶، قرب الاسناد حمیری، و الذریعه ۴ / ۵۰۰.

۲ - الدعوة الاسلامیه خنیزی، ج ۲ / ۱۱۲.

و با آن مخالفت می‌نماید، تا جایی که مخالفان ما این را بزرگترین عیب و طعن علیه مذهب ما به حساب آورده‌اند»^۱.

ولی بزرگان شیعه بسیاری از تناقضات موجود در روایات‌شان را بدون دلیل با تقیه توجیه کرده‌اند، و تنها دلیل تقیه را همسویی با اقوال و نظریه دشمنان، یعنی اهل سنت ذکر کرده‌اند!^۲.

جایگاه کتاب الکافی نزد شیعه

س ۲۴- کتاب الکافی نزد شیعه از چه جایگاهی برخوردار است؟ و آیا از دستبرد و افزودن محفوظ بود؟ و آیا بر تعداد احادیث و فصل‌های آن اتفاق دارند؟
ج - بزرگان شیعه گفته‌اند: وقتی کلینی کتاب (الکافی) را تألیف کرد آن را بر امام دوازدهم یا سیزدهم که غایب است عرضه کرد، گفت: «الکافی برای شیعیان ما کافی است»^۳.

و شیخ عباس قمی می‌گوید: «الکافی بزرگترین کتاب اسلامی و بزرگترین مرجع امامیه است که برای امامیه چنان کتابی نوشته نشده است».
و محمد امین استرآبادی می‌گوید: «از علما و اساتید خود شنیده‌ایم که گفته‌اند: در اسلام هیچ کتابی تألیف نشده که با الکافی برابر یا همسطح باشد»^۴.
توضیح:

اکنون با من به فصل‌های الکافی، چه رسد به مطالب و عبارات آن دقت کن، سپس بیندیش چقدر بدان افزوده‌اند:
شیخ خوانساری می‌گوید: «در مورد کتاب (الروضه) اختلاف کرده‌اند که آیا کلینی آن را تألیف کرده یا بعداً به الکافی اضافه شده است»^۵.

ثقه و سرور شیعه حسین بن حیدر کرکی عاملی (متوفای ۱۰۷۶هـ) می‌گوید: «کتاب الکافی پنجاه کتاب (فصل) است که هر یک با سند متصل به ائمه بیان شده‌اند»^۱.

۱- تهذیب الأحکام ج ۹/۱

۲- تهذیب الاحکام مقدمه ۲- ۳، ج ۲/ ۱ و مستدر الوسائل، ج ۳/ ۷۱۹، و الذریعه ج ۴/ ۵۰۴.

۳- مقدمه کافی، ص ۲۵.

۴- الکنی و الالقب قمی ج ۳/ ۹۸.

۵- الکنی و الالقب ج ۳/ ۹۸.

و از طرفی شیخ الطائفه طوسی (متوفای ۴۶۰هـ) گفته: «کتاب الکافی مشتمل بر سی کتاب است، که اولین کتاب العقل و کتاب الروضه آخرین کتاب آن است... و شیخ از همه روایات آن مرا خبر می‌دهد»^۱.

از گفته‌های سابق چنین بر می‌آید که در فاصله قرن پنجم تا قرن یازدهم بیست کتاب به الکافی افزوده شده است، و هر کتابی چندین فصل و باب دارد، یعنی تقریباً در این مدت (۴۰٪) به آن اضافه شده است، علاوه بر تغییر در روایات و کلمات آن، و پاراگراف‌هایی از آن حذف شده و بندهایی به آن اضافه شده است!!

چه کسی بیست کتاب (فصل بزرگ) به الکافی اضافه کرده است؟ آیا ممکن است آخوندهای عمامه به سر از علمای یهود آن را اضافه کرده باشند، یا فقط کار یک یهودی است، یا در طی قرن‌های متمادی یهودیان زیادی این عمل را انجام داده‌اند؟

یا این که این امر طبیعی است، چون کسی که بر رسول خدا ﷺ و صحابه و خویشاوندانش دروغ ببندد، به طریق اولی بر اساتید خود دروغ می‌بندد!

و از هر شیعه‌ای می‌پرسیم آیا هنوز الکافی شما از سوی امام معصومان که در غار پنهان شده مورد تایید است، و آیا هنوز نظر امام معصوم در مورد کافی این است که برای شیعیان او کافی است؟! از خداوند می‌خواهیم که ما و شما را هدایت کند.

منبع دریافت علوم شرعی از دیدگاه شیعه

س ۲۵ - علمای معاصر شیعه در مورد منابع دریافت علم شرعی چه می‌گویند؟
ج - آن‌ها بر اصول و منابع علمای گذشته خود یعنی کتاب‌های چهارگانه (الکافی، التهذیب، الاستبصار و من لا یحضره الفقیه) متکی هستند! چنان که گروهی از علمای معاصرشان همچون آغا بزرگ تهرانی^۳ و محسن امین^۴ و غیره بر این امر تهنذیب الاحکام از طرف طبرسی تأکید کرده‌اند، و شیخ و آیت معاصر شیعه عبدالحسین

۱- الکنی و الالقاب ج ۶ / ۱۱۴.

۲- الفهرست طوسی، ص ۱۶۱.

۳- الفهرست طوسی، ص ۱۶۱.

۴- اعیان الشیعه، ج ۱ / ۲۸.

موسوی در مورد کتاب‌های چهارگانه شیعه می‌گوید: «این کتاب‌ها متواتر هستند، و مضامین آن به طور قطع صحیح است، و الکافی مقدم‌ترین و برترین این کتاب‌هاست»^۱. بنابراین علمای معاصر شیعه با علمای گذشته ایشان در این مورد تفاوتی ندارند، و همه به یک سرچشمه مراجعه می‌کنند و مرجع همه یکی است، علاوه بر این برخی از منابع اسماعیلیه^۲ مرجع و منبع علمای معاصر شیعه قرار گرفته است، همچون کتاب دعائم الاسلام اثر قاضی نعمان بن محمد بن منصور (متوفای ۳۶۳ هـ) که اسماعیلی بوده و بعد از جعفر صادق امامت همه ائمه شیعه را انکار می‌کرد، و از دیدگاه شیعه او کافر بود چون امامت بیش از یک امام را انکار می‌کرد^۳. اما با وجود این علمای شیعه در کتاب‌های خود به گفته‌های او استناد می‌کنند^۴.

تقسیم حدیث به صحیح و حسن و ضعیف نزد شیعه

س ۲۶ - آیا در مذهب شیعه احادیث به صحیح و حسن و ضعیف تقسیم می‌شوند آنگونه که نزد اهل سنت معروف است، و این عمل چه وقتی در مذهب شیعه پدید آمد و چرا؟

ج - تقسیم احادیث به صحیح و حسن و ضعیف در مذهب پدیده و جدید است،^۵ چون آنگونه که خود اعتراف کرده‌اند: «فایده ذکر سند این است که اعتراض و عیب گرفتن عامه - یعنی اهل سنت - که می‌گویند احادیث آن‌ها معنعن است و سند ندارند

۱- المراجعات ص ۳۱۱ (مراجعة ش ۱۱۰)

۲- اسماعیلیه کسانی هستند که می‌گویند امام بعد از جعفر اسماعیل بن جعفر است، و سپس بعد از او محمد بن اسماعیل بن جعفر را امام می‌دانند و امامت سایر فرزندان جعفر را انکار کرده‌اند و قرامطه و حشاشون و فاطمی‌ها و دروز و غیره از اسماعیلیه سرچشمه گرفته و از آن جدا شده‌اند، اسماعیلیه فرقه‌های متعددی دارند و القاب فراوانی دارند که بر حسب مناطق فرق می‌کند و مذهب‌شان در ظاهر رفض است و در باطن کفر محض است، آن‌ها صفات خدا را انکار می‌کنند و نبوت و عبادات را باطل می‌دانند و منکر قیامت هستند اما این مطالب را فقط برای کسانی اظهار می‌دارند که به آخرین رتبه در مذهبشان رسیده باشد (ن ک الزینه رازی اسماعیلی ص ۲۸۷ الفهرست بن ندیم، ص ۲۶۷ - ۲۶۸، و ملطی در التبئیه والر ص ۲۱۸).

۳- معالم العلماء محمد بن علی بن شهر آشوب، ص ۱۳۹.

۴- حکومت اسلامی، ۶۷.

۵- الوافی مقدمه دوم، ج ۱۱/۱ فیض کاشانی.

و تنها از اصول قدیمی آن‌ها نقل شده‌اند دفع می‌گردد» و اصطلاح جدید حدیث نزد شیعه با اعتقاد عامه (اهل سنت) و اصطلاح آن‌ها موافق است، و اصلاً این مصطلح برگرفته از کتاب‌های اهل سنت است، همانگونه که از روی بررسی مشخص است^۱. یعنی شیعه معیاری برای تشخیص حدیث صحیح و ضعیف ندارند، و این معیارها تنها قالب و صورت هستند نه حقیقت، زیرا به هدف دفع انتقاد اهل سنت مبنی بر اینکه احادیث ایشان بدون سند است و صحیح را از سقیم تشخیص نمی‌دهند؛ این کار را کردند!

تناقضات شیعه در جرح و تعدیل راوی

س ۲۷- آیا در مذهب شیعه در جرح و مخدوش کردن یا گواهی عدالت برای راویان تناقضات و اختلاف هست؟

ج - بله کاشانی می‌گوید: «در مورد جرح و تعدیل و شرایط آن اختلافات و تناقضات و اشتباهاتی هست به گونه‌ای که اطمینان از آن حاصل نمی‌گردند، همانگونه که برای متخصص این موضوع روشن است»^۲. به عنوان مثال در مورد محدث معروف شیعه زراره بن اعین از شاگردان و یاران هر سه امام شیعه باقر و صادق و کاظم کشی از ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده که گفت: «زراره از یهود و نصارا و از کسی که می‌گوید خداوند سومین سه خداست بدتر است»^۳.

همچنین کشی روایت کرده که ابا عبدالله علیه السلام گفت: «ای زراره اسم تو در لیست اسامی اهل بهشت بدون الف ثبت شده است، گفتم: آری فدایت شوم اسم من عبد ربّه است»^۴.

از گونه تناقضات بسیار دارند، به عنوان مثال در مورد جابر جعفی و محمد بن مسلم و ابو بصیر لیث مرادی و برید عجلی و حمران بن أعین و دیگر راویان چنین تناقضاتی

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰ / ۱۰۰.

۲- الوافی، مقدمه دوم، ج ۱۱ / ۱ - ۱۲.

۳- تهذیب الوصول الی علم الاصول، حسن بن یوسف مطهر حلی، ص ۷۰ و اوائل المقالات مفید، ص ۱۵۳.

۴- رجال کشی، ص ۱۳۳ - ۱۳۶.

گفته شده است، وقتی که چنین اشخاصی (که بیشتری روایات را نقل کرده‌اند) اینگونه باشند، بر چه اساسی در مورد احادیث و روایات آن‌ها حکم می‌شود؟.

اجماع از دیدگاه شیعه

س ۲۸ - آیا اجماع نزد علمای مذهب شیعه حجت است، و از چه زمانی؟
 ج - اجماع نزد شیعه حجت نیست مگر یکی از ائمه معصوم در آن وجود داشته باشد. شیخ شیعه ابن مطهر حلی می‌گوید: «اجماع نزد ما تنها زمانی حجت است که مشتمل بر قول معصوم باشد، پس هر گروهی کم یا زیاد که امام همان سخن آن‌ها را گفته باشد؛ اجماعشان به خاطر قول امام حجت است نه به خاطر اجماع»^۱.
 توضیح:

در این صورت اجماع چه ارزشی دارد، وقتی آن‌ها امام خود را معصوم می‌دانند، پس قول امام به تنهایی کافی است.

توحید الوهیت از دیدگاه شیعه امامیه

س ۲۹ - عقیده علمای مذهب شیعه در مورد توحید الوهیت چیست؟
 ج - اعتقادی که درباره امامان‌شان دارند اعتقاد به توحید و اختصاص عبادت به خداوند متعال و یکتاپرستی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.
 ج - پاسخ این سؤال در ضمن چند سؤال و پاسخ دیگر روشن می‌شود.

یکتا پرستی نزد شیعه

س ۳۰ - به اعتقاد شیعه مصداق یکتاپرستی چیست؟
 ج - علمای شیعه می‌گویند: «اگر ائمه نبودند خداوند متعال پرستش نمی‌شد. (خداوند از آنچه آنان می‌گویند، بسیار به دور و خیلی والاتر و بالاتر است) خداوند نمی‌تواند از امامان آن‌ها بی‌نیاز باشد). و به دروغ به ابی عبدالله نسبت می‌دهند که گفته است: «خداوند ما را آفرید و به ما بهترین سیما و چهره بخشیده، و ما را چشم خود در میان بندگانش قرار داد، و ما را زبان گویای خویش در میان آفریده‌ها، و دست گشاده با مهربانی و رحمت به سوی بندگان، و سمت و جهت خویش که باید از آن وارد

شد، و دروازه‌ی او که به سوی او راهنمایی می‌کند قرار داد. و ما را خزانه‌دار خویش در آسمان و زمین خود قرار داد، بوسیله ما درختان میوه می‌دهند، و میوه‌ها می‌رسند، و نهرها جاری می‌شوند، و به واسطه ما از آسمان باران نازل می‌شود، و گیاهان می‌رویند، و با پرستش و عبادت ما خدا پرستش می‌شود، و اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی‌شد»^۱.

وحدت وجود از دیدگاه شیعه

س ۳۱- آیا بزرگان شیعه به حلول و وحدت وجود کلی اعتقاد دارند؟

ج- بله، آن‌ها از مقوله‌ی حلول جزئی تجاوز کرده، یا به حلول خاص به علی علیه السلام معتقدند و به دروغ ادعا می‌کنند که ابا عبدالله علیه السلام گفت: «خداوند با دست راستش بر ما دست کشید و نورش را در ما قرار داد»^۲.

و در روایتی دیگر آمده است: «ولی خداوند ما را با خودش در آمیخت»^۳.

و نیز روایت می‌کنند که گفت: «ما با خدا حالاتی داریم، در آن حالات ما او هستیم و او ما است، مگر اینکه او او است و ما ما هستیم (پناهربر خدا از کفر)»^۴.

س ۳۲- آیاتی که در قرآن در مورد توحید ذکر شده نزد بزرگان شیعه چه معنایی دارند؟

ج- همه آیات توحید عبادت را به تثبیت و تأیید ولایت علی و ائمه علیهم السلام تفسیر می‌کنند، و قاعده‌ی آن‌ها در این مورد این است: «اخبار متعدّد در مورد تأویل (تفسیر) شرک ورزیدن به خدا، و شرک ورزیدن در عبادت به شرک در ولایت ائمه وارد شده، یعنی شرک نزد آن‌ها این است که همراه با ولایت امام کسی دیگر را که امام نیست با او شریک گردانی، و همراه با ولایت آل محمد علیهم السلام ولایت غیر آن‌ها را قبول کنی. مثلاً در مورد آیه ۶۵ سوره زمر که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ

مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ [الزمر: ۶۵].

۱- اصول الکافی، ج ۱ / ۱۴۴.

۲- اصول الکافی، ج ۱ / ۴۴۰.

۳- اصول الکافی، ج ۱ / ۴۳۵.

۴- شرح الزیارة الجامعه الکبیره، ص ۱۰۷.

یعنی: «به تو و به یکایک پیغمبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک‌ورزی کردارت (باطل و بی‌پاداش می‌گردد و) هیچ و نابود می‌شود، و از زیانکاران خواهی بود».

معنی این آیه آنگونه که در صحیح‌ترین کتاب شیعیان آمده این است: «اگر بعد از خودت همراه با ولایت علی به ولایت کسی دیگر فرمان دهی عمل تو محو و نابود می‌گردد»^۱.

و از آن جمله اینکه در مورد آیه [غافر: ۱۲]:

﴿ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ﴾ [غافر: ۱۲]. می‌گویند: یعنی به ولایت علی علیه السلام کفر می‌ورزید^۲ ﴿وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ﴾^۳ و اگر به کسی که حق ولایت ندارد با او شریک شود ایمان می‌آورید. و در روایتی دیگر گفته: وقتی به اهل ولایت کفر ورزیدید...

و در مورد آیه ۶۰ سوره نمل که می‌فرماید: ﴿أَأَلَّهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ﴾ [النمل: ۶۰]. می‌گویند: ابو عبدالله گفته است: یعنی با امام هدایت امام گمراهی هم هست^۳.

مطالب کمر شکن برای شیعه:

ابو عبدالله علیه السلام در مورد کسی که این تفسیر را ارائه می‌دهد می‌گوید: «هرکس چنین سخنی بگوید به خدا شرک ورزیده است، تا سه بار گفت: من از آن‌ها تبری و بیزاری می‌جویم، بلکه منظور ذات الله تعالی است»^۴.

شرط قبول عمل از دیدگاه شیعه

س ۳۳- شرط قبولی عمل انسان در دیدگاه بزرگان شیعه چیست؟

ج- شیعه معتقدند که اصل و اساس پذیرفته شدن عمل ایمان داشتن به امامت ائمه است^۱.

۱- اصول الکافی کلینی، ج ۱ / ۴۲۷ ش ۷۶.

۲- کنز جامع الفوائد، ص ۲۷۷، و بحار الانوار، ج ۲۳ / ۳۶۴، و تفسیر قمی، ج ۲ / ۲۵۶ و اصول الکافی، ج ۱ / ۴۲۱.

۳- بحار الانوار، ج ۲۳ / ۳۹۱، و کنز الفوائد، ص ۲۰۷ محمد بن علی کراچکی متوفای سال ۴۴۹ هجری.

۴- البرهان، بحرانی، ج ۴ / ۷۸.

و روایت کرده اند: «هرکس به ولایت امیرالمؤمنین اعتراف نکند عملش باطل است»^۲. چون خداوند عَلَيْهِ السَّلَام را به عنوان پرچمی میان خود و آفریدگانش منصوب کرده است، هر کسی او را بشناسد مؤمن، و هر کسی او را نشناسد کافر است، فریده‌هایش نصب کرده است آآ او هر کسی نسبت به او جاهل باشد گمراه است و هر کس با او چیزی امام قرار دهد مشرک است، و هر کسی ولایت او را بپذیرد به بهشت می‌رود»^۳.

توضیح:

بزرگان شیعه چه پاسخی برای این روایت دارند که از علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده‌اند گفت: «از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم وقتی این آیه نازل شد:

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [الشوری: ۲۳] در آن موقع جبرئیل گفت: ای محمد هر دینی اصل و ارکان و فروع و بنیانی دارد، و قطعاً اصل و اساس این دین گفتن لا اله الا الله، و فرع آن محبت و داشتن و ولایت اهل بیت است در هر آنچه موافق حق است»^۴.

همچنین گناه کسانی چیست که در امت‌های پیشین مرده‌اند و علی و اهل بیتش را نمی‌دانسته‌اند؟!.

س ۳۴- آیا بزرگان شیعه معتقد به وجود واسطه بین خدا و خلق هستند، و آن واسطه کیست؟

ج- بله، بزرگان شیعه معتقدند ائمه واسطه بین خدا و خلق هستند. بنابراین مجلسی بابی با این عنوان آورده است: (باب در مورد اینکه مردم جز بوسیله ائمه هدایت نشوند، و ائمه بین خدا و بندگانش وسیله و واسطه هستند، و هیچ کسی به بهشت نرود مگر کسی که آن‌ها را شناخته باشد).

۱- بحار الانوار، ج ۲۷ / ۱۶۶ - ۲۰۲.

۲- بحار الأنوار ج ۱۶۶/۲۷ (باب أنه لا تُقبل الأعمال إلا بالولاية).

۳- أصول الكافي ج ۱/۳۳۱-۳۳۲ (كتاب الحجّة ح ۷ باب فيه نف وجوامع من الرواية في الولاية).

۴- تفسیر فرات ص ۳۹۷ ح ۵۲۸، بحار الأنوار ج ۲۳/۲۴۷ ح ۱۹

و در این باب آمده است: «رسول خدا ﷺ به علی گفت: سه چیز هست من سوگند یاد می‌کنم که حق‌اند: تو و اوصیای بعد از تو وسیله شناخت و معرفت هستید، خداوند جز بوسیله شما شناخته نمی‌شود، و هیچ کسی به بهشت نرود مگر کسانی که شما را می‌شناسند و شما آن‌ها را می‌شناسید، و هیچ کسی به دوزخ نمی‌رود مگر کسانی که شما را نمی‌شناسد و شما آن‌ها را نمی‌شناسید». و نیز مجلسی گفته: «پس ائمه حجاب (دربان) پروردگار و بین خدا و بندگانش واسطه هستند»^۱.

توضیح:

این عقیده شیعه اعتقاد بت پرستان را به یاد ما می‌اندازد که خداوند در مورد آن‌ها فرموده:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

یعنی: «هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خدا است و بس، کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را برمی‌گیرند (و بدانان تقرب و توسل می‌جویند، می‌گویند): ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند. خداوند روز قیامت میان ایشان (و مؤمنان) درباره چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگوی کفر پیشه را (به سوی حق) هدایت و رهنمود نمی‌کند».

هدایت انبیاء از دیدگاه شیعه؟

س ۳۵- به اعتقاد بزرگان شیعه اثنی عشریه چگونه انبیاء علیهم‌السلام هدایت یافتند؟
ج- بزرگان شیعه ادعا می‌کنند که ابا عبدالله (که از این بهتان مبرا است) گفته است: «سوگند به خدا آدم ﷺ سزاوار این نبود که خداوند او را با دست خود بیافریند، و از روح خود در او بدمد مگر با ولایت علی، و خداوند با موسی سخن نگفت مگر به سبب ولایت علی، و خداوند عیسی ﷺ بن مریم را به عنوان نشانه‌ای برای جهانیان پدید

نیاورد مگر به سبب فروتنی و خشوع او در برابر علی علیه السلام، سپس می‌گوید: «خلاصه امر این است که هیچ کسی از بندگان خدا سزاوار عنایت خدا نمی‌شود مگر به سبب بندگی کردن برای ما»^۱.

راه رسیدن به خدا از دیدگاه شیعه

س ۳۶- به اعتقاد شیعه عبادت خدا، و شناخت و توحید و یکتاپرستی چگونه است و راه رسیدن به خدا کدام است؟

ج- ادعا می‌کنند که جعفر گفته: «بوسیله ما خدا عبادت شده، و بوسیله ما شناخته شده است و بوسیله ما خداوند تبارک و تعالی یگانه دانسته شده است»^۲.

و در روایتی دیگر آمده است: «و ما راهی به سوی خدا هستیم»^۳.

و در روایتی دیگر آمده است: «ما ولی امر خدا و خزانه علم او و ظرف وحی او و اهل دین خدا هستیم، و کتاب خدا بر ما نازل شده است، و بوسیله ما خدا عبادت شده است، و اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی‌شد، و ما وارث پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت و خاندان او هستیم»^۴.

توضیح:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا﴾ [الكهف: ۱۷].

یعنی: خدا صلی الله علیه و آله هر که را راهنمایی کند، راهیاب (واقعی) او است، و هر که را گمراه نماید، هرگز سرپرست و راهنمایی برای وی نخواهی یافت.

و فرمود:

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾

[الفصص: ۵۶].

۱- الاختصاص مفید، ص ۲۵۰، و بحار الانوار، ج ۲۶ / ۲۹۴.

۲- الکافی، ج ۱ / ۱۴۵.

۳- إرشاد القلوب ج ۲ / ۴۱۴ حسن بن محمد دیلمی

۴- بصائر الدرجات الکبری، صفار، ص ۶۱.

یعنی: (ای پیغمبر!) تو نمی‌توانی کسی را که بخواهی هدایت ارمغان داری ولی این تنها خدا است که هر که را بخواهد هدایت عطاء می‌نماید، و بهتر می‌داند که چه افرادی راهیابند.

به اعتقاد شیعه چگونه دعا پذیرفته می‌شود؟

س ۳۷- به اعتقاد شیعه دوازده امامی چه زمان دعا نزد خدا پذیرفتنی و مقبول است؟

ج- می‌گویند: «دعا جز با نام ائمه قبول نمی‌شود»^۱. و روایت کرده‌اند: «هر کسی خدا را با توسل به ما به فریاد بخواند، رستگار است، و هر کسی به غیر از ما خدا را به فریاد بخواند هلاک شده و خواستار هلاکت است»^۲.
توضیح:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [البقره: ۱۸]. «مسجدها مختص پرستش خدا است، و (در آن‌ها) کسی را با خدا پرستش نکنید».

و فرمود:

﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۱۰۶].

«به جای خدا کسی و چیزی را پرستش مکن و به فریاد مخوان که به تو نه سودی می‌رساند و نه زیانی. اگر چنین کنی (و دعا و عبادت خود را به جای آفریدگار متوجه آفریدگان سازی) از ستمکاران و مشرکان خواهی شد».

س ۳۸- به اعتقاد شیعه خداوند متعال چگونه دعای انبیایش را اجابت می‌کند؟

ج- به سبب توسل به ائمه و میانجی قرار دادن و طلب شفاعت آن‌ها. مرجع عالیقدر دربار صفوی در مورد ائمه گفته: «باب در بیان اینکه دعای پیامبران به سبب توسل به ائمه و میانجی قرار دادن آن‌ها اجابت شده است»^۳.

۱- وسائل الشیعه، ج ۴ / ۱۱۳۹.

۲- بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، عماد الدين طبري شيعه، ص ۱۱۷ - ۱۱۹، و بحار الانوار، ج ۲۳ / ۱۰۳.

۳- بحار الانوار، ج ۲۳ / ۲۷۹.

و از رضا روایت کرده‌اند که گفت: «وقتی نوح علیه السلام در حال غرق شدن بود، خدا را به حق ما به فریاد خواند، پس خداوند او را از غرق شدن نجات داد، و وقتی ابراهیم در آتش انداخته شد؛ خدا را به حق ما به فریاد خواند، سپس خداوند آتش را برای او سرد و سلامت کرد، و موسی وقتی وارد دریا شد (تا از آن عبور کند) خدا را به حق ما صدا زد و خداوند دریا را خشک کرد، و وقتی یهودیان خواستند عیسی را به قتل برسانند، عیسی خدا را به حق ما به فریاد خواند، آنگاه از کشته شدن نجات یافت و خداوند او را به سوی آسمان بلند کرد»^۱.

همچنین شیعه مهدی خود را به فریاد می‌خوانند با ندای «یا ارحم الراحمین»^۲. (از این بالاتر) آخوندهای شان می‌گویند: ائمه دعاها را اجابه می‌کنند و از خدا به خلق نزدیک‌تر هستند! ﴿فَتَعَلَى اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الأعراف: ۱۹۰]. «خدا بس بالاتر از آن است که همسان انبازهای ایشان شود».

و علمای شیعه معتقدند که ائمه آن‌ها سریع اجابت می‌کنند. یکی از علمایشان نامه ای به امام سومش ابوالحسن فرستاد و در آن شکایت سر داده بود و گفته بود: انسان آنگونه که دوست دارد با امامش چیزی در میان بگذارد؛ دوست ندارد با پروردگارش در میان بگذارد، در پاسخ آمد که: هرگاه نیاز داشتی لب‌هایت را تکان بده پاسخ به تو می‌رسد!!^۳.

توضیح:

خداوند متعال می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۲۶ / ۳۲۵، و وسائل الشیعه حر عاملی، ج ۴ / ۱۴۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸ / ۱۸۴، و بحار الانوار، ج ۵۱ / ۳۰۴، و جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، ص ۲۸۰، علی بن موسی بن جعفر طاوس متوفای سال ۶۶۴ هجری، و دلائل الامامه ص ۳۰۴ ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری مازندرانی، و فرج الهموم فی تاریخ علماء النجوم ابن طاوس، ص ۲۴۶ و مصابح الکفعمی، ص ۱۷۶ ابراهیم علی عاملی و کتاب مکارم الاخلاق، ص ۳۳۰ رضی الدین حسن بن فضل طبرسی متوفای ۵۴۷ هجری.

۳- بحار الانوار، ج ۹۴ / ۲۲.

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَّبِعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [يونس: ۱۸].

یعنی: «اینان غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه بدیشان زیان می‌رسانند و نه سودی عائدشان می‌سازند، و می‌گویند: این‌ها میانجی‌های ما در نزد خدایند (و در آخرت رستگاران می‌نمایند!) بگو: آیا خدا را از وجود چیزهایی (به نام انبازهای و شریک‌ها) باخبر می‌سازید که خداوند در آسمان‌ها و زمین سراغی از آن‌ها ندارد. خداوند منزّه (از هرگونه شریک) و فراتر از آن چیزهایی است که مشرکان انبازشان می‌دانند».

چگونه پیامبر ﷺ با اشاره انگشت ماه را دو نصف کرد؟

س ۳۹- به اعتقاد سران شیعه چگونه ماه برای رسول خدا ﷺ به دو نصف شکافته شد؟

ج- با طلب میانجی و توسّل به علی بن ابی طالب ﷺ^۱.

س ۴۰- آیا به اعتقاد بزرگان شیعه می‌توان از غیر خداوند متعال طلب فریادرسی کرد؟

ج- علمای شیعه می‌گویند: «جز از ائمه درخواست نمی‌شود و آن‌ها نجات دهنده و پناهگاه هستند»^۲. و روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ (به دروغ شیعه) گفت: «... ابو الحسن از کسی که بر تو ستم کرده انتقام می‌گیرد!! و اما علی بن حسین برای نجات از سلاطین و وسوسه‌های شیطان است!! و موسی بن جعفر: بوسیله او از خدا عافیت و تندرستی بخواه!! و بوسیله علی بن موسی در دریاها و خشکی طلب سلامتی کن، و بوسیله محمّد بن علی از خدا روزی بخواه!! و حسن بن علی برای آخرت است!! و صاحب الزمان برای این است که هرگاه شمشیر بر گردنت گذاشته شد از او کمک بخواه بدون شک تو را کمک می‌کند»^۳.

تناقض:

۱- صحیفة الأبرار ص ۲ میرزا محمد تقی (ذکر معجزة لرسول الله ﷺ).

۲- بحار الانوار، ج ۹۴ / ۳۷.

۳- بحار الانوار، ج ۹۴ / ۳۳، و البلد الامین، ص ۳۸۵.

کتاب‌های شیعه روایت کرده‌اند که امام جعفر صادق علیه السلام در دعایش می‌گفت:
 «اللَّهُمَّ اني اصبحت لا املك لِنفسي ضراً و لا نفعاً و لا حياة و لا موتاً و لا نشورا، قد ذل
 مصرعي، و استكان مضجعي و ظهر ضري و انقطع عذري ... و درست الآمال الا منك و
 انقطع الرجاء الا من جهتك...»^۱.

یعنی: بار خدایا نمی‌توانم به خود کوچک‌ترین سودی برسانم و دفع زیان و مرگ و
 زندگی و رستخیز در اختیار من نیست، ضعیف و ناتوانم و زیان دیده‌ام و عذری ندارم،
 آرزوهایم برآورده نشد و هیچ امیدی جز ندارم جز آنچه از جهت تو باشد...
 خداوند تعالی هم می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ
 دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿٥﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾﴾
 [الأحقاف: ۵-۶].

یعنی: «چه کسی گمراه‌تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که
 (اگر) تا روز قیامت پاسخش نمی‌گویند؟ (نه تنها پاسخش را نمی‌دهند، بلکه سخنانش را هم
 نمی‌شنوند) و اصلاً آنان از پرستش‌گران و به فریاد خواهندگان غافل و بی‌خبرند. و زمانی که
 مردمان (در قیامت) گرد آورده می‌شوند، چنین پرستش‌شدگان و به فریاد خواسته‌شدگانی،
 دشمنان پرستش‌گران و به فریاد خواهندگان می‌گردند و عبادت ایشان را نفی می‌کنند و
 نمی‌پذیرند».

و می‌فرماید:

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ
 يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ
 مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾﴾ [الزمر: ۸].

«هنگامی که گزندی متوجه انسان می‌گردد، پروردگار خود را به فریاد می‌خواند و تضرع
 کنان رو به درگاه او می‌آورد. سپس هنگامی که نعمت بزرگی از جانب خود بدو داد خدا را که
 قبلاً به فریاد می‌خواند فراموش می‌کند (و گزند را از یاد می‌برد و به ترک دعا می‌گوید) و

۱- بحار الانوار، ۸۶ / ۳۱۸، و منهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۲۱۶ رضی الدین علی بن موسی
 بن طاووس متوفای ۶۶۴ هجری.

خداگونه‌هایی را برای خدا می‌سازد تا (هم خود را و هم مردمان را بدان) از راه او به در برد و گمراه کند. (ای پیغمبر! به چنین فردی) بگو: اندک روزگاری از کفر خود بهره‌مند شو (و با آن خوش بگذران، اما بدان که) تو از دوزخیانی».

و می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَعْبَرِ اللَّهُ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٠﴾ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾﴾ [الأنعام: ۴۰-۴۱].

یعنی: «بگو: به من بگوئید که اگر عذاب خدا شما را فرا گیرد (همان گونه که قبلاً ملت‌های پیشین را فرا گرفته است) یا این که قیامت شما (با فرا رسیدن مرگتان و یا از هم پاشیدن جهان) فراز آید، آیا غیر خدا را به یاری می‌طلبید؟ (و اگر بطلبید سودی به شما می‌رسانند و شما را می‌رهانند؟! اگر شما راستگوئید».

بلکه تنها خدا را به یاری می‌طلبید، و او اگر خواست آن چیزی را برطرف می‌سازد که وی را برای رفع آن به فریاد می‌خوانید، و (دیگر آن روز) چیزهایی را که (امروز) شریک خدا می‌سازید فراموش می‌نمائید.

پیامبران اولوالعزم چگونه به چنین جایگاهی رسیدند

س ۴۱- به اعتقاد شیعه چگونه پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام به چنین جایگاهی دست یافتند؟

ج- با دوستداشتن و محبت ورزی به ائمه.

مرجع عالی شیعه مجلسی بابی را تحت عنوان: «تفضیلهم علیهم السلام علی الأنبياء و علی جمیع الخلق، و أخذ میثاقهم عنهم، و عن الملائكة و عن سائر الخلق، و أن أولی العزم إنا صاروا أولی العزم بحبهم صلوات الله علیهم»^۱.

یعنی: «باب در مورد برتری ائمه بر انبیای الهی و بر کل خلق، و گرفتن عهد و پیمان خداوند از انبیاء و فرشتگان و از سایر مردم در مورد ائمه، و پیامبران اولوالعزم تنها به علت دوست داشتن ائمه به مقام اولوالعزم رسیدند!».

اعتقاد شیعه در مورد حج

س ۴۲- آیا به اعتقاد بزرگان شیعه حج خانه‌ی خدا بزرگتر است، یا قصد زیارت و سفر با عتبات و بارگاه ائمه؟

ج- علمای شیعه معتقدند حج و زیارت قبور ائمه و زیارت آن‌ها از ادای رکن پنجم اسلام (حج) مهم‌تر و بزرگتر است!!

و روایت کرده‌اند که مردی از اعراب بیابانی از یمن به زیارت قبر حسین مشرف شد؛ وقتی که با جعفر صادق شیعه (چون جعفر بن عبدالله از این تهمت‌ها مبراست) را ملاقات کرد، و جعفر در باره‌ی زیارت قبر حسین از مرد بیابانی سؤال کرد، در جواب گفت: آثار خیر و برکت این سفر را در وجود خود و خانواده و اولاد و اموال و برآورده شدن نیازهایم لمس می‌کنم. ابو عبدالله می‌گوید: ای برادر یمنی آیا فضل دیگری را به فضیلت‌های این زیارت برایت نیفزایم؟ گفت: چرا، برایم بگو ای پسر رسول خدا ﷺ! گفت: زیارت ابا عبدالله برابر است با یک حج مقبول و پاک همراه با رسول خدا ﷺ. مرد بسیار تعجب کرد، دوباره جعفر گفت: آری به خدا برابر است با دو حج مبرور و مقبول و پاک همراه با رسول خدا، باز هم مرد تعجب کرد. پی در پی ادامه داد تا رسید به اینکه گفت: برابر است با سی حج مبرور و مقبول و پاک همراه رسول خدا ﷺ.^۱

و در وسائل الشیعه^۲ روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ (که ایشان از این افتراء مبراست) گفته: «هرکس حسین را بعد از وفات زیارت کند، خدا برایش یک حج می‌نویسد. عائشه با تعجب پرسید: یک حج تو؟ فرمود: بله، دو حج من، عائشه دوباره پرسید: دو حج تو؟ فرمود: بله سه حج من، و و و، به همان ترتیب ادامه دادند تا رسید به اینکه فرمود بله، هفتاد حج من و هفتاد عمره برایش نوشته شود!

همچنین روایت کرده‌اند... «هزار حج با مهدی و یک میلیارد عمره با پیامبر ﷺ به او می‌رسد»؟!^۳

سپس اضافه کرده‌اند و گفته‌اند: «هرکس قبر حسین را زیارت کند پاداش دو میلیارد عمره که با رسول خدا ﷺ انجام یافته باشند به او می‌رسد».^۱

۱-، ثواب الاعمال ابن بابویه ص ۵۲، وسائل الشیعه حرعاملی ۳۵۱/۱۰-۳۵۲.

۲- ج ۳۵۱/۱۰-۳۵۲ ح ۱۴ (باب استحباب اختیار زیارة الحسین).

۳- وسائل الشیعه ج ۱۰ / ۳۵۰ - ۳۵۱.

سپس فراتر رفته و گفته‌اند: «از رضا علیه السلام روایت است که گفت: «هرکس قبر حسین علیه السلام را در کنار رود فرات زیارت کند، مانند کسی است که خدا را در بالای عرش او زیارت کرده است»^۲.

و می‌گویند: از ابو عبدالله علیه السلام روایت است که گفت: «هرکس قبر حسین بن علی علیهما السلام را در روز عاشورا در حالی که حق او را بداند زیارت کند؛ مانند کسی است که خدا را بر عرش او زیارت کرده باشد»^۳. و آیا این افزودن آمارها متوقف می‌شوند!! امیدواریم.

یک تناقض آشکار

از حنان روایت است که گفت: «به ابی عبدالله علیه السلام گفتم: در مورد زیارت قبر حسین صلوات الله علیه چه می‌گویی، از یکی از شما به ما رسیده که زیارت قبر حسین برابر یک حج و عمره است؟ ابو عبدالله گفت: این حدیث را ضعیف میدانم، معادل چنین پاداشی نیست، ولی او را زیارت کنید و به او جفا نکنید، او سردار جوانان بهشت است»^۴.

یک ضربه کمر شکن بر پیکر سران شیعه

کلینی روایت می‌کند که امیر المؤمنین علیه السلام گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله مرا فرستاد تا قبرهای ساخته شده را منهدم کنم و عکس و تمثال‌ها را بشکنم»^۵.

۱- تهذیب الاحکام طوسی ج ۶ / ۴۹ و رسایل الشیعه ج ۱۴ / ۴۶۰ و مستدرک الوسائل نوری ۲۵۰ / ۱۰ و بحار الانوار ج ۹۸ / ۸۸.

۲- بحار الانوار ج ۹۸ / ۶۹ و ثواب الاعمال ابن بابویه قمی ص ۸۵

۳- مستدرک الوسائل ج ۱۰ / ۲۹۱ و بحار الانوار ج ۹۸ / ۱۰۵ و الاقبال ص ۵۶۷ علی بن موسی بن جعفر معروف به ابن طاووس. و کتاب المزار مفید ص ۵۱ و مصباح الهدی طوسی ص ۷۷۱

۴- بحار الانوار ج ۱۰۱ / ۳۵ و قرب الاسناد ص ۴۸ از عبدالله بن جعفر حمیری از علمای قرن سوم شیعه.

۵- فروع الکافی ج ۲ / ۲۲۶.

و در روایت دیگر آمده است که گفت: «مرا فرستاد و گفت هیچ تمثال و عکسی را مگذار مگر آن را نابود کنی، و هیچ قبری را مگذار مگر آن را صاف و با زمین یکسان کنی»^۱.

حق تشریح از دیدگاه شیعه برای کیست؟

س ۴۳- آیا به اعتقاد بزرگان شیعه جز خداوند متعال کسی حق تشریح و حلال کردن و حرام کردن دارد؟.

ج- بله، علمای شیعه ادعای می‌کنند که اباجعفر (که از این افتراء مبرا است) گفته: «چون (همه امور شرع) به ما واگذار شده، هر چه ما (ائمه) حلال کنیم حلال است و هر چه را حرام اعلام کنیم حرام است^۲. امام هر چه را بخواهد حرام می‌کند و هر چه را بخواهد حلال می‌نماید».

و روایت کرده‌اند که امام رضا گفته است: «مردم از نظر فرمانبری و اطاعت بنده و بردگان ما هستند»^۳.

ضربه کمر شکن:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحٰنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۳۱﴾﴾ [التوبة: ۳۱].

یعنی: «یهودیان و ترسایان علاوه از خدا، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته‌اند (چرا که علماء و پارسایان، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می‌کنند، و خودسرانه قانونگذاری می‌نمایند، و دیگران هم از ایشان فرمان می‌برند و سخنان آنان را دین می‌دانند و کورکورانه به دنبالشان روان می‌گردند. ترسایان افزون بر آن) مسیح پسر مریم را نیز خدا می‌شمارند. بدیشان جز این دستور داده نشده است که: تنها خدای یگانه را بپرستند و بس. جز خدا معبودی نیست و او پاک و منزّه از شرک و ورزی و چیزهائی است که ایشان آن‌ها را انباز قرار می‌دهند».

۱- فروع الکافی کلینی ج ۲ / ۲۲۷ و سایل الشیعه حر عاملی ج ۲ / ۸۶۹.

۲- الاختصاص ص ۳۳۰ للمفید، بحار الأنوار ج ۳۳۴/۲۵ ح ۱۲ (فصل فی بیان التفویض ومعانیه).

۳- الامالی مفید ص ۴۸ و بحار الانوار ج ۲۵ / ۲۷۹.

ابو عبدالله علیه السلام می‌گوید: «سوگند به خدا که علماء و دیرنشینان آن‌ها را به عبادت خویشان فرا نخواندند، و اگر فرا می‌خواندند آن‌ها اجابت نمی‌کردند، بلکه حرام را برایشان حلال کردند و حلال را برایشان حرام نمودند، و بدون اینکه خود بفهمند به پرستش آن‌ها پرداختند»^۱.

خاک قبر حسین علیه السلام

س ۴۴- اعتقاد بزرگان شیعه در مورد گل و خاک کربلا چگونه است؟

ج- گفته‌اند: «خاک قبر حسین شفای هر دردی است»^۲.

و روایت کرده‌اند که: «خداوند متعال خاک قبر حسین را شفای هر بیماری، و امان و پناه از هر ترس و هراسی قرار داده است»^۳.

و روایت کرده‌اند که ابو عبدالله گفته: «خاک قبر حسین را به کام فرزندانمان بمالید زیرا امان است»^۴.

تناقض:

همچنین روایت کرده‌اند که ابا عبدالله گفت: «با آب فرات به کام فرزندانمان بمالید»^۵.

و خمینی می‌گوید: «خاک هیچ قبری حتی خاک قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام با خاک قبر حسین قابل مقایسه نیست»^۶.

افسون و یاری طلبیدن از نام‌های نامفهوم

س ۴۵- آیا بزرگان شیعه استفاده از تعاویذ و طلسم و افسون و طلب فریادرسی از چیزهای مجهول (همچون نام جن) را جایز می‌دانند؟

۱- اصول کافی ج ۱ / ۵۳.

۲- بحار الانوار ج ۱۰۱ / ۱۱۸ - ۱۴۰ که حدود ۸۳ روایت در مورد خاک قبر حسین و فضیلت و آداب خوردن آن و احکام آن بیان کرده است !!

۳- امالی طوسی ج ۱ / ۳۲۶.

۴- بحار الانوار ج ۱۰۱ / ۱۲۴، و کامل الزیارات ۲۷۸ اثر ابن قولویه قمی.

۵- کامل الزیارات ص ۱۱۲ ح ۱۷

۶- تحریر الوسیله ج ۲ / ۱۶۴.

ج- بله، بعنوان مثال ادعا می‌کنند که دعا و تعویذ امیرمؤمنان برای شخصی جادو شده این است: «بسم الله الرحمن الرحيم. ای کنوش ای کنوش، ارشش، عطنیطنیطح یا مطیطرون فریالسنون، ماو ما، ساما سویا طیطشا لوش خیطوش، مشفقیش، اوصیعینوش لیطفیتکش ...».

سپس شیخ و مرجع شیعیان مجلسی، رموز عجیبی به صورت شکل‌های متداخل کشیده است.^۱

و به دروغ به علی علیه السلام نسبت داده‌اند که گفته: «هر کس از شما در سفر راه گم کرد و برای خودش احساس خطر کرد، با فریاد بگوید: «یا صالح اغثنی» چون در میان برادران جن شما جنی به نام صالح هست...»^۲.

توضیح:

عرب در زمان جاهلیت وقتی در جایی منزل می‌کردند از بیم زیان جن‌ها به بزرگ آنجا پناه می‌بردند، و خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ [الجن:

.[۶]

یعنی: «کسانی از انسان‌ها به کسانی از پری‌ها پناه می‌آوردند، و بدین وسیله بر گمراهی و سرکشی ایشان می‌افزودند».

قُمی روایت کرده که اباجعفر علیه السلام روایت کرده: «مردی نزد کاهنی می‌رفت که شیطان چیزهایی به او القاء می‌کرد و می‌گفت: به شیطان (قرین جن) خود بگو: فلانی به تو پناه آورده»^۳.

استخاره با تیرهای قرعه

س ۴۶- استخاره با پیکان و تیرهای قرعه در مذهب شیعه چه حکمی دارد؟

ج- آن را مشروع می‌دانند.^۴

۱- بحار الانوار ج ۹۱ / ۱۹۳.

۲- الحصال ج ۲ / ۶۱۸ ابن بابویه قمی ملقب به صدوق، و وسایل الشیعه حر عاملی ج ۸ / ۳۲۵.

۳- تفسیر قمی ج ۲ / ۳۸۹ (سورة الجن).

۴- فروع الکافی ج ۳ / ۳۱۱ (کتاب الصلاة ح ۳ باب صفة الاستخارة).

روایت کرده‌اند استخاره امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین بوده است: «آنچه را می‌خواهی نیت کن و این استخاره را بنویس و در چیزی بگذار، و هر دو را در یک ظرف آب بگذار و روی یکی بنویس بکن و در چیزی بگذار، و روی دیگری بنویس نکن، هر کدام روی آب آمد آن را انجام بده و با آن مخالفت نکن»^۱.

و بعضی از علمای شیعه گفته‌اند محل استخاره باید کنار قبر حسین در سمت سر باشد.^۲

توضیح:

این استخاره و امثال آن با آنچه خداوند فرموده مخالف است، آنجا که می‌فرماید:

﴿حَرَمْتُ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةَ وَالْمَوْقُوذَةَ وَالْمُتَرَدِّيَةَ وَاللَّطِيحَةَ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكَ يَوْمَ يَسُقُ الْيَوْمَ يَبَسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَأَخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۳

[المائدة: ۳].

یعنی: «(ای مؤمنان!) بر شما حرام است (خوردن گوشت) مردار، خون (جاری)، گوشت خوک، حیواناتی که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن‌ها برده شود و به نام دیگران سر بریده شود، حیواناتی که خفه شده‌اند، حیواناتی که با شکنجه و کتک کشته شده‌اند، آن‌هایی که از بلندی پرت شده و مرده‌اند، آن‌هایی که بر اثر شاخ‌زدن حیوانات دیگر مرده‌اند، حیواناتی که درندگان از بدن آن‌ها چیزی خورده و بدان سبب مرده‌اند، مگر این که آن‌ها را سر بریده باشید، حیواناتی که برای نزدیکی به بتان قربانی شده‌اند، و بر شما حرام است که با چوبه‌های تیر به پیشگوئی پردازید و از غیب سخن گوئید، همه این‌ها برای شما گناه بزرگ و خروج از فرمان یزدان است. از امروز کافران از دین شما مأیوس گشته‌اند، پس از آنان نترسید و از من بترسید. امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خداپسند برای شما برگزیدم. اما کسی که در حال گرسنگی ناچار شود و متمایل به گناه نباشد، چرا که خداوند بخشنده مهربان است».

۱ - بحار الانوار ج ۹۱ / ۲۳۸ و وسایل الشیعه ج ۸ / ۲۷.

۲ - وسایل الشیعه ج ۵ / ۲۲۰.

همچنین با آنچه برخی از ائمه آن‌ها رحمهم الله روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ استخاره در همه کارها را به صحابه می‌آموخت همانگونه که سوره‌ای از قرآن را به آن‌ها آموزش می‌داد و می‌فرمود: «هرگاه کسی از شما کار با اهمیتی در پیش داشت، دو رکعت نماز غیر فرض به جا آورد، سپس بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ...»^۱ «خدایا من از علم و قدرت تو طلب آگاهی و توانایی می‌کنم، و از فضل بزرگ تو درخواست می‌کنم، که تو همه توانایی و من ناتوان، و تو همه چیز را می‌دانی و من نمی‌دانم، تو آگاه به همه پنهانی‌ها هستی...».

بدفالی به برخی جاها و زمان‌ها

س ۴۷- حکم بدفالی گرفتن از اماکن و اوقات نزد علمای شیعه چگونه است؟
 ج- معتقد به بدفالی برخی مکان‌ها و اوقات هستند، و با افترا و دروغ روایات زیادی را در این زمینه ساخته و پرداخته‌اند به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند که گفته: «از مصر دوری کنید، و در آن جا ماندگار نشوید، چون ماندن در مصر سبب دیوئی می‌گردد»^۲.
 همچنین این افراد را به نام پیامبر ﷺ ساخته‌اند که گفته: «نگویید اهل شام، بلکه بگویید اهل شومی و بدبختی، آن‌ها بر زبان داود لعنت شده‌اند، و خداوند از آن‌ها افرادی را به بوزیه و خوک تبدیل کرد»^۳.
 توضیح:

خداوند متعال پیرامون سرزمین شام می‌فرماید:

﴿سُبْحٰنَ الَّذِيْ اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِيْ بَرَكْنَا حَوْلَهٗ لِنُرِيَهُ مِنْ ءَايٰتِنَا اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيْرُ﴾ [الإسراء: ۱].

یعنی: «تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد ﷺ) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدس) برد، آنجا که اطرافش را پربرکت

۱- بحار الانوار، ج ۹۱ / ۲۶۵، مکارم الاخلاق طبرسی، ص ۳۷۲ و ن ک مستدرک الوسائل، ج ۶ /

۲۳۶، فتح الابواب ابن طاوس، ص ۱۴۹.

۲- بحار الانوار، ج ۶۰ / ۲۱۱.

۳- تفسیر قمی، ص ۵۹۶، ص ۳۰.

ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های خود را بدو بنمایانیم. بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است».

به فریاد خواندن غیر از خدا

س ۴۸ - آیا نزد علمای شیعه به فریاد خواندن غیر خداوند متعال جایز است، و چه وقت جایز است؟

ج - بله جایز می‌دانند به شرط آن که معتقد نباشد که آن شخص به فریاد خوانده شده یا آن چیز پرورگار است!!

آیت بزرگ شیعه خمینی می‌گوید: «شُرک یعنی طلب حاجت از غیر خداوند با این اعتقاد که او خدا و پروردگار است، اما اگر بدون داشتن این عقیده؛ حاجت خود را از غیر خدا بخواهد شرک نیست، و در این مورد مرده و زنده فرق ندارد، بنابراین اگر حاجت خود را از سنگ و گل بخواهد شرک نیست»^۱.

توضیح:

این تعریف که خمینی از شرک داشته عین شرک اهل جاهلیت است، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

یعنی: «هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خدا است و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را برمی‌گیرند (و بدانان تقرب و توسل می‌جویند، می‌گویند): ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند. خداوند روز قیامت میان ایشان (و مؤمنان) درباره چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگوی کفرپیشه را (به سوی حق) هدایت و رهنمود نمی‌کند».

شب معراج

س ۴۹ - از دیدگاه علمای شیعه خداوند در شب معراج چگونه پیامبر ﷺ را مورد خطاب قرار داد؟

ج - (می‌گویند): خداوند با زبان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله سخن گفت.^۱

توضیح:

خداوند متعال در مورد خود فرموده:

﴿فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

یعنی: «او آفریننده آسمان‌ها و زمین است. او شما را به صورت مرد و زن، و چهارپایان را به شکل نر و ماده درآورده است و بدین وسیله بر آفرینش شما می‌افزاید. هیچ چیزی همانند خدا نیست و او شنوا و بینا است».

س ۵۰- آیا علمای شیعه بین خداوند تعالی و بین ائمه فرق می‌گذارند؟

ج - خیر، علمای شیعه گفته‌اند: «ائمه دارای حالتی روحانی برزخی اولی هستند که در آن حالت صفات ربوبیت و خدایی بر آن‌ها جاری است، و در دعا به همین اشاره شده که گفت: (خدایا) میان تو و آن‌ها (ائمه) فرقی نیست جز اینکه آن‌ها بندگان مخلص تو هستند»!^۲

توضیح:

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ [النحل: ۷۳] ﴿فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۷۴].

یعنی: «و چیزهایی را بجز خدا می‌پرستند که مالک کمترین رزقی در آسمان‌ها و زمین برای آنان نیستند و (در آینده هم) نمی‌توانند. پس برای خدا شبیه و نظیر قرار مدهید (و با قیاس‌های تباه و تشبیهات ناروا، پرستش بتان را توجیه و تعبیر نکنید). بی‌گمان خداوند (اعمال شما را) می‌داند و شما (سرنوشت کردار بدتان را) نمی‌دانید».

همچنین خداوند در توصیف ذات اقدس خود فرمود:

۱ - شرح الزیارة الجامعه الکبیره ، ج ۲ / ۱۷۸ .

۲ - مصابیح الانوار فی کل مشکلات الاخبار، ج ۲ حدیث ۲۲۲ عبدالله الشبر .

﴿فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشورى: ۱۱].

یعنی: «او آفریننده آسمان‌ها و زمین است. او شما را به صورت مرد و زن، و چهارپایان را به شکل نر و ماده درآورده است و بدین وسیله بر آفرینش شمامی‌افزاید. هیچ چیزی همانند خدا نیست و او شنوا و بینا است».

شرک و برائت از مشرکین به مفهوم شیعه

س ۵۱- از دیدگاه شیعه شرک ورزیدن به خداوند چیست، و برائت از مشرکین چه مفهومی دارد؟

ج - ماده و ریشه (شرک) در قرآن ذکر شده، ولی در همه موارد علمای شیعه آن را تأویل می‌کنند، یا می‌گویند بر کسانی اطلاق می‌شود که به امامت امیر مؤمنان و ائمه معتقد نیستند و دیگران را بر آن‌ها برتری می‌دهند^۱.

بعنوان نمونه روایت کرده‌اند که (به افترای آن‌ها) ابو جعفر علیه السلام در مورد این آیه (۶۵) سوره زمر) که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵]. در این آیه شرک را به شرک ورزیدن در ولایت علی علیه السلام تأویل کرده اند^۲.

و شیخ شیعه ابوالحسن شریف می‌گوید: «اخبار و روایات فراوانی وارد شده که شرک ورزیدن به خدا و شرک در عبادت را به شرک ورزیدن در ولایت و امامت تأویل کرده^۳. و مجلسی سرور شیعیان دوازده امامی می‌گوید: «حاصل کلام این که ظاهر آیات مربوط به شرک در مورد بُت و بت پرستی است، و باطن آن درباره خلفای ستمگر است که با ائمه حق شریک قرار داده شدند، و به جای آن‌ها تعیین و منصوب شدند، همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ۖ وَمَنْوَةَ الْغَالِثَةَ الْأُخْرَىٰ﴾ [النجم: ۱۹-۲۰].

۱ - بحار الانوار، ج ۲۳ / ۳۹۰.

۲ - تفسیر فرات، ص ۳۷۰.

۳ - مرآة الانوار و مشکاة الاسرار ابو الحسن بن محمد تباطی عاملی فروی، ص ۲۰۲.

یعنی: «آیا چنین می‌بینید (و این گونه معتقدید) که لات و عزی. و منات، سومین بت دیگر».

(در ادامه می‌گوید): در باطن منظور از لات (خلیفه) اول، و منظور از عزی، دوّم و منظور از مناة سوّم، یعنی کسانی هستند که آن‌ها را امیر المؤمنین و خلیفه رسول خدا و صدیق و فاروق و ذو النورین و امثال آن نامیده‌اند».

همچنین می‌گوید: «یکی از ضروریات دین امامیه براءت و بیزاری جستن از ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه می‌باشد»^۱.

و انکار کننده‌ی ضروریات و بدیهیات دین از دیدگاه مراجع شیعه کافر محسوب می‌شود، همانگونه که بحث آن گذشت.

نخستین کسی که از مشرکین - به اعتقاد شیعه یعنی اصحاب رضی الله عنهم - اظهار براءت کرد عبدالله بن سبأ یهودی بود، و بحث آن گذشت.

براءت از مشرکین در اعتقاد علمای شیعه یعنی اعلام بیزاری اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، و آنچه در راهپیمایی‌های آیات عظام شیعه در موسم حج و در با فضیلت‌ترین و بزرگترین روزها و اشرف مکان‌ها انجام می‌دهند همین است. و حتی آخوندهای شیعه معتقدند که ابوبکر و عمر رضی الله عنهما در موسم حج جلو آن‌ها ظاهر می‌شوند، و به هنگام رمی جمرات آن دو بزرگوار را هم سنگ باران می‌کنند!^۲.

تأثیر ستارگان در زندگی بشر در دیدگاه شیعه

س ۵۲ - آیا از دیدگاه مراجع شیعه ستارگان در سعادت و شقاوت و در رفتن به بهشت و یا دوزخ تأثیری دارند؟

ج - بله، علمای شیعه ادعا کرده‌اند که ابا عبدالله گفته: «هر کس زمانی که ماه در برج عقرب باشد به سفر برود یا ازدواج کند خوبی نمی‌بیند»^۳. که منظورش این است بهشت را نمی‌بیند.

خداوند متعال در رابطه با اعتقاد به بدفالی مشرکین می‌فرماید:

۱ - الاعتقادات، ص ۹۰ - ۹۱ مجلسی .

۲ - تفسیر فرات، ص ۶۷ .

۳ - الروضه از کافی کلینی، ج ۸ / ۲۷۵ .

﴿فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَصْطِرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَّيَّرْتَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۱].

یعنی: «ولی (آنان نه تنها پند نگرفتند، بلکه) هنگامی که نیکی و خوشی بدیشان دست می‌داد (که اغلب هم چنین بود) می‌گفتند: این به خاطر (استحقاق و امتیازی است که بر سایر مردمان داریم و ناشی از میمنت و مبارکی) ما است. اما هنگامی که بدی و سختی بدیشان دست می‌داد، می‌گفتند: (این خشکسالی‌ها و بلاها همه ناشی از) نحوست و شومی موسی و پیروان او است! هان! (ای مردمان همه اعصار و قرون بدانید) که بدبیری آنان تنها از جانب خدا (و با تقدیر و تدبیر او نه کس دیگری) بوده است، ولیکن اکثر آنان (این حقیقت ساده را) نمی‌دانستند».

کلیدهای غیب در دست کیست؟

س ۵۳- آیا به اعتقاد علمای شیعه خداوند کسی غیر از خود را به کلیدهای غیب‌ها اختصاص داده است؟

ج - علمای شیعه ادعا می‌کنند که علی بن ابی طالب علیه السلام گفته است: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده است مگر آنکه من دین او را ادا می‌کنم و وعده‌هایش را ایفا می‌نمایم و خداوند مرا با علم و پیروزی برگزیده است و دوازده بار پیش پروردگرم رفته ام، و خداوند خود را به من معرفی کرد و کلیدهای غیب را به من بخشید»^۱.

و ادعا کرده‌اند که ابا عبدالله گفته است: «من آنچه در آسمان‌ها و زمین است می‌دانم و آنچه در بهشت است می‌دانم و آنچه را که شده و آنچه را که می‌شود می‌دانم»^۲.

توضیح:

خداوند متعال در مورد ذات اقدس در قرآن می‌فرماید:

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْفُطُ مِنْ رَاقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [الأنعام: ۵۹].

۱ - وسایل الشیعه ج ۵ / ۲۲۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۱ / ۲۶.

یعنی: «گنجینه‌های غیب و کلید آن‌ها در دست خدا است و کسی جز او از آن‌ها آگاه نیست. و خداوند از آنچه در خشکی و دریا است آگاه است. و هیچ برگی (از گیاهی و درختی) فرو نمی‌افتد مگر این که از آن خبردار است. و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های (درون) زمین، و هیچ چیز تر و یا خشکی نیست که فرو افتد، مگر این که (خدا از آن آگاه، و در علم خدا پیدا است و) در لوح محفوظ ضبط و ثبت است».

و می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾ [النمل: ۶۵].

یعنی: «بگو: کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند غیب نمی‌دانند جز خدا، و نمی‌دانند چه وقت برانگیخته می‌شوند (و قیامت فرا می‌رسد)».

توحید ربوبیت از دیدگاه شیعه

س ۵۴- عقیده علمای شیعه در مورد توحید ربوبیت چیست؟

ج - این موضوع ان‌شاء الله در سؤالات بعدی بیان خواهد شد.

س ۵۵- آیا بزرگان شیعه به وجود پروردگاری همراه با الله تعالی اعتقاد دارند؟

ج - (شیعه واژه رب را به علی تفسیر می‌کنند و) ادعا می‌کنند که علی علیه السلام گفته: «من یکی از فروع پروردگاری هستم»^۱.

سپس این اعتقاد گمراهی پیشرفت کرده تا اینکه به نام علی علیه السلام دروغ بسته‌اند که گفته: «من پروردگاری هستم که زمین بوسیله او آرامش می‌یابد»^۲.

همچنین در مورد این آیه: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ [الزمر: ۶۹]. «می‌گویند:

یعنی زمین با نور امام روی زمین روشن است که علی علیه السلام است!»^۳.

و در تفسیر این آیه:

۱ - شرح الزيارة الجامعة الكبيرة ج ۱ / ۷۰

۲ - مرآة الانوار، ص ۵۹ عاملی.

۳ - تفسیر قمی، ج ۲ / ۲۵۳ و علمای شیعه در مورد این تفسیر گفته‌اند اصل تفاسیر است، ن ک

مقدمه تفسیر قمی، ص ۱۰ و تفسیر البرهان، ج ۴ / ۸۷.

﴿قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا﴾

[الکھف: ۸۷]. می‌گویند: یعنی: سپس بسوی علی برگردانیده می‌شود.

توضیح:

خداوند متعال خطاب به پیامبرش ﷺ می‌فرماید: ﴿فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۳].

یعنی: «بجز خدا معبودی را به فریاد مخوان و پرستش مکن، که (اگر چنین کنی) از زمره

عذاب شوندگان خواهی بود».

و فرمود:

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ

وَالِيهِ تُرْجَعُونَ﴾ [القصص: ۸۸].

یعنی: «همراه الله معبود دیگری را به فریاد مخوان. جز او هیچ معبود دیگری وجود

ندارد. همه چیز جز ذات او فانی و نابود می‌شود. فرماندهی از آن او است و بس، و همگی

شما به سوی او برگردانده می‌شوید».

متصرف زمین و آسمان‌ها کیست؟

س ۵۶- به اعتقاد بزرگان شیعه چه کسی در دنیا و آخرت تصرف می‌کند؟

ج- کلینی از ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده که (به دروغ شیعه) گفت: «آیا نمی‌دانی

که دنیا و آخرت از آن امام است، و هر کجا که آن را بخواهد می‌گذارد و به هرکسی که

بخواهد آن را می‌دهد»^۱.

توضیح:

خداوند متعال در مورد مالکیت زمین و آسمان‌ها از مشرکین سؤال می‌کند:

﴿قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا

تَذَكَّرُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۴-۸۵].

یعنی: «بگو: زمین و کسانی که در زمین هستند از آن کیستند، اگر دانا و فرزانه‌اید؟!

خواهند گفت: (همه کائنات، و از جمله زمین و ساکنان آن) از آن خدایند».

و به خاطر شرک ورزیدن‌شان به آنان اعتراض نموده و فرمود:

﴿قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَنْ مَنِ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٩١﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَّى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾﴾ [المؤمنون: ۸۴-۹۲].

یعنی: «بگو پس چرا نمی‌اندیشید و یادآور نمی‌گردید. بگو: چه کسی صاحب آسمان‌های هفتگانه و صاحب عرش عظیم است؟ خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چرا پرهیزگاری پیش نمی‌گیرید. بگو: آیا چه کسی فرماندهی بزرگ همه چیز را در دست دارد و او کسی است که پناه می‌دهد و کسی را (نمی‌توان) از (عذاب) او پناه داد، اگر فهمیده و آگاهید؟! خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چگونه گول می‌خورید و جادو و جنبل می‌شوید؟ بلکه برای ایشان حق را آورده‌ایم (که قرآن است) و آنان قطعاً دروغگویند. خداوند نه فرزندی برای خود برگرفته است و نه خدائی با او (انباز) بوده است، چرا که اگر خدائی با او می‌بود، هر خدائی به آفریدگان خود می‌پرداخت و هر یک از خدایان بر دیگری برتری و چیرگی می‌جست. خدا والاتر و بالاتر از آن چیزها است که ایشان می‌گویند. خدا از پنهان و آشکار آگاه است لذا او پاک و دور از آن چیزهائی است که ایشان شریک (خداوند جهان) می‌گردانند».

پدید آورنده جهان هستی کیست؟

س ۵۷- به اعتقاد بزرگان شیعه پدیدآورنده‌ی حوادث جهان هستی کیست؟

ج- علمای شیعه می‌گویند: «حوادث جهان هستی همه کار امام است، از سماعه بن مهران روایت کرده‌اند گفت: نزد ابا عبدالله علیه السلام بودم که در آسمان رعد و برق زد، ابو عبدالله گفت: «رعد و برقی که می‌بینید کار صاحب و آقای شماست. گفتم: صاحب و یار ما کیست؟ گفت: امیر المؤمنین علیه السلام»^۱.

۱- الاختصاص المفید، ص ۳۲۷، بحارالانوار، ج ۲۷ / ۳۳، و بصائر الدرجات صفار، ص ۴۰۸، تفسیر

همچنین روایت کرده‌اند که امیرالمؤمنین علیه السلام روی ابری سوار شد و در حالی که بر بالای آن بود گفت: «من نور خدا بر روی زمین هستم، من زبان گویای خدا در میان خلق هستم، من آن نور خدا هستم که خاموش شدنی نیست، من آن درب ورودی خدا هستم که باید از آن وارد شد، و من حجت خدا بر بندگانش هستم»^۱.
توضیح:

ای مسلمان منصف عاقل شما از این روایات چه برداشت و استنباط می‌کنی، آیا علمای شیعه که این روایت را ساخته‌اند، در آن برای علی علیه السلام ادعای خدایی نکرده‌اند، آیا ادعا نکرده‌اند که او در ربوبیت خداوند شریک است، و حال آنکه خداوند می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ أَلْبَرِّقَ حَوْفًا وَظَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ﴾ [الرعد: ۱۲].

یعنی: «او است که آذرخش آسمان را به شما می‌نماید که هم باعث بیم و هم مایه امید شما می‌گردد، و نیز ابرهای سنگین بار را (با تبخیر آب‌های تلخ و شیرین اقیانوس‌ها و دریاها و رودبارها) پدید می‌آورد».

زنده کردن مرده

س ۵۸- آیا علمای شیعه معتقدند به اینکه ائمه آن‌ها می‌توانند مرده‌ها را زنده کنند؟

ج- بله معتقدند، زیرا این افترا را ساخته‌اند که گویا علی علیه السلام جوانی از بنی مخزوم را زنده کرد! بدین‌صورت که با پایش بر قبر آن جوان کوبید، سپس جوان از قبر بیرون آمد در حالی که زبانش واژگون شده بود چون به ادعای آن‌ها بر سنت ابوبکر و عمر وفات یافته بود^۲.

همچنین (می‌گویند) علی علیه السلام همه مرده‌های قبرستان جبانه را زنده کرد، وقتی به وسط آن قبیله رسید جبانه کلمه‌ای را بر زبان آوردند، بعد همه دچار اضطراب شدند و قلب‌شان لرزید و بیم و هراس زیادی بر آن‌ها چیره شد؛ بطوری که رنگ‌شان پریده بود...»^۳.

۱- بحارالانوار، ج ۲۷ / ۳۴.

۲- ينظر: أصول الكافي ج ۱/ ۳۴۷ (كتاب الحجة ح ۷ باب مولد أمير المؤمنين صلوات الله عليه)

۳- بحار الأنوار ج ۴۱/ ۱۹۴ ح ۵.

همچنین (روایت کرده‌اند) که علی علیه السلام ضربه‌ای بر سنگ زده و بلافاصله صد شتر از آن بیرون آمد، روایت می‌گوید: «با چوبدستی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر سنگ زد و صدایی شبیه ناله‌ی شتر ماده در وقت زایمان از سنگ شنیده شد، سپس سنگ شکافت و سر شتری از آن بیرون آمد که افسارش به سنگ بسته بود، به پسرش امام حسن گفت: آن شتر را بگیر، بعد صد رأس شتر از سنگ بیرون آمدند، و هر کدام یک بچه شتر سیاه همراه داشتند!»!

توضیح:

خداوند متعال فرمود:

﴿أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾﴾ [یس: ۷۷-۸۳].

یعنی: «آیا انسان (با چشم عقل و دیده بینش ننگریسته است و) ندیده است که ما او را از نطفه ناچیزی آفریده‌ایم و هم اینک او پرخاشگری است که آشکارا به پرخاش برمی‌خیزد؟! برای ما مثالی می‌زند و آفرینش خود را (از خاک) فراموش می‌کند و می‌گوید: چه کسی می‌تواند این استخوان‌هایی را که پوسیده و فرسوده‌اند زنده گرداند؟! بگو: کسی آن‌ها را زنده می‌گرداند که آن‌ها را نخستین بار آفریده است، و او بس آگاه از (احوال و اوضاع و چگونگی و ویژگی) همه آفریدگان است. آن کسی که از درخت سبز، برای شما آتش بیافریده است، و شما با آن، آتش روشن می‌کنید. آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد (انسان‌های خاک شده را دوباره) به گونه خودشان بیافریند؟ آری! (می‌تواند چنین کند) چرا که او آفریدگار بس آگاه و دانا است. هرگاه خدا چیزی را بخواهد که بشود، کار او تنها این است که خطاب بدان بگوید: بشو! و آن هم می‌شود. پاکا خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست او است. و شما به سوی او برگردانده می‌شوید».

بالاترین مقام توحید

س ۵۹- بالاترین مقام توحید نزد علمای شیعه چیست؟

ج- توحید نزد آن‌ها اعتقاد به وحدت وجود است! یعنی معتقدند ائمه خودشان خداوند متعال هستند، و این اعتقاد را نهایت حد توحید به حساب می‌آورند^۱. پاک و منزّه است خداوند از آنچه آن‌ها می‌گویند.

توضیح:

گرایش افراطی تصوّف به داخل مذهب اثنی عشریه هم نفوذ کرد و در عقل و خرد بزرگان مذهب متأخرین شیعه آشیانه گزید، و افکار صوفیه افراطی و عقاید تندرو شیعه شباهتی با هم دارند.

س ۶۰- عقیده مراجع شیعه در مورد توحید اسماء و صفات خدا ﷻ چیست؟

ج - اعتقاد علمای شیعه در مورد توحید اسماء و صفات ان‌شاء الله بعداً تبیین خواهد شد.

مقوله جسم بودن خدا ﷻ

س ۶۱- آیا علمای شیعه می‌گویند خداوند جسم است؟

ج- بله، و اولین کسی از علمای شیعه که گفت خداوند ﷻ جسم است هشام بن حکم بود که گفت: خداوند جسم است و دارای ابعاد طول و عرض و عمق است، و طول او به اندازه عرض او است و خداوند هفت وجب از وجب‌های خودش می‌باشد (نعوذ بالله)^۲.

و ابن مرتضی زیدی گفته: «بخش عمده روافض معتقدند که خداوند جسم است، جز کسانی که با معتزله در آمیخته‌اند»^۳.

تعارض:

روایت کرده‌اند که یعقوب سراج گفت: به ابی عبدالله علیه السلام گفتم: بعضی از یاران ما می‌گویند خداوند صورتی همچون صورت انسان دارد، و یکی دیگر گفته: به صورت

۱- ن ک جامع العادات، ص ۱۳۲ - ۱۳۳ مهدی اُبی ذر نراقی.

۲- تفسیر البرهان، ص ۴۱، بحار الانوار، ج ۳ / ۲۸۸، و التنبيه و الرد ملطی، ص ۲۴، و اصول الکافی، ج ۱ / ۱۰۳.

۳- المنیه و الامل زیدی احمد بن مرتضی، ص ۱۹، و الحور العین نشوان حمیری، ص ۱۴۸ - ۱۴۹.

نوجوانی با موهای مجعد است؟ آنگاه ابو عبدالله به سجده افتاد، سپس سر بلند کرد و گفت: «سبحان الذي ليس كمثله شيء ولا تدركه الأبصار» «پاک است خداوندی که هیچ چیزی مانند او نیست و چشم‌ها او را در نمی‌یابند، و هیچ علمی او را احاطه نکند»^۱.

انکار و تعطیل صفات

س ۶۲- اعتقاد بزرگان شیعه در رابطه با انکار و تعطیل صفات خدا چیست؟
ج- بعد از غلو و افراط علمای شیعه در مورد اثبات صفات خداوند، تا جایی در این افراط پیش رفتند که بعضی از (وحدت وجود) سخن گفته‌اند. در اواخر قرن سوم، در مذهب شیعه تغییر و تحوّل ایجاد شد و علمای ایشان تحت تأثیر عقاید معتزله قرار گرفتند که صفات خداوند را که در قرآن و سنت ذکر شده‌اند انکار کردند، و علامه شیعه ابن مطهر به این امر تصریح کرده و می‌گوید: «مذهب شیعه در مورد مسأله اسماء و صفات مثل مذهب معتزله است»^۲.

توضیح:

خداوند پیامبرانش را فرستاده و در مورد اثبات صفات خداوند بصورت مفصل بحث و بیان کردند، اما در مورد صفات منفی خداوند کوتاه و بصورت اجمالی آن‌ها را بیان نمودند، بنابراین در قرآن اثبات صفات به طور مفصل بیان گردیده، و نفی به صورت اجمالی، همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

می بینیم که نفی به صورت اجمالی ذکر شده است: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ و اغلب روش قرآن در نفی به همین صورت است. اما در اثبات صفات به تفصیل بحث می‌کند، و مثل آنچه در آخر سوره حشر آمده است و شواهد در این مورد زیادند.

۱- التوحید ابن بابویه قمی، ص ۱۰۳-۱۰۴.

۲- نهج المسترشدين، ص ۳۲ ابن مطهر حلی، عقائد الامامیه الاثنی عشریه آیت الله ابراهیم موسوی زنجانی، ص ۲۸.

مخلوق بودن قرآن

س ۶۳- اعتقاد بزرگان شیعه در مورد مخلوق بودن قرآن چگونه است؟
 ج- علمای شیعه در قضیه مخلوق بودن قرآن از جهمیهِ^۱ و معتزله پیروی کردند و شیخ بزرگ شیعه مجلسی فصلی را در کتاب خود به نام (باب انّ القرآن مخلوق) عنوان‌گذاری کرده و بر مخلوق بودن آن تأکید دارد، همانگونه که آیت شیعه محسن امین با تأکید بر این امر می‌گوید: «شیعه و معتزله^۲ گفته‌اند قرآن مخلوق است»^۳.
 مبنای اعتقاد شیعه به مخلوق بودن قرآن بر این است که آن‌ها صفت کلام خدا را انکار می‌کنند. خداوند از آنچه آنان می‌گویند بسیار به دور و (از اندیشه ایشان) خیلی والاتر و بالاتر است.

ضربه کمر شکن بر شیعه

امام شیعیان رضاعلیه^۴ را در مورد قرآن پرسیدند، در پاسخ گفت: «قرآن کلام خدا و غیر مخلوق است»^۴.

رؤیت خداوند

س ۶۴- عقیده علمای شیعه در مورد دیدن مؤمنان پروردگار متعال را در روز قیامت چیست، و چه حکمی دارند در مورد کسی که معتقد باشد مؤمنان در قیامت خدا را می‌بینند؟
 ج- علمای شیعه می‌گویند: مؤمنان پروردگارشان را در روز قیامت نمی‌بینند، و روایت کرده‌اند که اسماعیل بن فضل گفت: از ابا عبدالله جعفر صادق پرسیدم: آیا خداوند در معاد و جهان آخرت دیده می‌شود؟ گفت: «خداوند پاک و منزّه است، ای

۱- پیروان جهم بن صفوان هستند، او صفات را انکار می‌کرد و به بدعت‌های دیگر همچون ارجاء و

جبر و فنا شدن بهشت و جهنم معتقد بود، التبنیه و الرد ملطی، ص ۲۱۸.

۲- عبدالجبار معتزلی در شرح اصول خمسه می‌گوید و مذهب در مورد قرآن این است که قرآن کلام

و وحی خداوند است و مخلوق است، شرح الاصول الخمسه، ص ۵۲۸.

۳- اعیان الشیعه، ج ۱ / ۴۶۱.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۱ / ۸.

ابن الفضل چشم‌ها نمی‌توانند چیزی را دریابند و ببینند مگر رنگ و کیفیت داشته باشد، و خداوند خالق رنگ‌ها و کیفیت‌هاست»^۱.

و شیخ شیعه حرّ عاملی نفی رؤیت و دیدن خدا در قیامت را از اصول ائمه آنان برشمرده است.^۲

و شیخ شیعه نجفی حکم به ارتداد هر کسی کرده که برخی صفات را به خدا نسبت دهد، مانند رؤیت و غیره.^۳

توضیح:

این اعتقاد شیعه دربرگیرنده نفی وجود خداوند متعال است، زیرا آنچه مطلقاً کیفیتی ندارد وجود هم ندارد، و همچنین این روایات با آنچه شیخ شیعه کلینی از ابی عبدالله روایت کرده تناقض دارد، کلینی روایت کرده که ابو عبدالله گفت: «ولی باید برای خدا کیفیتی اثبات کرد که فقط شایسته و سزاوار اوست، و کسی در آن با او مشارکت ندارد، و احاطه نمی‌شود، و کسی جز او آن را نمی‌داند»^۴.

ضربه کمر شکن بر شیعه

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿٢٣﴾﴾ [القیامة: ۲۲-۲۳].

«در آن روز چهره‌هایی شاداب و شادانند. به پروردگار خود می‌نگرند».

و در رابطه با کفّار فرمود:

﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾﴾ [المطففين: ۱۵].

«هرگز! هرگز! قطعاً ایشان در آن روز (به سبب کارهایی که کرده‌اند) از (رحمت)

پروردگارشان محروم و (از بارگاه قرب و منزلت آفریدگارشان) مطرودند».

۱- بحار الانوار، ج ۴ / ۳۱.

۲- الفصول المهمة فی اصول الائمة حر عاملی، ص ۱۲.

۳- کشف الغطاء ص ۴۱۷، اعیان الشیعه، ج ۱ / ۴۴۳ و عقائد الامامیه مظفر، ص ۵۹.

۴- اصول کافی، ج ۱ / ۸۵.

۵- التوحید ابن بابویه قمی، ص ۱۱۷، بحار الانوار ۴ / ۴۴.

و از ابو بصیر روایت است که گفت به ابو عبدالله علیه السلام عرض کردم: «در مورد خداوند مرا خبر بده آیا مؤمنان در روز قیامت او را می‌بینند؟ فرمود: بله»^۱.

نزول خداوند به آسمان دنیا

س ۶۵- آیا علمای شیعه اعتراف می‌کنند به صفت نزول و فرود آمدن خداوند به آسمان دنیا، و آیا بر کسانی که این صفت را برای خدا اثبات می‌کنند چه حکمی می‌کنند؟

ج- علمای شیعه نزول خداوند را نفی کرده^۲ و بر کسانی که این صفت را برای خدا اثبات کنند حکم کفر می‌کنند. شیخ معاصر شیعه محمد بن مظفر می‌گوید: «هر کس بگوید خداوند به آسمان دنیا فرود می‌آید، و یا خود را به اهل بهشت نشان می‌دهد، و امثال این سخنان را بگوید، مانند کسی است که به خدا کافر شده است، و همچنین هر کس بگوید خداوند روز قیامت خود را به بندگانش نشان می‌دهد کافر است»^۳.

ضربه کمر شکن بر پیکر شیعه

مردی از ابو عبدالله علیه السلام پرسید: «آیا شما می‌گویید خداوند به آسمان دنیا فرود می‌آید؟ ابو عبدالله گفت: ما این را می‌گوییم چون روایات واحادیث صحیح در این مورد آمده است»^۴.

و امام رضا که شیعه او را امام خود می‌دانند می‌گوید: «مردم در مورد توحید سه مذهب دارند: نفی، تشبیه و اثبات بدون تشبیه. نفی جایز نیست، و مذهب تشبیه هم جایز نیست، چون خداوند متعال شبیه هیچ چیزی نیست، و راه درست راه سوم است که اثبات صفات برای خدا بدون تشبیه می‌باشد»^۵.

۱- بحار الانوار، ج ۴ / ۳۱.

۲- در مورد انکار نزول الهی به برخی از روایات‌شان در اصول کافی، ج ۱ / ۱۲۵ - ۱۲۷، و بحار الانوار، ج ۳ / ۳۱۱ - ۳۱۴ مراجعه کنید.

۳- عقاید الامامیه مظفر، ص ۵۹ - ۶۰.

۴- بحار الانوار، ج ۳ / ۳۳۱.

۵- بحار الانوار، ج ۳ / ۲۶۳.

س ۶۶- آیا درست است که بزرگان امامیه ائمه را به صفات خداوند توصیف می‌کنند و آن‌ها را با نام‌های خدا نامگذاری می‌کند؟

ج- بله، این موضوع در صحیح‌ترین کتاب‌های شیعه بیان شده است، شیخ آن‌ها کلینی از ابی عبدالله روایت کرده که خداوند می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰].^۱

گفت: سوگند به خدا که ما اسماء حسناى خداوند هستیم که خدا جز با شناختن ما هیچ عملی را از بندگانش نمی‌پذیرد»^۱.

علمایان اثنی‌عشریه با شرح و تفصیل بیشتر روایتی را به نام ابی جعفر ساخته‌اند که به ادعای آن‌ها گفت: «ما مثانی هستیم که خداوند به پیغمبرش محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بخشیده، و ما چهره خدا هستیم که در میان شما در روی زمین این سو و آن سو می‌گردیم، و ما چشم خدا در خلق او، و دست گشوده شده رحمت او بر بندگان هستیم، بعضی ما را شناخته، و برخی نسبت به ما جاهلند»^۲.

همچنین بر زبان ابی‌عبدالله این افترا را ساخته‌اند که گفت: «خداوند ما را آفرید، و سیمای ما را زیبا کرد، و ما را چشم خود در میان بندگانش قرار داد، و ما را زبان سخن گویش در میان آفریدگانش گردانید، و ما را دست گشوده رحمت خود بر بندگان و آن چهره (یا جهت) خدا هستیم که باید از آن آمد، و آن دروازه خداییم که به او راهنمایی می‌کند؛ و ما را خزانه داران او در آسمان و زمینش قرار داد، درختان بوسیله ما میوه می‌دهند، و میوه‌ها بوسیله ما می‌رسند، و بوسیله ما نهرها جاری می‌شوند، و از آسمان باران می‌بارد، و بوسیله ما گیاهان سبز می‌شوند، و با عبادت و پرستش ما خداوند عبادت شده است، و اگر ما نبودیم خداوند عبادت نمی‌شد»^۳.

و در روایتی دیگر آمده است که ائمه ایشان گفته‌اند: «سپس ما آورده می‌شویم و ما بر عرش پروردگار می‌نشینیم»^۴.

۱- اصول کافی، ج ۱ / ۱۴۳ - ۱۴۴.

۲- اصول کافی، ج ۱ / ۱۴۳.

۳- اصول کافی، ج ۱ / ۱۴۴.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲ / ۳۱۲، بحار الانوار، ج ۳ / ۳۲۰ و تفسیر البرهان بحرانی، ج ۲ / ۴۳۹.

و نیز این افتراء را ساخته و پرداخته‌اند که (پناه بر خدا) خداوند در رابطه با علی گفته: «ای محمد علی اول است، علی آخر است، و او به همه چیز آگاه است، (گویا) رسول خدا گفت: ای پروردگار این اوصاف تو نیست؟ گفت: ای محمد علی اول و آخر و ظاهر و باطن است...»^۱.

و به دروغ به علی علیه السلام نسبت داده‌اند که گفته است: «من چهره خدا هستم، من پهلوی خدایم، من اول و آخر هستم و من ظاهر هستم و من باطن هستم و من وارث زمین، و من راه خدا هستم و...»^۲.

توضیح:

ادعای شیعه در موارد فوق در مورد ائمه شبیه سخن فرعون بود که گفت:

﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾ [النازعات: ۲۴]. «و گفت من والاترین پروردگار شما هستم!».

بزرگان شیعه معتقدند که ائمه گفته‌اند مراد از (وجه) در آیات ذیل ائمه هستند،

مانند: ﴿وَيَبْقَى وَجَهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ [الرحمن: ۲۷]. و می‌فرماید:

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ

وَالْيَوْمَ تَرْجَعُونَ﴾ [القصص: ۸۸]. گفت: «یعنی ائمه باقی می‌مانند، چون آن‌ها به دروغ به

امامانشان نسبت داده‌اند که آن‌ها گفته‌اند: ما چهره خدا هستیم که از بین نمی‌رود».^۳

بار خدایا از شرک و مشرکین به تو پناه می‌بریم.

ضربه کمر شکن بر شیعه

۱- بصائر الدرجات الكبرى ص ۵۳۴ ح ۳۶ (باب النوادر فی الأئمة عليهم السلام وأعاجيبهم)، بحار الأنوار ج ۱۸۰/۹۱ ح ۷ (باب أدعية الشهداء والعقاید).

۲- رجال کشی، ص ۲۱۱، بحار الأنوار، ج ۹۴ - ۱۸۰، و مناقب آل ابی طالب، ج ۲ / ۳۸۵ و بصائر الدرجات ص ۱۵۱.

۳- التوحید بن بابویه قمی، ص ۱۵۰، بحار الأنوار، ج ۲۴ / ۲۰۱، تفسیر صافی، ج ۴ / ۱۰۸، البرهان، ج ۳ / ۲۴۱.

ابوعبدالله در مورد علمای شیعیان خود می‌گوید: «خداوند پاک و منزّه است از آنچه این‌ها او را بدان وصف می‌کنند، ما در علم و قدرت خداوند شریک او نیستیم، بلکه هیچ کس جز او غیب نمی‌داند، چنان که در کتابش می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾ [النمل: ۶۵].

یعنی: «بگو کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند غیب نمی‌دانند جز خدا، و نمی‌دانند چه وقت برانگیخته می‌شوند».

گفت: جاهلان و احمقان شیعه و کسانی که دین‌شان از بال پشه سبک‌تر است ما را اذیت کرده‌اند، و خداوندی را که هیچ معبود به حقی جز او نیست گواه می‌گیرم که من از کسی که بگوید که ما غیب می‌دانیم یا در فرمانروایی خداوند شریک هستیم، یا ما را فراتر از جایی قرار می‌دهد که خدا برای ما پسندیده است؛ بیزارم و از او به خدا پناه می‌برم»^۱.

مفهوم ایمان از دیدگاه شیعه

س ۶۷- مفهوم ایمان نزد علمای شیعه چیست؟

ج- بزرگان شیعه ایمان به ائمه اثنی عشر را کل ایمان به حساب می‌آورند!!
ابن مطهر حلی می‌گوید: «امامت یکی از ارکان ایمان است که سبب جاودانی در بهشت و نجات از خشم خداست»^۲.

و امیر محمد کاظمی قزوینی گفته است: «قطعاً کسی که به ولایت و امامت علی علیه السلام کفر بورزد، ایمان از حساب او ساقط گردد، و بدین سبب عمل او محو و باطل می‌شود»^۳.

شهادت سوّم

س ۶۸- آیا علمای شیعه اضافه بر شهادتین به شهادت سومی معتقدند؟

۱- بحار الانوار، ج ۲۵ / ۳۲ و ۲۶۷ و ۳۱۶، الاحتجاج طبرسی، ج ۲ / ۴۷۳، رجال کشی، ص ۳۲۳ - ۳۲۵ و ۵۱۸

۲- منهاج الكرامة فی إثبات الإمامة ص ۱ ابن مطهر حلی ت ۷۲۶.

۳- الشيعة فی عقائدهم وأحكامهم ص ۲۴ امیر محمد کاظمی قزوینی.

ج - بله، و آن شهادت دادن به این که علی ولی الله است، بنابراین در اذان و بعد از نمازهایشان این شهادت را می‌گویند^۱، و آن را به مردگان‌شان تلقین می‌کنند. حجت و مرجع شیعه کلینی از ابی جعفر (حاشا از او) روایت کرده‌اند که گفت: «به مرده‌هایتان شهادت لا اله الا الله و ولایت را تلقین کنید»^۲.

اعتقاد به ارجاء

س ۶۹ - عقیده علمای شیعه در مورد ارجاء و مرجئه‌گری چیست؟
ج - ایمان از دیدگاه فرقه مرجئه معرفت و شناخت، و از دیدگاه شیعه ایمان یعنی شناخت امام یا دوست داشتن او!!.

بنابراین افتراپی را بر زبان رسول خدا ﷺ ساخته‌اند که گفته: «دوست داشتن علی ﷺ نیکی (و عبادتی) است که هیچ گناهی همراه آن ضرر ندارد»^۳.
و نیز گفته: «اگر همه مردم بر دوست داشتن و محبت علی جمع می‌شدند؛ خداوند آتش دوزخ را خلق نمی‌کرد»^۴!

و به دروغ روایت کرده‌اند که: «از گذشته و آیندگان هیچ کس به بهشت نمی‌رود مگر کسی که علی را دوست داشته باشد، و از پیشینیان و پسینیان هیچ کس به دوزخ نمی‌رود مگر کسی که نسبت به او بغض و دشمنی داشته است»^۵.
توضیح:

خداوند متعال فرمود:

﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ، وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۳].

یعنی: «هرکس که کار بدی بکند در برابر آن کیفر داده می‌شود، و کسی را جز خدا یار و یاور خود نخواهد یافت».

۱ - وسائل الشیعه حرعاملی، ج ۴ / ۱۰۳.

۲ - فروع کافی، ج ۱ / ۳۴، و تهذیب الاحکام، ج ۱ / ۲۸ - ۲۸۷، و وسائل الشیعه حرعاملی ج ۲ / ۶۶۵.

۳ - الفضائل شاذان بن جبرئیل ص ۹۶.

۴ - منبع سابق.

۵ - علل الشرائع ص ۱۶۲.

و می‌فرماید:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾﴾ [الزلزلة:

۸-۷].

یعنی: «پس هرکس به اندازه ذره غباری کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید)». به اندازه ذره غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید)». اما شیعه ایمان آوردن به خدا و پیامبر ﷺ و دیگر عقاید دینی را کنار زده‌اند و در شریعت اسلامی هیچ چیزی را جز محبت امیرمؤمنان نگذاشته‌اند! مردم امت‌های سابق چه گناهی دارند که امام علی را نشناخته‌اند؟! وقتی که هیچ گناهی همراه با محبت علی ﷺ ضرر و زیان نداشته باشد، پس نیازی به مهدی معصوم ندارند که «لطف تکلیف است»، زیرا وقتی مهدی وجود نداشته باشد؛ مرتکب گناه و نافرمانی می‌شوند، پس وقتی که محبت و دوست داشتن علی ﷺ برایشان کافی باشد، وجود امام و عدم او یکسان است، و اگر اینگونه بود که آن‌ها می‌پندارند، نه فرستادن پیامبران لازم بود و نه نازل شدن کتاب‌ها، و نه تشریح قوانین الهی.

بدعت در عبادت

س ۷۰- آیا علمای شیعه شعایر و اعمالی را در دین ابداع کرده‌اند به ادعای اینکه دارای اجر و پاداش باشند بدون اینکه در مورد آن‌ها رهنمودی از خدا ورسولش داشته باشند، لطفا چند نمونه در آن مورد ذکر کنید؟.

ج- بله، بعنوان مثال لعن و نفرین ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و عائشه و حفصه رضی الله عنهن را بعد از نمازهای واجب برترین عبادت می‌دانند! همچنین بر سر و صورت زدن و پاره کردن یقه لباس و پیراهن را به نام عزاداری برای حسین عبادات بزرگ می‌دانند.^۲

۱- فروع الکافی ج ۳/۲۲۴ (کتاب الصلاة ج ۱۰ باب التعقیب بعد الصلاة والدعاء)، وسائل الشیعة

ج ۶/۴۶۲ ح ۱ (باب استحباب لعن أعداء الدین عقیب الصلاة بأسمائهم)

۲- عقائد الامامیه مبحث الکواکب الحسینیة، ج ۱ / ۲۹۸ و دایرة المعرف الاسلامیه الشیعه حسین

امین، ج ۲۱ / ۲۰۲.

آل کاشف الغطا را در مورد مراسم عاشوراء و نمایش واقعه کربلا و کشته شدن حسین و آنچه بر سر او و خانواده‌اش آمده و گریه و زاری و فریاد و واویلا و زدن بر سر و سینه و تکرار فریاد یا حسین یا حسین.. پرسیدند؟
 آیت شیعه در پاسخ گفت:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعْبِيرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲].

یعنی: «(مطلب) چنین است (که گفته شد)، و هر کس مراسم و برنامه‌های الهی را بزرگ دارد (و از جمله مناسک حج را گرامی‌شمارد)، بی‌گمان بزرگداشت آن‌ها نشانه پرهیزکاری دلها (و خوف و هراس از خدا) است».

تردید نیست که دسته‌های عزاداری و به نمایش گذاشتن آن فاجعه دردناک از بزرگترین شعائر و آیین‌های فرقه جعفریه است.^۱

و روایت کرده‌اند که ائمه ایشان رفتن شیعیان‌شان را به بهشت تضمین کرده‌اند، کلینی از ابوبصیر روایت کرده که ابا عبدالله ع (حاشا از او) گفت: «هرگاه به کوفه برگشتی مردی نزد تو خواهد آمد، به او بگو جعفر بن محمد به تو می‌گوید: آنچه تو بر آن قرار داری رها کن، من به جای خدا بهشت را برایت تضمین می‌کنم». وقتی آن مرد در بستر مرگ قرار گرفت ابو بصیر را فراخواند و گفت: «ای ابوبصیر دوستت به ما وفادار بود، سپس جان به جان آفرین تسلیم کرد، وقتی که به حج رفتم نزد ابا عبدالله رفتم و اجازه ورود خواستم، وقتی وارد خانه شدم؛ هنوز هر دو پایم را وارد منزلش نکرده بودم گفت: ای ابوبصیر به وعده‌ی دوستت وفا کردیم (او را به بهشت فرستادیم)»^۲.

همچنین کشی از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده که گفت: «به ابی الحسن گفتم: علی بن یقطین نامه‌ای را برایت فرستاده و از تو درخواست دعا کرده، گفت: در مورد آخرت برایش دعا کنم؟ گفتم: بله. می‌گوید: آنگاه دستش را روی سینه‌اش گذاشت و گفت: علی بن یقطین را ضمانت کنم که آتش دوزخ به او نرسد»^۳.

توضیح:

۱ - الآيات البينات، ص ۵ غطا.

۲ - أصول الكافي ج ۱/۳۶۱-۳۶۲ ح ۵ (كتاب الحجة ح ۵ باب مولد أبي عبد الله جعفر بن محمد ع).

۳ - رجال کشی، ص ۴۳۱ - ۴۳۲ و ص ۴۴۷ - ۴۴۸ و ۴۸۴، ن ک الکافی، ج ۱ / ۴۷۴ - ۴۷۵.

چگونه به جای خدا قسم یاد می‌کنند، گویا گنجینه‌های رحمت الهی؛ و کلید همه چیز را در دست آن‌هاست، و آن‌ها سند عفو و محرومیت را صادر می‌کنند، آیا آن‌ها در تدبیر هستی شریک خدا هستند:

﴿أُطْلِعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ ۷۸ ﴿كَلَّا سَكَتُكَ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنْ الْعَذَابِ مَدًّا﴾ ۷۹ ﴿وَتَرْتُهُمْ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا﴾ ۸۰ ﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِيْهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا﴾ ۸۱ ﴿كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا﴾ ۸۲ ﴿ [مریم: ۷۸-۸۲].

یعنی: «آیا او از (أسرار) غیب آگاه شده است؟ و یا (این که در این زمینه) از پیشگاه خدای مهربان عهد و پیمانی گرفته است؟ چنین نیست که او می‌گوید. ما آنچه را که می‌گوید (علیه او) می‌نویسیم، و عذاب را بر او مستمرّ و پیاپی خواهیم داشت. و از او به ارث می‌بریم آنچه را که از آن دم می‌زند (که وجود مال و ولد است، و روز قیامت) تک و تنها پیش ما خواهد آمد. نه چنین است (که می‌اندیشند. روز قیامت) معبودهایی را که می‌پرستند، عبادت ایشان را انکار خواهند کرد، و دشمن آنان خواهند شد».

گریه برای حسین چهارده قرن است که اسلام را نگه داشته است

س ۷۱- به ادعای بزرگان شیعه چه چیزی در طول چهارده قرن اسلام را حفاظت و از آن پاسداری کرده است؟

ج - امام شیعیان خمینی می‌گوید: گریه کردن برای سید الشهداء علیه السلام و بر پا داشتن مجالس عزاداری حسینی، اسلام را در چهارده قرن حفاظت کرده است.^۱

س ۷۲- اعتقاد و موضع علمای شیعه در مورد وعید و تهدی‌های خداوند چیست؟
ج- شیخ شیعه مفید گفته: امامیه اتفاق نظر دارند بر این که اهل بدعت همه کافرند، و امام در صورت قدرت داشتن باید از آن‌ها بخواهد که توبه کنند، اگر توبه کردند و از بدعت‌های خود باز گشتند و به راه درست روی آوردند که خوب است، و گر نه امام و حاکم باید آن‌ها را به خاطر ارتداد و برگشتن از ایمان به قتل برساند و هر کسی از آن‌ها بر این بدعت بمیرد اهل دوزخ است.^۲

۱- روزنامه اطلاعات ایران (ش ۱۵۹۰، ۱۶ / ۸ / ۱۳۹۹ هجری).

۲- اوائل المقالات، ص ۱۶.

بنابراین ابن بابویه شیخ شیعه می‌گوید: در مورد کسی که در چیزی از امور دین با ما مخالفت کند همان عقیده را داریم که در مورد کسی که در همه امور دین با ما مخالفت کرده به آن معتقدیم^۱.

بنابراین علمای شیعه می‌گویند: وعید خداوند متوجه مخالفان شیعه. و نیز در مورد کسی که معتقد اعتقاد شیعه باشد عقیده ارجاء دارند، بنابراین روایت کرده‌اند: روز قیامت حساب شیعیان ما به ما سپرده می‌شود، کسی که خداوند بر او حقی داشته باشد ما در مورد او داوری می‌کنیم و خداوند خواسته ما را می‌پذیرد و هر کسی مردم بر او حقی داشته باشند ما از مردم می‌خواهیم که حق خود را به خاطر ما ببخشند و به ما بخشیده می‌شود، و اگر مشکلی بین او و ما باشد ما از همه به گذشت و عفو سزاوارتریم^۲.

ایمان به فرشتگان

س ۷۴- عقیده علمای مذهب شیعه در مورد ایمان داشتن به فرشتگان چیست؟
 ج - آنها معتقدند که فرشته از نور ائمه آفریده شده‌اند، و روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ گفت: «خداوند از نور چهره علی بن ابی طالب هفتاد هزار فرشته آفرید که برای او و شیعیان و دوستدارانش تا روز قیامت طلب آموزش می‌کنند»^۳.
 *- یکی از وظایف فرشتگان گریه کردن در کنار قبر حسین است. از ابی عبدالله روایت کرده‌اند که گفت: «خداوند چهار هزار فرشته را که ژولیده و غبار آلود هستند برای قبر حسین مقرر کرده که تا روز قیامت برای او گریه کنند»^۴.

آرزوی فرشته‌های آسمان

۱ - الاعتقادات، ص ۱۱۶، ن ک الاعتقادات مجلسی، ص ۱۰۰.
 ۲ - بحار الانوار مجلسی، ج ۶۸، ۹۹، عیون اخبار الرضا ابن بابویه قمی ملقب به صدوق، ج ۲ / ۶۸.
 ۳ - کنز جامع الفوائد، ص ۳۳۴ کراچی، بحار الانوار، ج ۲۳ / ۳۲۰، ارشاد القلوب دیلمی، ج ۲ / ۲۹۴ و تاویل الایات استر آبادی، ص ۶۴۳ و کشف الغمه فی معرفة الائمه اربلی، ج ۱ / ۱۰۳، مائه منقبه، ص ۴۲ شاذان قمی.
 ۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۰ / ۳۱۸.

از ابی عبدالله روایت کرده‌اند که گفت: «چیزی در آسمان‌ها و زمین نیست مگر اینکه آن‌ها از خداوند می‌خواهند به آن‌ها اجازه داده شود قبر حسین را زیارت کنند، بنابراین گروهی فرود می‌آیند و گروهی بالا می‌روند»^۱.

* - به اعتقاد علمای شیعه ملائکه به مسئله ولایت ائمه مکلف هستند، ولی (در عین حال) می‌گویند: از ملائکه جز گروه مقربین و نزدیکان بارگاه الهی کسی ولایت را نپذیرفت، و خداوند هر فردی از ملائکه را که مخالفت کند عذاب می‌دهد، حتی یکی از فرشتگان وقتی ولایت امیرالمؤمنین را نپذیرفت مجازات گردید، و بالش شکسته شد، و بهبود نیافت تا زمانی که رفت و خود را به گهواره حسین علیه السلام مالید»^۲.

خرافات سرای شیعه از ابا عبدالله (حاشا از ابا عبدالله) روایت کرده گفته: «ولایت امیرالمؤمنین را بر فرشتگان پیشنهاد کرد همه پذیرفتند جز یک فرشته به نام فطرس که از قبول کردن سرپیچی کرد، پس خدا بالش را شکست! و بیچاره بهبود نیافت جز زمانی که گهواره حسین را لمس کرد و در آن غلطید! (به دروغ شیعه) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت به پره‌های آن فرشته نگاه انداختم که خون از آن می‌چکید، تا جایی که بال دیگرش هم آغشته به خون شد، و همراه جبرئیل بسوی آسمان صعود کرد و در جای خود قرار گرفت»^۳.

* - حیات فرشتگان وابسته به ائمه است، بنابراین: «فرشتگان آب و غذایی ندارند جز درود فرستادن و دعا کردن برای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و دوستدارانش، و طلب آمرزش کردن برای شیعیان گناه کار او، و ملائکه قبل از تسبیح ائمه و تسبیح شیعیان ما و به پاکی یاد کردن ائمه و شیعیان ما تسبیحی را نمی‌شناختند»^۴.

* - خداوند ملائکه را جز به خاطر این شرافت داده است که ولایت علی را پذیرفته‌اند،^۵ پس روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (حاشا از او) گفت: «آیا فرشتگان جز بوسیله دوست داشتن علی و پذیرش ولایت آن‌ها شرف و مقام یافته‌اند؟ زیرا هرکس

۱ - تهذیب الاحکام، ج ۱۶ / ۲ .

۲ - بحار الانوار، ج ۲۶ / ۳۴۱، بصائر الدرجات الكبرى صفار، ص ۲۰ .

۳ - بصائر الدرجات الكبرى ص ۸۸ ح ۷ (باب ما خصَّ الله به الأئمة).

۴ - بحار الانوار، ج ۲۶ / ۳۴۴ - ۳۴۹، جامع الاخبار ابن بابویه، ص ۹ .

۵ - تفسیر حسن عسکری، ص ۱۵۳ .

دوستدار علی باشد و قلبش از آلودگی غش و دغلی و خیانت و نجاست گناه پاک شده باشد، از بهترین فرشتگان هم برتر است».

* - وقتی فرشتگان با هم درگیر شدند، جبرئیل نزد علی فرود می‌آید تا به آسمان صعود کند و میان فرشتگان صلح برقرار کند»^۱.

* - وقتی شیعه‌ای با دوست شیعه‌اش به خلوت نشیند، فرشتگان حافظ او می‌گویند: «دور شویم، آن‌ها راز می‌دارند و خداوند آن‌ها را پوشانده است»^۲.

تناقض

(ادعای فوق الذکر) در واقع تکذیب این آیات است:

﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿٧٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿٧٨﴾﴾ [ق: ۱۷-۱۸].

و می‌فرماید:

﴿أُمٌّ يَحْسُبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلْ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُتُونَ ﴿٨٠﴾﴾ [الزخرف: ۸۰].

«آیا گمان می‌برند که ما اسرار پنهانی و سخنان در گوشی آنان را نمی‌شنویم؟! آری! (ما) آگاه از راز و رمز ایشان و شنوای نجوای آنان بوده (و) گذشته از این، فرشتگان مأمور ما در کنارشان حاضر و بر اعمال‌شان ناظرند و (همه کردار و گفتارشان را) می‌نویسند و ثبت و ضبط می‌کنند».

* - از دیدگاه شیعه منظور از نام فرشتگانی که در قرآن آمده‌اند دوازده امام است، بنابراین مجلسی شیخ شیعه در کتابش بابی با این عنوان آورده است: «باب در مورد اینکه ائمه صف گرفته و تسبیح گوینده‌اند و صاحب مقام معلوم و حاملان عرش هستند و سفیران گرامی و نیک منش آن‌ها هستند»^۳ سپس (۱۱) روایت را در آن موضوع ذکر کرده است.

توضیح:

۱- وسائل الشیعة ج ۱۲/ ۲۲۹ ح ۲ (باب تحریم حجب الشیعة).

۲- وسائل الشیعة، ج ۸ / ۵۶۳ - ۵۶۴.

۳- بحار الانوار ۲۶ / ۵۱.

واقعاً گشتاخی و زبان درازی آخوندهای شیعه علیه مقام فرشتگان مقرب، دروغ پردازی بر ایشان؛ بسیار نزدیک است به انکار آن بزرگواران عليهم السلام، زیرا انکار کردن وظایف و ویژگی‌ها و فضایل فرشتگان از سوی مراجع شیعه، و تعیین کردن ولایت ائمه به عنوان دین ایشان، سپس انکار وجود آن‌ها با تأویل کردن نام و لقب‌های آن‌ها در قرآن به ائمه ... اما خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُۥٓ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾ لَا يَسْبِقُونَهُۥ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِۦ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾﴾ [الأنبياء: ۲۶-۲۷].

یعنی: «(برخی از کفار عرب) می‌گویند: خداوند رحمان فرزندان (برای خود، به نام فرشتگان) برگزیده است یزدان سبحان پاک و منزّه (از این گونه نقص‌ها و عیب‌ها) است. بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند».

همچنین فرمود:

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿۹۸﴾﴾ [البقرة: ۹۸].

یعنی: «کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است)، چه خداوند دشمن کافران است».

ایمان به کتاب‌های آسمانی

س ۷۴- اعتقاد بزرگان شیعه در مورد رکن سوّم ایمان یعنی ایمان به کتاب‌های آسمانی چیست؟

ج - در این مورد دو مسئله وجود دارد: مسئله اول این که علمای شیعه بر این باور هستند که خداوند کتاب‌هایی بر ائمه ایشان نازل کرده است، از آن جمله.

۱- مصحف علی عليه السلام

خوبی شیخ و مرجع عالیقدر شیعه می‌گوید: آنچه نباید در آن شک کرد این است که قرآن علی، که در آن ترتیب سوره‌ها، و داشتن اضافه‌هایی که در قرآن نیست؛ وجود دارد.^۱

۲ - کتاب علی عليه السلام

۱ - البیان فی تفسیر القرآن خوبی، ص ۲۲۳ .

روایات شیعه کتاب علی را چنین توصیف کرده‌اند: «مثل زانوی مرد پیچیده شده است»^۱.

و گفته‌اند: «آن کتاب را پیامبر ﷺ دیکته کرده و علی با دست خود نوشته است»^۲.

۳- مصحف فاطمه علیها السلام

روایت کرده‌اند که علی بن سعید از ابی عبدالله روایت کرده که گفت: «فاطمه از خود چیزی به جا گذاشت که قرآن نیست، بلکه کلامی است که خدا بر او نازل کرده است، پیامبر ﷺ آن را دیکته کرده و علی نوشته است»^۳.

و در روایتی دیگر آمده است: «مصحف فاطمه سه برابر قرآن شما است، سوگند به خدا یک حرف از قرآن شما در آن نیست، می‌گوید: گفتم سوگند به خدا که علم همین است. فرمود: آن علم چندان نیست...»^۴.

تناقض

در روایتی متضاد و متناقض با آن آمده است: «در قرآن فاطمه علیها السلام چیزی از کتاب خدا وجود ندارد، بلکه آن چیزی است که به او القا شده»^۵.

یک تناقض دیگر

شیخ و مرجع بزرگ شیعه کلینی از ابو بصیر، و حدیثی طولانی از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که: «سپس به پیامبر ﷺ وحی آمد و فرمود: ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿۱﴾ لِّلْكَافِرِينَ (بولایه علی) لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿۲﴾ مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿۳﴾﴾ [المعارج: ۱-۳]. می‌گوید: گفتم: فدایت شوم ما این آیه را به این صورت نمی‌خوانیم، گفت: سوگند به خدا به همین صورت جبرئیل بر محمد ﷺ نازل کرده است، و سوگند به خدا که در مصحف فاطمه هم همین گونه است»^۶.

۱ - بحارالانوار، ج ۲۶ / ۵۱ .

۲ - بصائر الدرجات الکبری صفار، ص ۴۵ .

۳ - بحارالانوار ۲۶ / ۴۲، بصائر الدرجات، ص ۴۲ .

۴ - اصول کافی ۱ / ۲۳۹ .

۵ - بحارالانوار، ج ۲۶ / ۴۸ و بصائر الدرجات، ص ۴۳ .

۶ - الکافی ۸ / ۵۷ .

مصحف فاطمه چگونه نازل شد؟

اینک روایتی را که شیعه از ائمه خود نقل کرده‌اند به خواننده‌ای که خواستار حق است ارائه می‌دهیم:

از ابی بصیر روایت است که گفت: «اباجعفر محمد بن علی را در مورد مصحف فاطمه پرسیدم، در پاسخ گفت: این مصحف بعد از وفات پدرش (پیامبر ﷺ) بر او نازل شد، گفتم: آیا چیزی از قرآن در آن هست؟ گفت: خیر، گفتم: آن را برایم توصیف کن، گفت: جلد آن دو یاقوت کبود است که به اندازه طول ورق‌های آن است و عرض آن قرمز است. گفتم: فدایت شوم برگ‌های آن چگونه است؟ گفت: ورق آن از مروارید سفید است. به او گفته شد: پدید بیا، پس پدید آمده است. گفتم: فدایت شوم در آن چه هست؟ گفت: در آن همه اخبار گذشته و آنچه تا روز قیامت خواهد شد، و اخبار آسمان‌ها، و تعداد فرشتگانی که در آسمان‌ها هستند، و دیگر چیزهایی که در آن قرار دارند و تعداد همه پیامبران و بندگان خدا و اسامی پیامبران و کسانی که پیامبران بسوی آن‌ها فرستاده شده‌اند، و نام کسانی که تکذیب کرده‌اند و کسانی که پذیرفته‌اند در آن نوشته شده است، و اسامی همه مؤمنان و کافرانی که خداوند آفریده، و نیز نام‌های همه شهرها در آن هست، و تعداد همه کافران آن و صفت و حالت کسانی که تکذیب کرده‌اند، و حالت قرن‌ها و ملت‌های گذشته و حکایات‌شان، و طاغوت‌هایی که به حکومت رسیده‌اند و زمان فرمانروایی و تعدادشان ثبت است، و اسامی ائمه و صفات و چیزهایی که هر کدام از آن‌ها در اختیار دارند، و صفت بزرگان‌شان و همه کسانی که در ادوار زمان آمده‌اند نوشته شده است گفتم: فدایت شوم ادوار زمان چقدر؟ گفت: پنجاه هزار سال است که هفت دوره هستند. و در مصحف فاطمه همه چیزهایی که خدا آفریده، و اجل و زمان پایان آن‌ها و صفت اهل بهشت و تعداد کسانی که وارد آن می‌شوند و تعداد کسانی که به جهنم می‌روند و اسامی هر دو گروه وجود دارد، و در آن علم قرآن به همان صورتی که نازل شده، و علم تورات به آنگونه که نازل شده، و علم انجیل و زبور به گونه‌ای که نازل شده‌اند، و تعداد همه درختان در همه شهر در آن ثبت است و...»^۱.

شگفتا این مصحف خرافی ممکن است چقدر بزرگ باشد و چند جلد و چند صفحه باشد؟!.

راوی می‌گوید: «همانا امام شیعیان گفت: هنوز (آنچه برایت گفتم در مورد صفحه اول آن بود) و هنوز یک حرف از صفحه دوم را برایت بیان نکرده‌ام، و حتی یک کلمه از آن را نگفته‌ام»^۱.

۴- قبل از وفات پیامبر ﷺ کتابی بر او نازل شد

علمای شیعه از ابی صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که گفت: «خداوند قبل از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بر او کتابی نازل کرد، و گفت: ای محمد این کتاب وصیت تو به شخص نجیب شریف از اهل بیت تو است. پیامبرگفت: نجیب و شریف اهل بیت من کیست ای جبرئیل؟ گفت: علی بن ابی طالب است، روی کتاب مهرهایی طلایی بود، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به علی داد و به او فرمان داد تا یکی از مهرها را باز کند، و به آنچه در آن امر شده عمل کند، آنگاه علی یکی را باز کرد و به آن عمل کرد، سپس آن را به فرزندش حسن داد و او نیز یکی از مهرهای بسته شده را باز کرد، سپس همین طور ادامه داد تا وقتی که مهدی ظهور می‌کند»^۲.

توضیح:

﴿يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الحشر: ۲]. با دست‌های خود و با دست‌های مؤمنان خانه‌های خویش را ویران می‌کردند! در اینجا (آنگونه که ذکر شد) شیعه ادعا می‌کنند پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسد: نجیب و شریف کیست؟ بنابراین او تا نزدیک وفات آن وصی را نشناخته است! پس این نکته همانگونه که در روایتشان آمده به معنای آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم اعلام نکرد که نجیب و وصی از اهل بیت او کیست، بلکه تا زمان وفاتش این را نمی‌دانست. ﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ [الحشر: ۲]. «ای خردمندان! درس عبرت بگیرید».

۵- لوح فاطمه علیها السلام

۱ - دلائل الامامة ۲۷ / ۲۸ .

۲ - اصول کافی کلینی ۱ / ۲۸۰ .

به اعتقاد شیعه لوح فاطمه کتابی است که قبل از وفات رسول خدا ﷺ از سوی خداوند بر او نازل شد؛ او نیز آن را به دخترش فاطمه هدیه کرده، بنابراین از ابی بصیر روایت کرده‌اند که ابا عبدالله از جابر بن عبدالله در مورد لوح فاطمه پرسید؛ جابر گفت: «سوگند به خدا که در حیات پیامبر ﷺ وارد خانه مادرت فاطمه شدم و او را به تولد حسین تبریک گفتم، در دست او لوح سبزی دیدم، فکر کردم از زمرد است، و در آن نوشته ای سفید دیدم که شبیه رنگ خورشید بود...» و در آن نوشته شده بود: «بسم الله الرحمن الرحيم، این کتابی است از جانب خداوند عزیز و حکیم نازل شده بر محمد نبی و نور و سفیر و دروازه‌بان و راهنمای او، جبرئیل امین آن را از جانب پروردگار جهانیان فرود آورد... من هیچ پیامبری را نفرستاده‌ام که روزگار او را تمام نموده‌ام و مدت او به پایان رسیده مگر اینکه برایش یک وصی مقرر کرده‌ام، و تو را بر پیامبران برتری داده‌ام، و وصی تو را بر اوصیاء دیگر فضیلت و برتری داده‌ام، و تو را با نوادگان و بچه‌هایت حسن و حسین گرامی داشته‌ام، حسن را بعد از به پایان رسیدن زمان پدرش منبع و سرچشمه علم و حسن را خزانه‌دار وحی خود قرار داده‌ام».

و در آخر آن چنین آمده است: «ابو بصیر می‌گوید: اگر در تمام عمرت فقط همین یک حدیث را می‌شنیدی برایت کافی بود، بنابراین آن را پنهان و محفوظ بدار مگر از اهل آن»^۱.

رسوایی کمر شکن

در موضوع کتاب موهوم روایتی نقل کرده‌اند که بنیان و پایه‌هایشان را از بیخ در آورده و سقف ساختمان تشیع را روی خودشان ویران می‌کند، زیرا بر طبق این روایت علی عليه السلام وصی نیست، چون در روایت‌شان آمده است: از ابی جعفر عليه السلام و او هم از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده‌اند که گفت: «نزد فاطمه عليها السلام وارد شدم در حالی که جلو او لوحه ای بود حاوی اسامی اوصیاء از فرزندان او، دوازده نفر از آن‌ها را برشمردم که آخرین‌شان امام قائم بود، سه نفر از آن‌ها محمد بودند و سه نفر علی نام بودند»^۲.

۶- صحیفه فاطمه عليها السلام

۱- الکافی کلینی ۱ / ۵۲۷ - ۵۲۸.

۲- الکافی ۱ / ۵۳۲.

یکی از صفات مصحف فاطمه به اعتقاد علمای شیعه چنان که از ابی عبدالله بن جابر روایت کرده‌اند این است، او می‌گوید: «وارد خانه بانویم فاطمه بنت رسول الله ﷺ شدم تا تولد حسن را به او تبریک بگویم، ناگهان دیدم صحیفه‌ای سفید از مروارید در دست دارد، گفتم: ای سیده و بانوی زنان این صحیفه چیست؟ گفت: در این صحیفه نام آن فرزندانم نوشته شده که به امامت می‌رسند، ذکر شده است، گفتم: آن را به من بده تا نگاه کنم، گفت: ای جابر اگر از این کار نهی نشده بودم نشانت می‌دادم، ولی از دست زدن به این صحیفه نهی شده و کسی حق ندارد به آن دست بزند مگر پیامبر یا وصی پیامبری باشد، یا از اهل بیت پیامبری باشد»^۱.

۷- دوازده صحیفه

علمای شیعه از استادشان ابن بابویه قمی روایت کرده‌اند که (به افترای شیعه) پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند دوازده خاتم و مهر و دوازده صحیفه بر من نازل کرده است، اسم هر امامی روی انگشتر و مهرش نوشته شده، و صفت و ویژگی‌های او در صحیفه‌اش بیان شده است»^۲.

۸- صحیفه‌های علی ﷺ

یکی از آن‌ها صحیفه‌ای است که در آن نوزده صحیفه است که پیامبر ﷺ آن‌ها را به ائمه هدیه داده یا نزد آن‌ها پنهان کرده است^۳.

۹- صحیفه دسته شمشیر

از ابا عبدالله روایت کرده‌اند گفت: «در داخل دسته شمشیر علی ﷺ صحیفه‌ای کوچک قرار داشت، ایشان پسر خود حسن را فراخواند و صحیفه‌اش را همراه با چاقویی تحویل او داد و گفت: آن را باز کن، ولی نتوانست باز کند تا این که خودش برایش باز کرد، سپس گفت: آن را بخوان، حسن شروع کرد به خواندن الف و باء و سین و لام؛ یکی پس از دیگری، سپس آن را جمع کرد و به پسرش حسین داد، او هم نتوانست باز کند تا اینکه خود برایش باز کرد، بعد گفت: بخوان پسر عزیزم، او هم مانند حسن شروع به خواندن کرد، سپس آن را در هم پیچید و به محمد بن حنفیه داد، ولی

۱- بحارالانوار ۳۶ / ۱۹۳، الاحتجاج طبرسی ۲ / ۳۷۳، و عیون اخبار الرضا ۲۴ / ۲۵، و اکمال الدین، ص ۱۷۸.

۲- اکمال الدین ابن بابویه، ص ۲۶۳، و الصراط المستقیم بیاضی ۲ / ۱۵۴.

۳- بحارالانوار ۲۶ / ۲۴، بصائر الدرجات الکبری صفا، ص ۳۶.

او نیز نتوانست آن را بگشاید، تا اینکه برایش گشود و گفت: بخوان، ولی نتوانست چیزی از آن را بخواند، بعد صحیفه را جمع کرد و به دسته شمشیرش آویخت. راوی گفت: به ابو عبدالله گفتم: در آن صحیفه چه چیزی بود؟ گفت: حروفی بودند که از هر کدام هزار حرف دیگر گشوده می‌شد، ابوبصیر گفت: تا قیام رستاخیز جز دو حرف از آن باز نمی‌شود»^۱!

روایت کرده‌اند که ابو جعفر گفت: نزد من صحیفه‌ای است که در آن نوزده صحیفه است و پیامبر ﷺ آن را به من هدیه کرده است.^۲

۹ - صحیفه دسته شمشیر پیامبر ﷺ

از ابو بصیر روایت است که گفت: «ابو عبدالله گفت: در دسته شمشیر پیامبر ﷺ صحیفه کوچکی بود در آن حرف‌هایی هست که از هر حرفی هزار باب باز می‌گردد». ابوبصیر می‌گوید: ابو عبدالله گفت: تا کنون فقط دو حرف از آن بیرون آمده است.^۳

۱۰ - جفر سفید و جفر قرمز

حجّت شیعه از حسین بن ابی العلاء روایت کرده که گفت: از ابا عبدالله شنیدم که گفت: «جفر سفید پیش من است. می‌گوید: گفتم: در آن چه هست؟ گفت زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی و صحیفه‌های ابراهیم، و حلال و حرام در آن بیان شده‌اند. و نیز مصحف فاطمه در آن است...».

تا آنجا که گفت: «جفر سرخ نزد من است، می‌گوید: گفتم: در آن چه هست؟ گفت: سلاح (جنگی)، و فقط صاحبش آن را برای خون و کشتن باز می‌کند، آنگاه عبدالله بن ابی یعفر به او گفت: خداوند تو را اصلاح کند آیا فرزندان حسن این را می‌دانند؟ گفت: بله سوگند به خدا آنان این را می‌دانند همانطور که شب را می‌شناسند، و روز را

۱ - بصائر الدرجات الكبرى ص ۳۲۷ ح ۱ (باب فيه الحروف التي علم رسول الله علياً صلوات الله عليه)، بحار الأنوار ج ۵۶/۲۶ ح ۱۱۵ (باب جهات علومهم ع وما عندهم من الكتب وأنه ينقر في آذانهم وينكت في قلوبهم).

۲ - بحار الأنوار ۲۶ / ۴ ، بصائر الدرجات الكبرى صفار، ص ۱۴۴.

۳ - بحار الأنوار ۲۶ / ۵۶، بصائر الدرجات، ص ۸۹.

می‌دانند که روز است، اما حسادت و دنیا طلبی آنان را به انکار وامی‌دارد و اگر آن‌ها حق را بوسیله حق می‌جستند برایشان بهتر بود»^۱.

۱۱- صحیفه ناموس

از امام رضای خود (حاشا از امام رضای واقعی) روایت کرده‌اند که گفته: اسم شیعیان ما و اسامی پدرانشان نوشته شده است، خدا از ما و از آن‌ها عهد و پیمان محکم گرفته، هر جا ما وارد شویم آن‌ها هم وارد می‌شوند، و جز ما و آن‌ها کسی بر دین اسلام قرار ندارد»^۲.

۱۲- صحیفه عیبطه

از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب روایت کرده‌اند (حاشا از علی علیه السلام) که گفت: «سوگند به خدا وسعت و اجازه داشتم برایتان بگویم تا سال دو باره برگردد یک حرف را تمام نکنم، و سوگند به خدا صحیفه‌های زیادی پیش من هست، و در میان آن‌ها صحیفه‌ای است که به آن عیبطه گفته می‌شود، و هیچ چیزی سخت‌تر از آن بر عرب وارد نشده، و در آن آمده که شصت قبیله از عرب‌ها فقط به ظاهر فریب می‌دهند و در دین خدا بهره ندارند»^۳.

۱۳- الجامعه

حجّت و مرجع شیعه کلینی از ابوبصیر و او از اباعبدالله علیه السلام روایت کرده‌اند که گفت: «الجامعه نزد ماست، و آن‌ها چه می‌دانند که الجامعه چیست! می‌گوید گفتیم: فدایت شوم الجامعه چیست؟ گفت: صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذراع با ذراعها پیامبر صلی الله علیه و آله است، و آن را با زبان و دهان خود دیکته کرده و علی علیه السلام با دست خود آن را نوشته است، در آن همه حلال و حرام‌ها و همه آنچه که در مورد دیه زخم‌ها و غیره مردم به آن نیاز دارند بیان شده است»^۴.

توضیح:

و عجیب‌تر و زشت‌تر از همه این است که می‌گویند همه این کتاب‌ها را خدا نازل کرده است و امیرمؤمنان علی و ائمه بعد از او اختصاص دارد، اما همواره از امت پنهان

۱ - اصول کافی ۱ / ۲۴ / ۲۴۰.

۲ - بحار الانوار ۲۶ / ۱۲۳، بصائر الدرجات، ص ۴۷.

۳ - بحار الانوار ۲۶ / ۳۷.

۴ - اصول کافی ۱ / ۲۳۹.

می‌مانند و از شما شیعه‌ها هم پنهانند و شما فقط به قرآن اهل سنت دسترسی دارید، قرآنی که علمای شما معتقدند تحریف شده و ناقص است، پس چرا ائمه شما این گنج‌های آسمانی را از شما پنهان کرده‌اند؟ و این کتاب‌ها بیش از هزار و دویست سال است نزد مهدی شما^۱ انبار شده‌اند چرا؟ چرا؟

آیا حقیقت این نیست که دست‌های پلید یهودی سبئی این روایات را در کتاب‌هایتان جای داده و بر ائمه شیعه دروغ بسته است، ما همه می‌دانیم که مسلمین فقط یک کتاب دارند و آن قرآن است، اما تعدد کتاب‌های آسمانی از ویژگی‌های یهود و نصراست! آیا علمای شما از اختیار مشابهت با یهودیان و نصارا باز نمی‌آیند، این صحیفه‌ها و کتاب‌های مقدس هم اکنون کجا هستند، آیا علمای معاصر شیعه آن را از بین برده‌اند؟

مسأله‌ی دوّم: همه بزرگان شیعه معتقدند که همه کتاب‌های آسمانی نزد ائمه وجود دارد و در بین مردم بدان حکم می‌کنند»!

کلینی روایت کرده که امامشان ابوالحسن نزد یک یهودی به نام بریه انجیل را قرائت کرد. بریه گفت: «من حدود پنجاه سال است که دنبال کسی چون تو هستم بنابراین بریه ایمان آورد و ایمانش خوب بود».

از امام سؤال کرد: «تورات و انجیل و کتاب‌های آسمانی را از کجا می‌آورید؟ گفت: این کتاب‌ها را ما به ارث گرفته‌ایم، و ما هم مانند ایشان آن‌ها را می‌خوانیم و آنچه آن‌ها می‌گفتند می‌گوییم، خداوند حجّتی را در زمین قرار نمی‌دهد که مردم از او سؤال کنند ولی در جواب بگوید نمی‌دانم».

از روایات فوق چنین برداشت می‌شود که بزرگان شیعه بدین‌منظور خواندن تورات و انجیل و دیگر کتاب‌ها را برای ائمه قرار داده‌اند تا جواب همه سؤالات مردم را بدانند و بیابند، ولی این امر خروج از اسلام و دعوت و فراخوانی به (وحدت ادیان) است، اما خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾ [آل

عمران: ۸۵].

یعنی: «و کسی که غیر از (آئین و شریعت) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود». و نیز می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَيْنَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ وَأِنْ أَحْكَم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾﴾ [المائدة: ٤٨-٤٩].

یعنی: «و بر تو (ای پیغمبر) کتاب (کامل و شامل قرآن) را نازل کردیم که (در همه احکام و اخبار خود) ملازم حق ، و موافق و مصدق کتاب‌های پیشین (آسمانی)، و شاهد (بر صحت و سقم) و حافظ (اصول مسائل) آن‌ها است . پس (اگر اهل کتاب از تو داوری خواستند) میان آنان بر طبق چیزی داوری کن که خدا بر تو نازل کرده است، و به خاطر پیروی از امیال و آرزوهای ایشان، از حق و حقیقتی که برای تو آمده است روی مگردان. (ای مردم!) برای هر مثلی از شما راهی (برای رسیدن به حقائق) و برنامه‌ای (جهت بیان احکام) قرار داده‌ایم. اگر خدا می‌خواست همه شما (مردمان) را ملت واحدی می‌کرد (و بر یک روال و یک سرشت می‌سرشت ، و لذا راه و برنامه ارشادی آنان در همه امکان و از منته یکی می‌شد) و اما (خدا چنین نکرد) تا شما را در آنچه (از شرائع) به شما داده است بیازماید (و فرمانبردار یزدان و سرکش از فرمان متان جدا و معلوم شود). پس (فرصت را دریابید و) به سوی نیکی‌ها بشتابید (و به جای مشاجره در اختلافات به مسابقه در خیرات پردازید و بدانید که) جملگی بازگشت‌تان به سوی خدا خواهد بود، و از آنچه در آن اختلاف می‌کرده‌اید آگاهتان خواهد کرد».

و (به تو ای پیغمبر فرمان می‌دهیم به این که) در میان آنان طبق چیزی حکم کن که خدا بر تو نازل کرده است، و از امیال و آرزوهای ایشان پیروی مکن ، و از آنان برحذر باش که (با کذب و حق‌پوشی و خیانت و غرض ورزی) تو را از برخی چیزهایی که خدا بر تو نازل کرده است به دور و منحرف نکنند (و احکامی را پایمال هوی و هوس باطل خود نسازند). پس اگر (از حکم خدا رویگردان شدند و به قانون خدا) پشت

کردند، بدان که خدا می‌خواهد به سبب پاره‌ای از گناهان‌شان ایشان را دچار بلا و مصیبت سازد (و به عذاب دنیوی، پیش از عذاب اخروی گرفتار کند). بیگمان بسیاری از مردم (از احکام شریعت) سرپیچی و تمرد می‌کنند.

پیامبران برتراند یا ائمه؟

س ۷۵- از دیدگاه بزرگان شیعه رسول خدا ﷺ و انبیاء برتر و افضل هستند یا ائمه آن‌ها؟

ج - امامان‌شان را از پیامبر ﷺ و پیامبران برتر می‌دانند! و مرجع و شیخ شیعه علباء بن ذراع دوسی یا اسدی پیامبر ﷺ را مذمت می‌کند و ادعا می‌کند که او مبعوث شده بود تا برای علی علیه السلام دعوت کند، اما او مردم را به سوی خودش فراخواند^۱.

رسوایی کمر شکن شیعه

با وجود این (که ذکر شد) می‌بینیم بزرگان شیخ و سرور خود (علباء بن ذراع) را مورد تعظیم قرار داده و روایت او از ابو عبدالله را نقل کرده‌اند مبنی بر اینکه به شیخ علباء گفته: «بهشت را به جای خدا برایت ضمانت کرده‌ایم»!!^۲.

و مجلسی بابی با این عنوان آورده است: «باب در بیان اینکه ائمه از پیامبران و از همه مردم برترند و از پیامبران و ملائکه و سائر خلق برای آن‌ها پیمان گرفته شده است. و پیامبران الوالعزم به خاطر این الوالعزم شده‌اند که ائمه را دوست می‌داشتند». و در این مورد (۸۸) حدیث آورده و می‌گوید: «روایات بی‌شماری در این مورد آمده است و ما فقط تعداد اندکی را در این باب ذکر کردیم»!!^۳.

فقط همین نه، بلکه (ادعا می‌کنند) انبیای الهی جایگاه نبوت را تنها به سبب ائمه - ی رافضه بدست آوردند، همانگونه که این بهتان را به نام ابی عبدالله ساخته‌اند که گفت: «به خدا سوگند آدم مستحق چنین جایگاهی نبود که خدا او را با دست خود بیافریند و از روح خود در او دمید مگر با ولایت علی علیه السلام، و خدا عیسی بن مریم را

۱- رجال کشی، ص ۵۷۱، بحار الانوار ۲۵ / ۳۰۵.

۲- رجال کشی ج ۳ / ۱۷۵، رقم ۷۷ ح ۲ (فی علباء بن ذراع الأسدی وأبی بصیر)

۳- بحار الانوار ۲۶ / ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۳۱۹.

نشانه‌ای برای جهانیان قرار نداد مگر به سبب تواضع و فروتنی برای علی علیه السلام، سپس گفت: خلاصه مطلب اینکه هیچکدام از خلق خدا اهلیت نگاه خدا بسوی آن‌ها را نداشته‌اند جز به سبب بندگی ما!!^۱.

و در روایتی دیگر گفت: «...یونس پیامبر از پذیرش ولایت ائمه خودداری کرد، پس خداوند او را در شکم ماهی حبس کرد تا اینکه بدان اعتراف نمود»^۲.

و امام بزرگشان خمینی می‌گوید: «همانا امام دارای مقامی ستوده و درجه‌ای والا و خلافت تکوینی است که تمام ذرات این جهان هستی در برابر سیطره‌ی آن متواضع هستند، و یکی از ضروریات و بدیهیات مذهب ما این است که ائمه دارای آنچنان مقام و جایگاهی هستند که نه فرشته‌ی مقرب و نه نبی مرسل بدان دسترسی ندارد»^۳!

رسوایی کمر شکن شیعه

از ابی عبدالله صادق علیه السلام روایت کرده‌اند گفت: «یکی از علمای یهود نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: ...ای امیرمؤمنان آیا تو پیامبری؟ علی علیه السلام فرمود: وای بر تو! من یکی از برده‌های محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم»^۴.

همچنین با روایت متواتر از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «خیر هذه الأمة بعد نبیها أبو بکر وعمر»^۵ «بهترین و برترین افراد این امت بعد از پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر سپس عمر است».

همچنین فرمود: «هر کسی را نزد من بیاورند (به اتمام این که) مرا بر ابوبکر و عمر رضی الله عنهما تفضیل و برتری داده، بر او حد تهمت اجرا خواهیم کرد»^۶.

اقامه حجت با امام

۱ - بحار الأنوار ج ۲۶/۲۹۴ ح ۵۶.

۲ - بصائر الدرجات الكبرى ص ۹۵-۹۶ ح ۱ و، بحار الأنوار ج ۲۶/۲۸۲ ح ۳۴.

۳ - الحكومة الإسلامية (ص ۵۲)

۴ - بحار الأنوار ج ۳/۲۸۳ ح ۱.

۵ - الصوامر المهرقة في جواب الصواعق المحرقة ص ۳۲۳ رقم ۱۱۱ للقاضي نور الله التستري ت ۱۰۱۹

۶ - العيون والمحاسن ج ۱۲۲/۲-۱۲۳ المجلسی .

س ۷۶- آیا به اعتقاد علمای شیعه حجت خداوند بر بندگانش بوسیله پیامبر ﷺ تمام می‌شود یا بوسیله امام؟

ج- حجت خدا جز با امام اقامه نمی‌گردد!

ثقه شیعه کلینی می‌گوید: «باب در بیان اینکه حجت خدا بر بندگانش جز بوسیله امام اقامه نمی‌گردد». و چهار حدیث در این مورد از ابوالفضل ذکر کرده است، یکی از آن‌ها این است: «اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی‌شد»^۱.

و نیز به نام او این افتراء را بسته‌اند که: «اگر آن‌ها نبودند خداوند ﷻ شناخته نمی‌شد»^۲.

و مجلسی اضافه کرده است: «و کسی نمی‌دانست خدا را چگونه پرستد»^۳.

یک رسوایی کمر شکن برای بزرگان شیعه

خداوند متعال فرمود:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۵].

یعنی: «ما پیغمبران را فرستادیم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده‌رسان، و (کافران را به عقاب) بیم دهنده باشند، و بعد از آمدن پیغمبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند، و خدا چیره حکیم است».

و فرمود:

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۰-۱۵۱].

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۰-۱۵۱].

۱ - أصول الكافي ج ۱/ ۱۳۸ (كتاب الحجة ح ۶ باب أن الأئمة ﷺ ولاة أمر...

۲ - أصول كافي ۱/ ۱۷۷ - ۱۹۳.

۳ - بحار الانوار ۳۵ / ۲۸.

یعنی: «تا مردم بر شما حجتی نداشته باشند مگر کسانی که از ایشان ستم نمایند. پس از آنان مترسید و از من بترسید (که اگر مخالف وحی رفتار کنید جانب حق را رها ساخته‌اید و پادافره خود را خواهید دید. پس گوش به فرمان خدا باشید) تا نعمت خویش را بر شما تکمیل کنم و شاید رهنمود شوید».

و همچنین پیغمبری را از خودتان در میان‌تان برانگیختم که آیات (قرآن) ما را بر شما فرو می‌خواند (و نشانه‌های وحدانیت و عظمت خدا را در گستره جهان به شما می‌نمایاند) و شما را پاکیزه می‌دارد و به شما کتاب (قرآن) و حکم ترا می‌آموزد. و به شما چیزی یاد می‌دهد که نمی‌توانستید آن را بیاموزید.

نازل شدن وحی بر ائمه

س ۷۷- آیا علمای شیعه به نازل شدن وحی بر امامان‌شان معتقدند؟

ج- قاعده و اصل آن‌ها این است که ائمه جز وحی چیزی نمی‌گویند^۱.

و از امام‌شان ابی عبدالله روایت کرده‌اند که گفت: «در گوش بعضی از ما (وحی) گفته می‌شود، و بعضی در خواب برایش می‌آید، و بعضی از ما صدای زنجیری را می‌شنود که به طشت و ظرف برخورد کند، و نزد بعضی از ما صورت و سیمایی بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل نمایان می‌شود»^۲.

و در روایتی دیگر آورده‌اند که گفت: «فرشته در سفرهایمان بر ما نازل می‌شوند و بر بسترها و رخت‌خواب‌هایمان می‌غلطند، و در سفرهای ما حاضر می‌شوند، و در وقت نماز نزد ما می‌آیند تا نماز را با ما بخوانند، و هیچ روزی بر ما نگذرد مگر آنکه اخبار روی زمین و آنچه در آن می‌گذرد به ما می‌رسند»^۳.

و خمینی می‌گوید: «یکی از ضروریات مذهب ما این است که ائمه ما دارای مقامی هستند که هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبری به آن نمی‌رسد»^۴؟؟
و نزد شیعه همانطور که قبلاً چند بار گفته شد کسی که منکر ضرورت دین باشد کافرست .

۱ - بحار الانوار ۱۷ / ۱۵۵، ۵۴ / ۲۳۷ .

۲ - بحار الانوار ۲۶ / ۳۵۸ .

۳ - الخرائج و الجرائح راوندی ۲ / ۸۵۲ .

۴ - حکومت اسلامی، ص ۵۲ .

و همچنین خمینی می‌گوید: «امام دارای مقامی پسندیده و رتبه و درجه‌ای والا و خلافتی تکوینی است که ذرات جهان هستی در برابر ولایت و سیطره آن سر تسلیم و فروتنی فرود می‌آورند»^۱. و می‌گوید: «فقیه شیعه به منزله موسی و هارون علیهما السلام است»^۲.

بنابراین جواد مغنیه اشاره کرده است به اینکه خمینی از موسی برتر است (پناه بر خدا)^۳.

یک رسوایی دیگر

خداوند متعال خطاب به پیامبرش محمد ﷺ می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ﴿۱۳۳﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ﴿۱۳۴﴾ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۱۳۵﴾ لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَكُوتُ لَهُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿۱۳۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلًّا بَعِيدًا ﴿۱۳۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿۱۳۸﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۱۳۹﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمَنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۴۰﴾﴾ [النساء: ۱۶۳-۱۷۰].

یعنی: «ما به تو وحی کردیم، همان گونه که پیش از تو به نوح و پیغمبران بعد از او وحی کردیم، و (همان گونه که) به ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوادگان، عیسی، ایوب، یونس، هارون، و سلیمان وحی کردیم، و به داود زبور دادیم. و ما پیغمبران زیادی را روانه کرده‌ایم که

۱ - حکومت اسلامی، ص ۵۲.

۲ - حکومت اسلامی، ص ۹۵.

۳ - الخميني و الدولة الاسلامية، ص ۱۰۷.

سرگذشت آنان را قبلاً برای تو بیان کرده‌ایم، و پیغمبران (دیگر) زیادی را که سرگذشت آنان را برای تو بیان نکرده‌ایم خداوند حقیقتاً با موسی سخن گفت. ما پیغمبران را فرستادیم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده‌رسان، و بیم‌دهنده باشند، و بعد از آمدن پیغمبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند. و خدا چیره حکیم است. لیکن خداوند بر آنچه (از قرآن) بر تو نازل شده است گواهی می‌دهد. این خدا است که آن را به (مقتضای) دانش (خاصّ) خویش نازل کرده است. و فرشتگان (نیز بدان) گواهی می‌دهند و (صحت نبوت تو را تصدیق می‌کنند. گرچه) کافی است که خدا گواه باشد. لیکن خداوند بر آنچه (از قرآن) بر تو نازل شده است گواهی می‌دهد. این خدا است که آن را به (مقتضای) دانش (خاصّ) خویش نازل کرده است. و فرشتگان (نیز بدان) گواهی می‌دهند و کافی است که خدا گواه باشد. بیگمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته‌اند و از راه خدا بازداشته‌اند بسیار گمراه شده‌اند. بیگمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته‌اند و ستم ورزیده‌اند، خداوند ایشان را نمی‌بخشد و آنان را به راهی هدایت نخواهد کرد. مگر راه دوزخ! که در آنجا برای همیشه جاودانه می‌مانند، و این کار برای خدا آسان است. ای مردم! پیغمبر (محمد نام) از جانب خدا به سویتان آمده است و دین حق را برایتان آورده است، پس ایمان بیاورید به سود شما است. و اگر کافر شوید. چرا که آنچه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به خدا است. و خدا آگاه (از آفریدگان خود و) حکیم (در کار خویش) است».

معاد

س ۷۸ - عقیده علمای شیعه درباره ایمان به رکن پنجم ایمان، یعنی ایمان به روز قیامت چیست؟

ج- آن‌ها آیاتی را که در مورد قیامت آمده‌اند به رجعت (بازگشت مردگان به این دنیا) تأویل کرده‌اند چنان که توضیح آن خواهد آمد، و روایت کرده‌اند: «آخرت از آن امام است هر جا که آن را بخواهد قرار می‌دهد، و به هرکس که بخواهد آن را می‌دهد»^۱.

حضور ائمه در بستر مرگ مؤمنان و کافران

س ۷۹- به اعتقاد علمای شیعه چه کسی مرگ را برای مؤمنان آسان و راحت و برای کافران سخت و دشوار می‌گرداند؟

ج - مجلسی شیخ شیعه می‌گوید: «باید به حضور پیامبر ﷺ و دوازده امام به هنگام مردن نیکوکاران و فاسقان و مؤمنان و کافران اقرار کرد، آن‌ها با شفاعت برای مؤمنان به آن‌ها سود می‌رسانند، و مرگ مؤمنان آسان می‌شود، و مرگ را برای منافقان و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام سخت و دشوار می‌کنند، و فکر کردن در مورد کیفیت این کار جایز نیست، آن‌ها در اجساد اصلی خود یا اجساد مثالی یا غیره حاضر می‌شوند»^۱.

س ۸۰- به اعتقاد بزرگان شیعه چه چیز مرده را از عذاب قبر در امان نگه‌می‌دارد؟

خاک مزار حسین امان‌نامه است!

ج- (به اعتقاد آن‌ها) آنچه مرده را در قبر امان می‌دهد این است که مقداری از خاک قبر حسین برداشته شود و همراه عطر و مواد خوشبو کننده در کفن مرده قرار داده شوند»^۲.

تناقض گویی

جز کسانی که اهل توحید و یکتاپرستی هستند از عذاب خدا در امان نیستند، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾
 [الأنعام: ۸۲]. «کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با خدا) نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزا است، و آنان راه یافتگان (راه حق و حقیقت) هستند».

اولین سؤال فرشته از مرده

س ۸۱- وقتی مرده در قبر گذاشته شود طبق عقیده علمای شیعه اولین چیزی که از او پرسیده می‌شود چیست؟

ج- اولین سؤال محبت و ورزی دوست داشتن ائمه شیعه است.

۱ - الاعتقادات مجلسی، ص ۹۳ - ۹۴ .

۲ - وسائل الشیعه ۲ / ۷۴۲، تهذیب الاحکام ۲ / ۲۷، الاحتجاج طبرسی، ص ۲۷۴، المصباح کفعمی، ص ۵۱۱ .

روایت کرده‌اند: «اولین چیزی که از بنده پرسیده می‌شود محبت و دوست داشتن ما اهل بیت است»^۱.

دو فرشته از او می‌پرسند که در مورد هر یک از ائمه چه اعتقادی داشته است، اگر در مورد یکی از آنها جواب درست ندهد، او را با عمودی از آتش می‌زنند و قبر او تا روز قیامت پر از آتش گردد»^۲.

تناقضگویی شیعه:

(شیعه) روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «ای علی همانا اولین سؤالی که که بعد از مرگ از بنده می‌شود شهادت به لا اله الا الله و محمد رسول الله ﷺ است...»^۳.

رستاخیز دیگر قبل از قیامت

س ۸۲- آیا به اعتقاد علمای شیعه بعد از مرگ و قبل از روز قیامت رستاخیزی وجود دارد؟

ج- بله، روایت کرده‌اند: «در زمان ظهور مهدی یا اندکی قبل از آن، خداوند گروهی از مؤمنان را حشر می‌کند تا با دیدن ائمه و حکومت آنها خوشحال شوند، و گروهی از کافران و منافقان را حشر می‌کند تا در این دنیا انتقام عاجل بگیرد»^۴.

اهالی قم از عبور بر پل در قیامت از همه چیز معاف هستند

س ۸۳- در عقیده علمای شیعه چه کسی از ماندن طولانی در میدان حشر و از عبور بر پل صراط مستثنی می‌باشد؟

ج- اهالی شهر قم ایران که (قبلاً) مرکز دولت صفوی بوده مستثنی هستند، و از آنها در قبرهایشان حساب گرفته می‌شود و از قبرها به بهشت می‌روند»^۵.

و همین علت آخوندهای شیعه بزرگترین دلالت فروش زمین‌های قم هستند!

۱ - بحار الانوار ۲۷ / ۷۹، عیون اخبار الرضا ابن بابویه قمی، ص ۲۲۲.

۲ - الاعتقادات مجلسی، ص ۹۵.

۳ - عیون أخبار الرضا ج ۱ / ۱۳۷ / ۸

۴ - الاعتقادات مجلسی، ص ۹۸.

۵ - بحار الانوار مجلسی ۶۰ / ۲۱۸، الکنی و الالقاب ۳ / ۷.

درهای بهشت

س ۸۴- عقیده علمای شیعه در مورد تعداد دروازه‌های بهشت چگونه است و از دیدگاه آن‌ها به چه کسانی تعلق دارند؟

ج- از ابی حسن رضا علیه السلام روایت کرده‌اند که گفت: «بهشت هشت دروازه دارد، یکی از آن‌ها برای اهل قم است، آنان از میان مردم سایر شهرهای شیعیان برگزیده ما هستند؛ خداوند خمیر مایه ولایت ما را در خاک آن‌ها قرار داده است»^۱.
توضیح:

یکی از علمای معاصرین که از تاجران املاک و زمین است به تعداد درهای گشوده شده بهشت برای اهل قم اضافه کرده و از امام رضا روایت کرده که گفت: «بهشت هشت دروازه دارد؛ سه تای آن از آن اهل قم است، خوشا به حال آن‌ها، خوشا به حال آن‌ها»^۲.

پس ای شیعیان عرب چرا منتظرید! درهای سه گانه‌ی بهشت خود را دریابید قبل از آن که به روی شما بسته شوند.

در قیامت حساب در دست کیست؟

س ۸۵- به عقیده علمای شیعه چه کسی روز قیامت از مردم حساب می‌گیرد؟
ج- ائمه شیعه. از ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده‌اند که (حاشا از او) گفت: «پل صراط و ترازو و حساب شیعیان ما مربوط به ماست»^۳.

سپس سهم خود را افزوده‌اند و حُر عاملی شیخ و مرجع شیعه می‌گوید: «... همانا روز قیامت حساب همه مردم با ائمه است»^۴.
توضیح:

ابو عبدالله می‌گوید: «صراط به دست ماست و ترازو به ما بر می‌گردد و حساب گرفتن از شیعیان ما با ماست»^۵. اما خداوند می‌فرماید:

۱ - بحار الانوار ۸ / ۲۸۹ و ۵۷ / ۲۱۵ - ۲۱۶، سفینة البحار ۱ / ۴۴۶، الکنی و اللقب، ۳ / ۷.

۲ - احسن الودیعه، محمد مهدی کاظمی اصفهانی، ص ۳۱۳ - ۳۱۴، بحار الانوار ۷۵ / ۲۲۸.

۳ - رجال الکشی ج ۴ / ۲۸۳ رقم ۱۵۵ ح ۲.

۴ - الفصول المهمة فی اصول الائمة، عاملی، ص ۱۷۱.

۵ - رجال کشی، ص ۳۳۷.

﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ [الغاشية: ۲۵-۲۶]. «مسلماً بازگشت آنان (پس از مرگ و رستاخیز) به سوی ما خواهد بود. آن گاه حساب (و کتاب و سروکار) ایشان با ما خواهد بود».

عبور از صراط

س ۸۶- به اعتقاد علمای شیعه انسان روز قیامت چگونه از صراط می‌گذرد؟
ج- از ابی جعفر روایت کرده‌اند گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «ای علی وقتی قیامت برپا شود من و تو و جبرئیل روی صراط می‌نشینیم و هیچ کس از آن عبور نکند مگر نامه و کتابی همراه باشد که در آن به سبب ولایت تو برائت او ثبت شده است»^۱.

رفتن به بهشت و دوزخ در دست کیست؟

س ۸۷- بر حسب عقیده علمای شیعه چه کسی با خواست و اراده خود مردم را به بهشت یا دوزخ می‌برد؟

ج- چنین کسی به اعتقاد شیعه علی ﷺ است، پناه بر خدا از گمراهی.
کلینی شیعه روایت کرده که علی گفت: «من تقسیم کننده مردم به بهشت و دوزخ هستم، کسی جز با تقسیم من وارد نمی‌گردد»^۲.

و علمای شیعه این مسأله را به جایی رسانده‌اند که ادعا کرده‌اند علی گفته: «من جزا و پاداش دهنده‌ی مردم در روز قیامت هستم، و تقسیم کننده بین بهشت و دوزخ هستم که جز بر اساس تقسیم من وارد آنجا نمی‌گردند، و من جداکننده بزرگ هستم و همه پیامبران و فرشتگان و ارواح به خاطر آفرینش ما آفریده شده‌اند...»^۳.

همچنین این افتراء را به نام اباعبدالله ﷺ ساخته‌اند که گفته: «در روز قیامت منبری گذاشته شود که همه خلائق آن را ببینند، مردی بالای آن می‌رود که در سمت راست او یک فرشته و در سمت چپش یک فرشته می‌ایستد، فرشته‌ی سمت

۱ - الاعتقادات ابن بابویه، ص ۹۵.

۲ - أصول الكافي ج ۱/۱۴۲ (کتاب الحجة ح ۳ باب أن الأئمة هم أركان الأرض).

۳ - بصائر الدرجات الكبرى ص ۴۳۵ ح ۴.

راست فریاد سر می‌دهد: ای جمع خلائق! این علی بن ابی طالب است، هرکس را خود بخواهد وارد آتش می‌کند»^۱.

بلکه وقتی حلقه‌های دروازه‌های بهشت حرکت می‌کنند صدایی از آن‌ها شنیده می‌شود که می‌گوید: ای علی! این افتراء را هم به زبان رسول خدا ﷺ ساخته و پرداخته‌اند که (حاشا از او) گفته: «حلقه‌ی درب بهشت از یاقوت سرخ است که بر روی صفحه‌های طلا قرار گرفته‌اند، وقتی حلقه به صفحه‌ی طلایی برخورد کند صدای یا علی از آن طنین انداز می‌شود»^۲.

کسانی که قبل از همه وارد بهشت می‌شوند

س ۸۸ - اعتقاد علمای شیعه در مورد آن دسته از بندگان خدا که وارد بهشت می‌شوند چیست؟

ج - علمای شیعه گفته‌اند: «شیعیان هشتاد سال قبل از سایر مردم وارد بهشت می‌شوند». سپس در صدد برآمدند که بهشت را به خود اختصاص دهند، لذا این روایت را ساختند: «بهشت برای اهل بیت و دوزخ برای دشمنان اهل بیت آفریده شده است»^۳.

توضیح:

شیعه در مسأله‌ی فوق با یهودیان شباهت کامل دارند، چون آن‌ها هم گفتند:

﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِيًّا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۱۱۱]. یعنی: «گفتند: جز کسی که یهودی یا مسیحی باشد هرگز (کس دیگری) به بهشت در نمی‌آید. این آرزو و دلخوشی‌های ایشان است (و جز مشتکی یاوه و سخنان ناروا نمی‌باشد) بگو: اگر راست می‌گوئید دلیل خویش را بیاورید».

۱ - بصائر الدرجات الكبرى ص ۴۳۴-۴۳۵ ح ۱ (باب فی أمير المؤمنين ﷺ أنه قسيم الجنة والنار)، علل الشرائع ج ۱/۱۶۴ ح ۴ (باب العلة التي من أجلها صار علي بن أبي طالب ﷺ قسيم الله بين الجنة والنار).

۲ - علل الشرائع ج ۱/۱۶۴ ح ۵.

۳ - المعالم الزلفی، ص ۲۵۱.

ایمان به قضا و قدر

س ۸۹ - عقیده علمای شیعه در مورد ایمان به قضا و تقدیر الهی چیست؟

ج - شیخ مفید مرجع و سرور شیعه می‌گوید: «در روایت صحیح از آل محمد صلی الله علیه و آله نقل شده که افعال و کردار بندگان را خدا نیافریده است، و از ابی الحسن روایت است که او را در مورد افعال و کارهای بندگان پرسیدند که آیا آن‌ها را خدا آفریده است یا نه؟ او گفت: اگر خداوند خالق افعال و کارهای بندگان بود؛ از آن اظهار بیزاری نمی‌کرد و حال آنکه خداوند می‌فرماید:

﴿أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ [التوبة: ۳]. «خدا و پیغمبرش از مشرکان بیزارند».

ولی نص و دلیلی وارد نشده که خدا از شخص آن‌ها اظهار براءت کند، بلکه از شرک و زشتیهای آنان اظهار بیزاری کرده است»^۱.

همچنین علمای شیعه در مورد ایمان به قضا و تقدیر تصریح نکردند که به مذهب معتزله معتقدند تا اینکه شیخ آن‌ها حر عاملی با صراحت گفت: «باب ۴۷: خداوند متعال خالق همه چیز است جز افعال بندگان». و نیز گفت: «مذهب امامیه و معتزله بر این است که کارهایی که بندگان انجام می‌دهند از خودشان صادر شده و خودشان آفریننده آن هستند»^۲.

توضیح:

کلینی از ابی جعفر و ابی عبدالله روایت کرده که گفته‌اند: «خداوند برای بندگان مهربان‌تر از آن است که آن‌ها را به ارتکاب گناه مجبور کند، سپس آنان را به خاطر آن عذاب دهد، و خداوند قوی‌تر از آن است که چیزی را بخواهد ولی انجام نپذیرد، می‌گوید: سپس از آن دو پرسیدند که آیا میان جبر و قضا و قدر مقام سوّم وجود دارد؟ گفتند: بله و وسیع‌تر از فاصله آسمان و زمین است»^۳.

ضربه کمر شکن بر شیعه

۱ - شرح عقائد الصدوق، ص ۱۲ - ۱۳ ضمیمه کتاب اوائل المقالات .

۲ - الفصول المهمة فی اصول الائمه محمد بن حسن حر عاملی، ص ۸۰ - ۸۱ .

۳ - اصول کافی ۱ / ۱۵۹ .

از ابی‌عبدالله علیه السلام روایت کرده‌اند که گفت: «وای بر این فرقه‌ی قدریه! آیا این آیه را نمی‌خوانند که می‌فرماید:

﴿فَأَجْبَيْنَهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ قَدَّرْنَا مِنْ الْغَيْرِينَ﴾ [النمل: ۵۷]. «ما لوط و خاندان او را (از عذاب قریب‌الوقوع) نجات دادیم، بجز همسرش را که خواستیم جزو باقیمانندگان (در شهر و از زمره نابود شونده‌گان) باشد».

وای بر آن فرقه! چه کسی جز خداوند متعال آن را مقدر کرده است»^۱.

این روایت بیانگر مذهب و دیدگاه ائمه در مورد اثبات تقدیر الهی است، و به دیدگاه علمای قدیم شیعه اشاره دارد، ولی شیعیان متأخرشان بدون دلیل از این روایات رویگردان شده و دنبال‌رو معتزله شدند، و تعارض اعتقاد معتزله با چندین روایت خود در اعتقاد به تقدیر را نادیده گرفتند و مراجع شیعه تا جایی در تقلید از شیعه پیش رفتند که دقیق مانند اعتقاد معتزله عدالت را یکی از اصول دین قرار دادند که به مفهوم آن‌ها این مقوله بمعنی انکار و عدم پذیرش قضا و قدر الهی است.

شیخ شیعه هاشم معروف می‌گوید: «عدل از دیدگاه امامیه از ارکان دین و بلکه از اصول اسلام است»^۲.

ضربه‌ای دیگر

تعدادی از بزرگان شیعه مانند اهل سنت به ایمان به تقدیر الهی اعتراف کرده اند^۳.

اختراع وصیت

س ۹۰- مقوله‌ی اوصیاء از را چه کسی ابداع کرد و بر حسب عقیده علمای شیعه تعداد اوصیا چقدر است و آخرین آن‌ها کیست؟

ج- اولین کسی که این گفته را مطرح کرد عبدالله بن سبأ یهودی بود همانگونه که گذشت. ابن بابویه قمی در بیان عقاید شیعه می‌گوید: «آن‌ها معتقدند که هر کدام از پیامبران دارای وصی بوده که به فرمان خدا او را توصیه کرده است».

و می‌گوید: «تعداد اوصیاء یکصد و بیست و چهار هزار نفر هستند»^۱.

۱ - بحار الانوار ۵ / ۵۶ - ۱۱۶.

۲ - الشیعه بین الاشاعرة و المعتزله، ص ۲۴ هاشم، و عقیده المؤمن عبدالامیر قبلان، ص ۴۳.

۳ - عقائد الإمامیه الاثنی عشریة زنجانی ج ۳/ ۱۷۵-۱۷۶، عقائد الإمامیه ص ۶۷-۶۸ محمد مظفر

توضیح:

مجلسی مرجع شیعه می‌گوید: علی علیه السلام آخرین وصی است، و روایت کرده که حسن بن علی بعد از وفات پدرش سخنرانی کرد و از امیرالمؤمنین یاد کرد و گفت: «خاتم الوصیین و وصی خاتم الأنبیاء، و امیر صدیقان و شهداء و صالحان»^۱.

بنابراین بعد از امیرالمؤمنین علی علیه السلام وصی وجود ندارد، و امامت بعد از او باطل است، چون کسی دیگر وصی نیست، و این مطلب مذهب اثنی عشریه را از اساس درهم می‌شکند، چگونه بزرگان شیعه متوجه این نکته نشده‌اند؟! خداوند متعال راست فرمود:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

[النساء: ۸۲].

«آیا (این منافقان) درباره قرآن نمی‌اندیشند و اگر از سوی غیر خدا آمده بود در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می‌کردند».

امامت

س ۹۱ - جایگاه امامت نزد علمای شیعه چیست ؟

ج - ۱- امامت از دیدگاه آنان مثل نبوت است، و گفته اند: «امامت همچون نبوت مقامی الهی است»^۳.

بنابراین بحرانی به دروغ به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب نسبت داده که گفت: هر کسی به ولایت من اقرار نکند؛ اقرار او به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فایده‌ای به او نمی‌رساند»^۴.

۲- به غلو و زیاده‌گویی افزودند و فراتر رفته‌اند و گفتند: «امامت از نبوت بالاتر و مهم‌تر است».

۱ - عقائد الصدوق، ص ۱۰۶.

۲ - بحار الانوار ۳۹ / ۳۴۲.

۳ - اصل الشیعه و اصولها، ص ۵۸.

۴ - مقدمه تفسیر البرهان بحرانی، ص ۲۴ و بحار الانوار مجلسی ۲۶ / ۳.

شیخ و علامه شیعه جزایری می‌گوید: «امامت عام و کلی که جایگاه آن از نبوت و رسالت فراتر قرار دارد»^۱.

و در احادیث کلینی در الکافی آمده است که امامت از مقام نبوت برتر و بالاتر است.^۲

۳- سپس از این هم فراتر رفته و گفتند امامت بزرگترین چیزی است که خداوند پیامبرش را با آن مبعوث کرده است. آخوند بزرگ هادی تهرانی می‌گوید: «بزرگترین مسئله از دین که خداوند پیامبرش را با آن مبعوث کرده است مسئله امامت است»^۳.

۴- هیچ دری از درهای غلو و زیاده‌گویی را در موضوع امامت باقی نگذاشتند مگر اینکه وارد آن شدند، تا جایی که گفتند: «امامت رکنی از ارکان اسلام است».

همچنین کلینی از ابو جعفر روایت می‌کند که گفت: «اسلام بر پنج پایه بنا شده است، نماز، زکات، روزه، حج و ولایت، و به هیچ چیزی مانند ولایت فرمان داده نشده است»^۴.

۵- سپس غلو و افراط شیعه پیشرفت کرد و گفتند: «امامت بزرگترین ارکان اسلام است».

و کلینی از ابی جعفر روایت می‌کند که گفت: «اسلام بر پنج پایه بنا شده است: بر نماز و زکات و حج و روزه و ولایت، زراره می‌گوید: گفتم از این ارکان کدام برتر است؟ گفت: ولایت برترین است»^۵.

ولی آل کاشف الغطاء آن‌ها را رسوا کرده و گفته است: «شیعه رکنی دیگر به ارکان اسلام اضافه کردند که امامت است»^۶.

ابداع کردن اعیاد به دین

۱ - زهر الربیع، ص ۱۲ نعمت الله عبدالله حسینی الجزائری .

۲ - کافی ۱ / ۱۷۵ .

۳ - ودایع النبوة هادی تهرانی، ص ۱۱۵ .

۴ - اصول الکافی ۲ / ۱۸ و عالم معاصر شیعه عبد الهادی فضلی استاد یکی از دانشگاه‌های کشور در کتابش التریبة الدینیة، ص ۶۳ می‌گوید: امامت رکنی از ارکان دین است!

۵ - اصول کافی ۲ / ۱۸ .

۶ - اصل الشیعه، ص ۵۸ .

س ۹۱- آیا بزرگان شیعه عیدهایی را در دین ابداع کرده‌اند؟

ج- مشهورترین عیدهایی که شیعه ابداع کرده‌اند عید غدیر است. شیخ شیعه عبدالله علایلی می‌گوید: «عید غدیر بخشی از اسلام است، هر کسی آن را انکار کند، ذات اسلام را انکار کرده است»^۱.

و شیخ محمد جواد مغنیه گفت: «مراسم برگزاری جشن با این روز (غدیر) مراسم قرآن کریم و سنت رسول خدا ﷺ و برگزاری آن برگزاری مراسم اسلام و روز اسلام است و نهی از روز غدیر تعبیر دوّم است برای جلوگیری از عمل کردن به قرآن و سنت و آموزه‌ها و اصول اسلام»^۲.

و روایت کرده که امام شیعه ابو عبدالله (حاشا از او) روز غدیر را تعیین و مشخص کرده و گفته: «روز غدیر خم بزرگترین عید است که روز هیجدهم ماه ذی الحجه است»^۳.

همچنین یکی از اعیاد شیعه روز قتل عمر بن خطاب رضی الله عنه به دست ابولؤلؤ مجوسی ایرانی است. شیخ جزایری یک فصل را به این نام عنوان کرده: «نور آسمانی پاداش عید روز قتل عمر بن خطاب را کشف و آشکار می‌کند». و با سند خود نقل می‌کند که روز قتل عمر رضی الله عنه نهم ربیع الأول است، و نیز امام‌شان ابوالحسن عسکری پیرامون برگزاری جشن به مناسبت روز قتل عمر می‌گوید: «چه روزی به لحاظ احترام و خوشحال‌کنندگی نزد اهل بیت بزرگتر بود؟».

همچنین به نام رسول خدا ﷺ بهتان و افتراء ساخته که در مورد جشن روز قتل عمر خطاب به حسن و حسین گفت: «...آن روزی است که خدا جان دشمن خود و دشمن جد شما را گرفت... آن روزی است که خدا شوکت دشمن جدتان و یاری‌کننده دشمن شما را در هم شکست... قطعاً آن روزی است که فرعون اهل بیت من و هامان و

۱ - الشیعه فی المیزان جواد مغنیه رئیس محکمه جعفریه بیروت، ص ۲۵۸ .

۲ - الشیعة فی المیزان ص ۲۵۸ محمد جواد مغنیه .

۳ - وسائل الشیعة ج ۳۸۰/۷-۳۸۱ ح ۱۸ (باب وجوب تعظیم یوم الجمعة والتبرک به واتخاذہ عیداً واجتناب جمیع المحرمات فیہ)، وینظر: تحریر الوسیلة ج ۳۰۲/۱ (القول فی أقسام الصوم : المندوب منه).

ظالم و غاصب حق آن‌ها از بین می‌رود... و بار رسوایی را بر دوش حمل می‌کند، و مردم را نسبت به راه خدا گمراه می‌کند، و کتاب خدا را تحریف و سنت رسولش را تغییر می‌داد،... بنابراین خداوند عز و جلاله به من وحی فرستاد و گفت: ای محمد... به فرشتگان کاتب فرمان داده‌ام به خاطر این روز سه روز قلم را از ثبت گناه مردم بردارند و گناهانشان را ننویسند، ای محمد... من این روز را جشن قرار داده‌ام و به عزت و جلال و بلند بودنش در جای خودم قسم یاد کرده‌ام که هر کس در آن روز برای خانواده و خویشاوندانش بیشتر خرج کند ثروت و عمرش را افزایش دهم و او را از آتش جهنم حفظ کنم و تلاش آن‌ها را اجر و پاداش دهم و گناهانش را بخشوده شده و اعمال‌شان پذیرفته است...»^۱.

و ابو لؤلؤ را به نام (بابا شجاع) می‌خوانند^۲. همچنین مانند آتش پرستان روز نوروز را تعظیم می‌کنند^۳.
توضیح:

روایات شیعه اعتراف کرده‌اند که نوروز از اعیاد ایرانیان (مجوس) است^۴.

تعداد ائمه

س ۹۳- آیا امامت نزد علمای شیعه منحصر به تعدادی معین است؟
ج- استاد اساتید شیعیان نخستین عبدالله بن سبأ یهودی امر وصیت را منحصر به علی علیه السلام می‌دانست^۵ ولی بعد از او افرادی آمدند و امامت را به مجموعه‌ای از فرزندان علی تعمیم دادند. در رجال کشی آمده است که «مؤمن طاق» یا شیطان طاق منحصر بودن امامت را در افرادی از اهل بیت اشاعه کرد!!.

۱ - الأنوار النعمانية ج ۱/۱۰۸-۱۱۱

۲ - الكنى والألقاب ج ۶۲/۲ (بابا شجاع الدین) .

۳ - وسائل الشيعة ج ۱۷۲/۸ (باب استحباب صلاة يوم النيروز و الغسل فيه والصوم ولبس أنظف الثياب والطيب وتعظيمه وصب الماء فيه)، بحار الأنوار ج ۴۱۹/۹۸ (باب عمل يوم النيروز)، مقتبس الأثر ج ۲۰۲/۲۰۳-۲۰۳ أعلمی .

۴ - بحار الأنوار ج ۱۰۸/۴۸ ح ۹.

۵ - ن ک بحار الانوار ۳۶ / ۳۴۲ .

و هنگامی که امام زید بن علی علیه السلام از این امر آگاه شد او را خواند و به او گفت: به من خبر رسیده که تو ادعا می‌کنی در میان آل محمد صلی الله علیه و آله امام واجب‌الاطاعه وجود دارد؟ مؤمن طاق گفت: بله و یکی از آن‌ها پدرت علی بن حسین بود، زید بن علی گفت: «آیا پدرم لقمه گرم غذا را با برابرم سرد می‌کرد بعد در دهانم می‌گذاشت که مبادا دهانم بسوزد ولی به نظر تو نسبت به گرفتار شدنم به گرمای و آتش جهنم برابرم دلسوزی نمی‌کرد؟»

مؤمن طاق گفت: گفتم پدرت نخواستی تو را از آن خبر کند چون دوست نداشته به آن کفر بورزی؟ چون اگر به آن کافر می‌شدی او نمی‌توانست برای تو شفاعت کند^۱.
توضیح:

شیطان طاق بدینصورت دروغ امامت را اختراع کرد و به یکی از اصول دین شیعه تبدیل شد، همچنین امام علی زین العابدین بن حسین را متهم کرد که اساس دینشان را حتی از پسر خود که برگزیده آل محمد بود مخفی و کتمان نموده همانگونه که امام زید را متهم کرد به اینکه به مقام حقیرترین پیروان آخوندهای شیعه هم نرسیده که لیاقت داشته باشد به امامت ایمان بیاورد،... علمای شیعه خودشان این روایت را در معتبرترین منابع شیعه نقل و روایت می‌کنند، و اعلام می‌کنند که شیطان طاق با بی-شرمی و گستاخی هرچه تمامتر ادعا کرده که او در مورد زین العابدین به اندازه‌ای شناخت داشته که پسرش زید بن علی به نداشت، و حتی در مسائل اصول دین هم پسرش را به اندازه شیطان طاق آگاه نکرده!

س ۹۴- آیا علمای شیعه در مورد تعداد ائمه اختلاف دارند؟

ج- بله!!

کلینی از ابی جعفر علیه السلام روایت کرده که (حاشا از او) گفت: «خداوند پنهانی و به صورت سرّی ولایت را به جبرئیل در میان گذاشت، جبرئیل هم آن را با محمد صلی الله علیه و آله در میان گذاشت، او هم آن را با علی در میان گذاشت، و علی با هر کس که بخواهد پنهانی در میان می‌گذارد»^۲.

۱- رجال کشی، ص ۱۸۶، اصول کافی ۱/ ۱۷۴.

۲- اصول الکافی ج ۵۷۷/۲ (کتاب الإیمان والکفر ح ۱۰ باب الکتان).

مازندرانی شارح الکافی می‌گوید: «به هر کس از معصومین و مؤمنان رازدار که بخواهد نیز در میان می‌گذارد»^۱.

پس این روایت نه تعداد ائمه را مشخص کرده و نه اشخاص آنان تعیین کرده است، چون در آن زمان که این حدیث ساخته شده قضیه هنوز استقرار نیافته بود؟ سپس این مسأله نزد علمای شیعه پیشرفت کرد و روایاتی به میدان آمد که ائمه را هفت تن اعلام کرد و می‌گفتند: «امام هفتم قائم ماست»^۲. و اسماعیلیه بر هفت امام مستقر شدند.

اما وقتی تعداد ائمه نزد فرقه‌های موسویه یا قطعیه، و نیز نزد فرقه‌ی موسوم به اثنا عشریه افزایش یافتند؛ این روایت فوق در عقیده پیروان این گروه تردید ایجاد کرد، لذا بنیانگذاران و مؤسسان مذهب شیعه کوشیدند جهت برون‌رفت از این چالش و رفع شک و تردید از پیروان خود این روایت را جعل کردند:

از داود رقی روایت است که گفت: «به ابا الحسن رضا عرض کردم: فدایت شوم در مورد تو هیچ شکی ندارم جز حدیثی که از ذریح شنیده‌ام که از ابی جعفر روایت می‌کند. گفت: آن حدیث کدام است؟ عرض کردم: ذریح می‌گوید: از ابوجعفر شنیدم که می‌گفت: ان شاء الله امام هفتم قائم ما است. فرمود: راست می‌گویی، و ذریح هم راست گفته، ابو جعفر هم راست گفته است، آنگاه شک و تردید من بیشتر شد، سپس گفت: ای داود بن ابی خالد! سوگند به خدا اگر موسی به رفیقش نمی‌گفت انشاء الله مرا بر دبار خواهی یافت چیزی از او نمی‌پرسید، و همچنین اگر ابو جعفر نمی‌گفت: ان شاء الله (اگر خدا بخواهد) همانطور می‌بود که او گفته بود. می‌گوید: آنگاه بر آن یقین کردم»^۳.

و علمایشان این را از باب بداء و تغییر خواست خداوند قرار داده‌اند چنان که مفصلاً ان شاء الله بیان خواهد شد.

سپس قضیه نزد علمای شیعه متحول گردید و روایاتی در الکافی یافته شد که می‌گویند: «ائمه سیزده تا هستند»!!

۱ - شرح جامع مازندرانی ۹ / ۱۲۳ .

۲ - رجال کشی، ص ۳۷۳، بحار الانوار ۴۸ / ۲۶۰ .

۳ - رجال کشی، ص ۳۷۳ - ۳۷۴ ابی عمرو محمد بن عمر کشی متوفای ۳۵۰ هجری .

کلینی^۱ از ابی جعفر^{علیه السلام} روایت می‌کند که گفت: «پیامبر^{صلی الله علیه و آله} فرمود: من و دوازه تن از فرزندانم و تو ای علی میخ‌ها و کوه‌های زمین هستیم که خداوند بوسیله ما زمین را ثابت نگه داشته که ساکنانش در آن فرو نروند، و وقتی دوازه تن از فرزندانم تمام شوند، و از دنیا بروند، زمین ساکنان خود را فرو می‌برد و به آن‌ها مهلت داده نمی‌شود».

این روایت بیانگر این است که ائمه ایشان علاوه بر علی^{علیه السلام} دوازه تن هستند، و با علی سیزده نفر می‌شوند، و سوگند به خدا که این مطلب همه ساختار شیعه را نابود و منهدم می‌کند!

و کلینی از ابی جعفر و او از جابر روایت کرده که گفت: «نزد فاطمه رفتم در حالی که لوح‌های در دست داشت که اسامی آن دسته از فرزندانش که وصی هستند در آن نوشته شده بود، من دوازه تا را شمارش کردم که آخرین آن‌ها امام قائم بود»^۲.
و برای تبیین و روشن‌گری بیشتر گمراهی شیعه، کافی است که بحث را با روایت ذیل به پایان برسانم.

شیخ شیعه فرات کوفی با سند خود از امام زید بن علی بن حسین^{علیهما السلام} روایت کرده که گفت: «معصومین ما پنج نفر هستند، نه سوگند به خدا آن‌ها شخص ششم ندارند»^۳.

ضربه کمر شکن

ای پیروان مذهب شیعه! آیا می‌دانید که علمای شما به وجود چند مهدی معتقدند؟ یکی از باورهای عجیب علمای شیعه این است می‌گویند: «بعد از قائم شما دوازه مهدی دیگر هست»!!

از جعفر روایت کرده‌اند که او از پدران^ش و آن‌ها از علی^{علیه السلام} روایت کرده‌اند که گفت: «پیامبر^{صلی الله علیه و آله} در شب وفات گفت: ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور، آنگاه پیامبر خدا^{صلی الله علیه و آله} وصیت خود را دیکته کرد و در آن آمده است که فرمود: ای علی بعد از من

۱ - الکافی ۱ / ۵۳۴ .

۲ - اصول کافی ۱ / ۵۳۲ .

۳ - تفسیر فرات از فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، ص ۱۲۳ .

دوازده امام خواهند بود، و بعد از آن‌ها دوازده مهدی می‌آید، تو اولین امام از دوازده امام هستی، ... و حدیث را ادامه داد تا اینکه گفت: حسن - یعنی امام عسکری - باید امامت را به پسرش محمد بسپارد که نیروی ذخیره آل محمد علیهم‌السلام است، تعداد این‌ها دوازده امام می‌شوند، سپس بعد از او دوازده مهدی می‌آیند و هنگامی که وفات محمد بن حسن عسکری فرا رسید، باید امامت را به پسرش واگذار کند که اولین مهدی است، و او سه اسم دارد: یک از نام‌هایش نام من است، و یکی نام پدرم است که عبدالله است، و اسم سوم او مهدی است، و او اولین مؤمنان است»^۱.

تعارض:

طوسی روایت کرده که تعداد ائمه یازده نفر هستند، چنان که ابی حمزه از جعفر نقل کرده که گفت: «ای ابا حمزه بعد از قائم یازده مهدی می‌آید»^۲.

یک دلیل آتش افروز

شیعه روایت کرده اد که علی علیه‌السلام خاتم الوصیین است، بنابراین بعد از او کسی وصی نیست، و این روایت شالوده آنان را از اساس ویران کرده است و سقف (خانه‌ها) از بالای سرشان بر سرشان فرو ریخته است.

روایتشان می‌گوید: علی علیه‌السلام (حاشا از او) گفت: «من امین و خزانه دار و رازدار و دروازه‌بان و چهره و راه و ترازوی خدا هستم، و من مردم را نزد خدا حشر و جمع می‌کنم، من آن کلمه خدا هستم که متفرق‌ها را با آن جمع کرده و جمع‌ها را با آن متفرق می‌سازد، من اسماء حسناى خدا و امثال علیا و نشانه‌های بزرگ خدا هستم... و ازدواج اهل بهشت و عذاب اهل دوزخ و بازگرداندن همه مردم به من واگذار شده. من امیرمؤمنان و سردسته مؤمنان و نشانه سابقین پیشین و زبان گویندگان و خاتم وصیین و وارث پیامبران و جانشین پروردگار عالمیان و راه راست و حجت خدا بر اهل آسمان‌ها و زمین‌ها هستم. من کسی هستم که خداوند در ابتدای آفرینش با او بر شما حجت اقامه کرده و من شاهد روز جزا هستم و من آن کسی هستم که از مرگ و بلاها با خبر است، من سخن فیصله دهنده و جدا کننده نسب‌ها هستم،... ابرها و رعد و برق

۱ - بحار الانوار ۱۳ / ۱۳۷.

۲ - الغیبه للوجه، ص ۲۵۸ ابی جعفر طوسی معروف به شیخ الطائفه متوفای ۴۶۰ هجری .

و تاریکی و نور و بادها و کوه‌ها و دریاها و ستارگان و ماه برای من رام و مسخر شدند... من هدایت دهنده‌ام و همه چیز را شمارش کردم، من کسی هستم که خدا نام و کلمه و حکمت و علم و فهم خود را به من ارزان بخشید...»^۱.

آخوندهای شیعه برای خدا کدام اوصاف و ویژگی‌های اختصاصی باقی گذاشته‌اند؟! ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الزمر: ۶۷].

یعنی: «آنان آن گونه که شایسته است خدا را نشناخته‌اند در روز قیامت سراسر کره زمین یکباره در مشت او قرار دارد و آسمان‌ها با دست راست او در هم پیچیده می‌شود. خدا پاک و منزّه از شرک آنان است».

اختلاف بر سر تعداد ائمه تا حد تکفیر

س ۹۵- آیا علمای شیعه به علّت اختلافی که در مورد تعداد ائمه دارند یکدیگر را تکفیر کرده‌اند؟

ج - بله، خیلی زیاد، (از خداوند عافیّت و سلامتی را خواستاریم) به عنوان مثال در سال (۱۹۹۰هـ) شانزده نفر مرد در اطراف دروازه منزل ابوالحسن دّوم علی رضا علیه السلام گردآمدند و یکی از آن‌ها به نام جعفر بن عیسی خطاب به او گفت: «سرورم! از آنچه ما از دست یاران خود از آن رنج می‌بریم نزد خدا و نزد تو شکایت می‌کنیم، رضا گفت: شما چه مشکلی دارید؟ جعفر گفت: سوگند به خدا آن‌ها ما را کافر و زندیق می‌شمارند، و از ما تبری می‌جویند، آنگاه گفت: یاران علی بن حسین و محمّد بن علی و یاران جعفر و موسی صلوات الله علیهم اینگونه بودند، و اصحاب زراره دیگران را کافر می‌دانستند، و دیگران هم آن‌ها را کافر محسوب می‌کردند، و یونس گفت: فدایت شوم آن‌ها ما را زندیق می‌پندارند»^۲.

وضعیت نسل و گروه اول آن‌ها اینگونه بوده است، چه رسد به وضعیت علمای معاصر شیعه که چندین قرن بعد از آنان آمده‌اند، و خداوند بسی راست و درست فرموده است:

۱ - کتاب الرجعة ص ۲۰۵ أحمد الأحسانی .

۲ - رجال کشی، ص ۴۹۸ - ۴۹۹ .

﴿إِنَّهُمْ أَلَفُوا ءَابَاءَهُمْ صَالِينَ ﴿۱۵﴾ فَهُمْ عَلَىٰ ءَاثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿۱۶﴾﴾ [الصفات: ۶۹-۷۰]
 «آن‌ها واقعاً پدران خود را در گمراهی یافته‌اند (چنان‌دل و دین به تقلید نیاکان داده‌اند که انکار) آنان را به دنبال نیاکانشان به شتاب می‌رانند».

ولایت فقیه

س ۹۶- بزرگان شیعه جهت برون‌رفت از چالش در مورد تعیین تعداد ائمه به عوام و پیروان خود چه گفته‌اند؟

ج- مسئله نیابت مجتهد از امام و ولایت فقیه را مطرح کردند. و با وجود این در مورد تعیین نائب و نیابت اقوال مختلفی دارند^۱ و در نهایت در عصر حاضر علمای شیعه مجبور شده‌اند از این اصل که اساس و شالوده دین شیعه است خارج شوند، بنابراین ریاست دولت ایران از طریق انتخابات تعیین می‌شود.^۲

س ۹۷- به اعتقاد علمای شیعه حکم کسی امامت فردی از ائمه را انکار کند چیست؟

ج- شیخ مفید می‌گوید: «امامیه اتفاق کرده‌اند که هرکس امامت یکی از ائمه را انکار کند، و اطاعت امام را که خدا فرض نموده انکار کند گمراه است، و مستحق جاودانه ماندن در دوزخ است»^۳.

توضیح:

قبلاً ذکر شد که شیعه روایات کسانی را می‌پذیرند که بسیاری از ائمه آن‌ها را انکار کرده و نپذیرفته‌اند! روایاتی همچون روایات فطحیه، همچون عبدالله بن بکیر، و روایات افرادی همچون سماعه بن مهران از فرقه واقفیه را می‌پذیرند، و نیز روایات ناووسیه و را قبول می‌کنند، و با وجود این علمای شیعه برخی از راویان این فرقه‌هایی که امامت بسیاری از ائمه را قبول ندارند را ثقه و مورد اعتماد به حساب آورده‌اند.^۴

موضع ائمه نسبت به اصحاب

۱ - الخمینی و حکومت اسلامی معنیه، ص ۶۸ .

۲ - حکومت اسلامی، ص ۴۸ .

۳ - اوائل المقالات، ص ۴۴ .

۴ - ن ک سوال ۱۹ .

س ۹۸- موضع پیامبر ﷺ و ائمه در برابر صحابه رسول خدا ﷺ آنطور که در کتاب‌های شیعه آمده چه بوده است؟

ج- (در مراجع شیعه ذکر شده که) پیامبر ﷺ فرمود: «بار خدایا انصار و فرزندان انصار و فرزند فرزندان‌شان را بیمارز، ای گروه انصار آیا شما راضی نمی‌شوید که دیگران با بز و گوسفند برگردند و شما در حالی برگردید که پیامبر خدا سهم شما باشد، گفتند: بله راضی هستیم، آنگاه پیامبر ﷺ فرمود: انصار جایگاه و کیف دستی من هستند، اگر مردم به دره‌ای بروند و انصار به دره ای دیگر بروند، من راهی دره انصار می‌شوم، بار خدایا انصار را بیمارز»^۱.

و امیرمؤمنان علی رضی الله عنه گفت: «پیشی گیرندگان کامیاب شدند، و مهاجران اول با اجر فراوان و بزرگ رفتند»^۲.

همچنین فرمود: «یاران و اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را دیده‌ام، هیچ کسی از شما را نمی‌بینم که با آن‌ها شباهتی داشته باشد، آن‌ها ژولیده‌مو و غبار آلود صبح می‌کردند، و شب را با نماز و سجده سپری می‌کردند، و روی پیشانی و صورت استراحت می‌کردند، از یاد معاد و رستاخیز چنان بی‌مناک بودند گویی روی اخگر و زغال برافروخته داشتند (با گریه می‌جوشیدند)، میان چشم‌هایشان همچون زانوی بُز چروکیده و کوفته بود، وقتی ذکر خدا به میان می‌آمد اشک از چشمان‌شان سرازیر می‌شد تا آنکه گریبان‌شان خیس می‌گردید و چون درخت در روز طوفانی از ترس عذاب و امید پاداش به خود می‌لرزیدند»^۳.

و گفت: «شما را در مورد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله توصیه می‌کنم، به آن‌ها ناسزا نگوئید، آنان یاران و یاوران و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله شما هستند، آن‌ها در دین هیچ بدعتی بوجود نیاوردند، بله: او در مورد این‌ها مرا وصیت کرد»^۴.

۱ - تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین فتح الله کاشانی ۴ / ۳۴۰، و الارشاد مفید ۱ / ۱۴۵، و اعلام الوری طبرسی، ص ۱۱۸، تفسیر قمی ۲ / ۱۷۷.

۲ - نهج البلاغه ص ۶۰۲، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ت ۶۵۶ ج ۱۱۷/۱۵ بحار الأنوار ج ۳۳/۱۰۵ ح ۴۰۷ (باب کتبه صلی الله علیه و آله إلى معاوية واحتجاجاته علیه ومراسلاته إليه وإلى أصحابه).

۳ - نهج البلاغه، ص ۱۴۳ شریف مرتضی .

۴ - حیاة القلوب مجلسی ۲ / ۶۲۱.

و (علی علیه السلام) در مورد انصار گفت: «وقتی آنان پیامبر صلی الله علیه و آله را پناه دادند، و خدا و دینش را یاری کردند، همه عرب‌ها آنان را هدف گرفته بودند، و علیه آنان با یهودیان همپیمان شدند، همه قبایل یکی پس از دیگری با آنها جنگیدند، و آنها به خاطر دین از همه چیز بریدند و روابط خود را با عرب‌ها قطع کردند، و دین را برپاداشتند، و زیر تازیانه جلادان بردباری و شکنجایی کردند، تا آنکه عرب سر تسلیم را در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آوردند و قبل از وفات در مورد آنها چشمانش روشن شد (به هدف خود دست یافت)»^۱.

و زین العابدین در نمازهایش برای اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله دعا می‌کرد و می‌گفت: «بار خدایا! به خصوص اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را، آنان که به خوبی وظیفه همراهی و صحابه بودن را ادا کردند، و در راه یاری کردن پیامبر صلی الله علیه و آله بهترین امتحان را پس دادند... بار خدایا رحمت خویش را به تابعین برسان، آنان که می‌گویند: پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی... آنان زنان و فرزندانشان را در راه اظهار پیروزی کلمه پیامبر صلی الله علیه و آله خدا ترک کردند و با پدران و فرزندان خود برای تثبیت نبوت او جنگیدند...»^۲.

و یکی دیگر از ائمه (جعفر) گفت: «اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوازده هزار نفر بودند، هشت هزار نفر اهل مدینه، دو هزار اهل مکه، و دو هزار نفر برده آزاد شده، در میان آنها هیچ کسی از فرقه قدریه یا مرجئه و خوارج و معتزله و اهل رأی دیده نشده، شب و روز گریه می‌کردند و می‌گفتند: ارواح ما را بگیر قبل از آن که نان ورامده بخوریم»^۳.

و از امام رضا را در مورد این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد که فرمود: «اصحاب من همچون ستارگان هستند به هر کدام اقتدا کنید راهیاب می‌شوید»، و اینکه می‌فرماید:

۱ - الغارات ابراهیم بن محمد ثقفی متوفای ۲۸۳ هجری، ۲ / ۳۳۰، و الامالی طوسی، ص ۱۷۳، و

شرح نهج البلاغه ۲ / ۸۸.

۲ - صحیفه کامله زین العابدین، ص ۱۳ / ۴۲.

۳ - الخصال صدوق ۶۴۰.

«اصحابم را برایم بگذارید»؟ در پاسخ گفت: «این حدیث صحیح است منظورش کسانی است که بعد از او تغییر نکردند و دگرگون نشدند»^۱.

و حسن عسکری گفت: «موسی کلیم خدا از پروردگارش پرسید: آیا در میان اصحاب پیامبران اصحاب کسی از اصحاب من نزد شما گرامی‌تر هستند؟ خداوند فرمود: ای موسی آیا نمی‌دانی که فضیلت اصحاب محمد ﷺ بر همه اصحاب پیامبران همچون فضیلت محمد ﷺ بر همه پیامبران است»^۲.

همچنین روایت کرده که خداوند متعال به آدم ﷺ فرمود: «هرکس که با محمد ﷺ و اصحاب برگزیده او دشمنی ورزد، یا نسبت به یکی از آن‌ها دشمنی و نفرت داشته باشد، خداوند به او چنان غذایی می‌دهد که اگر بر همه آفریده‌ها و خلق خداوند تقسیم شود همه را نابود می‌کند»^۳.

موضع شیعه نسبت به روایاتی که در مدح و ستایش اصحاب روایت کرده‌اند

س ۹۸- آیا علمای شیعه چه توجیهی برای این روایات دارند؟ آیا به آن عمل می‌کنند؟

ج- آن‌ها را با تقیه توجیه می‌کنند! چون این روایات نسبت به روایات متعددی که اصحاب را لعن و تکفیر می‌کنند، ناچیز هستند، بنا براین به آن‌ها عمل نمی‌کنند، همانگونه که شیخ مفید شیعه گفته: «روایاتی که به منظور تقیه گفته‌اند، به اندازه‌ی روایاتی که به آن‌ها عمل شده زیاد نیستند»^۴.

از این روی علمای شیعه با مطرح کردن تقیه در دین خود اعتقادشان را به بازیچه گرفتند و طبق خواست و امیال خود آن را جهت دادند تا اینکه دیگر آن مذهب دیدگاه اهل بیت محسوب نمی‌شد، بلکه تنها مذهب و دیدگاه کلینی و مجلسی و امثال آن‌ها شد، همانگونه که بیان خواهد شد.

۱ - بحار الأنوار ج ۱۸/۲۸-۱۹ ح ۲۶، الأنوار النعمانية ج ۱/۱۰۰ (نور مرتضوی).

۲ - تفسیر حسن عسکری، ص ۶۵، بحار الانوار ۱۳/ ۳۴۰، و تفسیر البرهان بحرانی ۳/ ۲۲۸.

۳ - تفسیر حسن عسکری، ص ۱۹۶.

۴ - تصحیح اعتقادات الإمامیه مفید ص ۱۴۷-۱۴۸ (فصل فی الأحادیث المختلفة).

س ۱۰۰- آیا علمای شیعه در مورد صحابه رسول خدا ﷺ از ائمه خود پیروی کرده‌اند، لطفاً به اختصار بگوئید؟

ج- خیر!! و این مطلب ضمن دو مسأله ذیل ان شاءالله بیان خواهد شد:
مسأله اول:

علمای شیعه معتقدند که بعد از وفات پیامبر ﷺ همه مسلمین مرتد شده‌اند؟! محمد رضا مظفر شیخ شیعه می‌گوید: «پیامبر ﷺ وفات یافت، اکنون نمی‌دانم، ولی باید همه مسلمین بعد از او مرتد شده باشند»^۱.

و بلکه گفته‌اند: «جز یک نفر کسی به پیامبر ﷺ ایمان نیاورد او هم از سرزمین خود بیرون آمده بود و به دنبال حقیقت می‌گشت که سلمان فارسی رضی الله عنه بود»^۲.
توضیح:

ببینید چگونه علمای شیعه در مورد همه مسلمین، از صحابه و خویشاوندان و اهل بیت پیامبر ﷺ حکم ارتداد و از دین برگشتن صادر کرده‌اند. خدایا از شرک و مشرکین به تو پناه می‌بریم.

استاد و مرجع شیعه تستری در مورد صحابه می‌گوید: «محمد ﷺ آمد و تعداد زیادی از مردم را هدایت داد، اما بعد از وفات او مرتد شده و به عقب باز گشتند»^۳.
کلینی بر زبان ابو جعفر علیه السلام دروغ پردازی کرده که گفت: «بعد از وفات پیامبر ﷺ همه مردم مرتد شدند جز سه نفر، گفتم: آن سه نفر چه کسانی هستند؟ گفت: مقداد بن اسود و ابوذر غفاری و سلمان فارسی»^۴.

تناقض

فضیل بن یسار از ابی جعفر علیه السلام روایت می‌کند که گفت: «وقتی پیامبر خدا ﷺ وفات یافت مردم همه به جاهلیت برگشتند جز چهار نفر: علی و مقداد و سلمان و

۱ - السقیفه، ص ۱۹ .

۲ - کتاب الشیعه و السنه فی المیزان، ص ۲۰ - ۲۱ .

۳ - احقاق الحق تستری، ص ۳۱۶ .

۴ - رجال کشی، ص ۶، الکافی کتاب الروضه ۱۲ / ۳۱۲ - ۳۲۲ .

ابوذر، می‌گوید: گفتم: پس عمار چه؟ گفت: تو اگر از کسانی سؤال می‌کنی که هیچ خللی وارد درون آن‌ها نگردیده همین سه نفر هستند»^۱.

ضربه کمر شکن بر علمای شیعه

این روایت نامیمون و بدیمن برای علمای شیعه از واقعیت تشیع ساختگی پرده برداشته و نشان می‌دهد که آن‌ها دشمن اهل بیت هستند، همانگونه که دشمن رسول خدا ﷺ و صحابه هستند، ولی آنقدر ابله و نادان هستند نفهمیده‌اند که با جعل آن روایت حسن، حسین، فاطمه، خدیجه، آل جعفر، آل عباس و آل علی ﷺ را همه به اهل جاهلیت و از دین برگشته معرفی کرده‌اند و (پناه بر خدا).

خواننده محترم آیا این روایات دلیل نیستند بر اینکه تشیع پوششی است برای اجرای اهداف پلید ضد اسلام و مسلمین؟ و آیا دلیلی نیستند بر این که دشمنان صحابه و اهل بیت آن را جعل کرده‌اند؟.

مسئله دوم:

علمای شیعه معتقدند که اغلب صحابه در زمان حیات پیامبر ﷺ منافق بوده‌اند؟ تستری شیعه می‌گوید: «آن‌ها مسلمان نشدند، بلکه بسیاری به امید رسیدن به مقام پیامبر ﷺ تظاهر به اسلام کردند... آن‌ها به نفاق و تفرقه‌افکنی عادت کرده بودند»^۲.

و کاشانی می‌گوید: «بیشتر آن‌ها نفاق خود را پنهان می‌کردند و علیه خدا گستاخ بودند، و به پیامبر خدا تهمت می‌زدند و بر او دروغ می‌بستند تا او را اذیت کنند»^۳.
و امام خمینی شیعه می‌گوید: «صحابه کسانی هستند که منافق نامیده می‌شوند»^۴.

ضربه کمر شکن

۱ - تفسیر عیاشی ۱ / ۱۹۹، البرهان ۱ / ۳۱۹، تفسیر صافی کاشانی ۱ / ۳۰۵، بحار الانوار ۲۲ / ۳۳۳.

۲ - احقاق الحق، ص ۳ قاضی علا نور الله شوشتری تستری متوفای ۱۰۱۹.

۳ - تفسیر صافی ۱ / ۴.

۴ - الحکومة الاسلامیة ص ۶۹، ن ک علی و مناوئوه دکتر رافض نوری جعفر، ص ۱۲.

خودشان رویت کرده‌اند که ائمه آن‌ها گفته‌اند: «اصحاب رسول خدا ﷺ دوازده هزار نفر بودند که در میان آن‌ها کسانی دارای اعتقاد فرقه‌های مرجئی، خوارج، معتزلی و اهل رأی و بدعت نبود، شب و روز (از ترس عذاب خدا) گریه می‌کردند...»^۱.

اعتقاد ائمه در مورد ابوبکر صدیق رضی الله عنه

س ۱۰۱ - لطفاً به اختصار عقیده ائمه اهل بیت را در مورد ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیان کنید؟

ج * - علی رضی الله عنه نمازهای پنجگانه را پشت سر ابوبکر صدیق رضی الله عنه خواند و به امامت او راضی بود.^۲

شیخ سلیم بن قیس گفته: «علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفت: خالد بن ولید در حالی که شمشیر به گردن آویخته بود در کنار من به امامت ابوبکر به نماز ایستادیم...»^۳.

طبرسی مرجع شیعه گفت: «سپس به برخاست و آماده نماز شد و در مسجد حاضر شد و پشت سر ابوبکر به نماز ایستاد و خالد بن ولید در کنارش نماز می‌خواند...»^۴.

طوسی شیخ شیعه می‌گوید: «این مسلم است چون ظاهر و آشکار است»^۵.

* - به تواتر از علی رضی الله عنه روایت شده که گفت: «بهترین فرد این امت بعد از پیامبرش ابوبکر و عمر هستند»^۶.

و نیز فرمود: «هر کسی پیش من آورده شود که مرا بر ابوبکر و عمر برتری داده باشد او را به جرم افترا شلاق می‌زنم»^۷.

۱ - کتاب الخصال ص ۶۳۹-۶۴۰ ح ۱۵.

۲ - الاحتجاج، ص ۵۳ طبرسی، السقیفه، ص ۲۰۳ معروف به کتاب سلیم بن قیس و مرآة العقول مجلسی، ص ۳۸۸

۳ - کتاب سلیم بن قیس ص ۲۲۸.

۴ - الاحتجاج طبرسی ج ۱/۱۲۶، و مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ص ۳۸۸ مجلسی .

۵ - تلخیص الشافی، ص ۳۵۴ طوسی، که مجموعه دو کتاب از کتاب‌های معتبر چهار گانه شیعه است، التهذیب و الاستبصار در آن جمع شده‌اند .

۶ - الصوارم المهرقه، ص ۲۵ شوشتری تستری .

۷ - العیون و المحاسن مجلسی ۲/ ۱۲۲ - ۱۲۳ .

* - و وقتی علی علیه السلام را در مورد علت بیعت خود با ابوبکر پرسیدند گفت: «اگر ما ابوبکر را اهل خلافت نمی‌دیدیم او را انتخاب نمی‌کردیم»^۱.

* - وقتی به علی علیه السلام گفته شد: آیا برای تعیین جانشین وصیت نمی‌کنی؟ گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله جانشین تعیین نکرد که من تعیین کنم، ولی اگر خداوند نسبت به مردم اراده نیک داشته باشد آن‌ها را بر بهترینشان متفق و متحد می‌نماید همانگونه که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را بر بهترین شخص متفق کرد»^۲.

* - همچنین علی علیه السلام در خطبه‌اش گفت: «با آنچه آن‌ها را اصلاح کردی ما را اصلاح کن... به او گفته شد: آن‌ها کیستند؟ گفت: «ابوبکر و عمر دو امام هدایت، هرکس به آن‌ها اقتدا کند مصون می‌ماند، و هرکس از آثار و روش ایشان پیروی نماید به راه راست هدایت می‌شود»^۳.

و گروهی از عراق نزد علی بن حسین آمدند و در مورد ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم سخنان ناشایستی گفتند، وقتی سخنان‌شان تمام شد علی بن حسین رضی الله عنه گفت: به من بگویید آیا شما از مهاجران اول هستید که خداوند در مورد آن‌ها فرموده است:

﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸].

«مهاجرینی که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل خدا و خوشنودی او را می‌خواهند، و خدا و پیغمبرش را یاری می‌دهند. اینان راستانند». گفتند: نه.

گفت: آیا شما کسانی هستید که خداوند در مورد آن‌ها فرمود: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ [الحشر: ۹].

یعنی: «آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه (آئین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت

۱ - شرح نهج البلاغه ۱ / ۱۳۰ و ۲ / ۴۵ و ۶ / ۴۰ و ن ک الاحتجاج طبرسی، ص ۵۰.

۲ - الشافی فی الامامة علم الهدی، مرتضی علی بن حسین، ص ۱۷۱.

۳ - تلخیص الشافی طوسی ۲ / ۴۲۸ چاپ نجف و الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم ۳ / ۱۴۹.

کرده‌اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند، گفتند: نه!».

گفت: شما گفتید که از این دو گروه نیستید، و من گواهی می‌دهم که شما از کسانی نیستید که خداوند در مورد آنان فرمود:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

یعنی: «کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز. و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی».

(سپس گفت:) از نزد من بیرون بروید، خداوند با شما کارش را بکند»^۱.

و ابو عبدالله یادآور شده: «پیامبر ﷺ ابوبکر رضی الله عنه را صدیق نامید»^۲.

و ابو جعفر باقر را در مورد آراستن شمشیر پرسیدند، گفت: اشکالی ندارد چون ابوبکر صدیق رضی الله عنه شمشیرش را آراسته است.

راوی می‌گوید: گفتم: تو می‌گویی صدیق، گفت: «بله صدیق! بله صدیق! بله صدیق! و هر کسی او را صدیق نگوید خداوند گفته او را در دنیا و آخرت راست نگرداند و تصدیق نکند»^۳.

و گروهی از رؤسا و اشراف کوفه که با زید بیعت کرده بودند نزد او حضور یافتند و به او گفتند: رحمت خداوند بر شما، در مورد ابوبکر و عمر چه می‌گویی؟ زید رضی الله عنه گفت: در مورد آن‌ها جز خیر و نیکی چیزی نمی‌گویم، همانگونه که از اهل بیتم در مورد آنان جز خیر چیزی نشنیده‌ام، آن دو نه به ما ستم نکردند و به غیر ما ستم نکرده‌اند، و به کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله عمل کردند.

۱ - كشف الغمہ فی معرفۃ الائمه ۲ / ۷۸ اربلی متوفای ۶۹۳ هجری، و الصوارم المهرقه، ص ۲۴۹

قاضی نورالله شوشتری متوفای ۱۰۱۹.

۲ - تفسیر البرهان بحرانی ج ۲ / ۱۲۵.

۳ - الصوارم المهرقه، ص ۲۳۵.

وقتی اهل کوفه این سخنان را از او شنیدند او را ترک کردند و به برادرش باقر روی آوردند، بنابراین زید علیه السلام گفت: «رفضونا اليوم» «امروز ما را ترک کردند». از این روی این گروه رافضه نامیده شدند.^۱

و شیخ شیعه نشوان حمیری از او روایت کرده است که وقتی آن‌ها به او گفتند: از آن دو (ابوبکر و عمر) اظهار بیزارگی کن و گر نه ما تو را ترک می‌کنیم، گفت: «اللهم اکبر، پدرم به من گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به علی علیه السلام فرمود: به زودی قومی خواهند آمد که ادعای محبت ما را می‌کنند، آن‌ها علامتی دارند که با آن شناخته می‌شوند هرگاه آنان را یافتید ایشان را بکشید زیرا مشرک هستند. بروید شما رافضه هستید!!^۲».

موضع شیعه نسبت به ابوبکر صدیق رضی الله عنه

س ۱۰۲ - آیا علمای شیعه درباره ابوبکر صدیق رضی الله عنه از ائمه خود پیروی کرده‌اند؟
ج - خیر!

بلکه علمای شیعه آشکارا ابوبکر را کافر و فاسق می‌دانند و او را لعنت و ... کرده‌اند و در این مورد از امامانشان پیروی نکرده‌اند، علمای شیعه در مورد ابوبکر معتقدند که بخش عمده عمر خود را در کفر گذرانده و خادم^۳ بت‌ها بوده، و بت‌ها را پرستش^۴ کرده، و ایمان آوردن او همچون ایمان آوردن یهودیان و نصارا است.^۵ و مرجع شیعه جزایری گفته: «در روایات ویژه آمده که ابوبکر در حالی که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نماز ایستاده بود بتی را به گردنش آویخته و برای آن بت سجده می‌کرد»^۶.

بزرگان شیعه ابوبکر رضی الله عنه را به خاطر اینکه با مرتدین و از دین برگشتگان وارد جنگ شد تکفیر کرده‌اند، چون فرمود: «اگر پرداخت یک رسیمان یا یک رأس بزغال را از من منع کنند از آنچه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌پرداختند، با آن‌ها وارد جنگ می‌شوم و علیه

۱ - ناسخ التواریخ ۲ / ۵۹۰، تحت عنوان احوال الامام زین العابدین، میرزا تقی خان سپهر .

۲ - الحور العین حمیری، ص ۱۸۵ .

۳ - بیاضی در الصراط المستقیم ۳ / ۱۵۵، کاشانی فی علم الیقین ۲ / ۷۰۷ .

۴ - بحار الانوار ۲۵ / ۱۷۲ .

۵ - الکشکول آملی، ص ۱۰۴ .

۶ - الأنوار النعمانیة ج ۱ / ۵۳ (نور مرتضوی) .

آن‌ها جهاد می‌کنم، (می‌گویند:) این کار ایشان زشت و ستم بزرگ و تجاوزی آشکار است!... و کسی که درک و شعور داشته باشد می‌داند که گوینده این گفته از دین خدا و دین محمد ﷺ خارج است، و اگر بگویند او ظالم است، این سخن برای حقارت و کفر و نادانی او کافی است»^۱.

و می‌گویند: ابوبکر ﷺ یک بُت داشته که در زمان جاهلیت او را پرستش می‌کرده و در اسلام هم آن را پنهانی می‌پرستیده و برایش سجده می‌کرد و همین کار را ادامه داده تا اینکه پیامبر ﷺ وفات یافت، آنگاه او آنچه را که در دل پنهان می‌کرد آشکار نمود^۲.

و شیخ شیعه مجلسی به طور قطع می‌گوید: او (ابوبکر ﷺ) ایمان نیاورده است^۳ و علمای شیعه از دل و درون او اطلاع یافته‌اند و برایشان روشن شده که او کافر است^۴.

و می‌گویند: پیامبر ﷺ از ترس اینکه مبدا ابوبکر ﷺ مشرکین را خبر کند و جای پیامبر را به آن‌ها نشان دهد او را در سفر هجرت با خودش به غار برد^۵.

عالم شیعه ابن طاوس گفت: «یکی از روایات جالب در مورد اینکه رسول خدا ﷺ از بیم اینکه ابوبکر ﷺ محل اختفایش را به کفار نشان دهد او را همراه خود به غار بُرد... این است که رسول خدا ﷺ به علی ﷺ دستور داد در بستر او بخوابد، ولی چون از ابوبکر بیمناک بود او را با خود به غار برد»^۶.

همچنین گفته‌اند: «ابوبکر آیات ارث را افزوده است»^۷.

اعتقاد ائمه در مورد عمر ﷺ

س ۱۰۳ - عقیده ائمه در مورد عمر بن خطاب ﷺ چیست با اختصار بفرمایید؟

۱ - الاستغاثة فی بدع الثلاثة ج ۱/۷ ابي القاسم علی بن أحمد الكوفي الشيعي العلوی ت ۳۵۲ .

۲ - الانوار النعمانية الجزائری ۲ / ۱۱۱ .

۳ - مرآة العقول مجلسی ۳ / ۴۲۹ - ۴۳۰ .

۴ - الاستغاثة فی بدع الثلاثة، ابوالقاسم علی بن احمد کوفی شیعی م ۳۵۲ هجری .

۵ - الطرائف فی معرفة مذهب الطوائف، ص ۴۰۱ ابن طاووس حسینی م ۶۶۴ هجری .

۶ - الطرائف فی معرفة مذهب الطوائف ص ۴۱۰ ابن طاووس علی بن طاووس الحسینی ت ۶۶۴

۷ - كشف الأسرار ص ۱۲۶ خمینی .

ج- علی بن ابی طالب علیه السلام می‌گوید: «و ولیهم والٍ فأقامَ واستقامَ حتَّى ضَرَبَ الدین بجرانه» یعنی: «کسی فرمانروای آنان شد و امور را به پا داشت تا اینکه پایه‌های دین استقرار یافت»^۱.

شارحان نهج البلاغه از جمله میثم بحرانی و دنبلی گفته‌اند: آن فرمانروا عمر بن خطاب است، و جمله «و ضَرَبَ الدین بجرانه» کنایه از استوار کردن دین مانند شتری که روی زمین خوابیده^۲.

بیعت علی با عمر رضی الله عنهما

علی رضی الله عنه می‌گوید: «وقتی زمان مرگ او (ابوبکر) فرارسید دنبال عمر فرستاد و او را خلیفه قرار داد و ما شنیدیم و اطاعت کردیم و خیر خواهی و دلسوزی نمودیم، عمر رفتار و سیره‌ای پسندیده و خوب داشت»^۳.

علی رضی الله عنه دخترش ام کلثوم را به ازدواج عمر رضی الله عنه در آورد

این مطالب را بزرگترین مورخ شیعه احمد بن یعقوب در تاریخ خود بیان کرده است و گفته: «در این سال عمر بن خطاب رضی الله عنه ام کلثوم را از علی رضی الله عنه خواستگاری کرد که دختر علی و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله است، علی رضی الله عنه گفت: او کوچک است، عمر رضی الله عنه گفت: منظور من آن نیست که فکر کرده‌ای... بنابراین او را به ازدواج عمر در آورد و ده هزار دینار را مهریه او قرار داد»^۴.

نگرانی علی رضی الله عنه برای عمر رضی الله عنه از رفتن به جنگ روم

۱ - نهج البلاغه ت / الصالح، ص ۵۰۷، ت / عبده ۴ / ۱۰۷، و خصائص الائمة، ص ۱۲۴ ابوالحسن

محمد بن حسین موسوی بغدادی متوفای سال ۴۰۶ هجری .

۲ - شرح نهج البلاغه ابن میثم ۵ / ۴۶۳، الدرّة النجفیة دنبلی، ص ۳۹۴ و این کتاب شرح نهج البلاغه می‌باشد .

۳ - الغارات ابراهیم ثقفی م ۲۸۳ هجری ۱ / ۳۰۷ .

۴ - تاریخ یعقوبی ۲ / ۱۴۹ - ۱۵۰، و فروع کافی ۵ / ۳۴۶، و تهذیب الاحکام ۸ / ۱۶ طوسی، مناقب آل ابی طالب ج ۳ / ۱۶۲، الشافی ص ۱۱۶ نوشته علم الهدی.

علی بن ابی طالب علیه السلام نگران شرکت کردن عمر رضی الله عنه در جنگ روم بود، از اینکه آسیبی به او برسانند، چون عمر پایگاه مسلمین و مرجع و پایه عرب بود.

وقتی عمر رضی الله عنه خواست شخصاً در جنگ علیه روم شرکت کند با علی رضی الله عنه مشورت کرد، علی گفت: «وقتی تو خود به جنگ دشمن بروی و با آنها روبه رو شوی و برایت اتفاقی بیفتد، مسلمین پناهگاهی جز دورترین سرزمین‌شان نخواهند داشت، و بعد از تو مرجعی نیست که به سوی آن باز گردند، بنابراین مردی جنگجو را به سوی آنها بفرست و افراد آزموده و خیرخواه را برای همراهی او آماده کن اگر خداوند او را پیروز گرداند این چیزی است که تو دوست می‌داری، و اگر نتیجه غیر از این باشد تو پناهگاه و مرجع مسلمین خواهی بود».

و در روایتی دیگر آمده است که علی رضی الله عنه گفت: «اگر عجم فردا به تو نگاه کنند می‌گویند: این پایه و ریشه عرب است اگر آن را قطع کنید راحت می‌شوید...»^۱.

آرزو کردن علی رضی الله عنه برای داشتن عملکرد عمر رضی الله عنه

علی رضی الله عنه آرزو می‌کرد که با اعمالی همچون عملکرد عمر رضی الله عنه به دیدار خداوند متعال بشتابد. وقتی که عمر بن خطاب رضی الله عنه توسط ابولؤلؤ مجوسی مورد اصابت خنجر قرار گرفت؛ دو پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب و عبدالله بن عباس نزد او حاضر شدند، ابن عباس رضی الله عنه گفت: «ما صدای ام‌کلثوم دختر علی بن ابی طالب را شنیدیم که گفت: وای عمر!... و زنانی همراه او گریه می‌کردند و صدای گریه در خانه بلند شد، و ابن عباس گفت: سوگند به خدا که اسلام آوردنت عزت و قدرتی بود، و به حکومت رسیدنت فتح و پیروزی بود، و تو دنیا را سرشار از عدالت کردی، آنگاه عمر رضی الله عنه گفت: ای ابن عباس تو به این چیزها برای من گواهی می‌دهی، می‌گویند: گویا ابن عباس گواهی دادن را نپسندید و توقف کرد، آنگاه علی رضی الله عنه به او گفت: بگو بله، و من هم با تو گواهی می‌دهم، ابن عباس گفت: بله.

و در روایتی دیگر آمده است که علی رضی الله عنه برشانه‌ی ابن عباس زد و گفت: گواهی بده^۲.

۱ - نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۹۳ و ۲۰۳ - ۲۰۴.

۲ - شرح النهج ۳ / ۱۴۶.

وقتی عمر را غسل دادند و کفن کردند، علی علیه السلام وارد شد و گفت: «هیچ کس روی زمین نیست که من دوست داشته باشم با اعمال صالح نامه‌ی کردار او به ملاقات خدا برگردم جز این مرد که (جنازه‌اش) در میان شما پوشانده شده است»^۱.
و مجلسی را در مورد این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «بار خدایا اسلام را بوسیله عمر قدرت و عزت بده: پرسیدند؟
گفت: حدیث صحیح است و از محمد باقر علیه السلام روایت شده است»^۲.

تکریم و احترام عمر رضی الله عنه نسبت به اهل بیت

عمر رضی الله عنه اهل بیت را مورد تکریم و احترام قرار می‌داده بطوری که او حسین رضی الله عنه را بر فرزند خود عبدالله رضی الله عنه برتری می‌داد و عمر رضی الله عنه سخن معروفش را در مورد حسین رضی الله عنه گفت: «مگر مو بر سر غیر از شما روییده است (تحسین زیبایی موی او کرد)»^۳.

موضع شیعه نسبت به عمر رضی الله عنه

س ۱۰۴ - آیا علمای شیعه در عقیده‌ای که در مورد عمر بن خطاب رضی الله عنه دارند از ائمه خود پیروی کرده‌اند؟
ج- خیر! بلکه علمای شیعه او را کافر و فاسق دانسته و آشکارا او را نفرین می‌کنند، و مرجع بزرگ شیعه جزایری در مورد عمر رضی الله عنه گفته: «او مخنث بوده،... و یک بیماری داشته (پناه بر خدا از کفر) که دواى آن آب مردان بوده» ... (و دیگر غلط‌های فاحشی که تنها شایسته زبان ناپاک اوست)^۴.
و علمای شیعه ادعا می‌کنند: «به ازدواج در آوردن ام کلثوم دختر علی رضی الله عنه با عمر رضی الله عنه بزرگترین دلیل است بر اینکه در صورت مجبوری می‌توان زن مسلمان را به ازدواج کافر درآورد»^۵.

۱ - کتاب الشافی علم الهدی، ص ۱۷۱، و معانی الاخبار صدوق، ص ۱۱۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۴ کتاب السماء و العالم.

۳ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۳ / ۱۱۰.

۴ - الانوار النعمانیه ۱ / ۶۳.

۵ - الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم ج ۱۲۹/۳، و إحقاق الحق ص ۲۸۴ تستری، عقائد الإمامیه

و ادعا می‌کنند که عمر رضی الله عنه کافر بوده و کفر خود را پنهان می‌کرد و به اسلام تظاهر می‌نموده. و نیز ادعا می‌کنند که کفر عمر رضی الله عنه اگر از کفر شیاطین بیشتر نباشد با آن برابر است.^۱

و شیخ و عالم دربار حکومت صفوی می‌گوید: «هیچ عاقلی نمی‌تواند در کافر بودن عمر شک کند، پس لعنت خدا و پیامبرش بر او و بر کسانی باد که او را مسلمان می‌شمارند و لعنت خدا بر کسی باد که از لعنت فرستادن بر او امتناع می‌ورزد»!^۲

و علمای شیعه روز شهادت عمر رضی الله عنه را جشن می‌گیرند، و این دروغ را به نام امام حسن عسکری علیه السلام ساخته‌اند که روز شهادت عمر را جشن گرفته، و نیز گفته‌اند: گمیت شاعر در حضور امام باقر علیه السلام گفت: «آن دو نفر که بر گناه خود اصرار ورزیدند و فتنه را در قلب خود پنهان کردند و پیمان بیعت را از گردن در آوردند، و گناهان را بر پشت خویش حمل کردند، مانند جبت و طاغوت بودند و نفرین خدا بر روح آن‌ها، سپس امام باقر خندید»!^۳

همچنین ابولولوء را شجاع الدین لقب می‌دهند، و دعا می‌کنند که خداوند آنان را با او حشر کند(ان شاء الله)^۴.

و بالاخره مجلسی آخوند دربار صفویه گفته: «علمای ما بر کافر بودن عمر بعد از اظهار ایمان اجماع شده است»^۵.

س ۱۰۵- عقیده علمای شیعه در مورد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما چیست؟

ج- علمای شیعه بر این اجماع کرده‌اند که لعنت فرستادن بر شیخین و اظهار برائت از آن دو بزرگوار واجب است، و بلکه این را از ضروریات دین امامیه برشمرده اند.^۶

۱ - تفسیر عیاشی ۲/ ۲۲۳ - ۲۲۴ و البرهان ۲/ ۳۱۰، البحار ۸/ ۲۲۰.

۲ - جلاء العیون مجلسی، ص ۴۵.

۳ - الصراط المستقیم إلى مستحقى التقدیم ج ۳/ ۲۹.

۴ - الکنی و الالقاب عباس قمی ۱/ ۱۴۷ و بحار الانوار مجلسی ۹۵/ ۱۹۸.

۵ - العیون و المجالس ۱/ ۹.

۶ - الاعتقادات مجلسی، ص ۹۰ - ۹۱.

قبلاً هم گفتیم که منکر یکی از ضروریات دین از دیدگاه آن‌ها کافر است، و می‌گویند: هر کس ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را در شامگاه لعنت کند، تا صبح هیچ گناهی برای او نوشته نمی‌شود.^۱

و مجلسی می‌گوید: «ابوبکر و عمر کافر بوده‌اند، و هرکس هم آن دو را دوست بدارد کافر است»^۲.

و آیت معاصر شیعه عبدالحسین مرشتی گفته: «قطعاً ابوبکر و عمر رضی الله عنهما عامل و سبب گمراهی این امت تا قیامت هستند»^۳.

و نیز از ابو عبدالله رضی الله عنه روایت کرده‌اند که در مورد این دو آیه که می‌فرماید:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ﴾ [فصلت: ۲۹].

یعنی: «کافران (در میان دوزخ فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگارا! کسانی را از دو گروه انس و جنّ به ما نشان بده که ما را گمراه کرده‌اند، تا ایشان را زیر پاهای خود بگذاریم و لگدمال‌شان گردانیم و بدین وسیله از زمره پست‌ترین مردم (از لحاظ مقام و مکان) شوند».

روایت کرده‌اند که ﴿الَّذِينَ أَضَلَّانَا﴾ آن دو بزرگوار هستند، سپس گفت: فلانی شیطان است»

مجلسی در شرح حدیث گفته: «آن دو نفر، یعنی ابوبکر و عمر، و منظور از «فلان» عمر است»^۴.

شیخ بزرگ شیعه کلینی در کتاب مقدس الکافی خود در مورد کسی که در مورد اینکه ابوبکر و عمر رضی الله عنهما سهمی از اسلام دارند یا نه دو روایت نقل کرده است. (به دروغ) روایت کرده که ابو عبدالله گفت: «خداوند با سه گروه در قیامت سخن نمی‌گوید و آن‌ها را از گناه پاک نمی‌کند و عذاب دردناک دارند: هر کس که معتقد به امامت

۱ - ضیاء الصالحین محمد صالح جواهری، ص ۵۱۳.

۲ - حق الیقین مجلسی، ص ۵۲۲، و کشف الاسرار خمینی، ص ۱۱۲.

۳ - کشف الاشتباه ص ۹۸ عبد الحسین بن عیسی رشتی متوفای سال ۱۳۷۳.

۴ - فروع الکافی پاورقی مرآة العقول ج ۴/۴۱۶.

کسی باشد که اهلیت آن را ندارد، هرکس که امامت امامی را انکار کند که از جانب خدا تعیین شده، و هر کس معتقد باشد آن دو (شیخین) سهمی از اسلام دارند»^۱.

و در کتاب (المصباح ص ۵۵۲) کفعمی (چاپ دوّم ۱۳۴۹ دار الکتب العلمیه نجف اشرف) دعای معروف بزرگان شیعه علیه ابوبکر و عمر و دو دختر بزرگوارشان عائشه و حفصه^۲ ذکر شده که بعنوان اذکار صبح و شام شیعیان مطرح است که بدین صورت است: «اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد، والعن صنمّی قریش وحبّتیها وطاغوتیها، وإفکیها، وابتتیها، اللذین خالفا أمرک، وأنکرا وحیک، وجحداً إنعامک، وعصیا رسولک، وقلبا دینک، وحرّفا کتابک، وأحبّاً أعدائک .. وألحداً فی آیاتک .. فقد أخربا بیت النبوة ... وقتلا أطفاله، وأخلیا منبره من وصیّه، ووارث علمه وأجحداً إمامته، وأشركا بریّهما، فعظّم ذنبهما، وخلدّهما فی سقر، وما أدراک ما سقر، لا تُبقي ولا تذر، اللهم العنهم بكلّ منکر أتوه، وحقّ أخفوه .. ونفاق أسروه»^۲.

یعنی: «خدایا درود خود را بر محمد و آل محمد بفرست، و لعنت خودت را بر دو بُت و طاغوت قریش و دخترانشان بفرست که با فرمان تو مخالفت ورزیدند، و وحی تو را منکر شدند، و پیامبرت را نافرمانی کردند و دین تو را دگرگون ساختند و نعمت‌هایت را نادیده گرفتند و کتابت را تحریف کردند، و دشمنانت را دوست داشتند، و آیات تو را به انحراف کشانیدند... و خانه نبوت را تخریب کردند و کودکانش را کشتند و منبرش را از وصی و وارث علم او خالی کردند و امامتش را منکر شدند و به پروردگار شرک ورزیدند، پس گناه‌شان را بزرگ محسوب کن و آن‌ها را در دوزخ جاویدان کن، خدایا بر هر منکری که مرتکب شدند و هر حقی که نادیده گرفتند، و هر نفاقی که پنهان کردند... بر آن‌ها نفرین بفرست...».

۱ - أصول الكافي ج ۱/۲۷۹-۲۸۰ (کتاب الحجّة ح ۴ و ح ۱۲ باب من ادّعی الإمامة وليس لها بأهل.....
 ۲ - و از جمله آخوندهای مرجع که این دعا را بطور کامل ذکر کرده‌اند عبارتند از: کفعمی در بلد الأمين ص ۵۱۱-۵۱۴، کاشانی در علم الیقین ج ۱/۲-۷۰۳-۷۰۳، أسد الله تهرانی حائری در مفتاح الجنان ص ۱۱۳-۱۱۴، منظور حسین در تحفة عوام مقبول ص ۴۲۳-۴۲۴، عباس قمی در مفتاح الجنان ص ۱۱۴، وغیره.

همچنین آن در بزگوار (شیخین) را فرعون و هامان می‌خوانند و روایت کرده‌اند که مفضل از ابوعبدالله پرسید: «سرورم فرعون و هامان کیستند؟ گفت: ابوبکر و عمر رضی الله عنهما»^۱.

همچنین آن دو را به بُت‌ها نامیده‌اند:

عیاشی روایت کرده که ابو حمزه از ابو جعفر سؤال کرد: «دشمنان خدا چه کسانی هستند؟ گفت: آن چهار بُت، گفت: آن‌ها کیستند؟ گفت: ابوالفصیل و نعل و معاویه و هر کس که بر آیین آن‌ها هستند، پس هرکس با آن‌ها دشمنی کند با دشمنان خدا دشمنی کرده است»^۲.

و همچنین شیخین را لات و عزّی می‌خوانند و...

همچنین معتقدند هر گناهی که از زمان آدم علیه السلام تا آخر الزمان از هر کس سر زده کار ابوبکر و عمر رضی الله عنهما است! زیرا آنگونه که روایت آن‌ها از اباعبدالله (به دروغ شیعه) حاکی است آن دو (شیخین) هابیل پسر آدم علیه السلام را کشتند، و هیزم را برای آتش ابراهیم علیه السلام جمع کردند، و یوسف را در چاه انداختند، و یونس علیه السلام را در شکم ماهی حبس کردند، و حضرت یحیی را کشتند و عیسی علیه السلام را به صلیب زدند، و جرجیس و دانیال را تعذیب کردند و سلمان فارسی را کتک زدند، و بر دروازه امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام آتش افروختند تا آن‌ها را بسوزانند، و با تازیانه به دست فاطمه زهراء زدند، و با لگد به شکم او زد و جنین او به نام محسن سقط شد، و حسن علیه السلام را مسموم کردند، و حسین علیه السلام را کشتند و کودکان و پسر عموها و یارانش را سر بریدند و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را به بردگی گرفتند، و خون آل محمد را ریختند، و هر خونی که در اسلام ریخته شود، و هر ثروتی که از راه حرام به دست‌آید، و هر زنا و فاحشه و کار زشتی که صورت گیرد، گناهش به گردن ابوبکر و عمر رضی الله عنهما است، و ظلم و ستم و جور و عشی که از آدم تا قیام قیامت بر آن‌ها محسوب شده و

۱ - مختصر بصائر الدرجات ص ۱۹۲-۱۹۳ حسن بن سلیمان حلّی معروف به شهید اول ت ۷۸۶، و قرة العیون ص ۴۳۲-۴۳۳ کاشانی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب ج ۲/۲۶۶ علی حائری.

۲ - تفسیر العیاشی ج ۲/۱۲۲ ح ۱۵۵، بحار الأنوار ج ۵۸/۲۷ ح ۱۶ (باب وجوب موالاة أولیائهم و معاداة أعدائهم).

باید آن را برعهده گیرند، سپس به آن‌ها اعتراف می‌کنند و در آن موقع قصاص ظلم حاضران از آن‌ها گرفته می‌شود، سپس آن‌ها را روی درختی به صلیب می‌زنند، و فرمان صادر می‌کند در زیر آن‌ها آتش روشن کنند تا با درخت بسوزند، بعد امام قائم دستور می‌دهد باد شروع به وزیدن کند تا خاکسترشان را به دریا بپاشند. مفضل گفت: سرورم این آخرین عذاب آن‌هاست؟ گفت: این بعید است ای مفضل، خدا آن‌ها را برمی‌گرداند... و در هر شبانه روز هزار بار آن‌ها را بر تمام کارهایشان قصاص می‌کنند و می‌کشد، تا زمانی که خدا بخواهد»^۱.

توضیح:

آیا کسی که به اندازه ای از عقل بشری بهره داشته باشد این خرافات را باور می‌کند؟

چند دلیل کمرشکن برای شیعه

کلینی روایت کرده: «زنی در مورد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما سؤال کرد که آیا ولایت و محبت آن‌ها را داشته باشد یا خیر؟ امام صادق گفت: بله، ولایت و دوستی آن‌ها را داشته باش. آن زن گفت: وقتی به ملاقات پروردگار رسیدم بگویم که تو به ولایت آن‌ها فرمان دادی؟ امام گفت: آری»^۲.

بالا تر از این هم اینکه زید بن علی بن حسین بن ابوطالب رضی الله عنهما به یاران خود خبر داد که از هیچکدام از اجداد خویش نشنیده که از ابوبکر و عمر رضی الله عنهما اظهار برائت کرده باشند»^۳.

و او رضی الله عنه گفت: «هر کسی از آن دو اظهار بیزاری کند، من از او بیزارم و برائت جستن از ابوبکر و عمر برائت جستن از علی است، آنگاه به او گفتند: پس ما تو را ترک می‌کنیم»^۱.

۱ - مختصر بصائر الدرجات ص ۱۸۷-۱۸۸ حسن بن سلیمان الحلّی .

۲ - الروضة من الکافی ج ۸/۱۹۹۵ (کتاب الروضة ح ۷۱ حدیث اُبی بصیر مع المرأة) و ج ۸/۲۰۷۹ (کتاب الروضة ح ۳۱۹ حدیث علی بن الحسین رضی الله عنه مع یزید...).

۳ - الانتفاضات الشیعیة ص ۴۹۷ هاشم حسینی .

مواضع علی نسبت به عثمان رضی الله عنه

س ۱۰۶- آیا می‌توانید به اختصار برخی از مواضع علی رضی الله عنه را در مورد حضرت عثمان رضی الله عنه توضیح دهید؟

ج- بله، از جمله آن مواضع برخی از این قرارند:

الف: عثمان رضی الله عنه مهریه فاطمه را به علی رضی الله عنه داد.^۱

ب- بیعت علی با عثمان رضی الله عنه.

علی رضی الله عنه گفت: «وقتی عمر رضی الله عنه زخمی شد مرا یکی از هیئت شش نفر قرار داد، و من وارد جایی شدم که او مرا وارد آن کرده بود، دوست نداشتم جماعت مسلمین را متفرق کنم، پس وقتی شما با عثمان بیعت کردید من هم با او بیعت نمودم».^۲

ضربه کمر شکن بر علمای شیعه

این رفتار و بیعت علی رضی الله عنه با امیر المؤمنین عثمان بود، ولی حکم علمای شیعه در مورد کسی که با عثمان رضی الله عنه بیعت کرده چیست؟

علمای شیعه چنین فردی را کافر می‌دانند!^۳ پناه به خدا.

ج- علی رضی الله عنه پسران خود؛ حسین و حسن را به خاطر یاری نکردن عثمان سرزش کرد و زد.

مسعودی مورخ شیعیان می‌گوید: «..علی رضی الله عنه افسرده و غمگین وارد منزل شد و به دو پسرش گفت: چگونه امیرالمؤمنین کشته شد در حالی که شما دم در خانه او

۱ - مروج الذهب ۳ / ۲۲۰ مسعودی شیعه م ۴۳۶، و روضات الجنات فی احوال العلماء السادات محمد باقر خوانساری ۱ / ۳۲۴، و الصوارم المهرقه، ص ۲۴۲ آمده است: (ما تو را ترک می‌کنیم گفت: بروید شما رافضه (ترک کنندگان) هستید).

۲ - مناقب آل ابی طالب ابی جعفر رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی متوفای ۵۸۸ هجری، ص ۲۵۲ - ۲۵۳، و کشف الغمه فی معرفة الاثمه اربلی ۱ / ۳۵۸ - ۳۵۹ و بحار الانوار ۴۳ / ۱۳۰.

۳ - الامالی طوسی ۲ / جز ۱۸ / ۱۲۱، و شرح نهج البلاغه ۱۲ / ۱۹۲.

۴ - حق الیقین مجلسی، ص ۲۷۰.

بودید؟! سپس یک سیلی به حسن و ضربه‌ای به سینه حسین زد، و محمد بن طلحه را ناسزا گفت و عبدالله بن زبیر را نفرین کرد»^۱.

موضع و دیدگاه شیعه نسبت به عثمان رضی الله عنه

س ۱۰۶- آیا علمای شیعه در عقیده‌ای که در مورد عثمان رضی الله عنه دارند از امامان‌شان پیروی کرده‌اند؟

ج- خیر. بلکه علمای شیعه آشکارا حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه را کافر و فاسق معرفی می‌کنند، و او را به کفتار تشبیه کرده‌اند، چون (گفته‌اند): کفتار وقتی حیوانی را شکار می‌کند ابتدا به آن نزدیک می‌شود، سپس او را می‌خورد. (گفته‌اند): زن زناکاری را نزد او آوردند، ابتدا با او نزدیکی کرد سپس او را رجم کرد (پناه بر خدا)... کلبی در کتاب المثالب گفته: «عثمان از جمله افرادی بود که با او بازی می‌شد و او مخنت و نر و ماده بود، و دف می‌زد»^۲.

و مرجع دربار صفوی مجلسی می‌گوید: «عثمان سه چیز را از قرآن حذف کرد: مناقب و فضائل امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه و اهل بیت، مذمت قریش و خلفای ثلاثه، به عنوان مثال این آیه (یا لیتنی لم اُخْذُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلاً) را حذف کرد...»^۳.

و نیز در مورد عثمان رضی الله عنه گفت: «عبدالله بن مسعود را کتک کاری کرد تا قرآنش را از دست او بگیرد، و آن را تغییر دهد همانطور که قرآن خود را تغییر داد، تا اینکه اینگونه هیچ قرآن صحیحی باقی نماند»^۴.

شیخ جزایری گفته: «(مردم) بر ارتداد و برگشت عثمان از اسلام گواهی می‌دادند»^۵. و نیز گفت: «عثمان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله از کسانی بود که به اسلام تظاهر می‌کرد و کفر را در درونش پنهان می‌نمود»^۶.

۱ - مروج الذهب علی بن حسین بن علی مسعودی شیعه متوفای ۴۳۶ هجری، ج ۲ / ۳۴۴.

۲ - الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، بیاضی، ج ۳ / ۳۰.

۳ - تذکرة الجواهر، ص ۳۴۷ محمد باقر مجلسی، ص ۹.

۴ - بحر الجواهر، ص ۳۴۷ میرزا محمد باقر موسوی.

۵ - الأنوار النعمانية ج ۱ / ۶۴ (نور مرتضوی).

۶ - منبع سابق ج ۸۱ / ۱.

و معتقدند که هر کس در دلش با عثمان دشمنی نداشته باشد و ریختن آبروی او را حلال نداند و به کافر بودنش معتقد نباشد؛ دشمن خدا و پیامبر ﷺ و به آنچه خدا نازل فرموده کافر است.^۱

و در تفسیر این آیه که خداوند می‌فرماید:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا أُمَّرَاتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ائْتِنِي بِبَيْتَا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [التحریم: ۱۱].

یعنی: «و خدا از میان مؤمنان، زن فرعون را مثل زده است. وقتی (از اوقات) گفت: پروردگارا! برای من در بهشت، نزد خودت خانه‌ای بنا کن، و مرا از فرعون و کارهایش رهائی بخش، و از این مردمان ستمکاره نجات بده».

در مورد این آیه گفته‌اند: این مثال را خداوند برای رقیه دختر پیامبر ﷺ زده است که همسر عثمان بن عفان بود؛ زده است.

و در مورد ﴿وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ گفته‌اند: یعنی مرا از سومی یعنی عثمان نجات بده.^۲

و آیه: ﴿أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ﴾ [البلد: ۵]، را اینگونه تفسیر کرده‌اند که عثمان دختر پیامبر ﷺ^۳ را کشت، و گفته‌اند مقتول رقیه^۴ دختر پیامبر ﷺ است. همچنین آیت شیعه قمی در مورد تفسیر آیه فوق (به دروغ) از ابی جعفر روایت کرده که در مورد آیه فوق گفته: «یعنی آیا او گمان نمی‌کند که به قصاص دختر پیامبر ﷺ کشته می‌شود»؟!.

و در مورد این آیه که فرمود: ﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا﴾ [البلد: ۶]. «می‌گوید: من دارائی فراوانی را نابود و تباه کردم».

گفته‌اند: منظور آن ثروتی است که عثمان به رسول خدا ﷺ داد تا لشکر را برای جنگ عسره با آن آماده کند.

۱ - نفحات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت، ق ۵۷ علی بن هلال کرکی متوفای سال ۹۸۴ هجری.

۲ - بحرانی از شرف الدین نجفی و او از ابی عبدالله نقل کرده است، تفسیر البرهان ۴ / ۳۵۸.

۳ - حق الیقین مجلسی، ص ۲۷۰.

۴ - مروج الذهب علی بن حسین بن علی مسعودی شیعه متوفای سال ۴۳۶ هجری، ج ۲ / ۳۴۴.

و در ادامه گفته‌اند: ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدًا﴾ [البلد: ۷]. منظور آن نیت و هدف فاسدی بود در نفس عثمان نهفته بود.

و باز فراموش کرده‌اند و گفته‌اند: مقتول ام کلثوم است^۱. (گفته‌اند) منظور آن منظور آن نیت و هدف فاسدی بود در نفس عثمان بود.

و در تفسیر این آیه ﴿أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ﴾ [البلد: ۸]. دو چشم را به رسول خدا ﷺ تفسیر کرده‌اند، و در ادامه زبان را به امیر مؤمنان علی ﷺ و ﴿وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ﴾ [البلد: ۹]. را به حسن و حسین تفسیر کرده‌اند.

علمای شیعه گفته‌اند آن زن کشته شده (به ادعای آن‌ها) رقیه بود^۲.
توضیح:

چون عاقبت دروغ همیشه رسوایی است؛ در روایت دیگری گفته‌اند: زن کشته شده توسط عثمان ام کلثوم بود.

شیخ جزایری گفته: «عثمان بعد از رقیه با ام کلثوم خواهر رقیه ازدواج کرد، سپس او را چنان کتک زد که وفات یافت»^۳.

و به دروغ روایت کرده‌اند که عثمان پهلوهای او را شکسته^۴، و او را چنان زد که او وفات یافت^۵.

سه خلیفه راشد

س ۱۰۸- لطفاً عقیده علمای شیعه را در مورد خلفای ثلاثه ﷺ به اختصار بیان کنید.

ج- علمای شیعه معتقدند که از جمله ضروریات و بدیهیات دین امامیه برائت و بیزاری از ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه است^۶.

۱ - الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم بیاضی ۳ / ۳۰ .

۲ - حق الیقین ج ۸۲/۲ عبد الله شبر ت ۱۲۴۲ .

۳ - الأنوار النعمانية ج ۳۶۷/۱

۴ - سیرة الائمة الاثنی عشر هاشم حسینی ۱ / ۶۷ .

۵ - كما فی الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم بیاضی ۳ / ۳۴ .

۶ - الاعتقادات ص ۱۷ مجلسی .

و بارها گفته شده که منکر ضروریات دین نزد شیعه کافر است.
* - و گفته‌اند: جای آن سه خلیفه در جهنم در صندوقی قفل شده و درون چاهی است و روی چاه سنگ بزرگی قرار دارد، هرگاه خداوند متعال اراده کند جهنم را بر افروزد آن سنگ را از روی چاه برمی‌دارد، بنابراین جهنم از شعله‌های آن چاه (به خدا) پناه می‌برد»^۱.

* - و می‌گویند: «هرکس از ابوبکر و عمر و عثمان اظهار بی‌زاری نکند، دشمن محسوب می‌شود گر چه علی را دوست داشته باشد»^۲.

* - و می‌گویند: «لعنت فرستادن بعد از هر نمازی بر آن سه خلیفه واجب است»^۳.

* - و می‌گویند: «و هر کسی در شب از آن‌ها بی‌زاری بجوید و در آن شب بمیرد به بهشت می‌رود»^۴.

و مجلسی گفته: «اعتقاد ما در مورد تبرّاء جستن این است که ما از آن چهار بُت؛ ابوبکر و عمر و عثمان ... و از مجموع پیروان و طرفدارانشان اظهار برائت می‌کنیم و آن‌ها را بدترین خلق خدا در زمین می‌دانیم...»^۵.

* - علمای شیعه معتقدند که: «شریف‌ترین وقت و مکان و زمان را برای لعنت فرستادن بر خلفای رسول خدا ﷺ را موقع قضای حاجت و هنگام دفع ادرار و... می‌دانند، و با خاطر آسوده پیوسته می‌گویند: خدایا عمر را لعن کن (پناه‌بر خدا از کفر)، سپس ابوبکر و عمر، سپس عمر و عثمان، سپس عثمان و عمر، سپس معاویه و عمر، سپس یزید و عمر، سپس ابن زیاد و عمر، سپس ابن سعد و عمر، سپس شمر و عمر، سپس لشکریانشان و عمر...»^۶.

۱ - الاحتجاج طبرسی ج ۱/۱۱۲

۲ - وسائل الشیعه ۵ / ۳۸۹ .

۳ - ن ک فروع الکافی ۱ / ۹۵، تهذیب الاحکام ۱ / ۲۲۷، و مسائل الشیعه ۴ / ۱۳۷، مستدرک الوسائل ۱ / ۳۴۲ .

۴ - اصول کافی ۲ / ۳۸۹ .

۵ - حق الیقین ص ۵۱۹ .

۶ - نالیء الأخبار ج ۴/۹۳ محمد تورسیرکانی، چاپ قم ایران.

* - معتقدند مراد از توبه کردن برگشتن از ولایت آن سه خلیفه و بنی امیه به ولایت علی است.

آیت شیعه قُمی از ابی جعفر روایت کرده در مورد تفسیر این آیه:

﴿فَأَغْفِرُ لَلَّذِينَ تَابُوا﴾ [غافر: ۷]. گفته: «یعنی کسانی که از ولایت فلان و فلان و بنی

امیه برگشته‌اند بسوی ﴿وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ﴾ ولایت علی ولی الله»^۱.

همسران پاک رسول خدا ﷺ از دیدگاه شیعه

س ۱۰۹- علمای شیعه در مورد دو همسر پاک پیامبر ﷺ عایشه و حفصه رضی الله عنهما چه عقیده‌ای دارند؟

ج * - علمای شیعه معتقدند که عایشه و حفصه رضی الله عنهما کافرند^۲.

به دروغ به نام جعفر صادق افتراء بسته‌اند منبئ بر اینکه آیه ۳ سوره تحریم که - فرماید: ﴿وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَرْوَاحِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [التحریم: ۳].

یعنی: «خاطر نشان ساز وقتی را که پیغمبر با یکی از همسرانش رازی را در میان نهاد، و او آن راز را (به عایشه) خبر داد، و خداوند پیغمبرش را از این آگاه ساخت. پیغمبر برخی از آن (رازگوئی) را بازگو کرد و از برخی دیگر خودداری کرد. هنگامی که همسرش را از آن (رازگوئی) مطلع کرد، او گفت: چه کسی تو را از این (موضوع) آگاه کرده است؟ پیغمبر گفت: خداوند بس دانا و آگاه مرا با خبر کرده است».

گفته آن زن که رسول خدا ﷺ با او رازی در میان گذاشت حفصه بود، سپس گفته‌اند: حفصه با گفتن ﴿مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا﴾ کافر شد، و لذا خدا در مورد او و خواهرش این آیه را نازل کرد ﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾ [التحریم: ۴].

این قسمت را نیز چنین تفسیر کرده: «صَغَتْ بمعنی زیغ و انحراف است که همان کفر است»^۱.

۱ - تفسیر قُمی ج ۲/۲۵۵ (سوره غافر)، تفسیر الصافی ج ۴/۳۳۵.

۲ - الصراط المستقیم بیاضی ۳/۱۶۸، و فصل الخطاب نوری، ص ۳۱۳، بحار الانوار ۲۲/۲۴۶.

آقای محمّد حسین محمود طباطبایی عراقی متوفای ۱۴۰۲ قمری در تفسیر خود گفته: «از ابو عبدالله علیه السلام روایت شده که در مورد آیه ۱۰ سوره تحریم که می‌فرماید: ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا أُمْرَأَتَ نُوحٍ وَأُمْرَأَتَ لُوطٍ﴾ [التحریم: ۱۰]. گفته‌اند: «این مثلی است برای خداوند برای عائشه و حفصه که با رسول خدا صلی الله علیه و آله مبارزه کردند و رازش را فاش کردند».^۲

* - معتقدند که عایشه و حفصه و پدرانشان پیامبر صلی الله علیه و آله را کشتند.

شیخ و عالم شیعی عیاشی از ابو عبدالله (به دروغ) روایت کرده که گفت: «آیا می‌دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله مرده است یا کشته شده؟ خداوند متعال فرموده: ﴿أَفَأَيْنَ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾ [آل عمران: ۱۴۴].

(گفت:) بنابراین قبل از وفات به پیامبر سم دادند، و آن دو او را مسموم کردند و ما گفتیم: آن دو و پدرانشان بدترین افراد روی زمین هستند».^۳

مجلسی می‌گوید: عیاشی با سند معتبر از صادق روایت کرده که گفت: «عایشه و حفصه رضی الله عنهما لعنت خدا بر او را مسموم کرده و کشتند».^۴

* - و علمای شیعه معتقدند که عایشه و حفصه رضی الله عنهما (پناه بر خدا از این کفر) مرتکب فاحشه شده‌اند!! آیت شیعه قُمی بر این قضیه قسم می‌خورد و می‌گوید: سوگند به خدا منظور از ﴿فَخَانَتْهُمَا فَلَمَّ﴾ [التحریم: ۱۰]. (که در رابطه با زنان نوح و لوط نازل شده، که در آن خداوند به کافر بودن زن آن دو پیامبر اشاره نموده) منظوری جز زنا و فاحشه نیست».^۵

عایشه رضی الله عنها

۱ - الصراط المستقیم ج ۳/۱۶۸ (فصل فی أختها حفصة) بحار الأنوار ج ۲۲/۲۴۶ ح ۱۷ (باب أحوال

عائشة وحفصة) فصل الخطاب ص ۳۱۳، محاسن الاعتقاد ص ۱۵۷.

۲ - المیزان فی تفسیر القرآن ج ۱۹/۳۴۶.

۳ - تفسیر عیاشی ۱/۲۰۰.

۴ - حیاة القلوب مجلسی ۲/۷۰۰.

۵ - تفسیر قمی ۲/۳۷۷.

س ۱۱۰- عقیده علمای شیعه در مورد ام المؤمنین عایشه دختر ابوبکر رضی الله عنها چیست؟

ج- علمای شیعه معتقدند یکی از درهای هفتگانه جهنم مختص عایشه رضی الله عنها است!

*- در تفسیر فرموده الهی که در سوره حجر آیه ۴۴ فرموده: ﴿لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ

لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمُ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٤٤﴾ [الحجر: ۴۴]. یعنی: «دوزخ دارای هفت در است».

روایت کرده‌اند که «جهنم آورده می‌شود و هفت دروازه دارد و دروازه ششم برای

عسکر است (هرکس را بخواهد در آن می‌اندازد)»^۱.

*- بزرگان شیعه معتقدند که عائشه (مادر مؤمنان و همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) در دنیا

و آخرت (پناه بر خدا) زنا کار بوده!!

مرجع (گمراهی) شیعه رجب بُرسی گفته: «ایشان سیاه لیست سبز رنگی را بیرون

آورد که آنچه را از خیانت جمع آوری کرده بود در آن بود که چهل دینار بود و نمی-

دانست چقدر وزن دارد، او آن پول را در بین دشمنان علی در میان قبیله تیم و عدی

توزیع کرد»^۲. (نعوذ بالله) ﴿سُبْحٰنَكَ هٰذَا بُهْتٰنٌ عَظِيْمٌ ﴿١٦﴾ [النور: ۱۶].

و مجلسی می‌گوید: وقتی مهدی ظهور کند عایشه رضی الله عنها را زنده خواهد کرد و حد را

بر او اجرا می‌نماید^۳.

*- مفسرین شیعه اجماع رأی دارند بر اینکه خداوند با آیات اوایل سوره نور به هیچ

وجه عائشه رضی الله عنها را از فاحشه تبرئه نکرده، بلکه این آیات تنها برای منزّه و پاک معرفی

کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از زنا نازل شد، نه برای تبرئه عائشه»^۴.

*- معتقدند که مهدی منتظر شیعه بر عائشه رضی الله عنها حد شرعی اجرا خواهد کرد،

همانگونه که مرجع عالیقدر شیعه مجلسی گفته: «إِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ فَإِنَّهُ سَيُحْيِي عَائِشَةَ

۱ - تفسیر عیاشی ۲ / ۲۴۳ و منظور از عسکر عایشه رضی الله عنها است، بحار الانوار ۴ / ۳۷۸، ۸ / ۲۲۰.

۲ - مشارف أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين رجب بن محمد بن رجب الحلي البُرسي، كان حيًّا سنة ۸۱۳

ص ۸۶ (الفصل الرابع)، و الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم ج ۳ / ۱۶۵

۳ - حق اليقين مجلسی، ص ۳۴۷.

۴ - الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم ج ۳ / ۱۶۵

وَيُقِيمُ عَلَيْهَا الْحَدَّ»^۱ «وقتی مهدی ظهور کرد عائشه را زنده خواهد کرد و بر او حد اجرا خواهد کرد»!

و از ابوجعفر روایت کرده که گفت: «اگر قائم ما قیام کند حمیراء (عائشه) زنده خواهد شد تا او را تازیانه حد بزند»!^۲

*- همچنین معتقدند که ایمان عائشه نقض و باطل شده، همانگونه که مرجع بزرگ عیاشی از عبدالرحمن بن سالم اشل روایت کرده که این آیه در مورد نقض ایمان ایشان نازل شده که می‌فرماید:

﴿كَأَلَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا﴾ [النحل: ۹۲]. «همانند آن زنی نباشید که (به سبب دیوانگی، پشم‌های) رشته خود را بعد از تابیدن، از هم وا می‌کند». پناه بر خدا از این گمراهی.

س ۱۱۱- آخرین مطلبی که در مورد پیامبر ﷺ و مادران عایشه رضی الله عنها استقرار یافته چیست؟

ج- سید شیعه علی غروی یکی از بزرگترین علمای حوزه می‌گوید: «شرمگاه پیامبر ﷺ باید وارد دوزخ شود چون با بعضی از زنان مشرک آمیزش کرده است»!^۳

ضربه کمر شکن بر علمای شیعه

بحث متعلق به اعتقاد علمای شیعه در مورد ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها و کافر قرار دادن و لعنت فرستادن بر اوست را با این روایت که تمام ساختار شیعه را در هم می‌شکند به پایان می‌رسانیم!

اهل بیت نام ابوبکر و عمر را برای فرزندان شان انتخاب می‌کردند

عالم شیعه ابو علی محمد بن محمد اشعت کوفی از حسین بن علی رضی الله عنهما روایت کرد که ابودر به او خبر داد پیامبر ﷺ قبل از وفاتش مسواک خواست و او را نزد

۱ - حق الیقین ص ۳۴۷ مجلسی، و تفسیر قمی ج ۲/۳۷۷ (سوره تحریم).

۲ - علل الشرائع ج ۲/۵۸۰ ح ۱۰ (باب نوادر العلل)، بحار الأنوار ج ۳۱۴/۵۲ ح ۹ (باب سیره وأخلاقه، وعدد أصحابه، وخصائص زمانه...).

۳ - کشف الاسرار موسوی، ص ۲۴.

عایشه رضی الله عنها فرستاد و گفت: آن را با آب دهانت برایم خیس کن، و عایشه رضی الله عنها چنین کرد، سپس مسواک را آوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله با آن مسواک کرد و می‌گفت: آب دهان من بر آب دهان تو است ای حمیراء، سپس لب‌هایش را تکانی داد و وفات یافت.^۱

و به هر حال، نقل گفته‌های زهر آگین شیعه بسی تلخ بود، و عمل و کردار اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و همسرانش قطع گردید اما خواست خداوند چنین بود که پاداش آن‌ها قطع نگردد؟ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَكَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹].

یعنی: «محمد فرستاده خدا است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می‌بینی. آنان همواره فضل خدای را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانی‌هایشان نمایان است. این، توصیف آنان در تورات است، و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های (خوشه‌های) خود را بیرون زده، و آن‌ها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد، بگونه‌ای که برزگران را به شگفت می‌آورد. تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می‌دهد».

و خود علمای شیعه گفته‌اند که علی رضی الله عنه اسم بعضی از فرزندان او را به نام آن سه خلیفه نام‌گذاری کرده: یکی از آن‌ها ابوبکر بود که مادرش لیلا دختر مسعود حنظلیه بود، دیگری عمر بود که مادرش ام حبیبه صهباء دختر ربیعہ بکریه نام داشت. یکی دیگر از آن‌ها را عثمان نام نهاد که مادرش ام بنین بود، و عثمان اصغر مادرش اسماء دختر عمیس خثعمیه بود.^۲ و حسن رضی الله عنه نیز همین کار را کرد.

۱ - الاشعثیات اشعت کوفی، ص ۲۱۲، مستدرک الوسائل نوری ۱۶ / ۴۳۴.

۲ - اعلام الوری طبرسی، ص ۲۰۳، الارشاد المفید، ۱۸۶، و تاریخ یعقوبی ۲ / ۲۱۳، مقاتل الطالبین

یعقوبی (تاریخ نگار شیعه) گفته: امام حسن هشت پسر داشت با نام‌های: عمر، قاسم، ابوبکر و عبدالرحمن که از چند مادر مختلف متولد شده بودند،^۱ و حسین علیه السلام هم یکی از پسرانش را ابوبکر نامگذاری کرد.

حقیقت زمین فدک

س ۱۱۲- حقیقت زمین فدک چنان که کتاب‌های شیعه گفته‌اند چیست؟

ج- فدک قریه‌ای بود در خیبر، و گفته‌اند در اطراف حجاز که دارای چشمه‌ها و درختان خرما بود و خداوند آن را به عنوان غنیمت به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشیده بود و بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام کسی را نزد ابوبکر صدیق فرستاد و ارث خود را در زمین فدک از ایشان درخواست کرد.

ابن میثم در شرح نهج البلاغه می‌گوید^۲ ابوبکر به او گفت: «سه‌میه تو از فدک همان سه‌میه رسول خدا صلی الله علیه و آله است، ایشان مخارج شما را از آن می‌گرفت، و بقیه را تقسیم می‌کرد، و در راه خدا می‌بخشید، تو با آن چه کار می‌کنی؟ فاطمه گفت: همان کاری را با آن می‌کنم که پدرم می‌کرد. ابوبکر گفت: پس تو را به خدا به من اجازه بده تا در مورد آن همان کاری را انجام دهم که پدرت با آن می‌کرد، فاطمه گفت: تو را سوگند به خدا همان کار را می‌کنی؟ گفت: سوگند به خدا همان کار را می‌کنم، فاطمه گفت: بار خدایا گواه باش، و ابوبکر محصولات آن را می‌گرفت و به اندازه‌ای که آنان را کفایت می‌کرد به آنان می‌داد و بقیه را تقسیم می‌کرد، عمر نیز چنین می‌کرد، سپس عثمان رضی الله عنه به همین روش ادامه داد، و بعد از او علی نیز چنین می‌کرد»^۳.

زید بن علی بن حسین علیه السلام گفت: «سوگند به خدا اگر کار به من برگردانده شود همان قضاوت ابوبکر را در مورد آن می‌کنم»^۴.

۱ - تاریخ یعقوبی ج ۲/۲۲۸، و مقاتل الطالبین ص ۷۸، إعلام الوری بأعلام الهدی ج ۱/۴۷۶ (الشهداء مع الحسين ع)، منتهی الآمال ج ۱/۲۴۰ عباس قمی .

۲ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۴ / ۸۲، الصوارم المهرقه شوشتری، ص ۲۴۳ .

۳- شرح نهج البلاغه ج ۵/۱۰۷ ابن میثم بحرانی، و مثل همین را دنبلی فی شرح خود «الدرة النجفیة» ص ۳۳۱.

۴ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۴ / ۸۲، الصوارم المهرقه شوشتری، ص ۲۴۳ .

ضربه کمر شکن

از جمله تناقض‌گویی‌های آن‌ها این که در کتاب علی روایت کرده‌اند: «... وقتی مرد وفات یابد زنان از زمین و اموال غیر منقول او ارث نمی‌گیرند».

همچنین کلینی از ابی جعفر روایت کرده که گفت: «سوگند به خدا این را علی با دست خودش نوشته و پیامبر خدا املاء کرده است»^۱.

رفتار فاطمه با علی از دیدگاه شیعه

س ۱۱۳- آیا کتاب‌های شیعه گفته‌اند که فاطمه علیها السلام بر علی علیه السلام خشمگین شده است؟

ج- بله، صدوق شیعه روایت کرده است که فاطمه علیها السلام و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی که علی خواست با دختر ابوجهل ازدواج کند؛ بر علی خشمگین شدند ... تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله علی را نصیحت کرد و خطاب به او فرمود: «ای علی آیا نمی‌دانی که فاطمه پاره تن من است، و من از او هستم، پس هرکس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است، و هرکس مرا آزار دهد او را آزار داده است، و کسی که در دوران حیاتم او را اذیت کند چون کسی است که بعد از وفاتم او را اذیت کند»^۲.

و نیز روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه پاره تن من است و آن روح است که در کالبد من قرار دارد، آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت می‌کند، و آنچه او را شاد گرداند مرا شاد می‌نماید»^۳.

همچنین باری دیگر علی علیه السلام فاطمه را ناراحت و خشمگین کرد، و آن زمانی بود که فاطمه سر علی علیه السلام را در آغوش کنیزش دید، سپس گفت: ای ابا الحسن چنین کاری کرده‌ای؟ علی گفت: نه به خدا، ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله کاری نکرده‌ام، چه می‌خواهی؟ فاطمه گفت: «اجازه می‌دهی به منزل پدرم بروم؟ گفت: آری، لذا فاطمه چادرش را به خود پیچید و به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و پرسید: پدرم کجاست ... ای

۱ - بحار الانوار ۲۶ / ۵۱، بصائر الدرجات الکبری صفار، ص ۴۵.

۲ - علل الشرائع ابن بابویه، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۳ - بحار الانوار مجلسی ۲۷ / ۶۲.

کاش قبلاً مرده بودم و حالا زنده نبودم، من به پدرم شکایت می‌کنم و از پروردگارم دادخواهی می‌نمایم.^۱

عصمت

س ۱۱۴- معنی عصمت امام چیست، آیا علمای شیعه بر این مسئله اجماع دارند؟
ج- شیخ شیعه مجلسی می‌گوید: «بدان که امامیه بر معصوم بودن ائمه از گناهان صغیره و کبیره اتفاق کرده‌اند، بنابراین اصلاً از آن‌ها گناه سر نمی‌زند، نه از روی عمد، و نه از روی فراموشی، و در تأویل هم خطا نمی‌کنند، و خداوند سبحان آن‌ها را دچار سهو و اشتباه نمی‌کند».^۲

توضیح

سیمایی که مجلسی از عصمت ترسیم کردهو اعلام کرده که علمای شیعه بر آن اتفاق کرده‌اند، حتی برای پیامبران خدا علیهم‌السلام هم تحقق نیافته است، همانگونه که صریح قرآن و سنت و اجماع امت بر آن دلالت دارند.

و مسلمین معتقدند که امت بوسیله کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ معصوم می‌ماند، ولی علمای شیعه معتقدند که امت بوسیله امام غائب آن‌ها که از ترس خود را پنهان کرده، از گمراهی معصوم و مصون است، چون او مانند پیامبر ﷺ است! بلکه معتقدند که از پیامبر ﷺ هم بزرگتر است، چنانکه قبلاً بیان شد. و نیز آن‌ها معتقدند که امامت ادامه نبوت است.^۳

س ۱۱۵- آیا علمای شیعه معتقدند که امامان آن‌ها دچار اشتباه و فراموشی نمی‌شوند؟

ج- بله، و این امر یکی از ضروریات مذهب شیعه است.^۴ و عالم معاصر شیعه محمد رضا مظفر آن را از عقاید ثابت شیعه می‌شمارد و می‌گوید: شیعه کوچک‌ترین اختلافی

۱ - علل الشرائع، ص ۱۶۳، حق الیقین مجلسی، ص ۲۰۳ - ۲۰۴.

۲ - بحار الانوار ۲۵ / ۲۱۱، ن ک مرآة العقول ۴ / ۳۵۲، و اوائل المقالات، ص ۲۷۶.

۳ - عقاید الامامیه محمد رضا مظفر، ص ۶۶.

۴ - تصحیح اعتقادات الإمامیه مفید ص ۱۳۵ (فصل فی الغلو والتفویض)، تنقیح المقال فی علم

در این امر ندارند^۱ و همچنین آیت معاصر آن‌ها محمد مغنیه می‌گوید: این مذهب همه شیعیان است.^۲

و شیخ معاصرشان محمد آصف حسینی گفته: شیعه بر این اجماع کرده‌اند.^۳ و مجلسی گفت: «یاران ما بر عصمت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام از گناه صغیره و کبیره، عمداً و از روی خطا یا فراموشی، قبل از نبوت و امامت و از وقت ولادت تا وقتی که به دیدار خداوند باز می‌گردند؛ اجماع رأی دارند، و کسی در این مورد مخالفت نکرده جز محمد بن بابویه و استادش ابن الولید قدس الله روحهما، که جایز دانسته‌اند از جانب خدا دچار سهو و اشتباه شوند، نه آن سهو و خطایی که از شیطان است، و چه بسا خروج آن دو نفر از اجماع اشکالی وارد نکند؛ چون نسب آن‌ها معروف و شناخته شده است.^۴

و حتی امام خمینی تصور سهو را در مورد ائمه نفی کرده است.^۵ و این عقیده از اسباب پدید آمدن عقیده (بداء و تقیه) بود، - همانگونه که بحث آن ذکر خواهد شد - و هرگاه در اقوال ائمه تناقض و اختلافی به چشم بخورد علمایشان می‌گویند: این بداء یا تقیه است، چنان که امامشان سلیمان بن جریر که مذهب امامیه را رها کرد و گروهی از شیعیان‌شان از او پیروی کردند؛ به این قضیه اعتراف کرده است. توضیح:

به امام رضا علیه‌السلام گفتند: گروهی در کوفه هستند که ادعا می‌کنند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نماز دچار سهو و فراموشی نشده است، گفت: «دروغ گفته‌اند، لعنت خدا بر آن‌ها که گفتند، کسی که فراموش ندارد خداوند عزوجل است که هیچ معبود به حقی جز او نیست»^۶.

رسوایی

-
- ۱ - عقائد الامامیه مظفر، ص ۶۶.
 - ۲ - الشیعه فی المیزان، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.
 - ۳ - صراط الحق آصف محسنی ۳ / ۱۲۱.
 - ۴ - بحار الأنوار ج ۱۷ / ۱۰۸ (باب سهوه ونومه صلی الله علیه وآله عن الصلاة).
 - ۵ - حکومت اسلامی ص ۹۱.
 - ۶ - بحار الأنوار مجلسی ۲۵ / ۳۵۰، عیون اخبار الرضا ابن بابویه، ص ۳۲۶.

علمای قدیم شیعه برائت خود را از این عقیده اعلام کرده و اصلاً آنان هر کس را که چنین معتقد باشد کافر شمرده‌اند، و گفته‌اند: رد کردن و نپذیرفتن روایاتی که در آن سهو برای پیامبر صلی الله علیه و آله اثبات گردیده منجر به ابطال دین و شریعت می‌شود. ابن بابویه مرجع شیعه گفته: «واقعاً افراطی‌ها و اهل تفویض - لعنت خدا بر آن‌ها - سهو و اشتباه کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار کرده‌اند... و اگر جایز باشد اینگونه روایات رد شوند، جایز است همه اخبار و احادیث مردود اعلام شوند که در نهایت موجب باطل کردن همه دین و شریعت است»^۱.

و از طرفی می‌بینیم که متاخرین شیعه اعتقاد به عدم اشتباه رسول خدا صلی الله علیه و آله را از ضروریات دین می‌شمارند، و منکر ضرورت دین نزد آن‌ها کافر است؟ پس علمای متقدمین آن‌ها علمای متأخر را تکفیر، و متاخرین متقدمین را تکفیر می‌نمایند!

مراحل تغییر مفهوم عصمت

س ۱۱۶ - لطفاً به اختصار تغییراتی را که علمای شیعه در اعتقاد به عصمت ائمه بوجود آورده‌اند بیان کنید؟

ج - قبلاً بیان شد که اولین استاد آن‌ها عبدالله بن سبأ یهودی می‌گفت: علی خدا است، ولی نقل نشده که او مقوله عصمت را بر حسب نظر علمای شیعه مطرح کرده باشد (و به همه ائمه تعمیم داده باشد).

* - سپس هشام بن حکم عقیده عصمت را تغییر داد و گفت: امام گناه نمی‌کند.^۲

توضیح:

اینکه می‌گویند: امام گناه نمی‌کند، با عقیده ایشان در مورد قضا و قدر مبنی بر اینکه انسان آزاد است و انتخاب با اوست، و بنده خالق اعمال خویش می‌باشد؛ تعارض و تناقض دارد، و این خواننده محترم را متوجه این می‌نماید که مفهوم عصمت قبل از مذهب آن‌ها در مورد تقدیر شکل گرفته است، چون آن‌ها عقیده خود را در مورد تقدیر الهی در قرن سوم از معتزله فرا گرفته‌اند!!

۱ - ن ک من لایحضره الفقیه ابن بابویه ۱ / ۲۳۴، بحار الانوار مجلسی ۱۷ / ۱۱۱ .

۲ - بحار الانوار ۲۵ / ۱۹۲ - ۱۹۳ .

* - سپس شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری) مفهوم عصمت را تغییر داد و گفت: «عصمت لطفی است که خداوند در حق بنده مکلف می‌نماید، و او را از ارتکاب گناه و ترک اطاعت باز می‌دارد با اینکه او توان انجام گناه را دارد»^۱.

* - سپس شیخ شیعه ابن بابویه قمی (۳۸۱ هجری) بار دیگر مفهوم عصمت را تغییر داد و گفت: اعتقاد ما در مورد ائمه این است که آن‌ها معصومند و از هر گناه و آلودگی پاک هستند، و مرتکب هیچ گناه صغیره و کبیره‌ای نمی‌شوند، و در آنچه خدا به آن فرمان داده سرپیچی نمی‌کنند، و هر کس بگوید: آن‌ها در بعضی حالات معصوم نیستند، آن‌ها را نشناخته است، و هر کس آنان را نشناخته باشد کافر است، و ما درباره آن‌ها معتقدیم که معصومند و در همه کارهای‌شان از اول تا آخر موصوف به کمال و تمام و علم هستند، و در هیچ یک از حالات‌شان به نقص و گناه و عدم علم توصیف نمی‌شوند.^۲

توضیح:

خواننده محترم و منصف ملاحظه می‌کنید که مفهوم عصمت با برخی از افکار معتزله همچون فکر و اندیشه لطف الهی، و اندیشه اختیار انسان، آمیخته شده است، بنابراین عصمت بدین معنی نیست که خداوند امانشان را بر گناه نکردن مجبور می‌نماید، بلکه خداوند لطف‌هایی در حق امام عنایت می‌کند که با اختیار خود گناه را ترک کند.

* - سپس مجلسی (م ۱۱۱۱ هجری) مفهوم عصمت را بار دیگر دگرگون ساخت و گفت: «اصحاب امامیه ما اجماع کرده‌اند که ائمه از ارتکاب گناهان صغیره و کبیره معصومند، و نه از روی عمد، و نه از روی فراموشی و خطا مرتکب گناه نمی‌شوند، و از زمان تولد تا وقتی که به دیدار خداوند می‌شتابند معصومند»^۳.

یک رسوایی:

مجلسی می‌گوید: «به علت روایات متعددی که حاکی از آن هستند سهو و فراموشی از ائمه سر زده و نیز اصحاب ما گفته‌اند: دچار فراموشی می‌شوند، جز افرادی

۱ - النکت الاعتقادیة مفید ۳۳ - ۳۴ .

۲ - الاعتقادات ابن بابویه، ص ۱۰۸ - ۱۰۹ .

۳ - بحار الانوار ۲۵ / ۳۵۱ .

شاذ و خارج از قاعده که گفته‌اند سر زدن فراموشی از آن‌ها جایز نیست ... در مجموع مسئله خیلی مشکل است...»^۱.

توضیح:

امام‌شان مجلسی اعتراف می‌کند که اجماع علمای شیعه بر عصمت ائمه با روایات‌شان تضاد دارد، و این نکته آن‌ها را بر آن داشته است که با فشار زیاد، و بدون میل و رغبت بگویند: علمای شیعه آنان بر گمراهی اجماع کرده‌اند!!

ائمه را تا مقام خدا بالا برده‌اند

س ۱۱۷- آیا ممکن است برخی از فضائل ائمه را که علمای شیعه ادعا می‌کنند یادآوری کنید؟

ج- بله، علمای مذهب شیعه روایات مختلف زیادی نقل کرده‌اند که حاکی از فضیلت ائمه است و گاهی آن‌ها را به مقام الوهیت می‌رسانند، بنابراین علمای شیعه در کتاب‌های معتبر مذهب شیعه ابواب متعددی برای این موضوع تعیین شده است که برخی از آن به شرح ذیل است:

۱- «باب در مورد اینکه ائمه از پیامبران آگاه‌تر و عالم‌ترند» و در این باب (۱۳) حدیث ذکر شده است از جمله این روایت:

به افتراء از ابو عبدالله نقل کرده‌اند که گفت: «قسم به پروردگار این کعبه - تا سه بار - اگر من در میان موسی و خضر می‌بودم به آن‌ها خبر می‌دادم که من از آن‌ها داناتر و عالم‌تر هستم و آن‌ها را به چیزهایی خبر می‌دادم که بدان دسترسی نداشتند»^۲.

۲- باب در مورد اینکه: «ائمه علیهم‌السلام از پیامبران و از همه انسان‌ها و مخلوقات برترند، و از پیامبران و ملائکه و از سائر مخلوقات برای ائمه پیمان گرفته شده است، و پیامبران اولوالعزم به سبب محبت ائمه به مقام اولوالعزم رسیده‌اند»^۳، در این مورد هم هشتاد و هشت روایت دارند که گویا حاشا از او ابی عبدالله گفت: سوگند به خدا که آدم سزاوار این نگرید که خداوند او را با دست خود بیافریند

۱ - بحار الانوار مجلسی ۲۵ / ۳۵۱ .

۲ - الکافی ۱ / ۲۶۰ - ۲۶۱ ، بحار الانوار مجلسی ۲۶ / ۱۹۴ .

۳ - بحار الانوار مجلسی ۲۶ / ۲۶ .

و از روح خویش در او بدمد مگر به ولایت علی علیه السلام و خداوند با موسی سخن نگفت مگر به سبب ولایت علی علیه السلام، و خداوند عیسی ابن مریم را به عنوان نشانه‌ای برای جهانیان قرار نداد مگر با فروتنی برای علی علیه السلام، سپس گفت: «خلاصه اینکه هیچ کس سزاوار نگاه خداوند نشده مگر با عبودیت و بندگی ما»^۱.

و در روایتی دیگر آمده است: «... ولایت را یونس انکار کرد، آنگاه خداوند او را در شکم ماهی زندانی کرد تا اینکه به آن اعتراف نمود»^۲.
و خمینی می‌گوید: «از ضروریات مذهب ما این است که ائمه ما مقامی دارند هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبری به آن نمی‌رسد».

و می‌گوید: «ائمه مقامی والا و پسندیده و خلافت تکوینی دارند که تمام ذرات جهان هستی در برابر سیطره آن سر تسلیم فرود می‌آوردند»^۳.
۳- باب در مورد اینکه دعای پیامبران با توسل و میانجی قرار دادن ائمه پذیرفته شده است^۴.

از جمله این روایات: از رضا علیه السلام روایت است که گفت: «وقتی نوح در حال غرق شدن قرار گرفت با توسل به حق ما پیش خدا دعا کرد که او را نجات دهد، خداوند او را از غرق شدن نجات داد، وقتی هم که ابراهیم را در آتش انداختند پیش خدا دعا کرد که به حق ما او را نجات دهد، خداوند آتش را برایش سرد و سلامت کرد، و وقتی موسی خواست وارد دریا شود؛ در پیشگاه خدا به حق ما در دعا توسل کرد، آنگاه خداوند دریا را خشک کرد، و چون یهودیان خواستند عیسی را به قتل برسانند به حق ما دعا کرد و نجات یافت، و خداوند او را به آسمان بلند کرد»^۵.
توضیح:

۱ - بحار الانوار ۲۶ / ۲۹۴ .

۲ - بحار الانوار مجلسی ۱۴ / ۳۹۱ و ۲۶ / ۲۸۲، بصائر الدرجات الکبری، صفار، ص ۷۵ .

۳ - حکومت اسلامی، ص ۵۲ .

۴ - بحار الانوار ۲۶ / ۳۱۹ .

۵ - بحار الانوار ۱۱ / ۶۹، و وسائل الشیعه عاملی ۷ / ۱۰۳، القصص راوندی، ص ۱۰۵ .

این ادعای جاهلانه و احمقانه است، زیرا ائمه در زمان حیات پیامبران وجود نداشته‌اند، و این دعوت و تبلیغات برای شرک ورزیدن به خداوند عز و جل است، چون آن‌ها ذکر نام ائمه را کلید اجابت خداوند و اساس قبول دعا قرار داده‌اند، و انبیاء علیهم السلام تنها با توسل به نام‌های نیک خداوند و به وحدانیت و یگانگی او دع می‌کردند و خدا را می‌خواندند، همانگونه که در مورد یونس علیه السلام فرمود:

﴿وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾ [الأنبياء: ۸۷].

یعنی: «(یاد کن داستان یونس ملقب به) ذوالنون را در آن هنگام که خشمناک بیرون رفت و گمان برد که (با زندانی کردن و دیگر چیزها) بر او سخت و تنگ نمی‌گیریم فریاد برآورد که (کریم و رحیم!) پروردگاری جز تو نیست و تو پاک و منزهی (از هرگونه کم و کاستی، و فراتر از هر آن چیزی هستی که نسبت به تو بر دلمان می‌گذرد و تصور می‌کنیم. خداوندا بر اثر مبادرت به کوچ بدون اجازه حضرت باری) من از جمله ستمکاران شده‌ام (مرا دریاب!)».

۴- «ائمه آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است و آنچه را بوقوع پیوسته و آنچه واقع خواهد شد، و آنچه در شب و روز و در هر لحظه اتفاق می‌افتد را می‌دانند، و علم پیامبران و بیشتر از آن نزد آن‌هاست»^۱.

۵- باب در مورد اینکه: «ائمه مؤمنان واقعی و منافقان را می‌دانند، و نزد آن‌ها کتابی است که در آن اسامی اهل بهشت، و اسامی دوزخیان و دشمنان‌شان نوشته شده است، و خبر دادن هیچ کسی آن‌ها را از آنچه می‌دانند به اشتباه نمی‌اندازد»^۲.

۶- «باب در مورد اینکه ائمه هرگاه بخواهند بدانند می‌دانند، و در این مورد هم سه حدیث آورده اند»^۳.

و دل‌هایشان محل قرار گرفتن اراده خداوند است، هرگاه خدا چیزی بخواهد آن‌ها هم آن را می‌خواهند. و در این مورد سه حدیث آمده است^۱.

۱ - ینابیع المعاجز و اصول الدلائل هاشم بحرانی، باب پنجم، ص ۳۵ - ۴۲.

۲ - بحارالانوار ۱۱۷ / ۲۶ و چهل حدیث در این مورد آمده است.

۳ - أصول الکافی ج ۱ / ۱۸۶ (کتاب الحجّة).

- ۷- «باب در مورد اینکه ائمه عليهم السلام می‌دانند کی می‌میرند، و آن‌ها جز با اختیار خودشان نمی‌میرند» و در این مورد هشت حدیث روایت کرده‌اند.^۲
- ۸- «باب در مورد احوال شیعیان از آن‌ها مخفی نیست، و تمام علوم را که بدان نیاز دارند می‌دانند، و خبر دارند به چه بلایی گرفتار می‌شوند و بر آن صبر و بردباری می‌کنند، و اگر از خدا بخوانند آن بلاها را دفع کند قطعاً آن‌ها را اجابت می‌کند، و نیز ائمه آنچه را که در قلب‌ها نهفته است را می‌دانند، و به مصیبت و بلاها آگاهند و علم فصل الخطاب و تولدها را دارند».^۳
- ۹- «باب در بیان اینکه اگر امیرالمؤمنین عليه السلام نمی‌بود جبرئیل پروردگارش را نمی‌شناخت و اسم خودش را نمی‌دانست».^۴
- ۱۰- «باب در مورد اینکه ائمه در رحم مادرشان سخن می‌گویند، و قرآن می‌خوانند و پروردگار را عبادت می‌کنند، و وقتی شیرخوار هستند فرشتگان از آن‌ها فرمانبرداری می‌کنند، و صبح و شام بر آنان فرود می‌آیند».^۵
- ۱۱- (باب) ائمه فرزندان خدا و از کمر علی می‌باشند!!^۶
- آیت بزرگ شیعه عبدالحسین نجفی آیه‌ای را به شرح ذیل ساخته است: «اليوم أكملت لكم دينكم بإمامته فمن لم يأتهم به وبمن كان من ولدي من صلبه إلى يوم القيامة فأولئك حَبَطت أعمالهم وفي النار هم خالدون».^۷
- یعنی: «امروز دین شما را به امامت او برای شما کامل کردم، پس هر کس از او و کسانی که فرزندان من هستند که از پشت و کمر او هستند پیروی نکند اهل دوزخ هستند و در آن برای همیشه ماندگارند».
- پناه بر خدا از شرک.

۱ - الکافی ۱ / ۲۸۵ .

۲ - الکافی کلینی ۱ / ۲۵۸ - ۲۶۰ .

۳ - بحارالانوار ۲۶ / ۱۳۷ و ۱۵۳ و در این مورد چهل و سه حدیث آورده است .

۴ - شرح الزيارة الجامعة الکبيرة خوبی ۲ / ۳۷۱ .

۵ - اکمال الدين و تمام النعمة صدوق ۲ / ۳۹۴ .

۶ - الغدير ۱ / ۲۱۴ - ۲۱۶ عبدالحسین امینی نجفی .

۷ - الغدير ج ۱ / ۲۱۴ - ۲۱۶ نجفی .

۱۲- (باب) ائمه ارکان و پایه‌های زمین هستند.

و علی علیه السلام گفت: «ویژگی‌هایی به من داده شده که قبل از من به کسی داده نشده‌اند، و بلاها و مصائب را می‌دانم ... پس چیزی که قبل از من بوده از من پوشیده نیست و آنچه دور از من و در غیاب من اتفاق می‌افتد از من پنهان نمی‌ماند»^۱.

۱۳- (باب) در مورد اینکه خداوند تعالی به هیچ پیامبری علمی را نیاموخته مگر آنکه به او فرمان داده که آن را به علی بیاموزد و علی شریک او در علم است^۲.
توضیح:

این ادعاهای علمای شیعه در مورد ائمه بی‌نهایت شگفت‌انگیز و کفرآمیز است، آن‌ها با این ادعاها امامان‌شان را از مقام امامت فراتر برده، گاهی آن‌ها را در مقام نبوت و گاهی از آن هم فراتر رفته و در مقام الوهیت و خداوندی قرار می‌دهند. پناه به خدا از شیطان.

هیچ کس در این اختلاف ندارد که این کفر صریح است، بلکه از پیشینیان و پسینیان کسی ادعای چنین کفر و گمراهی را نکرده است.

س ۱۱۸- آیا علمای شیعه به باقی ماندن معجزات ائمه بعد از وفاتشان معتقدند، این دیدگاه چه تاثیری در زندگی روزمره آن‌ها دارد؟.

ج- بله، معتقدند اصلاً همواره در حال تولید و تجدید است، و مصداق آن در دو ناحیه قابل مشاهده است:

اول: معجزاتی که علمای شیعه به امام غائب خود نسبت می‌دهند.

دوم: معجزات و امور خارق‌العاده‌ای که علمای شیعه ادعا می‌کنند در کنار قبرهای ائمه اتفاق می‌افتد، مانند داستان‌های افسانه‌ای شفا یافتن بیماران صعب‌العلاج بوسیله قبرها. مثلاً می‌گویند: شخص نابینایی به محض رسیدن به ضریح و بارگاه فلان امام بینایی خود را باز یافت!! یا گفته‌اند: حیوانات به خصوص الاغ‌ها در طلب شفا به ضریح و قبور ائمه می‌روند!!.

۱- اصول کافی ۱/ ۱۹۷- ۱۹۸.

۲- اصول کافی ۱/ ۲۶۳.

و داستان امانت‌هایی که به ضریح قبر ائمه سپرده می‌شود و توسط ائمه محافظت و نگهداری می‌شود. خادمان ضریح از این طریق بیشتر اموال مردم (ساده‌لوح) را به دام می‌اندازند!.

زیارت قبر ائمه

س ۱۱۹- حکم زیارت قبر و ضریح‌های ائمه و اولیاء از دیدگاه علمای شیعه چیست؟

ج- زیارت قبور ائمه و اولیاء در مذهب شیعه فرض است و ترک کننده آن کافر می‌شود.^۲

و می‌گویند: هارون بن خارجه از ابو عبدالله در مورد کسی سؤال کرد که بدون دلیل به زیارت قبر حسین نمی‌رود، امام (حاشا از او) گفت: «او اهل دوزخ است»^۳.

آداب و عبادت قبر ائمه

س ۱۲۰- چه آدابی را برای زیارت مزارها علمای شیعه واجب کرده‌اند؟

ج- آداب زیارت زیادند، از جمله:

*- غسل کردن قبل از ورود به زیارتگاه، ایستادن و اجازه خواستن با خواندن دعای مأثور، و اگر وضویش بشکند غسل را تکرار کند.^۴

*- رفتن با فروتنی و تواضع و با لباس تمیز و پاک و نو.^۵

*- ایستادن در کنار ضریح و بوسیدن آن.

آیت عظمای شیعه محمد شیرازی می‌گوید: «ما ضریح ائمه را می‌بوسیم همانطور که حجرالاسود را می‌بوسیم»^۶.

و مجلسی گفته: «نص صریح در مورد تکیه کردن بر قبر و بوسیدن آن وجود دارد»^۷.

۱ - بحار الانوار ۴۲ / ۳۱۲ - ۳۱۸ .

۲ - ن ک تهذیب الاحکام ۲ / ۱۴ و کامل الزیارات، ص ۱۹۴، و وسائل الشیعه ۱۰ / ۲۳۳ / ۳۳۷ .

۳ - کامل الزیارات ابن قولویه، ص ۱۹۳، و وسایل الشیعه ۱۰ / ۳۳۶ - ۳۳۷ .

۴ - بحار الانوار ۹۷ / ۱۳۴ و ۱۰۱ / ۳۶۹ .

۵ - بحار الانوار ۹۷ / ۱۳۴ .

۶ - مقالة الشیعه محمد شیرازی، ص ۳۱ .

۷ - بحار الأنوار ج ۱۰۰ / ۱۳۴ (کتاب المزار).

* - گذاشتن گونه و صورت بر روی ضریح، و گفته‌اند: بوسیدن ضریح و قبر مکروه نیست، و حتی گفته‌اند: «به اعتقاد ما سنت است، و اگر نیازی به تقیه کردن باشد بهتر است بوسیدن ترک شود»^۱.

* - طواف کردن قبرها، همانگونه که روایت کرده‌اند: «جز اینکه پیرامون قبرهایتان طواف کنیم»^۲.
تناقض:

مراجع شیعه خود روایاتی را نقل کرده‌اند که از این کارها نهی کرده است، از آن جمله این روایت: «هیچ قبری را طواف نکن»^۳.

علامه مجلسی این حدیث را رد کرده و گفته: احتمال دارد منظور از طوافی که در اینجا از آن نهی شده به و مدفوع و قضای حاجت روی قبر باشد^۴!!

* - رو به سوی قبر و پشت به قبله باشد:
مجلسی می‌گوید: «رو به قبله نمودن امری لازم است، گرچه بر خلاف جهت قبله باشد... و رو به قبر کردن زائر به منزله رو به قبله نمودن است، و جهت چهره خداست»^۵.

* - و در کنار قبر باید نشست و دعای ماثور خواند:
و از آن جمله اینکه می‌گویند: «وقتی به دروازه رسیدی بیرون از گنبد بایست و چشم به سوی قبر دوخته بگویند: ای مولایم! ای ابا عبدالله! ای پسر رسول خدا ﷺ؛ بنده و پسر بنده‌ات و پسر کنیزت، خوار و ذلیل در برابرت ایستاده، اگر چه در بالا بردن جایگاه تو کوتاهی ورزیده؛ به حق تو اعتراف می‌کند، آمده و به تو پناه می‌برد و آهنگ حرم تو را کرده است و متوجه مقام تو است...».

۱ - عمدة الزائر حیدر حسینی، ص ۳۱.

۲ - بحار الانوار ۱۰۰ / ۱۲۶، مستدرک الوسائل نوری ۱۰ / ۳۶۶.

۳ - علل الشرائع قمی، ص ۲۸۳، بحار الانوار ۱۰۰ / ۲۲۶، ن ک الکافی ۶ / ۵۳۴، وسائل الشیعه ۱ / ۳۴۰.

۴ - بحار الانوار ۱۰۰ / ۱۲۷.

۵ - بحار الانوار ۱۰۰ / ۳۶۹.

سپس خود را روی قبر بینداز و بگو: «ای مولایم! با ترس و هراس نزد تو آمده‌ام، مرا امان بده و به تو پناه برده‌ام مرا پناه بده، و در حالی که فقیرم نزد تو آمده‌ام، مرا بی‌نیاز کن، ای سید و سرورم! تو ولی و کارساز و مولای من هستی...»^۱.

* - قبر را قبله قرار دادن و پشت کردن به قبله و خواندن دو رکعت نماز رو به سوی قبر واجب است:

روایت کرده‌اند که امام غائب از سرداب (زیر زمینی) خود پیامی را برای شیعیان فرستاد که در آن آمده بود: «اما نماز باید پشت سر او خوانده شود و قبر در سمت جلو قرار گیرد، در سمت راست و در سمت چپ نباید نماز خواند، چون امام عليه السلام! نه کسی جلو او قرار می‌گیرد و نه یکسان با او»^۲.

چون بزرگان شیعه معتقدند که ائمه قبله هستند!!! از این روی روایتی را از ابوعبدالله صادر کرده‌اند که گویا گفته:

«نحنُ الصلاة في كتاب الله عزَّ وجل، و نحن الزكاة، و نحن الصيام، و نحنُ الحج، و نحن الشهر الحرام، و نحن البلد الحرام، و نحن كعبة الله، و نحن قبلة الله، و نحنُ وجه الله...»^۳.

یعنی: «ما در کتاب خدا نماز هستیم، ما روزه هستیم، ما زکات هستیم، ما حج هستیم، ما ماه حرام هستیم، ما سرزمین حرم هستیم، ما کعبه هستیم، ما قبله هستیم، ما روی خدا هستیم». خداوند فرموده: «فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» [البقرة: ۱۱۵]. «پس به هر سو رو کنید، خدا آنجا است».

۱ - بحار الانوار ۱۰۱ / ۲۵۷ - ۲۶۱ .

۲ - الاحتجاج للطبرسی ج ۳/۲/۳ (احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي صاحب الزمان صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين) بحار الأنوار ج ۱۰۰/۱۲۸ (كتاب المزار ح ۸ باب آداب الزيارة).

(۳) بحار الأنوار ج ۳۰۳/۲۴ ح ۱۴ (باب أنهم الصلاة والزكاة والحج والصيام وسائر الطاعات، وأعداؤهم الفواحش والمعاصي في بطن القرآن، وفيه بعض الغرائب وتأويلها).

و نیز معتقدند که ائمه همان مساجد هستند، بنابراین روایتی را به نام ابوعبدالله صادر کرده‌اند مبنی بر این که منظور از مسجد در آیه ذیل ائمه هستند: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ [الأعراف: ۲۹].

همچنین معتقدند که سجده‌های وارده در قرآن بمعنی ولایت ائمه است، برای همین است که مرجع شیعه قومی سجود ذکر شده در آیه زیر را به ولایت ائمه در دنیا تفسیر کرده:

﴿خَشَعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ﴾ [القلم: ۴۳]. پیش از این نیز (در دنیا) بدان گاه که سالم و تندرست بودند به سجده بردن و کرنش کردن خوانده می‌شدند.

همچنین روایت کرده‌اند که: «اقامه دو رکعت نماز زیارت در کنار قبر ضروری است»^۱.

از دیدگاه بزرگان شیعه این کارهای شرک آلود را بهترین تقرب و نزدیک شدن به خداست... و به پیروانشان چنین وانمود می‌کنند که این کارهای شرکی موجب عفو و بخشش گناهان و وارد شدن به بهشت و پناه از دوزخ و رفع درجات و اجابه دعاست»^۲.

(همچنین ادعا می‌کنند) که زیارت قبر برابر با حج و عمره و جهاد و آزاد کردن برده است»^۳.

تناقض گویی

از ابو عبدالله و او هم از پدرش روایت کرده‌اند که گفت: «رسول خدا ﷺ از نماز خواندن بسوی قبر، نشستن روی آن، تکیه زدن بر آن و بناسازی روی آن نهی کرده است»^۱.

۱ - بحار الأنوار ج ۱۰/۱۳۴ (کتاب المزار ج ۲۴ باب آداب الزيارة ...)

۲ - این از عناوین بحار الأنوار ج ۱/۲۱-۲۸، است که (۳۷) روایت را در این معنی نقل کرده است.

۳ - این از عناوین بحار الأنوار ج ۱/۲۸-۴۴، و (۸۴) روایت را در این معنی نقل کرده‌اند.

سپس آیا این روایاتی ساخته و پرداخته و دروغ پردازی به نام ائمه دعوت و تبلیغ برای شرک ورزیدن به خداوند متعال، و تغییر شریعت و دین خدا نیست؟

آیا این کار ترجیح و برتری کیش و آیین مشرکین بر دین مسلمین، و تبدیل کردن اسلام پاک و حنیف به بُت پرستی نیست؟

آری، به خدایی سوگند که هیچ معبود به حقی جز او، و هیچ پروردگاری غیر از او وجود ندارد!

این دین که پیروانش را به پشت کردن به کعبه مشرف، و رو کردن به قب دستور می‌دهد چه باید نامید؟

آخوندهای دروغگوی شیعه این خانه‌های شرک را آباد و پر رونق کرده‌اند که آن‌ها را بارگاه و مشهد می‌نامند؛ و خانه‌های توحید (مساجد) را تعطیل کرده‌اند که واقعیت موجود شاهد این مدعاست؛ این دین را چه نام می‌برند؟
خداوند متعال چقدر دروست فرمود:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [الشوری: ۲۱].

یعنی: «شاید آنان انبازها و معبودهائی دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند که خدا بدان اجازه نداده است (و از آن بی‌خبر است؟) اگر این سخن قاطعانه و داورانه (خدا، مبنی بر مهلت کافران و تأخیر قیامت تا وقت معین آن) نبود، میانشان (با اهلک کافران و ابقاء مؤمنان) داوری می‌گردید (و دستور عذاب دنیوی یا اخروی صادر می‌گشت و مجالی به کافران نمی‌داد. در عین حال آنان نباید این حقیقت را فراموش کنند که) قطعاً ستمگران عذاب دردناکی دارند».

ضربه‌ای کمر شکن بر شیعه

۱ - تهذیب الأحکام ج ۳/۶۹۳ (کتاب الصلاة ح ۱۶ باب الزیادات)، الاستبصار ج ۱/۳۵۲ (کتاب الصلاة ح ۴ باب الصلاة علی المدفون)، وسائل الشیعة ج ۲/۷۹۵ ح ۶ (باب جواز الصلاة علی المیت بعد الدفن ...)

شیعیان خود از ابوجعفر محمد باقر روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «لا تتخذوا قبوري قبلة ولا مسجداً، فإن الله عز وجل لعن الذين اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد»^۱.
یعنی: «قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید، زیرا خداوند بر کسانی که قبر انبیاء را مساجد قرار داده‌اند نفرین و لعنت فرستاده است».

فضل شهرهای نجف و کربلا و قم

س ۱۲۱- آیا شهرهای نجف و کربلا و قم و کوفه نزد علمای مذهب شیعه فضیلت و برتری دارند؟

ج- بله، روایت کرده‌اند که ابو عبدالله گفت: «...خداوند به کعبه وحی کرد: اگر خاک کربلا نبود تو را برتری نمی‌دادم، و اگر آن شخص که خاک کربلا او را به آغوش گرفته نبود تو را نمی‌آفریدم، و آن خانه (کعبه) را که تو به آن افتخار می‌کنی نمی‌آفریدم، پس ساکت و آرام باش و فروتنانه و خوار و ذلیل دنباله رو آن باش...»^۲.
و به زبان کربلا روایت کرده‌اند که گفت: «من سرزمین مقدس خدا هستم، آب و خاک من شفاست، و این فخر نیست»^۳.

و آیت شیعه کاشف الغطا در مورد کربلا می‌گوید: «یکی از ضروریات دین این است که کربلا شریف‌ترین قطعه زمین است»^۴!!
و چنان که بارها قبلاً گفته شد منکر ضرورت دین نزد آن‌ها کافر است.
و آیت بزرگ شیعه میرزا حسین حائری گفته: «اینگونه این سرزمین مبارک بعد از آن که امام در آن دفن گردید زیارتگاه مسلمین، و کعبه موحدین شد! و مسجدی برای نماز گذاران!! و محلی برای طواف پادشاهان و سلاطین گردید»^۵.

۱ - من لا يحضره الفقيه ج ۱/ ۸۷ (کتاب الطهارة ح ۳۱ باب التعزية والجزع عند المصيبة وزيارة القبور والنوح والمآتم)، علل الشرائع ج ۲/ ۳۵۸ ح ۱ (باب العلة التي من أجلها لا تتخذ القبور قبلة)، بحار الأنوار ج ۱۰۰/ ۱۲۸ (کتاب المزار ح ۷ باب آداب الزيارة، وأحكام الروضات، وبعض النوادر).

۲ - وسائل الشیعه ۱۴ / ۵۱۴ .

۳ - کامل الزیارات ص ۴۵۵ ح ۱۷ (الباب ۸۸).

۴ - الارض و التربة الحسينية آل کاشف الغطاء، ص ۵۵ - ۵۶ .

۵ - احکام الشیعه حائری ۱ / ۳۲ .

توضیح:

به اعتقاد شیعه کربلاء این فضایل را به خاطر وجود جسد حسین در آن کسب کرده است، پس چرا مدینه منوره برخی از این فضایل را بر اثر وجود مبارک رسول خدا ﷺ کسب نکرد؟ یا اینکه به اعتقاد ایشان امام حسین ﷺ از رسول خدا ﷺ بزرگوارتر است؟! ولی مرجع بزرگ آل کاشف الغطاء این نکته را بیان کرده و می‌گوید: «آیا حق محض و محض حق نیست که پاکترین محل مقدّس روی زمین مرقد و قبر گرامی‌ترین شخص طول تاریخ باشد؟»^۱.

و در برخی از نصوص مقدس علمای شیعه آمده است که حجرالاسود به زودی از جایی خود از کعبه مشرفه بیرون آورده خواهد شد و در حرم آن‌ها در کوفه گذاشته می‌شود.^۲

توضیح:

و به خاطر این بود فرقه قرامطه که برادران شیعه جنایت معروف و مشهور خود را در بیت الحرام انجام دادند، و در سال ۳۱۷ هجری^۳ حجرالاسود را از کعبه مشرفه بیرون آوردند و با خود بردند، اما آن را در حرم خود در کوفه کار نگذاشتند، چرا؟! آیا منابع و مراجع دین علمای شیعه منشأ کارهایی مثل عملیات قرامطه نیستند؟ چرا آن‌ها فقط روی کوفه تاکید می‌کنند؟

آیا به خاطر این نیست که از میان شهرهای مسلمین فقط اهل کوفه دین عبدالله بن سبأ یهودی را پذیرفتند! آری شهرهای مسلمین چون به علم و ایمان نزدیک بودند، دین ابن سبأ یهودی (شیع) را نپذیرفتند، و تنها کوفه بود که به این بلا گرفتار شد و عبدالله بن سبأ در بین شهرها در کشت و گذار بود، کسی دعوتش را نپذیرفت جز اهل کوفه که در آن روزها از علم و ایمان بیشتر فاصله داشتند و تحت تاثیر او قرار گرفتند و دینش را پذیرفتند. بنابراین تشیع از کوفه سر برآورد؛ همانطور که فرقه مرجئی از کوفه ظاهر شد، و قدریه و معتزله از بصره بوجود آمدند، و جهمیه از طرف خراسان ظهور یافتند، و ظهور این بدعت‌ها به سبب فاصله از شهر پیامبر و منبع وحی بود، چون

۱ - الأرض والتربة الحسينية ص ۵۵-۵۶ آل کاشف الغطاء .

۲ - کتاب الوافی جلد دوم، ۸ / ۲۱۵ .

۳ - ن ک کتاب مسائل العکبریه، ص ۸۴ - ۱۰۲ محمد بن نعمان ملقب به مفید .

علت ظهور بدعت‌ها در هر امتی پنهان شدن سنت‌های پیامبران در میان آن‌ها، و دوری از علم و ایمان است، و اینگونه آن‌ها دچار هلاکت می‌گردند. و این پاسخ را با این آیه به پایان می‌رسانیم که خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿۹۶﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ عَلِيمٌ ﴿۹۷﴾﴾ [آل عمران: ۹۶-۹۷].

«نخستین خانه‌ای برای مردم بنیانگذاری گشته است، خانه‌ای است که در مکه قرار دارد (و کعبه نام و از لحاظ ظاهر و باطن) پیرکت و نعمت است و (از آنجا که قبله‌گاه نماز مسلمانان و مکان حج آنان یعنی کنگره بزرگ سالانه ایشان است، مایه) هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌های روشنی است، مقام ابراهیم (یعنی مکان نماز و عبادت او از جمله آن‌ها است). و هرکس داخل آن (حرم) شود در امان است. و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هرکس (حج خانه خدا را به جای نیاورد، یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدین وسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانده نه به خدا) چه خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است».

هر نماز در کنار قبر ائمه برابر با چند حج است؟

س ۱۲۲- اعتقاد علمای شیعه در مورد نماز خواندن و دعا و توسل به قبرها و آهنگ حج قبور ائمه چیست؟.

ج- با افتراء و دروغ به ابو عبدالله نسبت داده‌اند که گویا در مورد نماز خواندن در کنار قبر موهوم حسین گفته: «لَكَ بِكُلِّ رَكْعَةٍ تَرْكَعُهَا عِنْدَهُ كَثَابٌ مِّنْ حَجِّ أَلْفِ حِجَّةٍ، وَاعْتَمَرَ أَلْفَ عِمْرَةٍ وَأَعْتَقَ أَلْفَ رَقَبَةٍ، وَكَأَنَّمَا وَقَفَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَلْفَ مَرَّةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ».

یعنی: «تو با هر رکعت نماز که نزد قبر حسین به جای آوری پاداش کسی را داری که هزار حج و هزار عمره به جا آورده و هزار برده را در راه خدا آزاد کرده باشد، و گویی هزار هزار (یک میلیون) دفعه همراه پیامبر مرسل به جهاد رفته باشد»^۱.

۱ - الوافی ج ۲۳۴/۸ للکاشانی، تهذیب الأحکام ج ۱۳۴۱/۶-۱۳۴۲ (کتاب المزار ح ۹ باب حد حرم الحسین).

روایت کرده‌اند که مردی نزد ابی عبدالله آمد و گفت: «من نوزده بار حج خانه خدا به جا آورده‌ام؛ دعا کن خداوند حج بیستم را نصیبم گرداند، امام گفت: آیا قبر حسین را زیارت کرده‌ای؟ گفت: نه، فرمود: زیارت آن از بیست حج بیشتر است»^۱.

تعارض و تناقض گویی

کلینی خود از ابوعبدالله علیه السلام روایت کرده (حاشا از او): «اگر قبر حسین را زیارت؛ خداوند بیست و پنج حج را برایت می‌نویسد»^۲.

تعارضی دیگر

همچنین کلینی از ابی عبدالله روایت کرده: «زیارة قبر الحسين علیه السلام تعدل عشرین حجةً وأفضل، ومن عشرین عمرةً وحجةً»^۳.

یعنی: «واقعاً زیارت قبر حسین معادل بیست حج است، و از بیست حج و عمره هم بهتر است».

تعارضی دیگر

همچنین کلینی روایت کرده که: «أیما مؤمن أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه في غير يوم عيد كتب الله له عشرين حجةً، وعشرين عمرةً مبروراتٍ مقبولاتٍ، وعشرين حجةً وعمره مع نبيٍّ مرسلٍ، أو إمامٍ عدلٍ، ومن أتاه في يوم عيد كتب الله له مائة حجةً، ومائة عمرة، ومائة عزوة مع نبيٍّ مرسلٍ، أو إمامٍ عدلٍ».

یعنی: «هر مؤمنی در روز غیر عید، به زیارت قبر حسین برود، و حق او را بشناسد و بدان اعتراف کند، خدا بیست حج و بیست عمره‌ی مبرور را برایش می‌نویسد، و هرکس در روز عید به زیارت قبر حسین برود و حقش را بشناسد، خدا صد حج و صد عمره را برایش می‌نویسد. و هرکس در روز عرفه به زیارتش برود و حقش را بشناسد، خدا برایش هزار حج و هزار عمره مبرور و مقبول، و هزار غزوه و جهاد همراه نبی مرسل، یا

۱ - الوافی کاشانی ۸ / ۲۱۹، الکافی ۴ / ۵۸۱، وسائل الشیعه ۱۴ / ۴۴۷، ثواب الاعمال صدوق، ص ۹۴.

۲ - فروع الکافی ج ۴/۷۶۴ (کتاب الحج ح ۴ باب فضل زیارة أبی عبد الله الحسين علیه السلام).

۳ - منبع سابق.

امام عادل را برایش می‌نویسد، و هر کس در روز عید به زیارتش برود، صد حج و صد عمره و صد مرتبه جهاد همراه با امام عادل را برایش می‌نویسد».

راوی گفت: عرض کردم: چگونه نزد قبر بایستم؟

گفت: سپس امام به حالتی شبیه خشمگین به من نگریست و گفت: «یا بشیرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ، وَاغْتَسَلَ مِنَ الْفِرَاتِ، ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً بِمَنَاسِكِهَا، وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَغَزْوَةٌ ۱».

یعنی: «ای بشیر هر مؤمنی در آب فرات غسل کند، سپس نزد قبر حسین رفته و حق او را بشناسد، خدا با هر قدمی که برمی‌دارد و بر زمین می‌گذارد، صد حج مقبول، و صد عمره‌ی مبرور، و صد غزوه و جهاد همراه پیامبر مرسل یا امام عادل را برایش می‌نویسد».

اما در مورد اعتقاد شیعه پیرامون فضل حج بسوی قبر حسین علیه السلام گفته‌اند: «سوگند به خدا اگر فضیلت زیارت او و قبرش را برایتان بگویم شما حج را کاملاً ترک می‌کنید و هیچ کسی از شما به حج نمی‌رود»^۲.

و در مورد زیارت و حج قبر حسین علیه السلام در روز عرفه معتقدند که امام صادق علیه السلام (حاشا از او) گفته: خداوند متعال در شامگاه عرفه قبل از آن که به حجاج صحرای عرفه بنگرد؛ به کسانی می‌نگرد که به زیارت قبر حسین علیه السلام رفته‌اند. به او گفتند: قبل از نگاه کردن به اهل عرفه به زائران حسین نگاه می‌کنند! چگونه؟ گفت: چون در میان کسانی که در عرفه جمع شده‌اند افراد حرام زاده وجود دارد، ولی در میان زائران قبر حسین زنا زاده نیست^۳.

و از زید شحام روایت است که گفت: به ابی‌عبدالله گفتم: پاداش کسی که قبر حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟ گفت: «آن زائر مانند کس است که خدا را در عرش زیارت کرده است»^۴!

۱ - فروع الکافی ج ۴/ ۷۶۳ (کتاب الحج ح ۱ باب فضل زیارة ابي عبد الله الحسين علیه السلام).

۲ - بحار الانوار ۹۸ / ۳۳ و ۱۰۱ / ۳۳ و کامل الزیارات، ص ۲۶۶.

۳ - تهذیب الاحکام ۶ / ۵۰، مستدرک الوسائل ۱۰ / ۲۸۲.

۴ - کامل الزیارات، ص ۱۴۷ و ۱۷۴، بحار الانوار ۹۸ / ۷۶، مستدرک الوسائل ۲ / ۱۹۰.

فضل زیارت هرکدام از مراجع شیعه

س ۱۲۳- آیا علمای شیعه این فضایل را فقط منحصر به زیارت قبور ائمه خود می‌دانند؟

ج- خیر، بلکه از این هم تجاوز کرده و این فضایل دروغین را برای زیارت قبور طرفداران و مراجع و خویشاوندان و دوستانشان نیز قایل شدند!!

همانگونه که روایت کرده‌اند حسن عسکری گفت: «کسی قبر عبدالعظیم را زیارت کند مانند کسی است که قبر حسین را زیارت نماید»^۱.

و از ابن الرضا علیه السلام روایت کرده که گفت: «هر کس قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند پاداش او بهشت است»^۲.

و از ابوالحسن موسی علیه السلام روایت کرده‌اند که گفت: «هرکس قبر فرزندم علی را زیارت کند؛ نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول دارد. می‌گوید: گفتم: هفتاد حج؟ گفت: بله و هفتصد حج. گفت: عرض کردم: هفتصد حج؟! فرمود: «هفتاد هزار حج... هرکس او را زیارت کند و شب را نزد او بگذراند مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است»^۳. الله اکبر!

پیوسته او امامش را خشمگین کرده و امام هم آمار را بالا برده است!!

توضیح:

با وجود این فضایل که برای زیارت این قبرها ذکر شده؛ چرا مردم شیعه و حتی علمایانشان به حج و عمره و به زیارت مکه و مدینه می‌روند؟

زیارت قبر امیرمؤمنان

س ۱۲۴- لطفاً به اختصار بعضی از فضایلی که برای زیارت قبر امیرالمؤمنین علی علیه السلام ادعا می‌کنند را بیان کنید؟

ج- از آن جمله فضائلی که ادعا می‌کنند اینکه می‌گویند: «هر کس قبر امیرمؤمنان علی علیه السلام را زیارت کند؛ خداوند برای هر قدمی که برمی‌دارد یک حج و یک عمره مقبول

۱ - بحار الانوار ۱۰۲ / ۲۶۸، و کامل الزیارات ابن قولویه قمی، ص ۳۲۴.

۲ - وسائل الشیعه ۱۴ / ۵۷۶.

۳ - تهذیب الاحکام ۶ / ۸۴.

می‌نویسد، سوگند به خدا ای (ابن مارد) خداوند پای کسانی را که در راه زیارت امیر مؤمنان غبار آلود شود با آتش دوزخ نمی‌سوزاند، چه با پای پیاده رفته باشد، چه با سواری، ای ابن مارد این حدیث را با آب طلا بنویس»^۱.

و در روایتی دیگر آمده است: «هرکس قبر امیر مؤمنان را زیارت کند در حالی که حق او را بداند و مغرور و متکبر نباشد، خداوند برای او پاداش صد هزار شهید را می‌ویسد و گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد، و همراه با کسانی که از عذاب خدا در امان هستند برانگیخته شود، و حساب بر او آسان شود، و فرشتگان به استقبالش می‌شتابند، و چون زائر به خانه‌اش برگردد او را بدرقه کنند، اگر بیمار گردد او را عیادت کنند، و اگر بمیرد با دعای استغفار تا قبر او را همراهی می‌کنند»^۲.

و بالاخره:

کلینی روایت کرده که اباعبدالله علیه السلام (حاشا از او) به کسانی که نزد او آمدند و قبر علی علیه السلام را زیارت نکردند گفت: «آیا قبر کسی را زیارت نمی‌کنید که خداوند به همراه ملائکه او را زیارت می‌کنند، و پیامبران و مؤمنان و ... آن را زیارت می‌کنند»^۳.

فضایل زیارت قبر حسین علیه السلام

س ۱۲۵- لطفا بعضی از فضایی که برای زیارت قبر حسین علیه السلام ادعا می‌کنند را به اختصار بیان کنید؟

ج- علمای شیعه روایات زیادی در این مورد ساخته‌اند، از آن جمله به ابوجعفر نسبت داده‌اند که گفت: «اگر مردم می‌دانستند زیارت حسین علیه السلام چه فضیلتی دارد از شوق و علاقه به آن جان می‌دادند، و از آه و ناله‌ها و افسوس برای آن از بین می‌رفتند...»^۴.

۱ - تهذیب الاحکام ۶ / ۲۱، وسائل الشیعه ۱۴ / ۳۷۶، ارشاد القلوب الی الصواب حسن دیلمی ۲ / ۴۴۲.

۲ - وسائل الشیعه ۱۴ / ۷۵.

۳ - بحار الانوار ۱۰۰ / ۲۵۸.

۴ - کامل الزیارات ابن قولویه، ص ۱۴۳، وسائل الشیعه عاملی ۱ / ۳۵۳.

و از ابی الحسن رضا روایت کرده‌اند (که به افترای آن‌ها) گفت: «هرکس قبر حسین علیه السلام را زیارت کند و با حق او آشنا باشد؛ از جمله کسانی است که با خدا در بالای عرض سخن گفته باشد»^۱!

ضربه کمر شکن

علمای شیعه چه پاسخی برای این روایت دارند که از حنّان بن سدید نقل کرده‌اند که گفت: به اباعبدالله گفتم: در مورد زیارت قبر حسین علیه السلام چه می‌گویی، از شما به ما ابلاغ شده که گفته‌اید: زیارت قبر او برابر با یک حج و یک عمره است؟ می‌گوید: فرمود: «چقدر این روایت ضعیف است!؛ با این عبادتها برابری نمی‌کند، ولی او را زیارت کنید و بر او جفا نکنید، زیرا او سردار جوانان اهل بهشت است»^۲.

جایگاه مجتهد شیعه

س ۱۲۶- علمای شیعه در مورد مجتهد شیعه چه اعتقادی دارند، و حکم کسی که با رأی او مخالفت کند چیست؟

ج- عالم شیعه محمد رضا مظفر می‌گوید: «به اعتقاد ما مجتهد نایب امام در زمان غیبت و حاکم و رئیس مطلق است... و کسی که رأی امام را ردّ کند، با خدا مخالفت کرده است و این کار در حد شرک ورزیدن به خداست»^۳.

و امام شیعه خمینی می‌گوید: «بیشتر فقهای ما در این زمان خصوصیات دارند که به آنان شایستگی نیابت از امام معوم را می‌دهد».

همچنین می‌گوید: «فقیه و وصی پیامبر صلی الله علیه و آله است و در دوران غیبت؛ امام و رهبر مسلمین است»^۴.

توضیح:

۱ - کامل الزیارات ص ۲۶۸ ح ۱۹ (باب ۵۴).

۲ - بحار الانوار ۱۰۱ / ۳۵، قرب الاسناد، ص ۴۸ عبدالله حمیری از علمای قرن سوم شیعه.

۳ - عقائد الامامیه مظفر، ص ۳۴.

۴ - حکومت اسلامی، ص ۶۷ / ۱۱۳.

بدین صورت علمای شیعه از اهل بیت فاصله گرفتند و خود استقلال یافتند و با جسبیدن به این معدوم؛ خود را به نام امام معدوم به جایی یکی از ائمه اهل بیت قرار دادند، و هر کدام از آخوندهایشان (آیت الله) و (امام) و (حاکم مطلق) و (دریافت کننده اموال خمس) شدند، و هیچکدام از ائمه اهل بیت با آن‌ها قابل مقایسه نبود.

محمد جواد مغنیه در این مورد بحثی طولانی دارد که خلاصه‌اش چنین است که می‌گوید: «چگونه خمینی ادعا می‌کند نایب مطلق امام غایب است حال آنکه امام غایب نزد ما به جای پیامبر یا خداوند است»^۱.

بر مردم شیعه واجب کرده‌اند که حتماً از مجتهدی زنده و مشخص تقلید کنند، و گرنه همه عبادات‌شان باطل است و پذیرفته شده نیست، اگر چه نماز بخواند و روزه بگیرد، مگر آنکه عمل او مطابق با نظر و رأی کسی باشد که از وی تقلید می‌کند.^۲

توضیح:

این جایگاه والای مجتهدین شیعه ما را به یاد مقام و جایگاه پاپ و کشیش‌های مسیحیان می‌اندازد! بلکه مقام مجتهدین شیعه از آن هم بزرگتر است.

تقیه و جایگاه آن در دین شیعه

س ۱۲۷ - تقیه چیست و جایگاه آن نزد علمای شیعه چیست؟

ج - مرجع و استاد شیعه شیخ مفید گفته: «تقیه یعنی کتمان و پنهان کردن حق و مخفی نگاه داشتن عقیده حق و پنهان کردن آن از مخالفین و عدم ابراز مخالفت با آن‌ها در آنچه سبب ایجاد زیان در دین یا دنیا می‌شود».^۳

محمد جواد مغنیه می‌گوید: «تقیه یعنی اینکه کاری انجام دهی، یا سخنی بگویی که به آن معتقد نباشی تا اینگونه ضرر و زیانی را از خود یا از اموال و دارایی خود دور کنی، یا بتوانی کرامت خود را حفظ کنی».^۴

بنابراین تقیه یعنی پنهان کردن مذهب شیعی و تظاهر به مذهب اهل سنت!

۱ - منبع سابق ص ۵۹ .

۲ - عقائد الامامیه مظفر، ص ۵۵ .

۳ - شرح عقائد الصدوق، ص ۲۶۱، ضمیمه کتاب اوائل المقالات.

۴ - الشیعه فی المیزان محمد جواد مغنیه، ص ۴۸، دار الشروق بیروت .

و روایت کرده‌اند که علی علیه السلام (حاشا از او) گفته: «تقیه از برترین کارهای مؤمن است»^۱.

و نیز گفته‌اند حسین بن علی علیه السلام (حاشا از او) گفته: «اگر تقیه نبود؛ دوست و دشمن ما از هم تشخیص داده نمی‌شد»^۲.

و روایت کرده‌اند که ابو عبدالله گفته است: «سوگند به خدا با هیچ چیزی خدا عبادت نشده پسندیده‌تر از خبأ باشد، گفتم: خبأ چیست؟ گفت: تقیه»^۳.

و گفته (حاشا از او): «هرکس تقیه نکند ایمان ندارد»^۴.

و ابو جعفر علیه السلام می‌گوید: «تقیه دین من و دین پدران من است، هر کس تقیه نکند ایمان ندارد»^۵.

و خمینی می‌گوید: «خداوند پیامبران را فقط به خاطر اینکه با مردم تقیه می‌کردند بر مردم برتری داده است»^۶!!

توضیح:

روایات گذشته را علمای شیعه به امام علی علیه السلام (شهادت سال ۴۰هـ) و فرزندش حسین علیه السلام (شهادت ۶۱هـ) و ابی جعفر (در سال ۵۷ متولد و متوفای ۱۱۴) و ابی عبدالله (متولد ۸۰ و متوفای سال ۱۴۸) نسبت می‌دهند، این ائمه در دوران اوج قدرت اسلام و مسلمین زیسته‌اند، پس آن‌ها چه نیازی به تقیه کردن داشته‌اند، مگر آن دینی که پنهان کرده‌اند و با آن تقیه می‌کرده غیر از اسلام بوده باشد؟ خدایا از شرک به تو پناه می‌بریم .

حکم کسی که تقیه نکند

س ۱۲۸ - حکم تقیه نکردن نزد علمای مذهب شیعه چیست؟

۱ - تفسیر حسن عسکری، ص ۱۶۲ .

۲ - تفسیر حسن عسکری .

۳ - معانی الاخبار ابن بابویه، ص ۱۶۲، وسائل الشیعه ۱۱ / ۴۶۲ .

۴ - اصول کافی ۲ / ۲۱۹ .

۵ - کافی ۱ / ۱۷۴ و ۲۱۸ - ۲۱۹، تفسیر عیاشی ۱ / ۲۱۴ و ۲ / ۳۵۱، البرهان ۱ / ۳۰۹ .

۶ - المکاسب المحرمة خمینی ۲ / ۱۶۳ .

ج * - علمای شیعه معتقدند کسی که تقیه نکند، مانند کسی است که نماز نمی‌خواند. از صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: «اگر بگویم ترک کننده تقیه مانند ترک کننده نماز است درست گفته‌ام»^۱.

* - سپس به غلو و اغراق‌گویی پرداخته و گفته‌اند: واقعاً ترک تقیه از گناهان هلاک کننده است که انسان را به قعر دوزخ می‌اندازد، و ترک تقیه برابر با انکار نبوت و کفر ورزیدن به خداوند است»^۲.

* - سپس از این غلو هم فراتر رفته و گفتند: «نه دهم دین تقیه است، و کسی که تقیه نکند دین ندارد»^۳.

* - سپس به این غلو هم افزودند و گفتند: «ترک تقیه گناهی است که نابخشودنی»^۴، و روایت کرده‌اند که علی بن حسین علیه السلام گفت: «خداوند همه گناهان مؤمن را می‌آمرزد و او را در دنیا و آخرت پاک می‌کند جز از دو گناه: ترک تقیه و ضایع کردن حقوق برادران»^۵.

و کلینی روایت کرده که ابا عبدالله گفت: «ای سلیمان شما بر دینی هستید که هر کس آن را پنهان کند خداوند به او عزت می‌دهد، و هرکس آن را فاش کند و پنهان نکند خداوند او را خوار می‌گرداند»^۶.

* - و در نهایت می‌گویند: «ترک کننده تقیه کافر است»^۷.

توضیح:

۱ - من لایحضره الفقیه ۲ / ۸۰، جامع الاخبار، ص ۱۱۰، ابن بابویه قمی، وسائل الشیعه ۷ / ۹۴، السرائر ابن ادریس حلی، ص ۴۷۹، بحار الانوار ۷۵ - ۱۱۲ - ۴۱۴.

۲ - المکاسب المحرمة خمینی ۲ / ۱۶۲.

۳ - اصول کافی ۲ / ۲۱۷، وسائل الشیعه حر عاملی ۱۱ / ۴۶۰، بحار الانوار ۷۵ / ۴۲۳.

۴ - ن ک تفسیر حسن عسکری، ص ۱۳۰، وسائل الشیعه ۱۱ / ۴۷۴، بحار الانوار ۷۵ / ۴۱۵.

۵ - تفسیر الحسن العسکری ص ۳۲۱ ح ۱۶۶ (فی وجوب الاهتمام بالتقیة وقضاء حقوق المؤمنین) ووسائل الشیعة ج ۱۶ / ۲۲۳ ح ۶ (باب وجوب الإعناء والاهتمام بالتقیة وقضاء حقوق الإخوان المؤمنین)

۶ - اصول کافی ۱ / ۲۲۲ و ۲ / ۲۲۲، وسائل الشیعه ۱ / ۲۳۵، بحار الانوار ۷۲ / ۷۲، المحاسن ۱ / ۲۷۵.

۷ - الاعتقادات ابن بابویه، ص ۱۱۴ - ۱۱۵، ن ک اصول کافی ۲ / ۲۲۰.

از سفیان سمط روایت است که گفت: «به ابا عبدالله علیه السلام گفتم: فدایت شوم مردی از جانب شما می‌آید و حدیثی را از شما نفل می‌کند که برای ما نفرت برانگیز است! ابوعبدالله گفت: «اگر موقع شب گفت روز است، و موقع روز گفت شب است نگویند دروغ گفت، چون اگر آن را به من نسبت دهد تو در واقع مرا تکذیب کرده‌ای»^۱. این نصوص و بسیاری دیگر دلالت می‌کنند بر اینکه در میان شیعه کسانی بودند که از برخی روایات بزرگان شیعه نفرت داشته‌اند، ولی کورکورانه ملزم به ایمان داشتن به آن بوده‌اند.

و از جابر روایت کرده‌اند که گفت: «ابوجعفر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: حدیث آل محمّد سخت است و مشکل و دشوار دیده می‌شود و جز فرشته مقرب، یا نبی فرستاده شده، یا بنده‌ای که خداوند قلبش را با ایمان بیازماید به آن ایمان نمی‌آورد، پس هر حدیثی از آل محمّد بر شما وارد شد و قلب شما بدان متمایل شد و آن را معروف و شناخته شده تلقی کردید؛ آن را قبول کنید، و آنچه قلب شما از آن گرفته و بیزار گردید و آن را منکر و ناشناخته تلقی کردید؛ آن را به خدا و پیامبر و عالم آل محمّد برگردانید، انسان گمراه و هلاک شده کسی است که حدیثی را برایش بخوانند که آن را تحمّل نکند می‌گوید: به خدا سوگند چنین نیست، چنین نیست، که انکار کردن آن همان کفر است»^۲.

چه زمانی نباید تقیه کرد؟

س ۱۲۹- نزد علمای شیعه چه وقت نباید تقیه کرد؟
ج- به اعتقاد علمای شیعه مدامی که شیعه در سرزمین مسلمین است باید تقیه کند، بنابراین علمای شیعه دارالاسلام را دارالتقیه می‌نامند؟ و روایت کرده‌اند: «تقیه کردن در دارالتقیه واجب است»^۳.

۱ - اللوامع النورانية ص ۵۴۹-۵۵۰، بحار الأنوار ج ۲/۲۱۱-۲۱۲ ح ۱۴.

۲ - بصائر الدرجات الكبرى ص ۴۱ ح ۱ أصول الكافي ج ۱/۳۰۲ و اللفظ له (كتاب الحجّة ح ۱ باب ما جاء في أن حديثهم صعب مستصعب)، الخرائج والجرائح ج ۲/۷۹۲ ح ۱ (الباب السادس عشر: في نوادر المعجزات)، بحار الأنوار ج ۲/۱۸۹ ح ۲۱.

۳ - جامع الاخبار، ص ۲۱۰، بحار الأنوار ۷۵ / ۴۱۱.

همچنین دارالاسلام را دولت باطل می‌نامند. روایت کرده اند: «هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، در دولت باطل جز با تقیه سخن نگوید»^۱.

و همچنین دارالاسلام را دولت ظالمان می‌نامند. و روایت کرده اند: «تقیه در دولت ظالمان فریضه‌ای واجب بر ما است، و هر کس آن را ترک کند قطعاً با دین امامیه مخالفت نموده و از آن جدا شده است»^۲. و واجب کرده‌اند که با تقیه با اهل سنت رفتار کنند، همانگونه که شیخ عاملی یک باب را در کتابش به عنوان قرار داده: «باب واجب بودن معاشرت با تقیه با اهل سنت»^۳.

تناقض:

روایت کرده اند: «هرکس قبل از ظهور قائم ما تقیه را ترک کند از ما نیست»^۴، چرا؟

شیخ معاصر شیعه محمد باقر صدر (متوفای ۱۴۰۰) به این پرسش اینگونه پاسخ می‌دهد: «از آنجا که ترک تقیه سبب می‌شود تا فرایند بوجود آمدن تعداد کافی از افراد مخلص و ناب (که یکی از شرایط ظهور امام است) به کندی پیش رود»^۵.
س ۱۳۰ - چرا بعضی از شیعیان را می‌بینیم که پشت سر ائمه مسجدالحرام و مسجد النبی نماز می‌خوانند؟

ج - علمای شیعه این روایت را صادر کرده‌اند که: «هر کس در صف اول با آنها (اهل سنت) نماز بخواند گویا با پیامبر ﷺ در صف اول نماز خوانده است»^۶.
خمینی در توضیح آن نوشته: «تردید نیست که نماز با پیامبر ﷺ صحیح و دارای فضیلت است، همچنین نماز پشت سر اهل سنت در حالت تقیه چنین است»^۷.

۱ - جامع الاخبار، ص ۲۱۰، بحار الانوار ۷۵ / ۴۱۲.

۲ - بحار الانوار ۷۵ / ۴۱۲.

۳ - وسائل الشیعه ۱۱ / ۴۷۰.

۴ - اعلام الوری طبرسی، ص ۴۰۸، اکمال الدین، ص ۲۱۰، وسائل الشیعه ۱۱ / ۴۶۵، ن ک اصول کافی ۱ / ۲۱۷.

۵ - تاریخ الغیبة الكبرى محمد باقر صدر، ص ۳۵۳.

۶ - بحار الانوار ۷۵ / ۴۲۱.

۷ - رسائل فی التقیه، ص ۱۰۸.

و روایت کرده‌اند: «هر کس پشت سر منافقین از روی تقیه نماز بخواند؛ مانند کسی است که پشت سر ائمه نماز خوانده است»^۱.

س ۱۳۱- آیا هنوز تقیه نقش خطرناک خود را در مذهب شیعه ایفا می‌کند؟
ج- بله هنوز هم تقیه در جوانب متعدد نقش خطرناک خود را بازی می‌کند، از آن جمله:

اول: دعوت‌گران و شیعه‌های زندیق برای تفرقه‌افکنی و دامن زدن به اختلاف میان امت اسلامی از عقیده تقیه سوء استفاده می‌کنند، چون تعدادی احادیث و روایات صحیح ائمه را رد می‌کنند به بهانه اینکه با هدف و آرمان آن‌ها موافق و سازگار نیست؛ و ادعا می‌کنند چون این روایات مطابق با عقیده و روایات اهل سنت است، پس ائمه بعنوان تقیه چنین گفته‌اند؟

به عنوان مثال در مورد احادیثی که در ستایش صحابه رضی الله عنهم از ائمه نقل شده‌اند می‌گویند: این‌ها را از روی تقیه گفته‌اند! و می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر تقیه دو دخترش را به ازدواج عثمان بن عفان و ابی العاص بن الربیع در آورد است، و علی رضی الله عنه تقیه کرد و دخترش را به عقد عمر بن خطاب رضی الله عنه در آورد^۲.

دوم: علمایشان اعتقاد به تقیه را وسیله‌ای برای برون رفت از چالش و معضل اختلافات و تناقضاتی قرار داده‌اند که در روایات و احادیث‌شان وجود دارد، زیرا پدیده تناقض روایات و احادیث آن‌ها بزرگ‌ترین دلیل است بر اینکه این روایات از منبع وحی نیامده‌اند، زیرا: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۸۲].

«اگر (قرآن) از سوی غیر خدا آمده بود در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می‌کردند».

عالم و شیخ شیعه هاشم بحرانی از حیرت و اضطراب موجود در روایات ائمه پرده برداشته که شیعه از آن رنج می‌برد و سرگشته و حیرانند که کدام روایت را قبول کنند، یا توقف نمایند، یا به پیروان‌شان مخیر کنند، و با این روایات متناقض و متضاد چه کار

۱ - جامع الاخبار، ص ۲۱۰، و از طرفی می‌گویند بستن دست‌ها در نماز از مبطلات نماز است مگر آنکه از روی تقیه باشد (تحریر الوسيله ۱ / ۲۸۰ خمینی).

۲ - فروع الکافی در حاشیه مرآة العقول ۲ / ۱۰.

کنند، پس تقیه را راه حل تناقض و حیرت قرار داده است، همانگونه که هاشم بحرانی می‌گوید: «احکام از شائبه شک و تردید خالی نیستند، چون دلایل و نشانه‌ها متعارض و متضاد می‌باشند»^۱.

ضربه کمر شکن

اختلاف فراوان موجود در روایات علمای شیعه سبب شده بسیاری از شیعیان مذهب تشیع را ترک کنند، تا جایی که بعضی از علمایشان مذهب شیعه را ترک گفته است، چنان که شیخ آنان طوسی در زمان خویش به این اعتراف کرده است، پس در زمان ما چگونه خواهد بود؟!.

طوسی از اختلاف و تباین و تضادی موجود در احادیث شیعه اظهار تأسف کرده، که هیچ حدیثی نیست که حدیثی دیگر متضاد با آن نباشد، و می‌گوید: «هیچ حدیثی نیست مگر آنکه در مقابل آن حدیثی دیگر آن را نفی می‌کند، تا جایی که مخالفان ما این نکته را به عنوان بزرگترین عیب و ننگ به رخ ما می‌کشند»^۲.

و همچنین شیخ و عالم آن‌ها فیض کاشانی از اختلاف فرقه‌ی خود شکایت سرداده گفته: «می‌بینی که آن‌ها در یک مسئله بیست یا سی و بیشتر از این رأی مختلف دارند، بلکه می‌توانم بگویم هیچ مسئله‌ای فرعی نیست که در آن یا در بعضی از متعلقات آن اختلاف نداشته باشند»^۳.

سوم: اینکه علمای شیعه چنانکه گذشت گفته‌اند ائمه معصوم هستند و نه از روی فراموشی و نه از روی اشتباه خطا نمی‌کنند، اما در کتاب‌هایشان چیزهایی بر خلاف این عقیده ذکر شده است، بنابراین در چنین موقعیتی به منظور اینکه عصمت ائمه زیر سؤال نرود، زیرا اگر عصمت از بین برود تمام مذهب شیعه سقوط می‌کند و نابود می‌شود، گفته‌اند ائمه تقیه کرده‌اند.

۱ - دره النجفیه بحرانی، ص ۶۱.

۲ - تهذیب الاحکام طوسی، المقدمه ۳ / ۳ - ۱ / ۲، مستدرک الوسائل نوری ۳ / ۷۱۹، الذریعه ۴ / ۵۰۴.

۳ - الوافی المقدمه، ص ۹.

چهارم: یکی از نتایج و فرایندهای اعتقاد به تقیه این اصل است که مخالفت با اهل سنت واجب است، و هدایت و راه درست در مخالفت با آنان است، و آنچه از امامان‌شان موافق با اهل سنت روایت شده از روی تقیه گفته شده است.

از ابو عبدالله علیه السلام روایت کرده‌اند که گفت: «وقتی دو حدیث مختلف و متضاد برایتان روایت شد همان را بپذیرید و قبول کنید که مخالف با آن قوم (اهل سنت) است»^۱.

در روایتی دیگر آمده است: «همان را بپذیرید که از قول عامه - یعنی اهل سنت - دورتر است»^۲.

پس علامت رسیدن به حق نزد شیعه مخالفت با اهل سنت است؛ حتی اگر رأی و دیدگاه اهل سنت مطابق با قرآن و کلام پیامبر صلی الله علیه و آله هم باشد، چنان که این مطلب در اعتقاد علمای مذهب شیعه واضح است.

اعتقاد به رجعت

س ۱۳۲ - رجعت چیست، و برای چه کسانی است و عقیده علمای شیعه در این مورد چیست؟

ج - رجعت یعنی بازگشت بسیاری از مرده‌ها به دنیا قبل از روز قیامت، به همان صورت که قبلاً بوده‌اند.^۳

به اعتقاد علمای شیعه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سایر پیامبران، ائمه معصومین، مسلمان خالص و کافران خالص جز کافران دوران جاهلیت که مستضعفین گفته می‌شوند قبل از رستاخیز به دنیا باز می‌گردند.^۴

در مورد اعتقاد شیعه به رجعت شیخ مفید گفته: «امامیه اتفاق کرده‌اند که بازگشت بسیاری از مرده‌ها به دنیا قطعی است»^۵.

۱ - عامه یعنی اهل سنت، ن ک بحارالانوار ۲ / ۲۳۳، وسائل الشیعه ۲۷ / ۱۱۸ .

۲ - جوابات اهل الموصل مفید، ص ۱۴ .

۳ - اوائل المقالات مفید، ص ۵۱ و ۹۵ .

۴ - دائرة المعارف العلویه جواد تاراج ۱ / ۲۵۳ .

۵ - اوائل المقالات، ص ۵۱ .

و این روایت را ساخته‌اند: «کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد از ما نیست»^۱.

و شیخ شیعه مجلسی می‌گوید: «برای تو بیان کردم که در همه قرن‌ها شیعه بر اعتقاد رجعت اجماع کرده‌اند»^۲.

طبرسی و حرّ عاملی و ابن المظفر و غیره گفته‌اند: «اعتقاد به رجعت محل اجماع همه شیعیان است»^۳ و «بلکه از ضروریات مذهب‌شان است»^۴.

و علمای شیعه حکم کرده‌اند که مُنکر ضروریات نزد آن‌ها کافر است!!^۵.
توضیح:

خداوند ﷻ عقیده رجعت مردگان به دنیا را باطل اعلام کرده و می‌فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿۹۹﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۰۰﴾﴾ [المؤمنون: ۹۹-۱۰۰].

یعنی: «و زمانی که مرگ یکی از آنان فرا می‌رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گردانید».

و می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۳۱﴾﴾ [یس: ۳۱].

یعنی: «مگر نمی‌دانند که در روزگاران پیش از ایشان چه ملت‌های فراوانی را (به گناهان‌شان گرفته‌ایم و) نابودشان نموده‌ایم، که هرگز به سویشان باز نمی‌گردند (و دیگر به دنیا گام نمی‌گذارند؟!))».

۱ - من لایحضره الفقیه ۳ / ۲۹۱، وسائل الشیعه ۷ / ۴۳۸ و تفسیر الصافی ۱ / ۳۴۷، عقائد الاثنی عشریه، ص ۲۴۰.

۲ - بحار الانوار ۵۳ / ۹۲.

۳ - مجمع البیان فی علوم القرآن ج ۲۵۲/۵ ابی علی فضل بن حسن طبرسی ت ۵۴۸، الإیقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة ص ۳۳، بحار الأنوار ج ۱۲۳/۵۳ (باب الرجعة)، تفسیر نور الثقلین ج ۱۰۱/۴ رقم ۱۱۴،

۴ - عقاید الاثنی عشریه زنجانی، ص ۲۲۹، الإیقاظ من ההجعة، ص ۶۰.

۵ - ن ک الاعتقادات مجلسی، ص ۹۰، مهذب الاحکام سبزواری ۱ / ۳۸۸ - ۳۹۳، الشیعه فی المیزان، ۱۴.

هدف از رجعت چیست؟

س ۱۳۳- چرا به عقیده علمای مذهب شیعه همه پیامبران به دنیا باز گردانده می‌شوند؟

ج- همه آن‌ها برگردانده می‌شوند تا زیر پرچم علی علیه السلام به عنوان سرباز و جنگجو بجنگد!

روایت کرده‌اند: «همه پیامبرانی که خداوند آنان را مبعوث کرده به دنیا باز گردانده می‌شوند تا همراه علی بن ابی طالب علیه السلام بجنگد»^۱.

حساب مردم در قیامت در دست کیست؟

س ۱۳۴- به اعتقاد شیعه چه زمانی در روز قیامت از مردم حساب گرفته می‌شود، و به عقیده آن‌ها حسابرسی در دست کیست؟

ج- قبل از روز قیامت از مردم حساب گرفته می‌شود چون روایت کرده‌اند که ابوعبدالله (حاشا از او) گفته: «کسی که قبل از روز قیامت از مردم حساب می‌گیرد حسین بن علی علیه السلام است، اما در روز قیامت مردم به سوی بهشت یا جهنم حشر می‌شوند»^۲.

تناقض

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوَ تَشْعُرُونَ﴾ [الشعراء: ۱۱۳]. حساب (اعمال و جزای کار) ایشان جز بر عهده پروردگارم نیست، اگر شما فهمیده و باشعور باشید.

و فرموده: ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ [الغاشية: ۲۶].
س ۱۳۵- چه کسی اولین بار از رجعت سخن گفت و چگونه این مقوله وارد مذهب شیعه شد؟

ج- او مؤسس و بنیانگذار مذهب شیعه یعنی عبدالله بن سبأ یهودی بود، همانگونه که کتاب‌هایشان خاطرنشان ساخته‌اند که عبدالله بن سبأ یهودی گفت: «پیامبر

۱ - بحار الانوار ۵۳ / ۴۱ .

۲ - بحار الانوار ۵۳ / ۴۳ .

خدا عز و جل بعد از مرگ دوباره باز می‌گردد، سپس شخصی خبر وفات امیرمؤمنان علی علیه السلام را نزد او اعلام کرد، ولی ابن سبأ خطاب او گفت: «دروغ می‌گویی، حتی اگر سر او را در هفتاد کیسه برایم بیاوری و هفتاد شاهد عادل همراه خود بیاوری ما می‌دانیم که او نه مرده نه کشته شده است، و تا وقتی که صاحب تمام زمین می‌شود نمی‌میرد...»^۱. سپس قضیه پیشرفت کرد و بخش عمده فرقه‌های مذهب شیعه که بیش از سیصد فرقه بودند مدعی رجعت امام خود شدند، به عنوان مثال فرقه‌ای از کیسانیه منتظر بازگشت محمد بن حنفیه علیه السلام هستند و ادعا می‌کنند که او زنده است و تا وقتی که به او اجازه خروج داده شود در کوه رضوی محبوس است! و همچنین فرقه محمدیه منتظر بازگشت امام‌شان محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام هستند، و کشته شدن و مردن او را تأیید نمی‌کنند.^۲

بداء

س ۱۳۶- بداء چیست و علمای شیعه در مورد بداء چه اعتقادی دارند، و اولین کسی که مقوله بداء را مطرح کرد چه کسی بود؟

ج- بداء در لغت نزد شیخ شیعه مجلسی دو معنی دارد: اول ظهور و روشن شدن، دوم پدید آمدن نظریه و دیدگاه جدید.^۳

بداء در اصل عقیده‌ای انحرافی و یهودی است، با این وجود یهودیان منکر نسخ هستند، چون به اعتقاد آن‌ها نسخ مستلزم بداء است!^۴

اعتقاد به بداء از یهودیان به فرقه‌های سبئی شیعه منتقل گردید و همه آنان به بداء اعتقاد دارند و می‌گویند: چیزهایی برای خدا ظاهر و روشن می‌شود.^۵ پاک و منزّه است خداوند.

عقیده بداء از اصول عقاید شیعه است

- ۱- المقالات و الفرق سعد قمی، ص ۲۱، نوبختی فی فرق الشیعه، ص ۲.
- ۲- اوائل المقالات قمی، ص ۲۷-۳۴.
- ۳- بحار الانوار ۴ / ۱۱۴-۱۲۲.
- ۴- ن ک سفر التکوین فصل ششم بند ۵ و سفر الخروج فصل ۳۲ پاراگراف ۱۲-۱۴ و سفر قضاة فصل دوازده پاراگراف ۱۸، ن ک مسائل الامامیه عبدالله الناشی الاکبر، ص ۷۵.
- ۵- التنبيه و الرد ملطی، ص ۱۹.

از ابی عبدالله روایت کرده‌اند که گفت: «خداوند با هیچ عبادتی چون بداء پرستش نشده است»^۱.

و به نام او تهمت می‌زنند که گفته: «اگر مردم می‌دانستند عقیده بداء چه پاداشی دارد در گفتن آن کوتاهی نمی‌کردند»^۲.

بداء مورد اتفاق همه علمای شیعه است

و اتفاق کرده‌اند که خداوند را به بداء (متوجه شدن ناگهانی) توصیف کنند^۳.
و به امام ابی الحسن نسبت داده‌اند که گفته است: «در مورد ابی جعفر برای خداوند چیزی آشکار گردید که آن را نمی‌دانست»^۴.

توضیح:

ای علمای شیعه!

﴿مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾ لِيَسْأَلُكُمُ مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾﴾ [نوح: ۱۳-۲۰].

یعنی: «شما را چه می‌شود که برای خدا عظمت و شکوهی قائل نیستید؟ در حالی که خدا شما را در مراحل مختلف خلقت به گونه‌های گوناگونی آفریده است، مگر نمی‌بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است؟ و ماه را در میان آن‌ها تابان، و خورشید را چراغ (درخشان) کرده است؟ خدا است که شما را از زمین به گونه شگفتی آفریده است. سپس شما را به همان زمین بر می‌گرداند، و بعد شما را به گونه شگفتی (زنده می‌گرداند و) از زمین بیرون می‌آورد. خداوند زمین را برای شما گسترده و فراخ کرده است. تا از جاده‌های وسیع آن بگذرید».

۱ - اصول کافی: کتاب التوحید، باب البداء، شانزده حدیث در این مورد ذکر کرده و به ائمه نسبت داده است ۱ / ۱۴۴، بحار الانوار ۴ / ۱۰۷، کتاب التوحید: باب البداء، و هفتاد حدیث در این مورد ذکر کرده است، التوحید ابن بابویه قمی باب البداء، ص ۳۳۲.

۲ - کافی ۱ / ۱۴۸، بحار الانوار ۴ / ۱۰۸.

۳ - اوائل المقالات مفید، ص ۴۶ و ۵۱.

۴ - اوائل المقالات مفید، ص ۴۶ و ۵۱.

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الزمر: ۶۷].

یعنی: «آن‌ان آن گونه که شایسته است خدا را نشناخته‌اند (این است که تو را به شرک می‌خوانند. خدا آن کسی است که) در روز قیامت سراسر کره زمین یکباره در مشت او قرار دارد و آسمان‌ها با دست راست او در هم پیچیده می‌شود. خدا پاک و منزّه از شرک آن‌ان (و دور دور از انبازهای ایشان و فراتر از اندیشه انسان) است».

این عقیده شما که می‌گویید: با هیچ عبادتی همچون بداء پرستش نشده... مستلزم آن است که خداوند را به جهالت و نادانی (پناه بر خدا از کفر) توصیف می‌کنید، و شما علمای شیعه در مورد ائمه به دروغ روایت ساخته‌اید که ابا عبدالله گفته: امام هرگاه بخواهد چیزی را بداند می‌داند!!^۱

ضربه کمر شکن

ابن بابویه از منصور بن حازم روایت کرده که گفت: از ابا عبدالله پرسیدم: آیا امروز چیزی می‌شود که دیروز در علم خدا نبوده باشد؟ گفت: نه، هر کس این را بگوید خدا او را خوار و ذلیل گرداند. گفتم: آیا حوادث گذشته و آینده در علم خداوندی نیست و خداوند آن‌را ندانسته؟ گفت: بله، او قبل از آن که آفریده‌ها را بیافریند همه چیز را - دانسته است.^۲

همین ننگ و عار برای علمای شیعه کافی است که نسبت به خداوند عَلَيْهِ معتقد به بداء هستند، و در حالی که علمای خود را از صفت جهل و بی‌خبری پاک و منزّه می‌دانند. از خداوند متعال خواهانیم از این افکار ما را محفوظ نگه دارد.

چرا معتقد به بداء هستند؟

س ۱۳۷- با وجود اینکه عقیده بداء مخالف قرآن و سنت و اقوال ائمه است چرا آن‌ها به آن معتقدند؟

ج- شیخ و عالم شیعه سلیمان بن جریر می‌گوید: « ائمه رافضه برای شیعیان خود دو مقوله را ابداع کردند که با وجود آن دو؛ مردم هرگز گفته‌هایی را که به نام ائمه می‌

۱- اصول کافی کتاب الحجة ۱ / ۲۵۸.

۲- اصول کافی ۱ / ۱۴۸ ش ۱۰.

گفتند تکذیب نمی‌کردند و آن دو مقوله عبارتند از بداء و اجازه دادن به تقیه کردن، بنابراین امامان‌شان وقتی خود را در میان شیعیان در مقام پیامبران قرار داده‌اند و ادعا کرده‌اند که همه اتفاقات گذشته و آینده را می‌دانند، وقتی به شیعیان خود گفته‌اند: فردا یا در آینده چنین و چنان می‌شود؛ اگر حرف‌شان درست از آب در می‌آید به شیعیان می‌گفتند: آیا به شما نگفتیم که این چنین خواهد بود، پس ما از سوی خدا به همان چیزهایی که پیامبران آگاه بوده‌اند آگاه هستیم. ولی اگر حرف‌شان بر خلاف واقع از آب در می‌آید برای شیعیان خود عذر می‌آورند به اینکه برای خدا در این مورد بداء شده است.^۱

به عنوان مثال علمای شیعه ادعا کرده‌اند که امامان‌شان اجل و تاریخ وفات، روزی و بلایا و بیماری‌ها و همه حوادث آینده را می‌دانند، اما در این مورد شرط بداء را در نظر می‌گرفتند.^۲

بنابراین بداء حيله‌ای است برای توجیه و روپوش گذاشتن بر ادعاهای دروغ علمای شیعه.

علمای شیعه به پیروان‌شان دستور داده‌اند که به مقتضای این عقیده در برابر تناقض‌گویی و اختلاف و دروغ‌های آن‌ها تسلیم شوند، و روایت کرده‌اند که هرگاه امامشان بر خلاف واقع خبر می‌داد می‌گفت: «هرگاه شما را به چیزی خبر دادیم و مطابق با گفته‌ی ما اتفاق افتاد بگوئید: خدا و پیامبرش راست گفتند، و اگر بر خلاف آنچه گفته بودیم اتفاق افتاد بگوئید: خدا و پیامبرش راست گفتند، و اینگونه دوبار شما پاداش دریافت می‌کنید...»^۳.

غیبت امام

س ۱۳۸ - عقیده علمای شیعه در مورد غیبت چیست و چه کسی برای اولین بار این عقیده را ابداع کرد؟

۱ - المقالات و الفرق سعد قمی، ص ۷۸، و فرق الشیعه نوبختی، ص ۶۵.

۲ - تفسیر قمی ۲ / ۲۹۰، بحار الانوار ۴ / ۱۰۱.

۳ - تفسیر قمی ۱ / ۳۱۰ - ۳۱۱، بحار الانوار ۴ / ۹۹.

ج - شیخ و عالم شیعه عبدالله فیاض می‌گوید: «غیبت نزد امامیه از عقاید اساسی است»^۱.

از این روی علمای شیعه معتقدند: «زمین حتی برای یک لحظه هم از وجود امام خالی نمی‌شود»!

کلینی از ابی عبدالله روایت کرده که گفت: «اگر زمین بدون امام باقی بماند فرو می‌رود»^۲.

و از ابی جعفر روایت کرده‌اند که گفت: «اگر یک لحظه امام از زمین برداشته شود، زمین به تکان در می‌آید، و همچون دریا طوفانی می‌شود»^۳.

چون آن‌ها معتقدند که (امام حجت خدا برای اهل زمین است)^۴، و از دیدگاه آن‌ها حجتی غیر از امام وجود ندارد، و حتی از دیدگاه آنان کتاب خدا (قرآن) بدون امام حجت نیست، «چون قرآن بدون قیّم حجت نیست»^۵.

قیّم (از دیدگاه آن‌ها) یکی از دوازده امام شیعه است، همانگونه که در روایات ایشان توضیح داده شده است، و چنانکه علمای شیعه خودشان اعتراف کرده‌اند؛ اولین کسی که عقیده غیبت امام را ابداع کرد، رهبر اوّل آن‌ها یعنی عبدالله بن سبأ یهودی بود، که مقوله توقف بر علی علیه السلام و غیبت او را مطرح ساخت^۶.

امام شیعیان امروز کجاست؟

س ۱۳۹ - ما حق داریم از علمای شیعه سؤال کنیم: امام شما امروز کجاست؟

۱ - تاریخ الامامیه، ص ۱۶۵.

۲ - الکافی ۱ / ۱۷۹.

۳ - بحار الانوار ۲۳ / ۳۴.

۴ - الکافی، ج ۱ / ۱۸۸، والخراج و الجرائح راوندی، ج ۱ / ۱۱۵، و الفضائل شاذان، ص ۷۳ و قرب الاسناد حمیری، ص ۱۳۲.

۵ - الکافی، ج ۱ / ۱۶۸، ۱۸۸ و وسائل الشیعه، ج ۲۷ / ۱۷۶، و بحار الانوار، ج ۲۳ / ۱۷، و علل الشرائع قمی، ج ۱ / ۱۹۲.

۶ - المقالات و الفرق قمی، ص ۱۹ / ۲۰، و فرق الشیعه نوبختی، ص ۲۲.

ج - امام یازدهم شیعه حسن عسکری در سال ۲۶۰ هجری بدون اینکه فرزندی داشته باشد وفات یافت^۱. کتاب‌های شیعه هم اعتراف کرده‌اند که: او فرزندی از او آشکار نبود، بنابراین میراث او بین برادرش جعفر و مادرش تقسیم شد^۲.

و بعد از وفات حسن بدون آنکه فرزندی داشته باشد، علمای شیعه در مورد این که چه کسی جانشین او شود حیرت‌زده و سرگردان دچار تفرقه گردیدند، تا اینکه در مورد جانشین او به چهارده فرقه تقسیم شدند، چنان که نوبختی^۳ و شیخ مفید^۴ گفته‌اند، و یا چنان که قمی می‌گوید به پانزده فرقه تقسیم شدند^۵، و یا چنانکه مسعودی می‌گوید به بیست گروه تقسیم شدند^۶.

حتی برخی از علمایشان گفتند که امامت پایان یافت^۷.

بعضی گفتند: امامت بعد از حسن باطل گردید^۸، و نزدیک بود وفات حسن بدون فرزند برای جانشینی؛ منجر به پایان یافتن مذهب شیعه و شیعیان و شیعه‌گری شود، چون اساس تشیع که همان امام است فرو ریخت.

اما (اندیشه غیبت امام) پایه و اساسی بود که وجود و ساختار شیعه بعد از فروپاشی بر آن بنا گردید، و از نابودی اساس و ساختارشان جلوگیری کرد، بنابراین ایمان داشتن به غیبت فرزند حسن عسکری محوری است که عقاید ایشان بر آن می‌چرخد، و بسیاری از شیعیان بعد از سرگردانی و حیرت بدان روی آوردند، و علمای شیعه پناهگاهی جز این مبدأ اعتقادی یعنی غیبت امام نداشتند، و بوسیله آن دسیسه و توطئه شیعه‌گری را از فروپاشی و نابودی محافظت گردید.

وقتی استاد اساتید شیعیان نخستین؛ ابن سبا یهودی که عقیده منصوص بودن امامت علی علیه السلام را وضع و ابداع کرد که اساس و شالوده‌ی مذهب شیعه است،

۱ - کتاب الغیبه، طوسی، ص ۲۵۸.

۲ - المقالات و الفرق قمی، ص ۱۰۲، و فرق الشیعه نوبختی، ص ۹۶.

۳ - فرق الشیعه، ص ۹۶.

۴ - الفصول المختارة مفید، ص ۲۵۸.

۵ - المقالات و الفرق، ص ۱۰۲.

۶ - مروج الذهب، ج ۴ / ۱۹۰.

۷ - المقالات و الفرق قمی، ص ۱۰۸، الغیبه طوسی، ص ۱۳۵.

۸ - بحار الانوار، ج ۳۷ / ۲۱، و الفصول المختارة ص ۳۲۰.

اینجا ابن سبأ دیگری آمد و بعد از مرگ امام حسن عقیم و بدون فرزند که اندیشه امامت سقوط کرد؛ جایگزینی و معادلی برای آن ساخته و پرداخته کرد. یا اینکه این ابن سبأ دوّم یکی از مجموعه سازندگان این اندیشه است، اما به هر حال او چهره بر جسته این ادعا است، و این مرد کسی جز «ابو عمر عثمان بن سعید عمری اسدی عسکری متوفای سال ۲۸۰ هجری» نیست،^۱ که ادعا کرد امام حسن فرزندی داشته که از نگاه مردم پنهان است و هنوز چهار سال بیش ندارد.^۲

و شیخ شیعه مجلسی می‌گوید: «اکثر روایات حاکی از آن است که سن او چند ماه از پنج سال هم کمتر بود، یا عمرش یک سال و چند ماه از پنج سالگی کمتر بود».^۳ با وجود آن که این فرزند چنان که کتاب‌های شیعه گفته‌اند در زمان حیات پدرش حسن دیده نشده است، و بعد از وفاتش عموم مردم او را نشناخته و ندیده‌اند،^۴ اما این مرد (یعنی عثمان) ادعا می‌کند که او را می‌شناسد و در گرفتن اموال شیعه و پاسخ دادن به پرسش‌های آنان وکیل اوست.

توضیح:

نکته بسیار عجیب و شگفت انگیز این است که شیعه ادعا می‌کنند جز سخن امام معصوم را قبول نمی‌کنند، و حتی آن‌ها اجماع را بدون وجود معصوم قبول ندارند، اما در اینجا در رابطه با یکی از مهم‌ترین عقاید شیعی خود ادعای شخص غیر معصوم را قبول می‌کنند، حال آنکه افراد دیگری نیز همان ادعای او را مطرح کردند و هر کدام ادعا می‌کرد که دروازه‌ای است به سوی امام غائب، و کشمکش و اختلاف بین کسانی که از این راه شکم خود را سیر می‌کردند شدید بود، هر یک از آن‌ها امضا و خطی نشان می‌داد و ادعا می‌کرد که از سوی امام غایب صادر شده است، و در آن نوشته و سندها دیگران لعنت و تکذیب می‌شدند. طوسی بعضی از این‌ها را در بحثی تحت عنوان:

«ذکر مذمت شدگانی که ادعای (باب) بودن و نمایندگی کردند، لعنت خدا بر آن‌ها باد»^۵.

۱ - الغیبة طوسی، ص ۲۱۴.

۲ - کتاب الغیبه، طوسی، ص ۲۵۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۲۵ / ۱۰۳ و ۱۲۳.

۴ - الارشاد مفید، ص ۳۴۵.

۵ - کتاب الغیبه، طوسی، ص ۲۴۴.

عثمان و همراهانش در آغاز از آشکار کردن اسم این فرزند خیالی، و ذکر محل اختفای او خودداری می‌کردند. از ابی عبدالله صالحی روایت است که گفت: «بعد از وفات ابو محمد علیه السلام یاران ما از من درخواست کردند از نام محل امام سؤال کنم، پاسخ آمد: «اگر اسم را بگویند آن را فاش می‌کنند، و اگر جای او را بدانند آن را به دیگران نشان می‌دهند»^۱.

و کلینی روایت کرده است که: «صاحب این امر را جز انسان کافر با نام خودش او را نمی‌خواند». وقتی گفتند: چگونه او را یاد کنیم؟ گفت: «بگویند: حجت آل محمد صلوات الله علیه و سلامه»^۲.

رسوایی

به نظر می‌رسد که پنهان کردن اسم و محل پسر حسن عسکری چیزی جز تلاش برای روپوش گذاشتن بر این دروغ نبوده‌اند، زیرا چگونه علمای‌شان به پنهان کردن اسم و جای او دستور می‌دهند در حالی که خودشان می‌گویند: «هرکس از ما اهل بیت امام را نشناسد؛ او غیر خدا کسی دیگر را شناخته و عبادت کرده است»^۳.

و همانطور که عثمان ندای عقیده غیبت را سر داد، بعد از او پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان (متوفای ۳۰۴ هجری یا ۳۰۵ هجری) از آن سخن گفت، و شیعه به چند گروه تقسیم شدند، و به علت طمع ورزی و چشم دوختن به جمع آوری اعمال یکدیگر را لعنت کردند، و از یکدیگر بیزار می‌جستند^۴، سپس محمد بن عثمان ابو القاسم حسین بن روح نوبختی را بعد از خویش به عنوان نایب امام تعیین کرد، و این منصوب کردن کشمکش و اختلاف بزرگی در میان آنان که از این راه کسب درآمد و روزی می‌کردند ایجاد کرد، بنابراین از یکدیگر جدا شده و به لعنت کردن همدیگر پرداختند^۵.

۱ - اصول کافی، ج ۱ / ۱۸۱.

۲ - اصول کافی، ج ۱ / ۳۳۳.

۳ - اصول کافی، ج ۱ / ۳۳۳.

۴ - کتاب الغیبه، طوسی، ص ۲۴۵.

۵ - کتاب الغیبه، طوسی، ص ۲۴۱.

و بالاخره برای رفع نزاع و کشمکش؛ ابن روح مقام بایّت و نیابت را بعد از خود به علی بن محمد سمری واگذار کرد.^۱

و سمری تا سه سال در این پُست باقی ماند؛ سپس احساس ناکامی کرد و فهمید که مقام او به عنوان وکیل مورد اعتماد امام غایب مقامی ناچیز و حقیر است و هنگامی که در بستر مرگ قرار گرفت از او پرسیدند: چه کسی بعد از تو جانشین تو است؟ گفت: خداوند فرمان خود را می‌رساند.^۲

غیبت صغری

دوران نیابت این چهار نفر برای مهدی؛ غیبت صغری نامیده می‌شود. و علمای شیعه عقیده غیبت را تغییر دادند و به جای این که نیابت در دست یکی از علمای شیعه باشد و مستقیم از امام غایب فرمان بگیرد؛ اعلام کردند ارتباط مستقیم با مهدی قطع شده است، و تشکیلات اثنا عشریه سندی را با امضا و خط امام موهوم صادر کردند مبنی بر اینکه: «هر مجتهد شیعه نایب امام است...» و از جمله در آن سند آمده بود: «برای سؤال در مورد حوادث به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا هستم».^۳

اما چرا آن‌ها را به قرآن و سنّت ارجاع ندادند، و چرا این کار را کردند و آن به باب سمری نسبت دادند؟

جنگ بر سر نیابت همچون سگ‌های لاش‌خور

یکی از نایبان مهدی که شیخ شیعه ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی است می‌گوید: «ما می‌دانیم چرا با ابوالقاسم حسین بن روح در این قضیه وارد شدیم، ما بر سر این مسأله با هم به کشمکش و دعوا پرداختیم همانگونه که سگ‌های لاش‌خور بر سر خوردن به جنگ و درگیری می‌پردازند».^۴

۱ - بحارالانوار، ج ۵۱ / ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۳۴۳ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۵۲ و ۳۶۲ و ج ۷۴ / ۱۹۷، و الغیبه، طوسی، ص ۲۴۴.

۲ - الغیبه، طوسی، ص ۲۴۲.

۳ - مرآة العقول مجلسی، ج ۴ / ۵۵، و وسائل الشیعه عاملی، ج ۱۸ / ۱۰۱.

۴ - بحارالانوار مجلسی، ج ۵۱ / ۲۶۷ - ۳۶۸ و کتاب الغیبه طوسی، ص ۲۱۳ / ۲۴۱ و ۳۹۱ - ۳۹۲.

آری، مسئله غیبت امام یکی از ارکان مهم مذهب شیعه، و از مسائلی است که بسیاری از علمای شیعه را سرگشته و حیران کرده است، چون آن‌ها در مورد غیبت و طولانی بودن غیبت امام، و قطع شدن اخبار او مشکوک شدند، که واقعاً حق هم داشتند.

حیرت شیعیان

شیخ شیعه ابن بابویه قُمی گفت: «به نیشابور برگشتم و در آن اقامت گزیدم، دیدم که بیشتر شیعیانی که نزد من می‌آیند از مسئله غیبت امام حیران و سرگشته بودند، و در مورد امام قائم علیه السلام دچار شبهه شده بودند...»^۱.
خواننده دانا و منصف:

شیعه در زمان شیخ و عالم خود ابن بابویه (متوفای ۳۸۱ هجری) در مورد امامی که در انتظارش هستند شک و تردید داشتند، آیا اکنون بعد از گذشت قرن‌های متمادی در مورد آن شک ایجاد نمی‌شود؟.

چرا مهدی غایب شد

س ۱۴۰- علمای شیعه علت غیبت مهدی را چه می‌دانند؟
ج- می‌گویند: علت غیبت این است که می‌ترسد کشته شود.^۲
و از زراره روایت است که گفت: «قایم قبل از ظهورش غایب می‌شود، گفتیم: چرا؟
گفت: می‌ترسد که کشته شود»^۳.
توضیح:

چگونه این ادعای دروغ و بهتان را ساخته و پرداخته‌اند در حالی که آن‌ها مردم عوام خود را ملزم می‌کنند معتقد باشند که امامان می‌دانند چه وقت می‌میرند، و اصلاً می‌دانند چگونه می‌میرند و جز با اختیار خودشان نمی‌میرند.^۴

۱ - اکمال الدین و تمام النعمة ابن بابویه قمی، ص ۲، و بحار الانوار مجلسی، ج ۱ / ۷۳.

۲ - اصول کافی، ج ۱ / ۳۳۷ - ۳۳۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲ / ۹۷، و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۱ / ۱۰۹، و کتاب الغیبه

طوسی، ص ۲۲۹ اصول کافی، ج ۱ / ۳۳۷ - ۳۳۸.

۴ - ن ک اصول کافی، ج ۱ / ۲۵۸.

و اگر امامی که شما در انتظارش هستید از ترس کشته شدن پنهان شده؛ پس چرا این امام پنهان شده در غار در زمانی که آل‌بویه شیعه بر بغداد مسلط شدند و خلفای بنی عباس را مجبور به اطاعت از خود کردند، و توسط شمشیرهای یاجوج و ماجوج دولت اسلام را نابود و متلاشی کردند ظاهر نشد و از زیر زمینی بیرون نیامد؟ آیا این فرصت مناسب نبود که خداوند فرج او را تعجیل نماید؟.

چرا وقتی شاه اسماعیل صفوی به قدرت رسید و از اهل سنت جو بیار خون به راه انداخت؛ امام غایب خود را نشان نداد و بیرون نیامد؟.

و چرا در زمان کریم خان زند- که از بزرگترین پادشاهان ایران بود- که به نام «امام زمان» سکه ضرب کرد و خود را وکیل او به حساب می‌آورد امام غایب ظهور نکرد؟.

چرا امروز که خمینی دولت تشکیل داده و ادعا می‌کند نائب کل امام معصوم است ظهور نکرده؟!

چرا تا امروز هم ظهور نکرده که ادعا می‌کنند جمعیت شیعیان به بیش از دویست میلیون^۱ نفر رسیده و بخش عمده آن‌ها در انتظار ظهور او هستند؟!

چگونه امام غایب این مدت طولانی زندگی کرده و تا کنون هم نمرده، در حالی که مردی به امام رضا گفت: فدایت شوم قومی امامت را در پدرت متوقف کرده و گمان می‌برند که پدت هنوز هم نمرده. امام رضا گفت: «دروغ می‌گویند، و آن‌ها کافر هستند به آنچه خداوند متعال بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل فرموده، اگر خداوند متعال به خاطر نیاز مردم به کسی عمر او را طولانی می‌کرد؛ قطعاً زمان وفات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به تأخیر می‌انداخت»^۲.

س ۱۴۱- علمای شیعه مذهب در مورد کسی که منکر ظهور قائم باشد چه حکمی می‌کنند؟

ج- روایت کرده‌اند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (به دروغ آن‌ها) گفته: «هرکس امام قائم را که از فرزندان من است انکار کند، مرا انکار کرده است»^۳.

۱ - حکومت اسلامی خمینی ص ۱۳۲.

۲ - رجال الکشی ج ۳۸۳/۶ رقم ۲۸۸ ح ۸ (فی الواقفة)، بحار الأنوار ج ۴۸/۲۶۵ ح ۲۵.

۳ - بحار الأنوار ۵۱ / ۷۳.

و شیخ شیعه ابن بابویه قمی می‌گوید: «کسی که وجود قائم را در زمان غیبت انکار کند؛ مثل شیطان است که از سجده کردن برای آدم امتناع ورزید»^۱.
و لطف الله صافی می‌گوید: «روایات زیاد و متعدّد در فضیلت انتظار وارد شده است»^۲.

انتظار ظهور، یکی از اصول دین شیعه است

کلینی روایت کرده که ابو جعفر گفت: «سوگند به خدا دین خودم و دین پدرانم را که با آن خدا را بندگی می‌کنیم به تو ارائه می‌دهم، شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله و اقرار به آنچه پیامبر ﷺ از سوی خدا آورده، و ولایت و دوست داشتن دوست ما، و بیزاری جستن از دشمن ما و تسلیم شدن برای فرمان ما و انتظار قائم ما و اجتهاد و پرهیزگاری است»^۳.

س ۱۴۲ - علمای شیعه از اختراع عقیده غیبت چه استفاده‌ای کسب کرده‌اند؟
ج - بزرگترین سودی که عاید ایشان شده ارتداد و برگشتن بیشتر شیعیان از دینشان است.

خواننده محترم! از این سخن تعجب نکن، چون این مطلب در جفر مقدس شیعه بیان شده است! چنان که یکی از یاران جعفر صادق می‌گوید: در مورد امام قائم ما و غیبت او و به تأخیر افتادن ظهور او و عمر طولانی ایشان و گرفتاری مؤمنان در این زمان بعد از او، و مشکوک شدن شیعه به خاطر طولانی بودن غیبت و مرتد شدن و برگشتن بیشترشان از دینشان ... تأمل کردم»^۴.

نماز جمعه تا ظهور مهدی واجب نیست

س ۱۴۳ - به اعتقاد علمای شیعه چه زمانی نماز جمعه واجب است؟

۱ - اکمال الدین، ص ۱۳ .

۲ - منتخب الاثر ۴۹۹ .

۳ - کافی ۲ / ۲۱ - ۲۲ .

۴ - الغیبة طوسی، ص ۱۰۵ - ۱۰۶ .

ج - می‌گویند: نماز جمعه واجب نیست مگر زمانی که مهددی از غار خود بیرون آید و با آن‌ها نماز بخواند.^۱
و یکی از علمایشان به این اعتراف کرده و گفته: «شیعه از زمان ائمه نماز جمعه را ترک کرده‌اند».^۲

تا ظهور مهدی جهاد در راه خدا جایز نیست

س ۱۴۴ - آیا به اعتقاد شیعه قبل از خروج مهدی جهاد جایز است؟

ج - روایت کرده‌اند: «جنگیدن جز همراه با امام واجب الاطاعه مانند حیوان خود مرده و خون و گوشت خوک حرام است».^۳

و آیت بزرگ شیعه خمینی گفته: «در زمان غیبت ولی امر و سلطان عصر-عجل الله فرجه الشریف- نمایندگان او که مجتهدین جامع شرایط فتوا و قضا هستند؛ به جای او در مقام اجرای سیاست‌ها و سایر وظایف امام عمل می‌کنند جز آغاز جهاد و مبارزه».^۴

تعارض:

وقتی که امام خمینی حکومت تشکیل داد؛ در قانون اساسی تصویب کردند که: «ارتش جمهوری اسلامی علاوه بر مسئولیت حفظ و حراست از مرزها؛ وظیفه حمل رسالت اعتقادی جهاد در راه خدا و مبارزه برای توسعه حاکمیت قانون الهی بر همه جای جهان را بر عهده دارد».^۵

فرجام کسانی که در طول تاریخ اسلام قبل از ظهور کشته شده‌اند

س ۱۴۵ - پس حکم مجاهدینی که در طول تاریخ سرزمین کفار را فتح کرده‌اند چیست؟

۱ - مفتاح الكرامة، كتاب الصلوة ۲ / ۶۹ و تحرير الوسيلة خميني ۱ / ۱۳۱ .

۲ - خالصی در کتابش الجمعة، ص ۱۳۱ این را نقل کرده است .

۳ - فروع الكافي كليني ۱ / ۳۴۴، تهذيب الاحكام طوسي ۲ / ۴۵، وسائل الشیعه عاملي ۱۱ / ۳۲ .

۴ - تحرير الوسيلة ج ۱ / ۴۸۲ .

۵ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چاپ جدید ص ۱۰ .

ج - امام‌شان گفته است: «وای شتاب می‌ورزند! در دنیا کشته می‌شوند و در آخرت هم کشته می‌شوند، سوگند به خدا که هیچ کسی جز شیعیان ما شهید نیست، و شیعیان ما شهیدند حتی اگر روی رخت‌خواب بمیرند»^۱.

طرح و برنامه‌های مهدی بعد از ظهور

س ۱۴۵- به اعتقاد علمای شیعه امام دوازدهم بعد از قیام و ظهور چه اقداماتی خواهد کرد؟

ج- شیعه معتقدند که وقتی او ظهور کند:

۱- انتقام از ابوبکر و عمر و عایشه رضی الله عنهم

علمای شیعه به صراحت گفته‌اند آن مهدی که در انتظارش هستند ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را زنده خواهد کرد، سپس آن‌ها را بر تنه درخت خرمایی به دار آویخته و هر روز هزار بار آن‌ها را می‌کشد^۲. سپس فرمان می‌دهد زیر آن درخت آتش بیفروزند و آن دو را همراه با درخت می‌سوزاند، سپس خاکسترشان را در دریا می‌اندازد. مفضل (راوی حدیث دروغ) گفت: سرورم، آیا این آخرین عذاب آن‌هاست؟ گفت: «هیئات یا مفضل». علمای شیعه دعاهایی را ساخته‌اند که با آن‌ها هر روز قایم موهوم و خیالی خود را به فریاد می‌خوانند تا ظهور کند، و از ابوبکر و عمر رضی الله عنهما انتقام بگیرد^۳.

و مجلسی گفته: «وقتی مهدی ظهور کند؛ عایشه رضی الله عنها را زنده خواهد کرد و بر او حدّ اجرا خواهد کرد»^۴.

۲- همه عرب از دم تیغ می‌گذرانند

نعمانی از ابی عبدالله رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: «بین ما و عرب چیزی جز ذبح و سربریدن باقی نمانده است»^۵.
توضیح:

۱ - تهذیب الاحکام طوسی ۴۲ / ۲ .

۲ - ایقاظ من الهجعه عاملی، ص ۲۸۷ .

۳ - الصراط المستقیم ۲ / ۲۵۲، مختصر الدرجات، ص ۱۹۱، الشیعه و الرجعة، ص ۱۳۹ طیبسی، البرهان ۳ / ۲۲۰ .

۴ - حق الیقین مجلسی، ص ۳۴۷ .

۵ - بحار الانوار ۵۲ / ۳۴۹، الغیبة نعمانی، ص ۱۵۵ .

چنانکه ملاحظه می‌شود این نسل‌کشی بدون فرق بین شیعه و سنی همه عرب را شامل شده، باوجود اینکه جمع زیادی از شیعه عرب هستند.

به همین علت است که آخون‌های فارسی زبان از ابی عبدالله روایت کرده که گفت: «از عرب پرهیز که خبر بدی در انتظار آن‌هاست، هیچ کس از آن‌ها با قایم همراه نمی‌شود»^۱.

توضیح:

ای عرب‌های شیعه! آیا وقت آن فرا نرسیده که بدانید مخترع و بنیانگذار دین شما ابن سبأ یهودی و برادران مجوسی او هستند؟ نگاه کنید چگونه شما را به ظهور مهدی تهدید می‌کنند که هرگاه ظهور کند همه شما را به قتل می‌رساند؟.

بینید علمای شما در مورد اصول دینی واقعی خویش که مجوسیت و یهودیت است چه روایت‌هایی ساخته و پرداخته‌اند؟!

آخوندهای شما روایت کرده‌اند که امیرمؤمنان علی علیه السلام پادشاه دین شما، یعنی کسرا را زنده کرد و به جمجمه سر او گفت: «تو را به خدا قسم به من بگو من کیستم و تو کیستی؟ جمجمه با زبان روان گفت: تو امیر مؤمنان، و سرور وصی‌ها و پیشوای پرهیزگاران هستی، اما من بنده خدا و پسر بنده خدا کسری پسر انوشیروان... هستم، ولی با وجود اینکه کافر بودم خدا مرا از آتش دوزخ نجات داد... و دوزخ بر من حرام است»^۲.

و چرا مهدیتان شما را از دم تیغ می‌گذرانند؟ آیا به خاطر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و همه امامان عرب هستند؟ آیا مهدی خیالی شما عرب نیست...!! یا اینکه از علمای یهود اصفهان است...!!

و نیز روایت کرده‌اند: «این امر (ظهور قائم) اتفاق نخواهد افتاد تا نه دهم مردم از بین نرود»^۳.

تعارض

۱ - بحار الانوار ۵۲ / ۳۳۳، الغیبة طوسی، ص ۲۸۴.

۲ - بحار الانوار مجلسی ۴۱ / ۴.

۳ - بحار الانوار ج ۵۲/۲۴۴ ح ۱۲۰ (باب علامات ظهوره...).

از ابوعبدالله روایت کرده‌اند که گفت: «این امر (ظهور مهدی) واقع نشود تا دو سوّم مردم از بین نرود»^۱.

۳- قتل عام حجاج بیت الله بین صفا و مروه

روایت کرده‌اند که «(ابوعبدالله گفت): گویی حمران بن أعین و میسر بن عبدالعزیز را می‌بینم که با شمشیرهای خویش مردم را بین صفا و مروه بر زمین می‌زنند»^۲.
 خمینی و هم‌فکرانش که معتقدند فقیه شیعه نایب امام غایب است؛ برای اجرای این رؤیای مجوسی در حرم امن الهی در حج سال (۱۴۰۷ هـ ش) تلاش کردند، ولی خداوند عز وجل آرزویشان را ناکام ساخت، ولی پیروان خمینی دو سال بعد حادثه بمب- گذاری راه انداختند و تعدادی از حجاج بیت الله در سرزمین امن خدا قربانی این جنایت شدند. خداوند حجاج و عامرین و حرم مکه را حفظ گرداند.

۴- انهدم مسجد الحرام و مسجد نبوی و حجره نبوی

شیخ شیعه مجلسی از ابی عبدالله روایت کرده که گفت: «قائم ما مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله را تخریب می‌کند، و آن‌ها را به اساس اصلی آن برمی‌گرداند»^۳.
 چون مهدیشان در خروج از مخفیگاه خود تأخیر کرد؛ قرامطه در سال (۳۱۷ هـ) وارد عمل شده و به جنگ مکه رفتند و حجرالأسود را بیرون کشیدند، ولی آن را به شهر قم نبردند، بلکه به بحرین بردند و بیست و دو سال در تصرف آن‌ها باقی ماند!!
 اما در مورد اینکه چرا حجرالأسود را ربودند، و قبله مسلمانان کجا خواهد بود شیخ و عالم شیعه فیض کاشانی روایت کرده که امیر مؤمنان در مسجد کوفه سخنرانی کرد و گفت: «ای اهل کوفه! خداوند عز وجل چنان لطف و فضلی به شما نموده که به هیچ کس آن را نداده است، مصلاهی شما خانه آدم و خانه نوح و خانه ادریس و مصلاهی ابراهیم است ... و شب‌ها و روزها پایان نخواهند یافت تا وقتی که حجرالأسود در آن نصب شود»^۴.

۱ - کتاب الغیبة طوسی ص ۳۳۹ ح ۲۸۶.

۲ - بحار الأنوار ج ۴۰/۵۳ ح ۷ (باب الرجعة).

۳ - بحار الأنوار ۵۲ / ۳۳۸، و کتاب الغیبة طوسی، ص ۲۸۲ و ۴۷۲ .

۴ - الوافی فیض کاشانی ۱ / ۲۱۵، من لایحضره الفقیه ابن بابویه ۱ / ۲۳۱ - ۲۳۲، وسائل الشیعه ۵

و مدعی هستند که مهدی گفته: به یثرب می‌آیم و حُجره (رسول خدا ﷺ) را منهدم می‌کنم...^۱.

شیخ و آیت معاصرشان حسین خراسانی گفته: «گروه‌های شیعه برای فرا رسیدن روزی لحظه شماری می‌کنند که نزدیک است و بار دیگر این سرزمین‌های مقدس فتح شوند؛ تا آن‌ها با اطمینان و آرامش خاطر وارد آن شوند و خانه پروردگارشان را طواف کنند و مناسک‌شان را ادا کنند و قبر سادات و بزرگان‌شان را زیارت نمایند... و آنجا پادشاه ستمگری نخواهد بود که علیه آنان تجاوزگری کند و حیثیت آنان و حرمت اسلام‌شان را هتک کند، و خون‌های مصون آنان را بریزد و اموال محترم آنان را از روی تجاوز و ستمگری چپاول کند، خداوند آرزوهای ما را تحقق ببخشد»^۲.

و در تاریخ ۱۷ / ۳ / ۱۹۷۹ میلادی در یک سیمینار رسمی که در آبادان برگزار شد و انبوه زیادی از مردم برای بزرگداشت پیروزی انقلاب خمینی در آن شرکت کرده بودند؛ یکی از علمای شیعه به نام دکتر محمد مهدی صادقی سخنرانی کرد و گفت: «ای برادران مسلمان شرق و غرب با صراحت به شما می‌گویم که مکه و مدینه را گروهی از یهودیان اشغال کرده‌اند»^۳. و به آن‌ها وعده داد که مکه و مدینه فتح خواهند شد.

و رسانه‌ها و مطبوعات دولت خمینی تصاویر زیادی را نشان می‌دهند که بیانگر این اعتقاد و باور است، از آن جمله تصویری که کعبه و مسجد قدس را در کنار هم کشیده‌اند و در وسط هر دو دستی با اسلحه بیرون آمده، و زیر این عکس نوشته‌اند: «هر دو قبله را آزاد می‌کنیم»^۴.

۵- اقامه حکم آل داود^۵

۱ - بحار الانوار ۵۳ / ۱۰۴ - ۱۰۵ .

۲ - الاسلام علی ضوء التشیع خراسانی، ص ۱۳۲ - ۱۳۳ .

۳ - این سخنرانی در ساعت ۱۲ ظهر روز ۱۷ / ۳ / ۱۹۷۹ میلادی از صدای انقلاب اسلامی آبادان پخش گردید .

۴ - مجله شهید ایران (که توسط آخوندهای قم منتشر می‌شود) - ش ۴۶ / ۱۰ / ۱۴ .

۵ - یعنی آن‌ها دین اسلام را منسوخ می‌کنند و به دین یهودیان برمی‌گرداند!! .

مرجع و عالم آن‌ها کلینی فصلی را نوشته تحت عنوان: «باب در بیان اینکه وقتی ائمه به قدرت برسند بر اساس حکم داود و آل داود حکمرانی می‌کنند و از کسی شاهد نمی‌خواهند».

و علی بن حسین علیه السلام را پرسیدند: «با کدام قانون حکم می‌کنید؟ گفت: با حکم آل داود، اگر چیزی برای ما مشکل باشد روح القدس آن را به ما می‌آموزد»^۱.
تناقض:

از ابو جعفر روایت است که گفت: «قائم در میان شیعیانش گاهی بر اساس حکم آدم و گاهی بر اساس حکم داود و گاهی بر مبنای قضاوت ابراهیم حکم می‌کند، و در همه این موارد برخی از یارانشان با او مخالفت می‌کنند، پس او گردشان را می‌زند، سپس در مرحله چهارم بر اساس حکم محمد صلی الله علیه و آله حکم می‌کند آنگاه هیچ کس به او اعتراض نمی‌کند»^۲.
توضیح:

همچنین روایت کرده‌اند: «وقتی قائم اهل بیت قیام کند؛ بطور مساوی تقسیم می‌کند، و درمیان رعیت با عدالت رفتار می‌نماید، پس هر کس از او اطاعت کند؛ از خداوند اطاعت کرده است، و هر کس او را نافرمانی کند؛ خدا را نافرمانی کرده است. و علت نامگذاری او به مهدی این است که مردم را به مسأله‌ای مخفی و پنهان راهنمایی می‌کند، و تورات و سایر کتاب‌های الهی را از غاری در انطاکیه (اندلس) استخراج می‌کند، و در میان اهل تورات با تورات و در بین اهل انجیل با انجیل، و در بین اهل زبور با زبور، و بین اهل قرآن با قرآن حکم می‌کند»^۳.

یعنی: برای همه ادیان دعوت کرده و شعار ماسیونی را سر می‌دهد!!
و از ابو عبدالله روایت کرده‌اند که گفته: سوگند به خدا سوگند، گویی او را می‌بینم که بین رکن کعبه و مقام ابراهیم ایستاده و از مردم بر کتاب جدیدی بیعت می‌گیرد، و بر عرب‌ها سرسخت است»^۴.

۱ - اصول کافی ۱ / ۳۸۹.

۲ - بحار الانوار ۵۲ / ۳۸۹.

۳ - بحار الانوار ج ۳۵۱/۵۲ ح ۱۰۳ الغیبة نعمانی ص ۲۳۷ ح ۲۶ (باب ۱۳).

۴ - بحار الانوار ۵۲ / ۱۳۵، الغیبة نعمانی و الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم ۲ / ۲۶۰.

توضیح:

شیعه‌های عرب بیچاره، با وجود این؛ روایات شما حاکی از آن است که قائم و مهدی شیعه شما کتابی می‌آورد غیر از این قرآن که اینک پیش روی مردم است!

و با مردم بر خلاف رفتار رسول خدا ﷺ و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام رفتار خواهد کرد. در بحارالانوار آمده است: «خداوند پیامبر ﷺ را برای جهانیان به عنوان رحمت و مهربانی فرستاده شده بود و قائم بلایی برای جهانیان است»^۱.

و زراره از ابوجعفر در مورد قائم سؤال کرد: آیا قائم مطابق سیره و رفتار محمد عمل می‌کند؟ گفت: «بعید است بعید، ای زراره با سیره و روش رسول خدا ﷺ عمل نمی‌کند، رسول خدا ﷺ با مهربانی و نرمی با امت خویش رفتار کرده است، ولی سیره قائم ما قتل و کشتار است»^۲.

پس به اقتضای این روایات؛ قائم مطابق سیره رسول خدا ﷺ و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام رفتار نمی‌کند؟ آیا قائمی که شما منتظرش هستید دولت یهودیان (اسرائیل) یا (مسیح دجال) نیست؟

چرا قائم با آئین داود حکم می‌کند؟

آیا این اشاره نیست به اینکه ریشه‌های تشیع به یهودیت برمی‌گردند؟ بنابراین دولت اسرائیل لابد بر اساس آئین داود حکم می‌کند و اولین اقدامات عملی آن کشتار مسلمانان به خصوص عرب‌هاست، و رؤیای دولت اسرائیل انهدام و تخریب مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، و آن‌ها می‌خواهند به جای قرآن کتاب دیگری بیاورند، و ادعای مؤسسان و بنیانگذاران مذهب شیعه در مورد تعداد ائمه به تعداد اسباط بنی اسرائیل اشاره دارد که دوازده نفر بودند، همچنین آن‌ها جبرئیل را دوست ندارند، همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید:

۱ - ج ۵۲ / ۳۱۴ .

۲ - مجله شهید ایران - ترجمان علمای شیعه قم - ش ۴۶ / ۱۰ / ۱۴ .

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾﴾ [البقرة: ۹۷-۹۸].

یعنی: «بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتاب‌های آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است.»

۶- تغییر در ارث

از امام صادق روایت کرده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ أَخَى بَيْنَ الْأَرْوَاحِ فِي الْأُظْلَةِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَبْدَانَ بِالْفِي عام، فلو قد قام قائمنا أهل البيت أَوْرَثَ الْأَخَ الَّذِي أَخَى بَيْنَهُمَا فِي الْأُظْلَةِ، ولم يُورث الأخ من الولادة»^۱.

یعنی: «خداوند هزار سال قبل از آفرینش کالبد و بدن انسان‌ها در بین ارواح آن‌ها پیوند برادری برقرار کرد، اگر قائم ما قیام کند برادر از کسی ارث می‌گیرد که در بین ارواحشان عقد برادری بسته شده، و برادر ولادتی (پدری و مادری) از او ارث نمی‌برد.»

زمان ظهور مهدی

س ۱۴۷ - آیا علمای شیعه زمان خروج قائم‌شان را تعیین کرده‌اند؟

ج - بله، در اصول کافی روایت شده که علی علیه السلام را پرسیدند: دوران حیرت و غیبت چقدر خواهد بود؟ گفت: «شش روز، یا شش سال». گفتم: پس زود می‌آید، گفت: «بله همانگونه که سریع آفریده شد».

اما چون قائم بیرون نیامد علمای شیعه گفتند: مدت غیبت هفتاد سال است! ولی هفتاد سال هم گذشت و ظهور نکرد؟ باز علمای شیعه زمان را به دو برابر تغییر دادند و گفتند: یکصد و چهل سال دیگر ظهور می‌کند.

سپس علمایشان اعلام کردند که زمان ظهور او وقت مشخصی ندارد!!

و این زمانی بود که انتظارشان طولانی شد و به شدت حیرت زده شدند!!

۱- الاعتقادات لابن بابویه ص ۸۳ (باب الاعتقاد فی النفوس والأرواح).

کلینی از ابی بصیر روایت کرده که گفت: «ابو عبدالله را در مورد قائم پرسیدم، گفت: آنان که وقت خروج او را مشخص می‌کنند دروغ گفته‌اند، ما اهل بیت وقت تعیین نمی‌کنیم»^۱.

طرح ولایت فقیه راه برون رفت از معضل بزرگ

س ۱۴۸- علمای شیعه برای برون رفت از این معضل عقیده انتظار مهدی خود چه راهی برای قانع کردن پیروان‌شان انتخاب کرده‌اند؟

ج- مقوله ولایت فقیه را مطرح کردند، و به دروغ به ابی جعفر نسبت داده‌اند که گفته: «هر پرچمی که قبل از پرچم قائم برافراشته شود صاحب آن طاغوت است» و مازندرانی بدان افزود: «گر چه برای حق دعوت کند»^۲.

و همچنین سند و امضایی جعل کرده‌اند که برخی از صلاحیت‌های مهدی را به آن‌ها واگذار می‌کند: «در مورد حوادثی که پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید، آن‌ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا می‌باشم»^۳.

پس نظر علمای‌شان بر این ثابت گردید که ولایت فقها فقط در مسائل افتا و امثال آن است، اما ولایت عام و کلی که شامل دولت و حکومت است، از دیدگاه آنان از صلاحیت‌های منحصر به فرد امام غایب است چون وقتی برگردد حکمرانی می‌کند! و بر همین اعتقاد باقی ماندند تا اینکه خمینی از طولانی شدن انتظار به ستوه آمد، چون می‌دانست همه این‌ها خرافه‌ای بیش نیست گفت: «از غیبت کبرای امام ما مهدی هزار سال گذشته است و ممکن است هزاران سال دیگر به طول بینجامد...»^۴.

۱ - اصول کافی ۱ / ۳۶۸ .

۲ - کافی با شرح مازندرانی ۱۲ / ۳۷۱ .

۳ - مرآة العقول ۴ / ۵۵، وسائل الشیعه ۱۸ / ۱۰۱، الاحتجاج ۲ / ۴۶۹، الخرائج و الجرائح ۳ / ۱۱۱، الغیبة ۱۷۷ .

۴ - الحکومة الاسلامیة، ص ۲۶ .

و خمینی در مورد خود و دوستانش می‌گوید که آن‌ها بر مردم حجت هستند، همانطور که پیامبر ﷺ بر مردم حجت بود، و هرکس از اطاعت آنان سرپیچی نماید، خداوند او را مواخذه می‌کند و از او حساب می‌گیرد.^۱

و می‌گوید: «به هر حال همه آنچه که به پیامبران واگذار شده به آنان (یعنی فقهای شیعه) نیز سپرده شده است، و به آنچه پیامبران در آن امین قرار داده شده‌اند آنان نیز امین قرار داده شده‌اند».^۲

ضربه کمر شکن بر شیعه

این گواهی و اعتراف مهم و خطیر یکی آیات و حجّت‌های شیعه یعنی خمینی بر فاسد بودن اساس مذهب شیعه است، او شهادت می‌دهد که اجماع فرقه‌ی او، شیعه اثنی عشریه در قرون گذشته بر گمراهی بوده است، و اعتقاد به منصوص بودن امام مشخص و تعیین شده باطل بوده است، و تاریخ و واقعیت با وضوح کامل فساد و باطل بودنش را ثابت کرد، و اینک بعد از گذشت سال‌هایتمادی؛ از قیام امام صاحب زمان که بتواند بر همه صلاحیت‌های خود استیلاء یابد نومید گشتند، و مجبور شدند با طرح عقیده‌ای جدید به نام ولایت فقیه علیه اجماع و عقیده گذشته خود شورش برپا کنند! لذا خمینی مزایای مربوط به امام زمان را به خود و یاورانش که فقهای شیعه هستند اختصاص داد و گفت: علی رغم اینکه نام کسی در دوران غیبت امام به عنوان نائب او منصوص نیست؛ جز اینکه ویژگی‌های حاکم شرعی در بخش عمده فقهای این عصر موجود است».^۳

هدف شیعه از انتساب به اهل بیت

س ۱۴۹ - چرا علمای شیعه خود را به اهل بیت منتسب می‌کنند؟

ج- امیر مؤمنان علی علیه السلام گفت: «اگر شیعیانم را مورد بررسی قرار دهم آن‌ها را جز افرادی ستایشگر نخواهم یافت، و اگر آنان را بیازمایم آنان را جز افرادی مرتد نخواهم یافت، و اگر آنان را پالایش و تصفیه کنم از هزار نفر یکی خالص نخواهند شد، و اگر

۱- حکومت اسلامی، ص ۸۰.

۲- حکومت اسلامی، ص ۸۰.

۳- منبع سابق ص ۴۸-۴۹.

آنان را غربال کنم چیزی از آن‌ها باقی نمی‌ماند مگر کسی که از من بوده باشد، آن‌ها از دیر باز است که بر تخت و بالش تکیه زده‌اند و گفتند: ما شیعیان علی هستیم...»^۱.

همچنین فرمود: «ای شبه مردان نامرد، عقل‌هایتان کودکانه و خردتان زنانه است، ای کاش شما را نمی‌دیدم و نمی‌شناختم، شناختی که باعث پشیمانی گردید، و نکوهش به دنبال داشت، خداوند شما را نایود کند! دلم را آکنده از چرک کردید، و سینه‌ام را سرشار از خشم نموده‌اید...»^۲.

و حسین علیه السلام دست‌هایش را به سوی آسمان برافراشت و علیه شیعیان خود دعا کرد و گفت: «بار خدایا اگر آنان را تا مدتی برای بهره مندی از دنیا باقی گذاشتی آنان را متفرق گردان، و چنان کن که حاکمان هیچگاه از آنان راضی نباشند، آن‌ها ما را فراخوانند تا یاریمان کنند، سپس برای قتل و کشتار ما به پا خاستند»^۳.

وقتی هم که ایشان علیه السلام مورد اصابت قرار گرفت و زخمی شد گفت: سوگند به خدا به نظرم معاویه برای من از این‌ها بهتر است، این‌ها ادعا می‌کنند که شیعه و طرفدار من هستند، اما برای کشتنم تلاش می‌کنند، و مالم را ربودند، سوگند به خدا اگر از معاویه پیمان بگیرم که خون من ریخته نشود و در میان خانواده‌ام با امنیت زندگی کنم بهتر از این است که این‌ها مرا بکشند و آنگاه خانواده‌ام از دست بروند...»^۴.

و وقتی زین العابدین زنان کوفه را دید که گریبان‌شان را پاره کرده و همراه مردان گریه می‌کنند با صدایی ضعیف (که به علت بیماری ضعیف شده بود)^۵ گفت: «این‌ها ما را کشتند که برای ما گریه می‌کنند»^۶.

و زینب بنت علی علیه السلام گفت: ای اهل کوفه، اهل عهد شکنی و خیانت ... آگاه باشید که کار زشتی کرده‌اید و خداوند بر شما خشمگین است و در عذاب جاویدان می‌مانید، آیا برای برادرم گریه می‌کنید؟ آری، سوگند به خدا گریه کنید، شما به گریه کردن

۱ - الروضة کافی ج ۲۰۷۳/۸ (کتاب الروضة ح ۲۹۰ حدیث یأجوج ومأجوج).

۲ - کافی ۵ / ۵ - ۶.

۳ - الارشاد مفید، ص ۲۴۱، و مثیر الاحزان، ص ۷۴، ابن نما حلی، و اعلام الوری طبرسی، ص ۲۴۱.

۴ - الاحتجاج طبرسی ۲ / ۱۰، ۲۹۰.

۵ - الاحتجاج ۲ / ۲۹، ۳۰۳ - ۳۰۴.

۶ - الاحتجاج طبرسی ۲ / ۲۹، ۳۰۳ - ۳۰۴.

سزاوارترید، پس زیاد گریه کنید و کم بخندید، ننگ بر شما است و با خشم خدا برگشته اید و ذلت و خواری برای شما ثبت گردیده است...»^۱.

باقر گفت: «اگر همه مردم شیعه ما باشند، سه چهارم آنان به ما شک دارند، و یک چهارم دیگرشان احمق اند...»^۲.

و باقر علیه السلام گفت: «اگر مردم همه شیعه ما بودند؛ سه چهارم آن‌ها مشکوک و بقیه احمق می‌بودند...»^۳.

و وقتی رهبران شیعه نزد ابی عبدالله رفتند و گفتند: «ما را لقب توهین آمیزی داده‌اند که کمر ما را شکسته و دل‌های ما به سبب آن مرده است، و به سبب آن حاکمان ریختن خون ما را حلال شمرده‌اند. ابو عبدالله گفت: منظورات لقب رافضه است؟ گفتند: آری، گفت: نه سوگند به خدا آن‌ها شما را رافضه نامیده‌اند، بلکه خدا شما را رافضه نامیده است»^۴.

و مجلسی بابی را تحت این عنوان آورده است که: «فضیلت رافضه و ستایش نام‌گذاری با آن» و چهار حدیث در این مورد ذکر کرده است.^۵

ضربه کمر شکن

علی بن یزید شامی از ابوالحسن روایت کرد که ابو عبدالله علیه السلام گفت: «خداوند هیچ آیه‌ای در مورد منافقین نازل نکرده مگر اینکه در مورد کسانی نازل کرد که به مذهب تشیع در آمده‌اند»^۶.

طعنه و ناسزاگویی اهل بیت از سوی شیعه

س ۱۵۰- آیا اهل بیت از ناسزاگویی و طعنه زدن علمای شیعه در امان مانده‌اند، لطفاً مثال بیاورید؟

۱ - بحار الانوار ۴۵ / ۱۶۲ .

۲ - اصول کافی ۱ / ۴۹۶ .

۳ - بحار الأنوار ج ۴۶ / ۲۵۲ ح ۴۵ .

۴ - کافی ۵ / ۳۴ .

۵ - البحار ۶۸ - ۸۶ ، ۹۷ .

۶ - رجال کشی، ۲۵۳ - ۲۵۴ .

ج- خیر، بلکه علمای شیعه همه اهل بیت را جز علی بن ابی طالب علیه السلام مرتد شمرده‌اند!! از ابی جعفر علیه السلام روایت کرده‌اند که گفته است: «وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله وفات یافت همه مردم به جاهلیت برگشتند جز علی و مقداد و سلمان و ابوذر...»^۱.

و گفتند: علی علیه السلام در مورد پذیرفتن اسلام تردید داشت و از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست مهلت کرد و گفته: «این دین مخالف دین پدرم است، در مورد آن می‌اندیشم»^۲.

و در بعضی از کتاب‌هایشان^۳ آمده است که سفیان بن لیلی حسن بن علی علیه السلام را مذل المؤمنین نامید، چون حسن خلافت را به معاویه واگذار کرده بود.

و شیعیان حسین علیه او شوریدند و خیمه و کالاهای او را چپاول کردند، و ابن بشیر اسدی به پهلوی او خنجر زد!! و او را در حالی که زخمی بود به مداین آوردند^۴.

و در مورد جعفر بن علی گفته‌اند: «جعفر فاسق آشکار و شراب‌خوار است، و فرومایه‌ترین مردی است که او را دیده‌ام، حرمت و ارزش خویش را حفظ نکرده، و خود را حفظ نمی‌کند و سبک و بی ارزش و... است»^۵.

و محدث معروف شیعه زرارة - خداوند رسوایش کند- به ریش ابوعبدالله می‌گوزید!!^۶، و گفت در مورد تشهّد سؤال کردم، گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله» گفتم: التحیات والصلوات. گفت: التحیات والصلوات. وقتی بیرون رفتم گفتم: فردا اگر با او دیدار کردم از او سؤال می‌کنم. فردا از او در مورد تشهّد سؤال کردم، دوباره همان پاسخ قبلی را داد، گفتم: التحیات والصلوات. گفت: التحیات والصلوات. به خود گفتم: فردا دوباره از او سؤال می‌کنم، بعد سؤال کردم. در روز سوّم به ریشش گوریدم، و گفتم: هرگز رستگار نمی‌شود!^۷.

۱ - تفسیر عیاشی ۱/ ۱۹۹، البرهان ۱/ ۳۱۹، تفسیر صافی ۱/ ۳۰۵، بحار الانوار ۲۲/ ۳۳۳.

۲ - سعد السعود ابن طاوس علی بن طاوس حسینی ت ۶۶۴ ص ۲۱۶.

۳ - الاختصاص مفید، ص ۸۲، بحار الانوار ۱۰/ ۱۰۵ و ۲۸۶/ ۷۰.

۴ - رجال کشی، ص ۱۱۳.

۵ - اصول کافی ۱/ ۵۰۴.

۶ - رجال کشی، ص ۱۴۲.

۷ - رجال کشی ج ۱۴۴/ ۲ رقم ۶۳ ح ۵۸ (زرارة بن أعین).

ای بزرگان شیعه آیا این معقول و پذیرفتنی است، آیا شرم و حیا نمی‌کنید؟! و در مورد این آیه گفته‌اند در مورد عباس عموی رسول صلی الله علیه و آله نازل شده که می‌فرماید:

﴿يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نَفْعَ لَهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ﴾ [الحج: ۱۷].^۱

یعنی: «آنان جز خدا چیزهائی را به فریاد می‌خوانند و می‌پرستند که نه زبانی می‌توانند بدیشان برسانند و نه سودی را. این، سرگشتگی فراوان، و گمراهی بسیار دور (از حق و حقیقت) است».

و کلینی حکم کفر را در مورد عبدالله بن عباس رضی الله عنه صادر کرده است.^۲ و رهبران شیعه در مورد پسر امامشان رضا علیه السلام شک کرده‌اند که آیا پسر او است یا نه، و زنش را به زنا متهم کرده‌اند، و تا قیافه شناسان را نیاوردند و در مورد حلال زاده بودنش حکم نکردند قانع نشده‌اند، بعد از آن امامشان رضا را تصدیق کرده‌اند!^۳ و کلینی در کتاب فروع روایت کرده که فاطمه راضی به ازدواج با علی رضی الله عنه نبود و گفت: سوگند به خدا به شدت محزونم، و فقر و مستمندی‌ام شدت یافت و بیماری‌ام طولانی گردیده است.^۴

تعداد دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله به ادعای شیعه

س ۱۵۱ - نزد علمای شیعه تعداد دختران پیامبر صلی الله علیه و آله چقدر بوده است؟
 علمایشان گفته‌اند: «بعد از پژوهش در نصوص تاریخی دلیلی نیافته‌ایم که ثابت کند جز فاطمه زهرا پیامبر صلی الله علیه و آله دختر دیگری داشته باشد، بلکه ظاهر امر این است که دختران دیگر، دختر خدیجه از شوهر اول او بوده‌اند».^۵

۱ - رجال کشی، ۵۲ - ۵۳.

۲ - اصول کافی ۱ / ۲۴۷.

۳ - اصول کافی ۱ / ۳۲۲.

۴ - کشف النعمة فی معرفة الائمه اربلی ۱ / ۱۴۹ - ۱۵۰.

۵ - دائرة المعارف الاسلامیه شیعی حسین امین ۱ / ۲۷، کشف الغطاء جعفر نجفی، ص ۵.

بلکه عالم شیعه علی کوفی گفته: «رقیه و زینب همسران عثمان رضی الله عنهما نه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و نه دختر خدیجه!»^۱.

طینت (ماده آفرینش انسان‌ها)

س ۱۵۲ - عقیده علمای شیعه در مورد خاک و ماده آفرینش چیست؟

ج - آن‌ها معتقدند که شیعه از ماده خاک ویژه‌ای آفریده شده، و سنی از خاک دیگری خلق شده و این دو خاک به صورت مشخصی با هم آمیخته شده‌اند، بنابراین همه گناه و جنایتهایی که از شیعه سر می‌زند به خاطر تحت تأثیر قرار گرفتن او از ماده و خاک سنی است، و درستکاری و امانتداری که در سنی وجود دارد به خاطر تأثیر خاک و ماده شیعی در اوست، و روز قیامت گناهان شیعه روی اهل سنت قرار گرفته و نیکی‌های اهل سنت به شیعیان داده می‌شوند.^۲

و جزائری می‌گوید: «اصحاب ما این احادیث را با سندهای زیادی در اصول و غیره روایت کرده‌اند، بنابراین جایی برای شک و انکار آن باقی نمانده است، بلکه این‌ها روایات متواتر و مشهوری هستند»^۳.

توضیح:

این مانند ادعای ابلیس بود که گفت:

﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ [ص: ۷۶].

«من بهتر از او هستم. تو مرا از آتش آفریده‌ای و وی را از گل».

نکته‌های خنده‌دار

* - از ابی عبدالله رضی الله عنه روایت است که گفت: «خاک قبر حسین شفای هر بیماری است و بزرگترین دواست»^۱.

۱ - الاستغاثة فی بدع الثلاثة ج ۱ / ۶۴

۲ - علل الشرائع قمی، ص ۴۹۰ - ۴۹۱، بحار الانوار ۵ / ۲۴۷ - ۲۴۸، ن ک به بابی که کینی آورده

است: باب طینة المؤمن و الکافر، و در آن باب هفت حدیث ذکر کرده است (اصول کافی ۲ / ۲ -

۶) و همواره به این احادیث هفت گانه اضافه می‌شوند تولید مثل می‌کنند!! تا اینکه در زمان

مجلسی به ۶۷ حدیث رسیده‌اند ۵ / ۲۲۵ - ۲۷۶ و هنوز در عصر ما در حال افزایش هستند؟!.

۳ - اصول کافی ۱ / ۳۲۲.

* - و روایت کرده‌اند امام: «سجده بر خاک قبر حسین علیه السلام تا زمین هفتم روشنایی می‌بخشد»^۲.

* - و... «بهترین چیز که با آن افطار شود خاک قبر حسین علیه السلام است»^۳.

* - و... «کام نوزادان خود را با خاک قبر حسین علیه السلام شیرین کنید، زیرا خاک قبر حسین سبب امان است»^۴.

دیدگاه شیعه نسبت به اهل سنت

س ۱۵۳ - عقیده علمای شیعه در مورد اهل سنت که آن‌ها را ناصبی و عامه می‌نامند چیست؟

ج ۱- گفته‌اند: فقط در ظاهر احکام اسلام بر آن‌ها اجرا می‌شود، و علمای شیعه اجماع کرده‌اند که آن‌ها اهل دوزخ هستند.

زین العابدین بن علی عاملی که نزد شیعه ملقب به شهید ثانی است می‌گوید: «کسانی که می‌گویند مخالفان ما (اهل سنت) مسلمان هستند؛ می‌خواهند اجرای بخش عمده احکام مسلمین در ظاهر بر آن‌ها درست باشد نه اینکه آن‌ها را در واقع مسلمان بدانند، بنابراین نقل کرده‌اند که به اجماع آن‌ها به جهنم می‌روند»^۵.

و مجلس در مورد اهل سنت گفته: «از بعضی روایات، بلکه از روایات متعدد چنین بر می‌آید که آن‌ها در دنیا هم در حکم کفار هستند، اما از آنجا که خداوند می‌داندست حکام ستمگر و پیروان‌شان بر شیعیان مسلط می‌شوند، و به معاشرت و همزیستی با ایشان مبتلا شده و برایشان ممکن نیست از آن‌ها پرهیز کنند، و معاشرت و همزیستی و ازدواج با آن‌ها را ترک کنند، جهت آسان کاری حکم اسلام را در دنیا بر آن‌ها جاری کرده، ولی وقتی قائم علیه السلام ظهور کند؛ مانند سایر کفار در همه موارد حکم صادر

۱ - المزار مفید، ص ۱۲۵، ۱۴۳، و من لا یحضره الفقیه ج ۲ / ۵۹۹ و تهذیب الاحکام ج ۶ / ۷۴، ووسائل الشیعه ج ۱۴ / ۵۲۴ و روضة الواعظین نیشابوری، ج ۲ / ۴۱۱، و کامل الزیارات ص ۲۷۵ و مکارم الاخلاق طبرسی ص ۱۶۷.

۲ - وسائل الشیعه حرعاملی ج ۳۶۵/۵، و من لا یحضره الفقیه ابن بابویه قمی ج ۱ / ۲۶۸.

۳ - بحار الانوار ج ۱۳۲/۸۸.

۴ - المزار المفید ص ۱۴۴.

۵ - بحار الانوار ج ۳۶۸/۸.

می‌کند، و در آخرت هم به جهنم می‌روند، و با کفار برای همیشه در دوزخ می‌مانند، و با این نظریه بین روایات متضاد تلفیق می‌شود، چنان که مفید و شهید ثانی به آن اشاره کرده‌اند»^۱.

۲- می‌گویند: به اجماع رأی، اهل سنت کافر و پلید هستند، جزائری گفته: «آن‌ها به اجماع علمای شیعه امامیه؛ کافر و نجس هستند، و از یهود و نصارا بدترند»^۲.

۳- نماز خواندن بر آن‌ها جایز نیست و حیوانی که آن‌ها ذبح کنند حلال نیست. خمینی می‌گوید: «بنا به صحیح‌ترین قول نماز خواندن بر هر مسلمانی واجب است، حتی بر مخالفان حق، و بر کافر با همه اقسام آن جایز نیست، و نیز جایز نیست بر کسانی که به کفر آن‌ها حکم شده همچون نواصب (اهل سنت)»^۳.

و نیز گفته: «ذبیحه همه فرقه‌های اسلامی حلال است، جز ناصبی؛ گرچه به اسلام تظاهر کند»^۴.

۴- می‌گویند: اهل سنت اولاد زنا هستند.

شیخ و امام علمای شیعه کلینی از ابی جعفر روایت کرده که (به افترای آن‌ها) گفته: سوگند به خدا که همه مردم جز شیعیان ما زنازاده هستند»^۵.

و عیاشی از از جعفر بن محمد علیه السلام روایت کرده که گفت: «هر نوزادی وقتی که به دنیا می‌آید حتماً شیطانی نزد او حاضر می‌شود، اگر فهمید که از شیعیان ماست، شیطان او را از آن ابلیس حفظ می‌کند، و اگر از شیعیان ما نبود؛ شیطان انگشتی را آنقدر در کون (عقب) پسر بچه نگه می‌دارد تا مابون و زن‌صفت شود، و اگر دختر بچه بود انگشتش را در جلو او قرار می‌دهد تا فاحشه شود»^۶.

۵- می‌گویند: آن‌ها بوزینه و خوک هستند»^۷.

۱ - بحار الانوار ج ۳۶۸/۸، ۳۷۰.

۲ - الانوار النعمانیة ج ۲۰۶/۲ - ۲۰۷.

۳ - تحریر الوسیله ج ۷۹/۱ ج ۱۴۶/۲.

۴ - تحریر الوسیله ج ۱۷۴/۲ (القول فی الذبابة و الکلام فی الذابیح و آلة الذبیح...).

۵ - الروضة کافی کلینی ص ۱۳۵.

۶ - تفسیر العیاشی ج ۲۳۴/۲ ح ۷۳ (سورة الرعد)، تفسیر البرهان ج ۱۳۹/۲.

۷ - بحار الانوار ج ۲۷/۲۹ - ۳۰.

۶- می‌گویند کشتن و ترور کردن اهل سنت واجب است: «به ابی عبدالله گفتم: در مورد کشتن ناصبی چه می‌گویی؟ گفت: خونش مباح است، ولی نگران خودت هستم، اگر توانستی بر او مسلط شوی دیواری روی او منهدم کن، یا او را در آب غرق کن تا به قتل او علیه تو گواهی داده نشود، گفتند: در مورد خوردن مالش چه می‌گویی؟ گفت: اگر میتوانی مالش را بخور»^۱.

و در روایتی دیگر آمده است: «بر شما لازم است آن‌ها را ترور کنید»^۲.

۷- واجب بودن سرقت اموال اهل سنت:

روایت کرده‌اند: «هرجا مال ناصبی را یافتی بردار اما یک پنجم آن را بپرداز»^۳.

و روایت کرده‌اند: «مال ناصبی و همه مملکات او حلال است»^۴.

۸- مخالفت با آن‌ها واجب است:

صدوق شیعه از علی ابن اسباط روایت کرده که گفت: «به رضا گفتم: مسئله‌ای پیش می‌آید و من حکم آن را نمی‌دانم و در آن شهر که من هستم کسی از هواداران تو نیست که در باره‌اش از او فتوا بخواهم، چکار کنم؟ گفت: نزد فقیه (سنی) آن شهر برو و سؤال کن، او به تو هر فتوایی داد بر خلاف آن عمل کن چون حق در مخالفت با آن است»^۵.

۱ - المحاسن النفسانية حسين ال عصفور بحراني ص ۱۶۶، و وسايل الشيعه ج ۳۷۶/۱۸، ۳۳۱/۴۶۳
 ۲ - منابع پیشین و در روزنامه الشرق الاوسط شماره ۶۸۶۵ یکشنبه ۱۴۱۸/۵/۱۳ هـ این خبر آمده بود که : پسته‌هایی که از ایران وارد دولت امارات می‌گردد با ماده (افلانوکسین) که ماده‌ای سرطان زاست آلوده هستند.

۳ - تهذيب الأحكام ج ۸۴۹/۴ (كتاب الزكاة ح ۷ باب الخمس والغنائم)، السرائر ص ۴۸۴ لابن إدريس الحلبي، وسائل الشيعة ج ۲۹۸/۱۷-۲۹۹ (ح ۱ باب حکم مال الناصب وامرأته ودمه)، الأنوار النعمانية ج ۳۰۸/۲ (ظلمة حالكة في بيان أحوال الصوفية والنواصب).

۴ - تهذيب الأحكام ج ۱۵۴۰/۶ (كتاب المكاسب ح ۲۷۵ باب المكاسب)، وسائل الشيعة ج ۲۹۹/۱۷ ح ۲ (باب حکم مال الناصب وامرأته ودمه).

۵ - تهذيب الاحكام ج ۲۹۴/۶، و وسائل الشيعة ج ۱۱۵/۲۷، و علل الشرائع ج ۵۳۱/۲، و رسالة التعادل والترجيح ص ۸۲.

و از امام صادق روایت کرده‌اند که در مورد دو حدیث که با یکدیگر متضاد هستند گفت: «هر دو حدیث را بر روایات عامه عرضه کنید، حدیثی را که با روایات آن‌ها موافق بود ترک کنید، و آنچه را با روایات آن‌ها مخالف بود بگیرید»^۱.

۹- لعن و نفرین اهل سنت را بزرگترین عبادت به حساب آورده‌اند:

شیخ محد حسن نجفی گفت: «بلکه هجو و ناسزاگویی آن‌ها در ملاء عام از بهترین عبادت‌ها است مگر این که تقیه کردن مانع باشد، و بهتر از همه غیبت کردن آن‌ها است به روشی که همه شیعیان در همه عصرها و سرزمین‌ها بدان روش عمل کرده‌اند، بطوری که همه کاغذها را از آن پر کرده‌اند، و اصلاً این غیبت نزد آن‌ها برترین طاعت و کامل‌ترین تقرّب است. پس جای تعجب نیست که ادعا شود در این مورد اجماع حاصل شده، همانگونه که برخی گفته‌اند، و حتی می‌توان این نکته را از ضروریات و بدیهات دین برشمرد، چه رسد به اینکه قطعی و حتمی است»^۲.

بارها هم گفته شده که منکر ضروریات دین نزد آن‌ها کافر است.

چرا شیعه گاهی بر جنازه سنی نماز می‌خوانند؟

جای دارد کسی سؤال کند: پس چرا مشاهده می‌کنیم برخی از شیعیان اثنی عشری در مسجد الحرام و مسجد نبوی بر جنازه اهل سنت نماز می‌خوانند؟ جواب این است: تا علیه آن‌ها دعا کنند!^۳.

مرجع شیعه ابن بابویه قمی گفت: «اگر مردم از مخالفان ما بود؛ بعد را تکبیر چهارم بگو: خدایا این بندهات را خوار و رسوا کن، و او را به آتش انداز، و عذاب شدید و مجازات سخت خود را به او بچشان، خدایا عذاب را برایش تخفیف نده، و او را وارد آتش کن، و درونش را مملو از آتش گردان، و قبرش را تنگ کن، چون او علیه اولیای تو تجاوز کرده، و ولایت دشمنانت را داشت، خدایا عذابش را تخفیف نده و عذاب را

۱ - علل الشرائع قمی ص ۵۳۱، و وسائل الشیعه ج ۱۱۸/۲۷.

۲ - جواهر الکلام ج ۶۲/۲۲ لشیخهم النجفی.

۳ - فروع الکافی ج ۱۲۲/۳ (کتاب الجنائز، باب الصلاة علی الناصب).

روی او بریز. وقتی جنازه برداشته شد بگو: خدایا او را رفعت و بلندی نده، و از گناهش پاک نکن»^۱.

و شیخ مفید گفته: «برای هیچ کس از اهل ایمان (شیعه) جایز نیست که مخالفین حق در ولایت را غسل دهد، و بر او نماز بخواند مگر از جهت تقیه ضرورتی در کار باشد، در آن صورت با روش غسل اهل خلاف او را غسل دهد، و چیزی از پوستش را از او باقی نگذارد، و اگر بر او نماز خواند بر او لعنت بفرستد و برایش دعای خیر نکند»^۲.

اما چرا بزرگان شیعه با اهل سنت چنین رفتار می‌کنند؟

شیخ طوسی پاسخ داده: «چون مخالف اهل حق کافرند، پس واجب است با حکم کافر با او رفتار کرد»^۳.

نکاح موقت از دیدگاه شیعه

س ۱۵۴ - آیا علمای شیعه در مورد فضیلت ازدواج موقت روایاتی دارند، و حکم کسی که آن را انکار کند چیست؟

ج - با دروغ و افتراء به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند که گویا گفته: «هرکس با زن مؤمنی صیغه (ازدواج موقت) کند مثل این است که هفتاد بار کعبه را زیارت کرده باشد»^۴.

و نیز به ایشان نسبت داده‌اند: «وقتی به معراج برده شدم؛ جبرئیل به من ملحق شد و گفت: ای محمد خدا فرموده: از تمام کسانی از امت تو گذشتم که با زنان متعه کنند»^۱.

۱ - فقه الرضا لابن بابویه ص ۱۷۸ (باب الصلاة علی المیت).

۲ - المقنعة ص ۸۵ شیخ مفید، تهذیب الأحکام ج ۲۲۵/۱ (کتاب الطهارة ح ۱۴۹ باب تلقین المحتضرن...).

۳ - تهذیب الأحکام ج ۲۲۵/۱ (کتاب الطهارة ح ۱۴۹ باب تلقین المحتضرن...)، و مصباح التهجد ص ۲۵۲ طوسی، الکافی ص ۱۵۷ ابی صلاح حلبی ت ۴۴۷، غنیة النزوع ص ۱۰۴ ابن زهرة حلبی ت ۵۸۵، الجامع للشرایع یحیی بن سعید حلبی ت ۶۹۰ ص ۱۲۱ (باب صلاة الجنابة)، کفایة الأحکام ص ۲۲ سبزواری ت ۱۰۹۰، غنائم الأيام ج ۳/۴۷۹-۴۸۰ میرزای قمی ت ۱۲۲۱، وسائل الشیعة ج ۲/۷۶۹-۷۷۱ (باب کیفیت الصلاة علی المخالف و کراهة الفرار من جنازته إذا کان یظهر الإسلام)

۴ - کشف الاسرار موسوی ص ۳۵.

و سید و سرور شیعه فتح الله کاشانی از پیامبر ﷺ (به دروغ) روایت کرده که گفت: «هرکس یک بار صیغه کند؛ درجه و مقام او همچون درجه و مقام حسین ﷺ خواهد بود، هر کس دو بار صیغه کند مقامش همچون مقام و رتبه حسن خواهد بود، و هرکس سه بار صیغه کند مقام و درجه او به مقام علی ابن ابی طالب می‌رسد، و هرکس چهار بار صیغه کند؛ مقام او به مقام من می‌رسد»^۲.

و ایمان انسان مؤمن کامل نمی‌شود تا متعه نکند! روایت کرده‌اند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَكْمُلُ حَتَّى يَتَمَتَّعَ»^۳.

و در مورد کسی که ازدواج موقت را قبول نکند حکم کرده‌اند که او کافر است! شیخ شیعه عاملی می‌گوید: «چون مباح بودن ازدواج موقت از ضروریات مذهب امامیه است»^۴.

و چنانچه پیشتر گفته شده به اعتقاد آن‌ها مُنکر ضرورت کافر است.
تناقض:

روایت کرده‌اند که امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ گفت: رسول خدا ﷺ در روز خیبر گوشت الاغ‌های اهلی و ازدواج موقت را حرام کرد^۵.
و ابو عبدالله ﷺ را درباره ازدواج موقت پرسیدند، در پاسخ گفت: «خودت را با آن آلوده نکن»^۶.

صیغه با دختر بچه شیرخوار و...

س ۱۵۵- آیا نزد علمای شیعه صیغه با دختر شیر خوار و زن زناکار و با زن و دخترش جایز است؟

۱ - من لا يحضره الفقيه ج ۳/ ۷۲۲ (کتاب النکاح ح ۱۹ باب المنعة).

۲ - منهج القاصدين کاشانی، ص ۳۵۶.

۳ - من لا يحضره الفقيه ج ۳/ ۷۲۳ (کتاب نکاح ح ۳۱ باب متعة).

۴ - وسائل الشیعه ۴۴۱ / ۷.

۵ - تهذيب الاحکام ۲ / ۱۸۴، وسائل الشیعه ۴۴۱ / ۷.

۶ - بحار الانوار ۱۱۰ / ۳۱۸، مستدرک الوسائل ۱۴ / ۴۵۵، و النوادر اشعری، ص ۸۷.

ج - بله، امام خمینی می‌گوید: «سایر لذت جویی‌هایی همچون لمس کردن با شهوت و به آغوش گرفتن، و چسپاندن ران، حتی با کودک شیر خوار اشکالی ندارد»^۱.
و شیخ طوسی گفته: «در مورد اجازه داشتن متعه با زن فاحشه روایت نقل شده، مگر اینکه روسپی‌گری او مانع باشد»^۲.

و در مورد ازدواج موقت با زن زناکار و روسپی می‌گوید: «صیغه کردن زن روسپی با کراهت جایز است ... و اگر زن روسپی را صیغه کرد باید او را از زنا و فاحشه بازدارد»^۳.

و بارها زنی را همراه با مادرش، یا دو خواهر، یا با عمه و خاله در صیغه جمع جمع کرده‌اند بدون اینکه از آن خبر داشته باشند، حتی آخوندهای بزرگشان چنین کاری کرده‌اند بطوری که با زنی صیغه کرده و از او دختری به دنیا آمده، و بعد از چند سالی دختر بزرگ شده (بدون اینکه دختر و پدر همدیگر را بشناسند) آقا با دختر هم نکاح عقد موقت بسته^۴.

خُمس

س ۱۵۶- خُمس چیست و علمای شیعه در مورد آن چه دیدگاهی دارند؟
ج- خمس مالیات و خراجی است که علمای شیعه ادعا می‌کنند متعلق به ائمه آنهاست، و روایتی ساخته‌اند که می‌گوید: «خُمس دادن به ما فرض است»^۵.
و از جمله اسباب و انگیزه‌های ابداع و اختراع خُمس از جانب علمای این بود که (با تطمیع) علما و طلاب علوم دینی را فریب دهند و به شیعه بگردند»^۶.

۱- تحریر الوسیله ج ۲/ ۲۹۲ المسألة : ۱۸.

۲ - تهذیب الأحکام ج ۷/ ۱۷۰۵- ۱۷۰۶ (کتاب النکاح ح ۱۴ باب تفصیل احکام النکاح).

۳ - تحریر الوسیله خمینی ۲ / ۲۴۱ و ۲۹۲ .

۴ - عالم شیعی موسوی در کشف الاسرار و تبرئه ائمه الاطهار این را گفته است، ص ۴۶ .

۵ - وسائل الشیعه حرعاملی ۴ / ۳۳۷، من لایحضره الفقیه ۱ / ۱۳، الخصال ابن بابویه قمی ۱ / ۱۳۹

و تفسیر عیاشی ۷ / ۳۹، البرهان بحرانی ۲ / ۸۸ .

۶ - ن ک اصول کافی کلینی ۲ / ۲۴۴ .

و از ابو بصیر روایت است که گفت: «در مورد ساده‌ترین چیزی که انسان را به دوزخ می‌برد سؤال کردم؟ امام گفت: خوردن یک درهم از مال یتیم، و ما یتیم هستیم»^۱.

و در روایتی آمده: «پراختن خمس کلید روزی شما است»^۲.
توضیح:

ضریس کنانی از ابو عبدالله روایت کرده که گفت: «آیا می‌دانی چگونه زنا در میان مردم شایع شد؟ گفتم: فدایت شوم نمی‌دانم، گفت: از طریق خمس ما اهل بیت، زیرا خمس فقط برای پاکترین شیعیان ما است، و آنان را حلال زاده می‌کند»^۳.
و علمای شیعه در کتاب‌های معتبرشان ثابت کرده‌اند که ائمه‌ایشان شیعیان خود را از پرداخت خُمس معاف کرده‌اند^۴.

ولی علمایشان در آن وقت آن را به زمان غیبت مقید کرده و گفته‌اند تا وقتی که مهدی از مخفیگاهش بیرون بیاید شیعیان از دادن خمس معاف هستند، ولی مهدی موهوم هرگز نمی‌آید».

شیخ یحیی حلی گفته: «برای هیچ کس جایز نیست در خمس بدون اجازه امام در حضور او تصرف کند، اما در حال غیبت امام برای شیعیان آن‌ها تصرف در همه حقوق‌شان، از خمس و ازدواج و تجارت و مسکن و غیره جایز است. و امام صادق گفته: «هر زمینی که در تصرف شیعیان ماست تا زمان قیام قائم ما برایشان حلال است، و این کرم و فضل ایشان است»^۵.

مراحل تحوّل در خُمس

۱ - وسائل الشیعه ۴ / ۳۷۴، و من لایحضره الفقیه ۱ / ۱۳، مفتاح الکتب الاربعه محمود موسوی ۱۱ / ۲۵۹.

۲ - تهذیب الاحکام ۱ / ۳۸۹، الاستبصار ۲ / ۵۹، و وسائل الشیعه ۴ / ۳۷۵، الکافی ۱ / ۵۴۷، مفتاح الکتب الاربعه ۱ / ۲۵۷.

۳ - کافی ۲ / ۵۰۲.

۴ - اصول کافی ج ۲ / ۲۶۸ و ۲۰۲.

۵ - الجامع للشرائع یحیی حلی ص ۱۵۱ (باب الخمس والأطفال وقسمتها)، و شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، اثر نجم الدین حلی ت ۶۷۶ ص ۱۸۲-۱۸۳ (کتاب الخمس).

س ۱۵۷- لطفاً به طور خلاصه تحولات و تغییرات را که علمای تاجر مذهب شیعه در خمس بوجود آورده‌اند را بیان کنید؟

ج * - تغییر اول: بعد از قطع سلسله امامت دروغین و غیبت مهدی موهوم گفتند: خمس فقط حق امام غایب است؟! آنگاه بیش از بیست دزد به پا خاستند و ادعا کردند که امام موهوم مخفی آن‌ها را جانشین خود کرده تا خمس را از مردم بگیرند، و به زیر زمین محل اختفای او برسانند!!

* -مرحله دوّم: نایبان امام به خاطر دزدی و چپاول خود با همدیگر حسادت ورزیدند و گفتند: پرداخت خمس واجب است اما نه به نایب‌های امام، بلکه خمس باید جدا شود و در زیر زمین دفن گردد! تا وقتی که امام مخفی از مخفیگاه بیرون می‌آید و آن را برمی‌دارد.

* - سپس برای بار سوّم مسئله تغییر کرد و گفتند: پرداخت خمس واجب است، اما نباید در زمین دفن شود، بلکه باید آن را نزد مرد امانتداری گذاشت، و امانتداری کامل جز در میان فقهای شیعه یافت نمی‌شود، و فقیه شیعه خمس را به مهدی غایب خواهند رساند.^۱

* - باز برای بار چهارم آن را تغییر دادند و گفتند: پرداخت خمس به فقهای مذهب شیعه واجب است، نه برای این که آن را نگهداری کنند، بلکه باید آن را به فقرای اهل بیت که مستحق هستند بدهند!^۲

* - سپس در مرحله پنجم خمس را به فقها تحویل می‌دادند تا در هر جا که مناسب می‌دانند خرج کنند، مثلاً برای نشر کتاب‌های شیعه، و ابتدا بیشترین سهم را خود برمی‌داشتند!^۳ خصوصاً که همه فقهای شیعه ادعا می‌کنند از اهل بیت هستند!! و هنگامی که برخی از پیروان‌شان از سپردن و واریز کردن این مبالغ به حساب فقها سرباز زدند، روایتی دیگر ساختند مبنی بر اینکه: «هرکس یک درهم یا کمتر از یک درهم خمس را پرداخت نکند؛ اسم او در لیست کسانی درج می‌شود که به اهل بیت

۱ - المهدب سبزواری ۸ / ۱۸۰ .

۲ - الوسیله ابن حمزه، ص ۶۸۲ .

۳ - العروة الوثقی محسن حکیم ۹ / ۵۸۴ .

ظلم کرده‌اند، و حقوقشان را غصب نمودند، و هر کسی عدم پرداخت خمس را حلال بداند کافر است»^۱.

رقابت شدید بین علمای شیعه بر سر چگونگی بدست آوردن مبالغ بیشتر از خمس پدید آمد، و آشکارا اعلام کردند که هرکس خمس را پرداخت کند تخفیف زیادی برایش قائل خواهیم شد!!

و این رقابت‌های شرافتمندانه تجاری بین علمایشان تا جایی افزایش یافت که این فقیه و عالم پنجاه درصد تخفیف می‌داد و آن یکی بیشتر و ... و همین طور^۲.
آخرین وضعیت خمس در سال‌های اخیر (و در زمان) این است که فتوا داده‌اند که هرکس می‌خواهد عازم سفر حج یا عمره باشد؛ باید همه دارایی خود را قیمت‌گذاری کند سپس خمس آن را به فقهای شیعه بدهد، در غیر این صورت حج او باطل است!!^۳.

ضربه کمر شکن

از عبدالله بن سنان روایت کرده‌اند که گفت: از ابو عبدالله شنیدم گفت: «خمس فقط در مال غنیمت واجب است»^۴.

وسخن آخر در مورد دیدگاه علمای شیعه در رابطه با خمس این است که آن‌ها این مسأله را از علمای مسیحی قرون وسطای اروپا برگرفته‌اند که پیروان کلیسا را ملزم کرده بودند یک دهم باج و مالیات خود را به کشیش‌ها بپردازند.

(ویلز مسیحی) می‌گوید: «کلیسا پیروان و رعیت را به پرداخت یک‌دهم سرمایه مجبور کرده بود، و این مبلغ را به عنوان حق خود طلب می‌کرد نه به عنوان کمک و همکاری»^۵.

بیعت با امام از دیدگاه شیعه

۱ - العروة الوثقی ۲ / ۲۶۶.

۲ - کشف الاسرار موسوی، ص ۷۴.

۳ - مناسک الحج اثر استاد عمای شیعه در این عصر و کسی که او را به امام اکبر لقب می‌دهند یعنی موسوئی خوئی ص ۲۲.

۴ - من لا یحضره الفقیه ج/۱۳، وتهذیب الاحکام ج ۳۸۴/۱ والاستبصار ج ۵۶/۲، و وسائل الشیعه ج ۳۳۸/۴.

۵ - معالم تاریخ الانسانیه ج ۸۹۵/۳.

س ۱۵۸- عقیده علمای مذهب شیعه در مورد بیعت چیست؟

ج - شیعه از ابو جعفر روایت کرده‌اند که گفت: «هر پرچمی که قبل از پرچم قائم برافراشته شود؛ صاحب آن طاغوت است»^۱.

و در رابطه با کسی که به دادگاه‌ها و حکام اهل سنت جهت داوری و دادخواهی مراجعه کند گفته‌اند: «هرکس برای گرفتن حق یا باطلی به دادگاه‌های اهل سنت مراجعه کند؛ در حقیقت پیش طاغوت رفته است، و آنچه برای او حکم شود، گر چه حق ثابت او باشد؛ بر او حرام است، چون آن را بر اساس حکم و قضاوت طاغوت گرفته است»^۲.

آیت شیعه خمینی در توضیح این روایت گفت: «امام خود از مراجعه به پادشاهان وقاضیان آن‌ها نهی کرده، و مراجعه به آن‌ها را مراجعه به طاغوت به حساب آورده است»^۳.

و علمای شیعه فتوا داده‌اند که کار کردن در حکومت‌های اهل سنت جایز نیست به شرط این که توطئه‌ای علیه حکومت و اهل سنت برنامه ریزی کند و به آن‌ها زیان برساند، و منافی عاید شیعه گردد، و گر نه کار کردن پیش آن‌ها برابر با کفر ورزیدن به خداوند بزرگ است!!

بنابراین روایتی ساخته و پرداخته‌اند مبنی بر اینکه: «وارد شدن به نظام و حکومت ایشان و کمک کردن به آن‌ها و تلاش برای رفع نیازهای آنان برابر با کفر است، و نگاه کردن عمدی به آن‌ها از جمله گناهان کبیره‌ای است که سزاوار دوزخ است»^۴.

س ۱۵۹- آیا برای شیعه جایز است که قبل از ظهور قائم موهوم با یکی از حکام بیعت کنند؟

۱ - الکافی با شرح مازندرانی ج ۳۷۱/۱۲ وسائل الشیعه حرعاملی ج ۹۲/۱۵، الغیبه نعمانی ص ۲۹، بحارالانوار مجلسی ج ۹۱۳/۲۵، ومستدرک الوسائل نوری ج ۳۴/۱۱، و شارح کافی می‌گوید: گرچه بلند کننده پرچم به حق دعوت دهد.

۲ - الکافی ج ۶۷/۱ وتهذیب الاحکام طوسی ج ۳۰۱/۶.

۳ - الحکومة الاسلامیة ص ۳۳ - ۳۴ و ۷۴.

۴ - تفسیر عیاشی ۱ / ۲۳۸.

ج - نصوصی که علمای شیعه از امامان‌شان روایت می‌کنند بیش از یازده قرن است که هر شیعه‌ای را فرامی‌خوانند با هیچیک از خلفای مسلمین بیعت نکنند مگر از روی تقیه، و می‌گویند: بر شیعه‌ها واجب است که هر صبح با قائم بیعت تازه کنند. یکی از دعا‌های علمای شیعه دعای عهد است که در آن آمده است: «بار خدایا در این صبح و تا وقتی که زنده هستیم عهد و پیمان و بیعت خود را با او (امام) تجدید می‌کنم، و عهد او در گردن من است، هرگز آن را از گردنم در نمی‌آورم...»^۱.
 علت چیست؟

شیخ معاصر شیعه محمد جواد مغنیه پاسخ داده و می‌گوید: «تشیع در هر حال به مبارزه با حکامی می‌پردازند که فاقد نص و حکمت و اولویت و ... باشد، بنابراین آن‌ها از نظر دین و ایمان همواره حزب مخالف بوده‌اند»^۲.

فعالیت شیعه در حکومت مسلمانان

س ۱۶۰- چه وقت برای شیعه جایز است نزد خلفای مسلمین کار کند؟

ج - خمینی می‌گوید: «اگر هدف از کار کردن در دستگاه‌های ستمگران انتقام گرفتن از حکام ستمگر، یا انقلاب و شورش علیه آن‌ها باشد طبیعی است که اسلام به آن اجازه می‌دهد، بلکه کار کردن و وارد شدن به آن نظام‌ها گاهی واجب است، و ما در این مورد اختلاف نداریم»^۳.

و می‌گوید: «از جمله تقیه جایز این است که همراهی شیعه با کاروان شاه و حکومت و وارد شدن ظاهری او کمکی برای اسلام و مسلمین باشد، مثل وارد شدن نصیر الدین طوسی (به حکومت اهل سنت)»^۴.

و شیخ معاصر شیعه عبدالهادی فضلی می‌گوید: «زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی با فعالیت سیاسی از طریق ایجاد آگاهی، و افزایش بینش سیاسی، و انقلاب مسلحانه انجام می‌گیرد»^۱.

۱ - مفتاح الجنان عباس قمی ص ۵۳۸ - ۵۳۹.

۲ - الشیعه والحاکمون محمد مغنیه ص ۲۴.

۳ - ولایة الفقیه خمینی، ص ۱۴۲ - ۱۴۳.

۴ - حکومت اسلامی خمینی، ص ۱۴۲.

بارزترین فتوحات شیعه در تاریخ

س ۱۶۱ - لطفاً مهم‌ترین فتوحات اسلامی را که در طول تاریخ شیعه انجام داده‌اند نام ببرید؟

ج - شیعه حتی یک وجب از خاک سرزمین کفر را فتح نکرده، بلکه تا جایی که توانسته‌اند سرزمین‌های مسلمین و راز و اسرارشان را در اختیار کفار - از هر دینی که بوده باشند - قرار داده‌اند، و تاریخ گواه این قضیه است، از آن جمله اینکه: یکی از علمایان شیعه در مورد آنچه استاد او ابو طاهر قرمطی علیه بیت الله الحرام و کعبه مشرفه و حجاج بیت الله در سال ۳۱۷ هجری کرده است را چنین ذکر می‌کند: «حجاج بیت الله الحرام سالم به مکه رسیدند و آنان که از راه‌های دور و درازی آمده بودند ناگهان دیدند که در روز هشتم ذی الحجه ابو طاهر قرمطی به آن‌ها حمله‌ور شد، و اموال آنان را به غارت کرد و تعداد زیادی از حجاج را در مکه و دره‌های آن و در مسجدالحرام و در داخل حرم کعبه به قتل رساند، و قرمطی بر درب کعبه نشست و حجاج در اطراف او در خون خود می‌غلتیدند و از دم تیغ گذرانیده می‌شدند و او می‌گفت:

انالله وبالله انما یخلق الخلق وأفیئهم أنما

«سوگند به خدا که من مردم را می‌آفرینم، و من آن‌ها را فنا و نابود می‌کنم.» سپس قرمطی دستور داد کشته شدگان را در چاه زمزم دفن شوند و تعداد زیادی از آن‌ها در محل کشته شدنشان در حرم و در مسجدالحرام دفن گردیدند، همچنین قبه زمزم را منهدم کرد و دستور داد کعبه را از جای برکنند و پوشش آن را در آورد و آن را تکه تکه کرد و بین همراهانش تقسیم نمود، و به مردی دستور داد تا بالای کعبه رفته و میزاب آن را در آورد، وقتی بالای کعبه رفت از آن به سر به زمین افتاد و بلافاصله به هلاکت رسید، در این وقت قرمطی از بیرون آوردن میزاب خود داری کرد. سپس دستور داد که حجر الاسود از جا در آورده شود، آنگاه یکی از سربازانش با ابزار سنگینی که در دست داشت بر حجرالاسود کوبید و گفت: کجا هستند پرندگان ابابیل، کجا هستند سنگ گل‌ها، سپس حجرالاسود را بیرون آورد، و آن را با خودشان بردند و

بیست و دو سال حجرالاسود نزد آن‌ها باقی ماند. در آن سال کسی حج نکرد چون مردم از وقوف به عرفه منع شدند^۱.

و همچنین کاری که شیخ شیعه ابن علقمی وزیر خلیفه مستعصم عباسی کرد، و نیز فعالیت‌ها و تلاش‌هایی که نصیرالدین طوسی برای براندازی و از هم پاشیدن لشکر اسلام تلاش کردند و بسیاری از افراد لشکر اسلام مستقر در بغداد را طرد کردند و آمار نیروها را کاهش دادند، بطوری که تعداد افراد لشکر را به ده هزار نفر تقلیل دادند، سپس با تاتارها نامه‌نگاری کردند و ضعف کشور و اسرار نظامی را برایشان توضیح دادند، و آن‌ها را به اشغال و سقوط بغداد امیدوار کردند، و وقتی که لشکر تاتار هجوم آورد ابن علقمی خلیفه مسلمین را از جنگیدن با آن‌ها بازداشت و گفت: آمدن تاتار به مصلحت ماست، و خلیفه را قانع کرد تا به همراه افراد خواص خود و همراه او برای صلح به استقبال تاتار برود، و از سوی دیگر ابن علقمی و برادرش طوسی به تاتار اشاره کردند که صلح نکنید، بلکه خلیفه و همراهانش را به قتل برسانید. بنابراین خلیفه و همراهانش کشته شدند، سپس تاتار به بغداد هجوم آورد و زنان و مردان بغداد را قتل عام کردند، و کسی جز کافران ذمی از یهودی و مسیحی در میان مردم بغداد نجات نیافتند؟!!

تاتارهای مغولی حدود یک میلیون مسلمان را در بغداد به خاک و خون کشیدند و در تاریخ اسلام هیچ فاجعه‌ای همچون فاجعه هجوم تُرک‌های کافر موسوم به تاتار سهمگین نبوده است، آن‌ها هاشمی‌ها را کشتند و زنان عباسی و غیر عباسی را به اسارت در آوردند^۲!

اما با این وجود؛ علمای شیعه استاد خود ابن علقمی و دوستش طوسی را گرامی می‌دارند، و کاری را که علیه مسلمین کردند شاهکاری بزرگ به حساب می‌آورند. مجلسی استاد خود نصیر الدین طوسی را اینگونه تحسین کرده است: «و شیخ اعظم نصیر الدین طوسی محمّد بن حسن طوسی وزیر سلطان هولاکو بود»^۳.

۱ - ن ک کتاب المسائل العکبریه مفید ص ۸۴-۱۰۲ .

۲ - مختصر اخبار الخلفاء ۱۳۶-۱۳۷ ابن ساعی شیعه واعیان الشیعه محسن الامین ج ۱/۳۰۵ .

۳ - بحار الانوار مجلسی، ص ۱۰۶ - ۱۲، ن ک کشف الیقین، ص ۸۰ حسین بن یوسف بن علی مطهر حلی .

و خمینی می‌گوید: «مردم با نبود خواجه نصیر الدین طوسی و افرادی چون او که خدمات بزرگی به اسلام کرده‌اند احساس کمبود می‌کنند»!^۱.

پیش از او استادش خوانساری در بیان شرح حال نصیر طوسی از خدمات او پرده برداشته و گفته است: از جمله امور مشهور و معروف این است که او بدیدار سلطان محتشم هولاکوخان رفت و از او درخواست کرد با آمادگی کامل به بغداد حمله‌ور شود و با نابود کردن پادشاه عباسی و قتل عام پیروان آنان و توده مردم، بندگان را راهنمایی کند و شهرها را اصلاح و آباد نماید، تا اینکه خون پلیدشان را چون نهر جاری کرد و خونشان را در دجله ریخت و از آنجا راهی سرای هلاکت و آتش جهنم گردید»^۲.

و شیخ و مرجع دیگر شیعه ابن یقطین وزیر خلیفه هارون الرشید در یک شب پانصد نفر از مسلمین را به قتل رسانید.

عالم شیعه الجزائری می‌گوید: «در روایات آمده که علی بن یقطین؛ وزیر هارون الرشید؛ گروهی از مخالفان را در زندانش گردآورد و به سربازانش دستور داد سقف زندان را روی زندانیان تخریب و منهدم کنند که در نتیجه همه آن‌ها مردند که تقریباً پانصد نفر بودند»^۳.

و این سلطان اعظم شیعه شاه عباس اول بود که وقتی بغداد را فتح کرد؛ دستور داد قبر ابوحنیفه رضی الله عنه را به محل قضای حاجت تبدیل کنند، و دو قاطر را وقف کرد و دستور داد آن‌ها را در چهار راه بازار ببندند تا هر کس نیاز به دستشویی داشت سوار بر یکی از آن قاطرها برای قضای حاجت (و تخلیه شکم) خویش بر قبر آن عالم بزرگوار رفته و قضای حاجت کند. تا اینکه روزی از خادم قبرستان پرسید اینجا خدمت چه می‌کنی در حالی که ابوحنیفه اکنون در پایین‌ترین نقطه دوزخ قرار دارد؟ او هم گفت: در این قبر پدر بزرگ تو مرحوم شاه اسماعیل وقتی بغدا را فتح کرد سگ سیاهی را دفن کرده، چون استخوانهای ابوحنیفه را بیرون آورد، و در جای او سگ سیاهی را دفن کرد، پس من در خدمت آن سگ هستم».

۱ - حکومت اسلامی، ص ۱۲۸ .

۲ - روضات الجنات فی احوال العلماء السادات، محمد باقر خوانساری متوفای ۱۱۲۵ هجری ۶ / ۳۰۰، ۳۱، ن ک وسائل الشیعه حر عاملی ۳ / ۴۸۳، الکنی و الالقب عباس قمی ۱ / ۳۵۶ .

۳ - الانوار النعمانیة الجزائری ج ۲ / ۳۰۸ .

سپس شیخ شیعه جزایری در توضیح آن گفته: «او در سخنش راستگو بود، چون مرحوم شاه عباس چنین کاری کرد»^۱.

آیا شیعه با ما مشترکات دینی دارند؟

س ۱۶۲- و در پایان، آیا خدا و پیامبر و امام ما و علمای شیعه یکی است؟
ج- امام شیعه نعمت الله جزائری این سؤال را اینگونه پاسخ داده است: «خدا و پیامبر و امام ما با خدا و پیامبر و امام آنها یعنی (اهل سنت) یکی نیست، خدای آنها کسی است که محمد پیامبرش بوده و جانشین پیامبرش ابوبکر است، ما نه آن پروردگار را قبول داریم و نه آن پیامبر، بلکه می‌گوییم: خدایی که جانشین پیامبرش ابوبکر است؛ خدای ما نیست و آن پیامبر هم پیامبر ما نیست»^۲.

۱ - الأنوار النعمانية ج ۲/ ۳۲۴.

۲ - الأنوار النعمانية ج ۲ / ۲۷۸ - ۲۷۹.

قسمت آخر

برادر مسلمانم: بعد از این بررسی کوتاه که در راستای شناخت عقیده شیعه امامیه انجام شده؛ بدان که در میان ما و فرقه‌های مخالف قرآن و سنت ملاقات و دیدار جز بر اساس اصول و قواعد شرعی جایز نیست که در این آیه منصوص است؛ آنجا که خداوند متعال فرموده:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾﴾ [آل عمران: ٦٤].

یعنی: «بگو: ای اهل کتاب! بیائید به سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است (و همه آن را بر زبان می‌رانیم، بیائید بدان عمل کنیم، و آن این) که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را، به جای خداوند یگانه، به خدائی نپذیرد. پس هرگاه (از این دعوت) سر بر تابند، بگوئید: گواه باشید که ما منقاد (اوامر و نواهی خدا) هستیم».

و این اصول عبارتند از: پابندی به توحید و پرهیز از شرک ورزیدن به خدا و اطاعت از خداوند متعال در حکم و تشریح، و پیروی از خاتم پیامبران محمد ﷺ. بنابراین باید این آیه شعار هر مجادله و گفتگویی باشد که بین مسلمین و اهل کتاب، و بین اهل سنت و دیگر فرقه‌های منتسب به اسلام انجام می‌شود، و هر تلاشی جهت محقق کردن غیر از این اصول صورت گیرد باطل است ... باطل است ... باطل است^۱.

شیعیان امروز ادعا می‌کنند با مسلمانان اختلافی ندارند و از مسلمین می‌خواهند که به کتاب‌های آن‌ها مراجعه کنند. چگونه مسلمین می‌توانند به کتاب‌های شیعه اعتماد کنند و از آن‌ها استفاده نمایند، حال آنکه در این کتاب‌ها روایات متعددی وجود دارد که کتاب خدا را ناقص و تحریف قلمداد می‌کنند، و به آن طعنه می‌زنند و

۱- ن ک الابطال للنظريه الخلد بين دين الاسلام و غيره من الاديان عتر شيخ بكر ابوزيد شفا الله تعالى، ص ۲۹.

می‌گویند: «کتاب خدا ناقص و تحریف شده است!». چگونه ما و شیعه می‌توانیم بر محور کتاب خدا جمع شویم در حالی که آن‌ها تفسیرهای انحرافی و باطنی از قرآن ارائه می‌دهند، و سپس چگونه مسلمین می‌توانند ادعاهای شیعه را باور کنند که می‌گویند: بعد از قرآن کتاب‌های آسمانی و الهی بر ائمه ایشان نازل شده است. چگونه ما می‌توانیم با شیعه بر محور سنت جمع شویم که آن‌ها ادعا می‌کنند گفته‌های ائمه ایشان همچون کلام خدا و پیامبرش می‌باشد، و می‌گویند: پیامبر ﷺ بخشی از شریعت را پنهان کرده و آن را به ائمه سپرده است، و به حکایات سند و امضاء و رقعها ایمان دارند و دین‌شان را بر اساس آن بنا می‌کنند، و روایات دروغگویان و فریبکاران را می‌پذیرند، و به بهترین و برگزیده‌ترین انسان‌ها بعد از پیامبران طعنه می‌زنند، و همسر بزرگوار رسول ربّ العالمین را به زنا متهم کرده و بر ایشان طعنه می‌زنند.

چگونه ما و شیعه به هم نزدیک می‌شویم در حالی که آن‌ها اجماع را قبول ندارند و عمداً با مسلمین مخالفت می‌ورزند، چون معتقدند که مخالفت با مسلمین راه درست و هدایت است. چگونه ما و شیعه می‌توانیم متحد شویم و حال آنکه آن‌ها همه مسلمین و در رأس آنان صحابه رسول خدا ﷺ خصوصاً سه خلفه‌ی راشد و همسران پیامبر ﷺ را کافر می‌دانند.^۱

چگونه می‌توانیم به شیعه نزدیک شویم و با آن‌ها متحد شویم، حال آنکه می‌گویند: «خدا و پیامبر و امام ما با خدا و پیامبر و امام اهل سنت یکی نیست، و می‌گویند: خدای اهل سنت کسی است که محمد پیامبر او می‌باشد، و ابوبکر خلیفه پیامبرش است، و ما چنین خدا و پیامبری را قبول نداریم، بلکه می‌گوییم: «خدایی که خلیفه‌ی پیامبرش ابوبکر است؛ خدای ما نیست، و آن پیامبر هم پیامبر ما نیست».^۲

این اُمَّت مورد مرحمت خداست

بدانید که این اُمَّت هرگز بر گمراهی اتفاق نخواهد کرد.^۳

الحمدلله همواره در میان این اُمَّت اسلام گروهی برحق خواهند بود تا وقتی که قیامت بر پا می‌شود، گروهی از اهل علم و قرآن و هدایت و بیان و روشنگری که

۱ - مسألة التقريب بين اهل سنت و الشيعة ناصر قفاري ج ۱ / ۳۷۵ - ۳۹۰ با اندکی تصرف .

۲ - الانوار النعمانية ج ۲ / ۲۷۸ - ۲۷۹ .

۳ - حدیث ابن عمر روایت ترمذی ج ۲۱۶۷ و آلبنانی آن را المشک ج ۱۱/۳ صحیح قرار داده است .

تحریف افراطی‌ها و ادعای ناروای جعل‌کنندگان آثار و تأویل جاهلان را از آن می‌زدایند، بنابراین تعلیم و روشنگری و خیرخواهی و نصیحت و راهنمایی و جلوگیری از تجاوز متجاوزان به دین اسلام و وظیفه و مسئولیت همه ما مسلمانها است. و هرکس که بر حذر داشت به راستی که بشارت داده است^۱.

«و خداوند هر کسی را که بخواهد خوشبخت کند او را توفیق عنایت می‌کند که از آنچه دیگران بدان آن مبتلا شده‌اند عبرت بگیرد، و راه کسانی را در پیش می‌گیرد که خداوند آنان را یاری کرده است و از راه کسی که خداوند او را خوار و ذلیل کرده پرهیز می‌نماید...»^۲.

بار خدایا از ارتداد و از مبتلا شدن به فتنه به تو پناه می‌بریم^۳.

رئیس کمیته دائم افتا در کشور عربستان سعودی شیخ عبدالله بن باز و نایب او شیخ عبدالرزاق عقیفی رحمهما الله و اعضای آن؛ شیخ عبدالله غدیان - وفقهم الله - در فتوای شماره ۷۸۰۸ می‌گویند: «فرقه‌های دروز، نصیری، اسماعیلیه و دیگر کسانی که در راه آن‌ها پیموده‌اند؛ همچون بابیه و بهائی‌ها نصوص قرآن و سنت را بازیچه خویش قرار داده‌اند، و آئین و دستوراتی برای خود ساخته‌اند که خداوند به آن فرمان نداده است، و در تحریف و تغییر راه یهود و نصارا را در پیش گرفته‌اند و از هوای نفس خود پیروی کرده و از رهبر فتنه اول عبدالله بن سبأ حمیری که در رأس بدعت‌گذاری و گمراه کردن و ایجاد فتنه بین مسلمین قرار داشت؛ تقلید نموده‌اند، شر و بلای ابن سبأ گروه‌های زیادی را در برگرفت، و بعد از پذیرفتن اسلام کافر شدند و به علت آن بین مسلمین تفرقه ایجاد شد، بنابراین دعوت تقریب بین این گروه‌ها و بین مسلمین راستین و واقعی؛ دعوتی بی‌فایده است، و تلاش برای نزدیک کردن این فرقه‌ها با مسلمین تلاشی شکست خورده می‌باشد، چون این فرقه‌ها در انحراف و الحاد و کفر و گمراهی و دشمنی با مسلمین و توطئه علیه آنان همچون یهودیان هستند گرچه

۱ - الإبطال للنظریه الخلط بین دین الاسلام وغیره من الادیان شیخ بکرابو زید شفاه الله تعالی .

۲ - اثنین مجموع الفتاوی ۳۸۸/۳۵.

۳ - از دعای ابن ابی ملیکه رضی الله عنه (بخاری ج ۶۶۴۱ باب ما جاء فی قول الله تعالی: لا واتقوا فتنه لا نصین

الذین ظلموا منکم خاصة). و ما کان النبی صلی الله علیه و آله یخدر من الفتن و مسلم ۲۲۹۳ باراثبات حوض

نبینا صلی الله علیه و آله وصفاته .

اهداف و امیال آنان و قضایایی که با آن درگیر هستند متفاوت است، بنابراین همچون یهود و نصارا هستند.

بعد از جنگ جهانی دوم؛ گروهی از علمای دانشگاه ازهر مصر با آخوندهای شیعه قم ایران برای تقریب تلاش کردند، و تعداد اندکی از علمای بزرگ و صادق و پاکدل فریب این ادعا را خوردند، و مجله‌ای صادر کردند و آن را تقریب نامیدند، اما دیری نگذشت که قضیه برای فریب خوردگان روشن شد، و کار گروه تقریب به شکست انجامید، جای تعجب هم نیست، چون قلب‌ها از هم فاصله زیاد دارند و افکار متضادند، و عقایدشان با همدیگر متناقض‌اند و هرگز دو چیز ضد و نقیض جمع نمی‌شوند.^۱ و شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمته را پرسیدند:

س ۷ - با توجه به شناختی که جنابعالی از تاریخ رافضه دارید موضع شما در مورد تقریب بین اهل سنت و آن‌ها چیست؟

ج - تقریب بین اهل سنت و رافضه ممکن نیست، چون عقیده‌ها با هم فرق دارند، اهل سنت به توحید خداوند و خاص کردن عبادت برای الله تعالی، و به اینکه هیچ فرشته و پیامبر همراه خدا به فریاد خوانده نمی‌شود، و فقط خداوند غیب می‌داند معتقدند، و همچنین اهل سنت صحابه را دوست دارند، و ایمان دارند که اصحاب بعد از پیامبر بهترین افراد این امت هستند، و برترین آن‌ها ابوبکر، سپس عمر و سپس عثمان و سپس علی رضی الله عنه می‌باشد، و عقیده رافضه برعکس عقیده اهل سنت است، بنابراین جمع کردن میان آن دو امکان ندارد، و همانطور که نمی‌توان یهود و نصارا و بت پرستان را با اهل سنت جمع کرد، تقریب بین رافضه و اهل سنت هم ممکن نیست.

س ۸ : آیا می‌توان برای ضربه زدن به دشمن خارجی همچون کمونیسم و غیره ت با آن‌ها عامل و همراهی کرد؟

ج ۸ - به نظر من این کار ممکن نیست، بلکه اهل سنت متحد شود و رافضه را به آنچه قرآن و سنت بر آن دلالت دارد دعوت دهند، و وقتی رافضه به آن پایبند شدند برادر ما هستند، و بر ما همکاری کردن با آن‌ها واجب می‌شود، اما وقتی که بر عقاید خود همچون دشمنی با صحابه و ناسزا گفتن به آن‌ها، و دشنام دادن به صدیق و عمر

و عموم اهل بیت همچون علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اصرار می‌ورزند، و معتقدند که دوازده امام معصومند و غیب می‌دانند، همه این چیزها باطل‌ترین باطل هستند، و مخالف با عقیده اهل سنت و جماعت می‌باشند.^۱

از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در میان ما ایستاده سخنرانی کرد و فرمود: هان آگاه باشید ترس از مردم فردی را از گفتن حقی که می‌داند باز ندارد، می‌گوید: آنگاه ابو سعید گریست و گفت: سوگند به خدا چیزهایی دیدیم و ترسیدیم»^۲.

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر قومی بدعتی را پدید آورند، خداوند در مقابل سنتی را از قلب آن‌ها در می‌آورد»^۳.

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته را لازم بگیرید؛ و به آن تمسک جوئید، و با دندان به آن چنگ بزنید و از بدعت‌ها دوری کنید، که هر چیز تازه ایجاد شده‌ای در دین بدعت است، و هر بدعتی گمراهی است»^۴.

و شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله: گفت: «برحذر داشتن مسلمین از بدعت‌ها و از کسانی که به بدعت‌ها معتقدند به اتفاق مسلمین واجب است»^۵.

و کتابم را با حدیث حذیفه بن یمان رضی الله عنه پایان می‌دهم که فرمود: مردم در مورد نیکی از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسیدند، و من او را از شر می‌پرسیدم از بیم اینکه مبادا مرا بگیرد، بنابراین عرض کردم: ای رسول الله ما در جاهلیت و شرارت به سر می‌بردیم، آنگاه خداوند این خیر را برای ما آورد، آیا بعد از این خیر شری هست؟

۱ - مجموع فتاوی ابن باز ج ۱۳۰/۵ - ۱۳۱.

۲ - احمد ج ۱۱۵۱۶ ابن ماجه، ج ۴۰۰۷، ترمذی ۲۱۹۱، آلبنی در الصحیحه، ش ۱۶۸ آنرا صحیح دانسته است.

۳ - روایت امام أحمد ج ۱۶۹۷۰ حافظ ابن حجر اسنادش را جید توصیف کرده، ت ۸۵۲ فتح الباری ج ۲۶۷/۱۳.

۴ - ابوداود، ج ۴۶۰۷ و ابن ماجه، ج ۴۲ و ترمذی ک العلم، ج ۲۶۷۶ و گفته است این حدیث حسن صحیح است و حاکم در مستدرک سند آن را صحیح قرار داده است ۱ / ۹۵ - ۹۶ و آلبنی آنرا صحیح دانسته است (ابن ماجه ۴۲).

۵ - مجموع فتاوی، ج ۲۸ / ۲۳۱.

پیامبر ﷺ فرمود: بله! گفتم: آیا بعد از آن شر خیری هست؟ فرمود: بله، و در آن دود و غباری هست؟ گفتم: دود و غبار آن چیست؟ فرمود: قومی می آیند که به غیر از سنت من عمل می کنند، و به غیر از رهنمود من راهنمایی می کنند، بعضی کارهایشان درست است و بعضی نادرست! گفتم: آیا بعد از این خیر شری هست؟ فرمود: بله، دعوت گرانی بر درهای جهنم خواهند بود، هر کسی دعوت آنان را بپذیرد او را به جهنم می برند! گفتم: ای رسول خدا آن‌ها را برای ما توصیف کن؟ فرمود: قومی هستند از ما و به زبان ما سخن می گویند! گفتم: ای رسول خدا به نظر شما اگر این زمان مرا فرا گرفت چه کار کنم؟ فرمود: همراه جماعت مسلمین و امامشان باش! گفتم: اگر مسلمین جماعت و امامی نداشتند؟ گفت: از همه این فرقه‌ها کناره‌گیری کن حتی اگر بر ریشه درختی چنگ زده باشی تا اینکه مرگ تو فرا رسد و تو بر آن حالت باشی^۱.

ابو العالیه می گوید: اسلام را یاد بگیرید، وقتی آن را یاد گرفتید؛ از آن روی گردانی نکنید، و بر شما لازم است صراط مستقیم را انتخاب کنید که اسلام است، و از آن به چپ و راست منحرف نشوید، و بر شما لازم است که از سنت پیامبرتان ﷺ پیروی کنید، و از این هوا پرستی‌ها بپرهیزید.

در کلام ابی العالیه تأمل کنید، چه سخن بزرگ و مهمی است و چقدر او زمانش را شناخته است که از هواپرستی بر حذر می دارد؛ که هرکس از آن پیروی کند از اسلام رویگردان شده است، و اسلام را به سنت تفسیر می کند، و از این می ترسد که تابعین و علمایشان از قرآن و سنت فاصله بگیرند، وقتی در سخن او تأمل کنید معنی آیات الهی را می فهمی که می فرماید:

﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ قَالَ أَسْلَمْتَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: ۱۳۱].

یعنی: «آنگاه که پروردگارش بدو گفت: اخلاص داشته باش گفت: خالصانه تسلیم پروردگار جهانیان گشتم».

و می فرماید:

﴿وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۲].

یعنی: «و ابراهیم فرزندان خود را به این آئین سفارش کرد، و یعقوب طفت: ای فرزندان من! خداوند، آئین (توحیدی اسلام) را برای شما برگزیده است. و نمیرید جز این که مسلمان باشید».

و فرمود:

﴿وَمَنْ يَرْغَبُ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ﴾ [البقرة: ۱۳۰].

یعنی: «چه کسی از آئین ابراهیم رویگردان خواهد شد مگر آن (نادانی) که خود را خوار و کوچک داشته».

این اصول مهم و امثال آن که اصل اصول هستند؛ ولی مردم از آن غافل‌اند و باشناخت این اصول؛ معنی احادیثی که در این مورد هستند روشن می‌گردد، اما فردی که این آیات و احادیث را می‌خواند مطمئن است که شامل او نمی‌شوند و فکر می‌کند که در مورد قومی گفته شده‌اند که از بین رفته! ﴿أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [الأعراف: ۹۹].

یعنی: «آیا آنان از چاره نهانی و مجازات ناگهانی خدا ایمن و غافل شده‌اند؟ در حالی از چاره نهانی و مجازات ناگهانی خدا جز زیانکاران (و از دست دهندگان عقل و انسانیت) ایمن و غافل نمی‌گردند!».

بار خدایا در این مورد هر مسلمانی را که قدر خویش را می‌داند و به الله عز و جل به عنوان پروردگار بر حق و به اسلام به عنوان یگانه دین حق و به محمد صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر ایمان دارد نصیحت می‌کنم بار خدایا گواه باشد.^۲

از اساتید و برادران طلبه‌ام خواهش می‌کنم که در بر حذر داشتن از بدعت‌ها بخصوص بدعت تقرب بین ادیان و تقرب بین فرقه‌های منتسب به اسلام بکوشند از خداوند متعال خواستارم مسلمانان گمراه را هدایت کند و عذاب را از ما و آن‌ها دور نماید، و ما و آنان را از توطئه دشمنان و از فتنه‌ها و زشتی‌های پنهان و آشکار نجات دهد، و همه ما را بر اسلام ثابت قدم و استوار بدارد.

و خاضعانه در پیشگاهش تمنا داریم که اخلاص در گفتار و کردار را به این بنده عنایت فرماید و نیتم را درست و فرزندانم را اصلاح نماید و خاتمه‌ام را نیک بگرداند، و

۱ - فضل الاسلام، شیخ محمد بن عبدالوهاب، ص ۲۸ - ۲۹.

۲ - کتاب الإبطال بکر ابو زید با اندکی تصرف.

مرا و پدر و مادر و خانواده‌ام و همه مسلمین را بیامرزد، بدون تردید او شنوای دعا است.

يارب لك الحمد كما ينبغي لجلال وجهك و عظيم سلطانك و الحمد لله رب العالمين
و صلى الله و سلم على عبده و رسوله محمد و على آله و صحبه اجمعين.

مؤلف: عبدالرحمن بن شثري،

خداوند او و والدين و اولاد و اساتيد او همه مسلمين را بيامرزد. آمين.

این کتاب با استناد به اهم مراجع شیعه تدوین شده است

- ۱- أحسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعة، محمد مهدی کاظمی اصفهانی، چاپ حیدریه نجف، چاپ ۲ سال ۱۳۸۸ .
- ۲- إحقاق الحق وإزهاق الباطل، نور الله حسینی شوشتری، تستری، تعلیق: شهاب الدین النجفی، چاپ اسلامی تهران.
- ۳- أحكام الشیعة، میرزا حسن حائری، کتابخانه إمام جعفر صادق، الکویت، چاپ ۳ سال ۱۳۹۶ .
- ۴- أصول الکافی، محمّد کلینی، انتشارات مرتضی بیروت لبنان، چاپ اول ۱۴۲۶ .
- ۵- أصول الفقه، محمد رضا المظفر، چاپ نجف ۱۳۸۲ .
- ۶- أصل الشیعة وأصولها، محمّد حسین آل کاشف الغطاء، تحقیق: علاء آل جعفر، مؤسسه امام علی علیه السلام، چاپ تحقیقات دوّم ۱۴۱۷ .
- ۷- إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسین طبرسی، تصحیح وتعلیق: علی غفاری، دار المعرفه، بیروت ۱۳۹۹ .
- ۸- أعیان الشیعة، محسن أمین عاملی، کتابخانه بن زیدون، دمشق .
- ۹- إقبال الأعمال مضممار السبق فی میدان الصدق، رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، نشر: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۴ .
- ۱۰- إرشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، چاپ نجف سال ۱۳۵۳ .
- ۱۱- أمالی صدوق، محمّد بن علی بن بابویه قمی، تحقیق: پژوهش‌های اسلامی مؤسسه بعثت، قم، چاپ اول ۱۴۱۷ هـ .
- ۱۲- أمل الآمل فی علماء جبل عامل، محمّد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق: أحمد حسینی، کتابخانه أندلس بغداد، چاپ تحقیقات اول ۳۸۵۱ .
- ۱۳- أوائل المقالات فی المذاهب المختارات، شیخ مفید، دار المفید دار نشر و توزیع بیروت، لبنان، چاپ دوّم ۱۴۱۴ .
- ۱۴- الأنوار النعمانیة، نعمت الله جزایری، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ چهارم ۱۴۰۴ .

۱۵- الإمام الصادق، محمد حسین مظفر، چاپ دار الزهراء بیروت، چاپ سوّم ۱۳۹۷.

۱۶- الأملی، شیخ مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات جمعی از مدرسین حوزه علمیه قم، کتابخانه اسلامی ۱۴۰۳.

۱۷- الأملی، مرجع شیعه ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: پژوهشهای اسلامی، مؤسسه بعثت چاپ و نشر و توزیع، دار الثقافة، چاپ اوّل ۱۴۱۴.

۱۸- الاحتجاج، أحمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، تعلیق محمد باقر خراسان، انتشارات دارالنعمان، نجف ۱۳۸۶.

۱۹- الاختصاص، تألیف محمد بن نعمان عبکری بغدادی ملقب به شیخ مفید، تصحیح و توضیح: علی اکبر غفاری، انتشارات جمعی از مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۰- الإرشاد، شیخ مفید، تحقیق: مؤسسه آل بیت، چاپ و نشر دار المفید ۱۴۱۳.

۲۱- الأرض والتربة الحسينية، محمد حسین آل کاشف الغطاء، دار التعارف، بیروت.

۲۲- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن خراسان، دار صعب، دار التعارف، بیروت، ناشر: کتابخانه اسلامی تهران، چاپ ۳ سال ۱۳۹۰.

۲۳- الاستغاثة فی بدع الثلاثة، ابی قاسم علی بن أحمد کوفی، انتشارات کتابهای علمی قم.

۲۴- الإسلام علی ضوء التشیع، حسین خراسانی، بدون ذکر چاپ یا تاریخ چاپ

۲۵- الاعتقادات معروف به عقاید شیعه یا دین امامیه ابن بابویه قمی، چاپ ایران ۱۳۲۰.

۲۶- الألفین فی إمامة أمير المؤمنين علی بن ابی طالب، حسن بن مطهر حلی، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ سوّم سال ۱۴۰۲.

۲۷- إلیزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، علی حائری، انتشارات اعلمی بیروت چاپ چهارم ۱۳۹۷.

۲۸- الآیات البینات فی قمع البدع والضلالات، محمد حسین آل کاشف الغطاء، انتشارات مرتضی، بیروت.

- ۲۹- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، چاپخانه علمی قم، ایران .
- ۳۰- البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی کتکانی، چاپ تهران چاپ ۲
- ۳۱- البیان فی تفسیر القرآن، ابو القاسم موسوی خوئی، مؤسسه علمی، بیروت، چاپ سوّم سال ۱۳۹۴ .
- ۳۲- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ سوّم سال ۱۴۰۳ .
- ۳۳- بشارة المصطفى لشعبة المرتضی، أبی جعفر محمد بن أبی قاسم طبری، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته جماعت مدرسین قم، چاپ اوّل ۱۴۲۰ .
- ۳۴- بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد، أبی جعفر محمد بن حسین بن فروخ صفار، با مقدمه و توضیح و تصحیح : حاج میرزا محسن، انتشارات علمی، تهران ۱۳۶۲ .
- ۳۵- التوحید، ابن بابویه قمی، تصحیح و توضیح: هاشم حسینی تهرانی، انتشارات جمعی از مدرسین حوزه علمیه قم .
- ۳۶- التنبيه والإشراف، علی بن حسین مسعودی، دار صعب، بیروت .
- ۳۷- تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، علی حسینی أستر آبادی نجفی، تحقیق ونشر : مدرسة إمام مهدي حوزه علمیه قم، با نظارت محمد باقر بن مرتضی موحد ابطحی اصفهانی، چاپ اوّل ۱۴۰۷ .
- ۳۸- تاریخ الإمامیة وأسلافهم من الشيعة، عبدالله فیاض، مؤسسه علمی، بیروت، چاپ دوّم سال ۱۳۹۵ .
- ۳۹- تاریخ الغيبة الكبرى، محمد باقر صدر، کتابخانه ألفین کویت چاپ دوّم سال ۱۴۰۳ .
- ۴۰- تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر معروف به یعقوبی، انتشارات بیروت ۱۴۰۰ .
- ۴۱- تحریر الوسيلة، خمینی، چاپ دوّم، کتابخانه آداب نجف ۱۳۹۰ .

- ۴۲- تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ابی محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ دؤم ۱۴۰۴، مؤسسه نشر اسلامی، تابعه جماعت مدرسین قم، ایران.
- ۴۳- تحفة العوام مقبول، مطابق فتاوی شش نفر از آیات شیعه معاصر، ترتیب و تنظیم منظور حسین، لاهور پاکستان.
- ۴۴- تحفة العقول، حسن بن علی حرانی، مؤسسه علمی بیروت چاپ ۵ س ۱۳۹۴
- ۴۵- تصحیح الاعتقاد شیخ مفید، دار المفید، چاپ دؤم ۱۴۱۴.
- ۴۶- تفسیر الحسن بن علی العسکری، تحقیق و نشر: مدرسه امام مهدی، قم چاپ اول ۱۴۰۹.
- ۴۷- تفسیر الصافی، فیض کاشانی انتشارات کتابخانه صدر تهران ایران، چاپ سوّم ۱۳۷۹.
- ۴۸- تفسیر الصراط المستقیم، حسین بروجردی، تحقیق و تعلیق: غلام رضا بروجردی مؤسسه وفاء، بیروت، چاپ ۱ سال ۱۴۰۳.
- ۴۹- تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تصحیح و تعلیق: هاشم رسولی محلاتی، مؤسسه اعلمی بیروت لبنان، چاپ اول ۱۴۱۱.
- ۵۰- تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، چاپ اول ۱۴۱۰ تهران، ایران.
- ۵۱- تفسیر القرآن الکریم، عبد الله شبر، دار إحياء التراث العربی ۱۳۹۷ چاپ سوّم.
- ۵۲- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، تصحیح و تعلیق: سید طیب موسوی جزائری، دار السرور، بیروت، لبنان ۱۳۸۷ چاپ دؤم.
- ۵۳- تفسیر نور الثقلین، عبد الله بن جمعه حویری، تصحیح و تعلیق: هاشم محلاتی، چاپخانه علمی، قم ۱۳۸۵ چاپ دؤم.
- ۵۴- تلخیص الشافی، محمد بن حسن الطوسی، تعلیق: حسین بحر العلوم، دار الکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۹۴ چاپ سوّم.
- ۵۵- تنزیه الأنبياء، شریف مرتضی علی بن الحسین، انتشارات شریف راضی قم ایران.
- ۵۶- تنقیح المقال فی علم الرجال، عبد الله بن محمد بن حسن مامقانی، کتابخانه مرتضویه، نجف ۱۳۴۸.

- ۵۷- تهذیب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، انتشارات مرتضی لبنان بیروت، چاپ
اؤل ۱۴۲۸.
- ۵۸- تهذیب الوصول إلى علم الأصول، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، چاپ تهران
۱۳۰۸.
- ۵۹- ثواب الأعمال، ابن بابویه قمی، چاپ ایران ۱۳۷۵.
- ۶۰- حکومت اسلامی، خمینی، وزارت ارشاد جمهوریة اسلامی ایران.
- ۶۱- حصائل الفکر فی أحوال الإمام المنتظر، محمد صالح البحرانی، دار کتابخانه
الحیة، بیروت.
- ۶۲- حق الیقین فی معرفة أصول الدین، عبد الله شبر، دار الأضواء بیروت ۱۴۰۴
چاپ ۱.
- ۶۳- جامع الأخبار، ابن بابویه قمی، چاپ ایران ۱۳۵۴.
- ۶۴- جامع الرواة وإزاحة الاشتباهات عن الطرق والإسناد، محمد بن علی اردبیلی
غروی حائری، دار الأضواء، بیروت ۱۴۰۳.
- جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، تحقیق: محمد کلانتر، دار النعمان چاپ ۴.
- ۶۵- الجامع للشرائع، یحیی بن سعید حلّی، مؤسسه علمی سید الشهداء.
- ۶۶- جوابات أهل الموصل فی العدد والرؤية شیخ مفید، تحقیق: مهدی نجف.
- ۶۷- الخرائج والجرائح، سعید بن هبة الله بن حسن راوندی، تحقیق ونشر: مؤسسه
إمام مهدی، قم.
- ۶۸- الخصال، ابن بابویه قمی، تصحیح: علی اکبر غفاری، کتابخانه صدوق، تهران
۱۳۸۹.
- ۶۹- الخمينی والدولة الإسلامية، محمد جواد مغنیه، دار العلم ملايين بیروت،
۱۹۷۹م چاپ ۱.
- ۷۰- خصائص الأئمة عليهم السلام، شریف رضی تحقیق دکتر محمد هادی امینی،
بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ ونشر: آستان قدس رضوی ۱۴۰.
- ۷۱- الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ابی القاسم علی بن موسی ابن طاوس
حلّی، کتابخانه خیام قم ۱۳۹۹.
- ۷۲- الصوارم المهرقة فی جواب الصواعق المحرقة، قاضی نور الله تستری، تصحیح
جلال الدین محدث، تهران، چاپخانه نهضت.

- ۷۳- الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی تحقیق: محمد باقر بهبودی، کتابخانه حیدری، چاپ اول ۱۳۸۴.
- ۷۴- الصلة بین التصوف والتشیع، کامل مصطفی شیبی دار الأندلس، بیروت ۱۹۸۲ چاپ سوّم.
- ۷۵- صحیفة الأبرار میرزا محمد تقی، دار الجیل بیروت ۱۴۱۴.
- ۷۶- صحیفة كاملة لزیّن العابدین، طبعة : طبی کلکنه بالهند ۱۲۴۸.
- ۷۷- صراط الحق، محمد آصف محسنی کتابخانه نجف ۱۳۸۵.
- ۷۸- العیون والمجالس، شیخ مفید، بدون ذکر کتابخانه یا تاریخ چاپ.
- ۷۹- العروة الوثقی، محمد کاظم طباطبائی یزدی، وبا تعلیقات مراجع شیعه معاصر تحقیق و چاپ مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جمعی از مدرسین قم، چاپ اول ۱۴۱۷.
- ۸۰- علل الشرائع، ابن بابویه قمی، کتابخانه و چاپخانه حیدریه، ۱۳۸۵ چاپ دوّم .
- ۸۱- علی ومناوئوه، نوری جعفر، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۲.
- ۸۲- عمدة الزائر فی الأدعية والزیارات، حیدر حسینی کاظم، دارالتعارف، بیروت ۱۳۹۹ چاپ سوّم .
- ۸۳- عیون أخبار الرضا، ابن بابویه قمی تصحیح وتوضیح: حسین الأعلمی، چاپ مؤسسه اعلمی، چاپ اول ۱۴۰۴.
- ۸۴- عوالی اللآلی العزیزة فی الأحادیث الدینیة ابن أبی جمهور الأحسانی، تحقیق: حاج آقا مجتبی عراقی، کتابخانه سید الشهداء، قم، ایران، چاپ اول ۱۴۰۳.
- ۸۵- عقائد الإمامیة، لمحمد رضا المظفر، دار الغدیر، بیروت ۱۳۹۳.
- ۸۶- الغدیر، عبد الحسین امینی نجفی، کتابخانه الغری نجف، ۱۳۷۲ چاپ دوّم.
- ۸۷- الغیبة، محمد بن إبراهیم بن جعفر نعمانی، مؤسسه اعلمی بیروت ۱۴۰۳ چاپ اول.
- ۸۸- الغیبة، محمد بن جعفر بن حسن طوسی، تحقیق عبد الله تهرانی، و علی أحمد ناصح، مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ محققه اول ۱۴۱۱.
- ۸۹- سعد السعود، ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس حسینی، چاپخانه حیدریه نجف، چاپ اول ۱۳۶۹.
- ۹۰- سفینة البحار، عباس قمی، مؤسسه الوفاء، بیروت.

- ۹۱- الشیعة بین الأشاعرة والمعتزلة، هاشم معروف حسینی، دار القلم، بیروت ۱۹۷۸م ط ۱.
- ۹۲- الشیعة فی التاریخ، محمد حسین زین عاملی، دار الآثار، بیروت ۱۳۹۹ چاپ دوم.
- ۹۳- الشیعة فی عقائدهم وأحكامهم، امیر محمد کاظمی قزوینی، دار الزهراء، بیروت ۱۳۹۷ چاپ سوّم.
- ۹۴- الشیعة فی المیزان، محمد جواد مغنیه، دار التعارف بیروت.
- ۹۵- الشیعة والرجعة، محمد رضا طیبسی نجفی کتابخانه الآداب نجف ۱۳۸۵.
- ۹۶- الشیعة والسال فی المیزان، محاکمه بقلم س خ، نشر: نادى الخاقانى، دار الزهراء، بیروت ۱۹۷۷.
- ۹۷- شرح أصول الكافي، محمد صالح مازندرانی همراه با توضیحات میرزا أبو حسن الشعرانی، کتابخانه اسلامی تهران ۱۳۸۴.
- ۹۸- شرح نهج البلاغة، میثم بن علی بن میثم بحرانی، کتابخانه حیدریه تهران ۱۳۷۸.
- ۹۹- شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، دار إحياء الكتب العربیه عیسی البابی حلبی و شریک‌هایش، چاپ اوّل ۱۳۷۸.
- ۱۰۰- الفصول المختارة من العیون والمجالس، شیخ مفید، دار الأضواء بیروت ۱۴۰۵ چاپ ۴.
- ۱۰۱- الفصول المهمة فی أصول الأئمة، محمّد بن حسن حرّ عاملی، کتابخانه بصیرتی قم چاپ سوّم.
- ۱۰۲- الفضائل، ابن شاذان أبی الفضل شاذان بن جبرائیل قمی، انتشارات حیدریه و کتابخانه حیدریه در نجف سال ۱۳۸۱.
- ۱۰۳- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، مؤسسه وفاء، بیروت ۱۴۰۳ چاپ سوّم
- ۱۰۴- فقه الرضا ابن بابویه تحقیق: مؤسسه آل بیت احياء التراث قم نشر همایش جهانی امام رضا چاپ اوّل ۱۴۰۶.
- ۱۰۵- فرق الشیعة، حسن بن موسی نوبختی، دارالأضواء بیروت ۱۴۰۴ چاپ سوّم.
- ۱۰۶- فروع الكافي محمّد کلینی، انتشارات مرتضی بیروت لبنان، چاپ اوّل ۱۴۲۸.

- ۱۰۷- فصل الخطاب فی إثبات تحریف کتاب رب الأرباب، حسین بن محمد تقی نوری طبرسی چاپ ایران ۱۳۹۸ .
- ۱۰۸- قرب الإسناد، ابوالعباس عبدالله حمیری، تحقیق و نشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام إحياء التراث، قم چاپ اول ۱۴۱۳ .
- ۱۰۹- الدعوة الإسلامية إلى وحدة أهل السال والإمامية، ابی حسن خنیزی، کتابخانه التجاریه، بیروت ۱۳۷۶ .
- ۱۱۰- دائرة المعارف الشيعية، حسین امین، دارالتعارف بیروت، ۱۳۹۳ چاپ دوّم .
- ۱۱۱- درة نجفیه، یوسف بن أحمد بحرانی، تهران چاپ حجر ۱۳۱۴ .
- ۱۱۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت ارشاد اسلامی ایران .
- ۱۱۳- دلائل الإمامة، محمد بن جریر بن رستم طبری کتابخانه حیدریه النجف ۱۳۶۹
- ۱۱۴- دیوان شعراء الحسین، جلد اول از قسمت دوّم ویژه ادبیات عربی چاپ تهران ۱۳۷۴ .
- ۱۱۵- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، آغا بزرك تهرانی دار الأضواء، بیروت، چاپ سوّم سال ۱۴۰۳ .
- ۱۱۶- الرجال، احمد بن علی بن أحمد نجاشی چاپ ایران .
- ۱۱۷- الرجال، حسن بن علی بن داود حلّی هران ۱۳۸۳ .
- ۱۱۸- رجال الحلّی، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، کتابخانه حیدریه نجف ۱۳۸۱ چاپ دوّم .
- ۱۱۹- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، کتابخانه حیدریه ۱۹۶۱ م .
- ۱۲۰- رجال الكشي (اختيار معرفة الرجال): محمد بن حسن طوسی، که اصل آن از محمد بن عمر کشی است با تصحیح و توضیح میر داماد محمد باقر حسینی تحقیق: مهدی رجائی نشر: مؤسسه آل بيت کتابخانه بعثت قم تاریخ ۱۴۰۴ .
- ۱۲۱- رسالة فی التقيّة روح الله خمینی چاپخانه علمی، قم ۱۳۸۵ .
- ۱۲۲- روح الإسلام، سيد امير علی ترجمه أمين شريف کتابخانه نمونه ۱۹۶۱ م .
- ۱۲۳- روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات، محمد باقر خوانساری تحقیق: أسد الله إسماعيلیان کتابخانه حیدریه ۱۹۵۰ م .

- ۱۲۴- روضة الواعظین، فتال نیشابوری کتابخانه حیدریه نجف ۱۳۸۶ تقدیم محمد مهدی سید حسن خرسان انتشارات رضی قم ایران.
- ۱۲۵- الزینة فی الکلمات الإسلامیة، احمد بن حمدان رازی اسماعیلی تحقیق عبد الله سامرایی با ضمیمه کتاب الغلو والفرق الغالیة، کتابخانه حکومت، بغداد ۱۳۹۲.
- ۱۲۶- الکنی والألقاب، عباس قمی کتابخانه عرفان صیدا .
- ۱۲۷- کمال الدین وتمام النعمة فی إثبات الرجعة، محمد بن حسین بن بابویه قمی، تصحیح و توضیح: علی أكبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۰۵.
- ۱۲۸- کتاب الرجعة، احمد احسائی دار العالمیه بیروت چاپ اول ۱۴۱۴.
- ۱۲۹- کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمد بن إدريس حلی تحقیق هیئت تحقیق مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ دوم ۱۴۱۰.
- ۱۳۰- کتاب الفهرست ندیم أبو الفرج محمد بن أبی یعقوب اسحاق، معروف به وراق تحقیق: رضا تجدد ابن علی بن زین العابدین حائری مازندرانی سال ۱۳۹۱.
- ۱۳۱- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه تحقیق: جواد قیومی مؤسسه نشر اسلامی چاپ اول ۱۴۱۷هـ..
- ۱۳۲- کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، تحقیق: محمد باقر الأنصاری الزنجانی، چاپ قم، مؤسسه نشر الهادی ۱۴۲۰.
- ۱۳۳- کشف الأسرار، خمینی، چاپ تهران ۱۳۶۳.
- ۱۳۴- کشف الاشتباه، عبد الحسین رشتی کتابخانه عسکریه تهران ۱۳۶۸.
- ۱۳۵- کشف الغطاء عن خفیات مبهمات الشریعة الغراء، جعفر خضر نجفی چاپخانه مرتضی ۱۳۱۷.
- ۱۳۶- کشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی أرملی توضیح هاشم رسولی، چاپخانه علمی، قم ۱۳۸۱.
- ۱۳۷- کنز الفوائد، محمد بن علی بن عثمان کراچکی چاپ ایران ۱۳۲۲.
- ۱۳۸- المعالم الزلفی فی بیان أحوال النشأة أول والأخری، هاشم بن سلیمان بحرانی کتکائی چاپ ایران ۱۲۸۸.

- ۱۳۹- المقالات والفرق، سعد بن عبدالله اشعری قمی، تصحیح وتعلیق: محمد جواد مشکور کتابخانه حیدری، تهران ۱۹۶۳م.
- ۱۴۰- المحاسن النفسانية فی أجوبة المسائل الخرسانية، حسین آل عصفور درازی بحرانی، انتشارات دار مشرق عربی بزرگ بیروت بحرین کویت امارات عربیه متحده.
- ۱۴۱- المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، نشر جماعت مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۴۲- المكاسب المحرمة، خمینی همراه با پاورقی مجتبی تهرانی مؤسسه اسماعیلیان چاپ و نشر وتوزیع، چاپ سوّم ۱۴۱۰.
- ۱۴۳- المراجعات، عبد حسین شرف الدین موسوی، تحقیق وتعلیق: حسین راضی چاپ دوّم بیروت ۱۴۰۲ چاپ با هزینه جمعیت اسلامی.
- ۱۴۴- مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار، عبد الله بن محمد شبر، مؤسسه نور بیروت چاپ دوّم ۱۴۰۷.
- ۱۴۵- مثير الأحزان، محمد بن جعفر بن أبی البقاء هبت الله بن نما حلی انتشارات کتابخانه حیدری نجف ۱۳۶۹.
- ۱۴۶- مائة منقبة فی فضائل ومناقب أمير المؤمنين والأئمة من ولده، محمد بن احمد بن حسن بن شاذان قمی، تحقیق و نشر مدرسه امام مهدی حوز علمیه قم إشراف محمد باقر بن مرتضی موحد ابطحی چاپ اوّل ۱۴۰۷ کتابخانه امیر قم.
- ۱۴۷- معانی الأخبار، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به صدوق تصحیح علی أكبر غفاری نشر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۱۳۷۹.
- ۱۴۸- مهج الدعوات ومنهج العبادات، رضی الدین علی بن موسی بن طاوس، مؤسسه علمی، بیروت ۱۳۹۹ چاپ سوّم.
- ۱۴۹- مهذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام، عبد الأعلى موسوی سیزاواری، کتابخانه الآداب نجف ۱۳۹۶.
- ۱۵۰- مناقب آل أبی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، چاپ ایران ۱۳۱۳.

- ۱۵۱- من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه قمی، دار صعب، دار التعارف بیروت ۱۴۰۱.
- ۱۵۲- مکارم الأخلاق، ابی نصر رضی الدین حسن بن فضل بن حسن طبرسی، چاپ ایران ۱۳۷۶.
- ۱۵۳- محاسن الاعتقاد فی أصول الدین، نشر مؤسسه مجمع البحوث العلمیه بحرین، چاپ اول ۱۴۱۴.
- ۱۵۴- مجالس الموحدين فی أصول الدین، محمد صادق بن محمد طباطبائی چاپ ۱۳۱۸.
- ۱۵۵- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسین طبرسی کتابخانه حیات بیروت.
- ۱۵۶- مرآة الأنوار ومشكاة الأسرار، معروف به مقدمة البرهان فی تفسیر القرآن، ابی الحسن شریف بن مولی محمد طاهر بناطی فتونی، کتابخانه آفتاب تهران ۱۳۷۴.
- ۱۵۷- مرآة العقول، محمد باقر مجلسی چاپ ایران ۱۳۲۵.
- ۱۵۸- مروج الذهب ومعدان الجوهر، علی بن حسین بن علی مسعودی، تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، دار الفکر ۱۳۹۳ چاپ پنجم.
- ۱۵۹- مسائل الإمامة و گزیده‌هایی از کتاب الأوسط فی المقالات، عبد الله بن محمد ناشی اکبر، تحقیق: یوسف فان، مؤسسه پژوهشهای شرقی آلمان، بیروت ۱۹۷۱ م.
- ۱۶۰- مستدرک الوسائل، حسین نوری طبرسی، کتابخانه اسلامی، تهران ۱۳۸۲.
- ۱۶۱- المصباح، ابراهیم بن علی کفعمی، چاپ: ایران ۱۳۲.
- ۱۶۲- مصباح المتهدج، طوسی، چاپ ایران ۱۳۳۸.
- ۱۶۳- مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار، عبدالله شبر، مؤسسه نور للمطبوعات، بیروت، لبنان.
- ۱۶۴- مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سلیمان حلی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف، چاپ اول ۱۳۷۰.
- ۱۶۵- مفاتیح الجنان، عباس قمی، دار التریبه بغداد.
- ۱۶۶- مفتاح الکتب الأربعة، محمود بن مهدی موسوی، دار الکتب العلمیه، قم، ایران کتابخانه آداب نجف ۱۳۸۶.

- ۱۶۷- مقتبس الأثر ومجدد ما دثر (دائرة المعارف) محمد حسين أعلمی حائری، مؤسسه أعلمی، بیروت.
- ۱۶۸- النوادر، لأحمد بن محمد بن عيسى الأشعری القمی، تحقیق ونشر : مؤسسة امام مهدي، قم كتابخانه أمير، قم، چاپ أول ۱۴۰۸.
- ۱۶۹- النکت الاعتقادية، شيخ مفيد، چاپ دوّم ۱۴۱۴ دار المفيد دار نشر و توزيع بيروت، لبنان.
- ۱۷۰- نهج المسترشدين في أصول الدين، حسن بن يوسف حلّی، تحقیق: احمد حسینی هادی يوسفی، مجمع ذخائر الإسلامی قم ایران.
- ۱۷۱- نور العين في المشی إلى زیارة قبر الحسين، محمد اصطهباناتی، دار الميزان بيروت، چاپ أول ۱۴۱۶.
- ۱۷۲- اللوامع النورانية في أسماء علی وأهل بيته القرآنية، هاشم حسینی بحرانی، چاپخانه علمی، قم ۱۳۹۴.
- ۱۷۳- الوسيلة إلى نیل الفضيلة، أبی جعفر طوسی معروف بابن حمزه، تحقیق : محمد حسون، نشر: كتابخانه مرعشی نجفی، قم، كتابخانه خیام ۱۴۰۸.
- ۱۷۴- الوافی، لفيض الكاشانی، الكتابخانه الإسلامية، تهران.
- ۱۷۵- ودايع النبوة في الولاية والمقتل، لهادی التهرانی، كتابخانه دار العلم ۱۳۹۱.
- ۱۷۶- وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشيعة، محمّد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق : عبد الرحيم الشيرازي، دار إحياء التراث العربي، بيروت ۱۴۰۳ ۵.
- ۱۷۷- اليتيمة والدرة الثمينة، هاشم البحرانی، تحقیق : فارس حسون، الأعلمی للمطبوعات، چاپ أول ۱۴۱۵.
- ینابيع المعاجز وأصول الدلائل، هاشم حسینی بحرانی، تحقیق: محمد بن حسن تفرشی مشهور به درودی، چاپخانه علمی، قم ایران.